



مرکز تحقیقات ایرانیکا

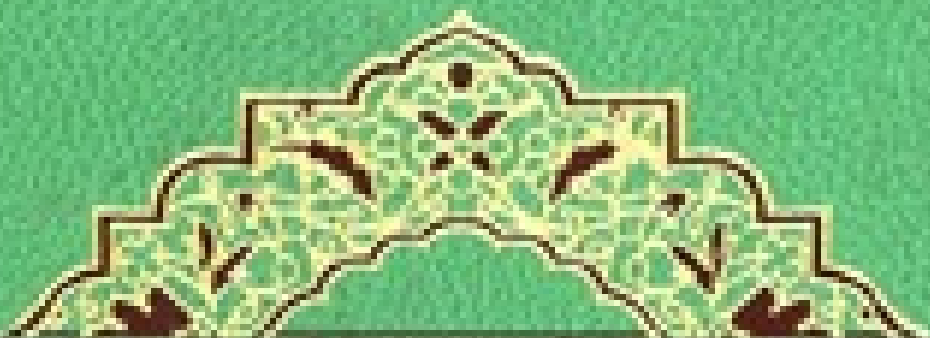
اصفهان

گامی



عمر الکرما
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



حکمت نامہ

عسکری بن مریم

فارس عربی

مترجمی شری

مترجم
میرزا حسن

اینگلیش
پروفیسر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حکمت نامه عیسی بن مریم علیهما السلام فارسی - عربی

نویسنده:

محمد محمدی ری شهری

ناشر چاپی:

موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۵	حکمت نامه عیسی بن مریم علیهما السلام فارسی - عربی
۱۵	مشخصات کتاب
۱۶	اشاره
۲۲	پیش گفتار
۲۲	اشاره
۲۳	حکمت، در قرآن و حدیث
۲۳	اقسام حکمت
۲۳	اشاره
۲۴	۱. حکمت علمی
۲۵	۲. حکمت عملی
۲۵	۳. حکمت حقیقی
۲۶	سرآمد حکیمان
۲۷	اندیشه تدوین حکمت نامه ها
۲۷	اشاره
۲۷	۱. ضرورت اتحاد جبهه ایمان، در برابر کفر و دنیا پرستی
۲۸	۲. ضرورت تأسی به پیامبران الهی
۳۱	عیسی علیه السلام، از پیامبران بزرگ الهی
۳۶	حکمت نامه عیسی بن مریم علیه السلام
۳۶	اشاره
۳۷	یک. حکمت های عقلی و علمی
۳۷	دو. حکمت های اعتقادی
۳۸	سه. حکمت های عبادی
۳۸	چهار. اخلاق و رفتار نیکو

۳۸	پنج اخلاق و رفتار زشت
۳۸	شش مَثَل ها و حکمت ها
۳۸	هفت اندرزهای خداوند به عیسی بن مریم علیه السلام
۳۹	تذکر مهم
۳۹	سپاس گزاری از همکاران
۴۲	فصل یکم: حکمت های عقلی و علمی
۴۲	۱/۱ تشویق به بینشوری و اندیشه ورزی
۴۴	۲/۱ فرا گرفتن علم و حکمت
۴۵	۳/۱ ما یَجِبُ عَلَی الْعَالِمِ
۴۶	۳/۱ وظایف دانشمند
۴۶	الف- آموزش دادن علم و حکمت
۵۰	ب- به کار بستن دانش خود
۵۲	ج- آموختن حکمت به شایستگان آن
۵۲	د- دوری از خودپسندی
۵۴	ه- عبرت آموزی از نادان
۵۴	و- فروتنی
۵۶	ز- نرم دلی
۵۶	ح- احتیاط
۵۶	۴/۱ گرامیداشت دانشمند
۵۸	۵/۱ نکوهش دانشمندان فاسد
۶۶	فصل دوم: حکمت های عقیدتی
۶۶	۱/۲ یگانگی خدا
۷۰	۲/۲ احساس نیاز به خداوند
۷۰	۳/۲ شناخت نشانه های دین
۷۲	۴/۲ سلامت دین
۷۲	۵/۲ سلامت در سه جایگاه

۷۴	۶/۲ اهمیت دادن به آخرت
۷۸	۷/۲ عذاب قبر
۸۰	۸/۲ حسابرسی روز رستاخیز
۸۲	۹/۲ هراس روز رستاخیز
۸۴	فصل سوم: حکمت های عبادی
۸۴	۱/۳ تشویق به عبادت
۸۴	۲/۳ آفت عبادت
۸۶	۳/۳ نماز
۸۸	۴/۳ نماز شب
۹۰	۵/۳ روزه
۹۰	۶/۳ یاد خدا
۹۲	۷/۳ آمرزش خواهی
۹۴	۸/۳ ستایش خدا
۹۴	۹/۳ اهل مسجد بودن
۹۶	۱۰/۳ دعا
۱۰۰	۱۱/۳ برخی از دعاهای عیسی بن مریم
۱۱۰	فصل چهارم: اخلاق و رفتاریکو
۱۱۰	۱/۴ شتافتن به سوی توبه
۱۱۲	۲/۴ پاک کردن دل
۱۱۲	۳/۴ اخلاص
۱۱۶	۴/۴ خدا دوستی
۱۱۸	۵/۴ دوستی بینوایان
۱۲۰	۶/۴ نفرت از گنه پیشگان
۱۲۰	۷/۴ پرهیزگاری
۱۲۴	۸/۴ توکل
۱۲۴	۹/۴ زهد

- ۱۰/۴ وا نهادن خواهش های دل ----- ۱۳۰
- ۱۱/۴ مبارزه با شیطان ----- ۱۳۲
- ۱۲/۴ آمادگی برای مرگ ----- ۱۴۲
- ۱۳/۴ گریستن از ترس خدا ----- ۱۴۴
- ۱۴/۴ شکیبایی ----- ۱۴۶
- ۱۵/۴ شرم کردن از خدا ----- ۱۴۶
- ۱۶/۴ شرم کردن از مردم ----- ۱۴۸
- ۱۷/۴ انصاف ----- ۱۴۸
- ۱۸/۴ مهربانی کردن به یکدیگر ----- ۱۴۸
- ۱۹/۴ سپاس گزاری ----- ۱۵۰
- ۲۰/۴ فروتنی ----- ۱۵۰
- ۲۱/۴ حلال خواری ----- ۱۵۲
- ۲۲/۴ نگران نبودن برای روزی ----- ۱۵۴
- ۲۳/۴ آمادگی برای تحقیر دشمنی مردم ----- ۱۵۶
- ۲۴/۴ انتقام نگرفتن ----- ۱۵۸
- ۲۵/۴ پند گرفتن و عبرت آموختن ----- ۱۵۸
- ۲۶/۴ آرزوی سازنده ----- ۱۶۰
- ۲۷/۴ خودداری از آزار رسانی ----- ۱۶۲
- ۲۸/۴ بی نیازی از مردم ----- ۱۶۴
- ۲۹/۴ همنشینی با نیکوکاران ----- ۱۶۴
- ۳۰/۴ ستم ستیزی ----- ۱۶۴
- ۳۱/۴ غنیمت شمردن فرصت ----- ۱۶۶
- ۳۲/۴ خوردن از دسترنج خود ----- ۱۷۰
- ۳۳/۴ کار نیک ----- ۱۷۲
- ۳۴/۴ اهمیت دادن به پایان کار ----- ۱۷۲
- ۳۵/۴ آشتی دادن مردم ----- ۱۷۲

- ۱۷۴ خدمت رسانی به مردم ۳۶/۴
- ۱۷۴ دلجویی از کسی که بر او خشم گرفته ای ۳۷/۴
- ۱۷۶ نیکی به کسی که بدی کرده ۳۸/۴
- ۱۷۸ انفاق در راه خدا ۳۹/۴
- ۱۸۲ امر به معروف و نهی از منکر ۴۰/۴
- ۱۸۴ نگه داشتن زبان ۴۱/۴
- ۱۸۸ ارزیابی سخن ۴۲/۴
- ۱۸۸ متعادل کردن اندوه و شادی ۴۳/۴
- ۱۹۰ خوش رویی ۴۴/۴
- ۱۹۰ مهمان نوازی ۴۵/۴
- ۱۹۰ شستن گوشت، پیش از پختن آن ۴۶/۴
- ۱۹۲ نیکی به حیوانات ۴۷/۴
- ۱۹۲ دیدن زیبایی هر چند در لاشهٔ سگ! ۴۸/۴
- ۱۹۴ فصل پنجم: اخلاق و رفتار زشت ۴۹/۴
- ۱۹۴ دنیا دوستی ۱/۵
- ۲۱۳ گناه ۲/۵
- ۲۱۵ وسوسهٔ درونی در نافرمانی خدا ۳/۵
- ۲۱۷ بدخلقی ۴/۵
- ۲۱۷ بدگمانی به خدا ۵/۵
- ۲۱۹ بدگمانی به مردم ۶/۵
- ۲۱۹ دورویی ۷/۵
- ۲۲۳ ناخرسندی از قضای خدا ۸/۵
- ۲۲۳ خشم ۹/۵
- ۲۲۵ بردباری ۱۰/۵
- ۲۲۵ آزمندی ۱۱/۵
- ۲۲۷ عیبجویی ۱۳/۵

- ۲۲۹ ۱۴/۵ خودپسندی
- ۲۳۳ ۱۵/۵ شهرت طلبی
- ۲۳۳ ۱۶/۵ رنجش از انتقاد و خوش حالی از ستایش
- ۲۳۳ ۱۷/۵ دروغ
- ۲۳۵ ۱۸/۵ ستایش دروغین
- ۲۳۵ ۱۹/۵ چشم چرانی
- ۲۳۷ ۲۰/۵ زنا
- ۲۳۹ ۲۱/۵ سوگند خوردن
- ۲۳۹ ۲۲/۵ انباشتن ثروت
- ۲۴۱ ۲۳/۵ پرخوری
- ۲۴۳ ۲۴/۵ شراب خواری
- ۲۴۳ ۲۵/۵ خنده بیجا
- ۲۴۳ ۲۶/۵ غم و شادی نابه جا
- ۲۴۷ فصل ششم: مَثَل ها و حکمت ها
- ۲۴۷ ۱/۶ مَثَل عالم بی عمل
- ۲۴۹ ۲/۶ مَثَل دانشمندان فاسد
- ۲۴۹ ۳/۶ مَثَل دل انسان حکیم
- ۲۵۱ ۴/۶ مَثَل حکمت، در دل آدمی
- ۲۵۱ ۵/۶ مَثَل کسی که حکمت را به نا اهل می سپارد
- ۲۵۵ ۶/۶ مَثَل دلی که با یاد مرگ، نرم نشود
- ۲۵۵ ۷/۶ مَثَل نیازمندی دل به پاکی
- ۲۵۷ ۸/۶ مَثَل عابد خودپسند
- ۲۵۷ ۹/۶ مَثَل آموختن حکمت از کسی که خود از آن بهره نمی برد
- ۲۵۷ ۱۰/۶ مَثَل دنیا
- ۲۵۹ ۱۱/۶ مَثَل بندگان دنیا
- ۲۶۱ ۱۲/۶ مَثَل منافق

- ۱۳/۶ مَثَل دنیادار ----- ۲۶۱
- ۱۴/۶ مَثَل دنیا و آخرت ----- ۲۶۵
- ۱۵/۶ مَثَل کسی که نافرمانی خدا می کند ----- ۲۶۵
- ۱۶/۶ مَثَل کسی که نهی از منکر نمی کند ----- ۲۶۷
- ۱۷/۶ مَثَل عیبجوی دیگران ----- ۲۶۷
- ۱۸/۶ مَثَل کسی که دو بار زاده می شود! ----- ۲۶۹
- فصل هفتم: اندرزهای خداوند متعال به عیسی ----- ۲۷۱
- اشاره ----- ۲۷۱
- ۱/۷ شناخت یگانگی خدا ----- ۲۷۱
- ۲/۷ شناخت فرستاده خدا ----- ۲۷۱
- ۳/۷ یاد خدا، نزدیکی به او با نوافل و توکل به او ----- ۲۷۳
- ۴/۷ شکیبایی و خشنودی ----- ۲۷۳
- ۵/۷ یاد خدا و دوستی او ----- ۲۷۳
- ۶/۷ بیداری از غفلت ----- ۲۷۳
- ۷/۷ میراندن دل با خُشیت ----- ۲۷۵
- ۸/۷ شب زنده داری و روزه داری ----- ۲۷۵
- ۹/۷ پیشی گرفتن در کار خیر ----- ۲۷۵
- ۱۰/۷ خیرخواهی و دادگری ----- ۲۷۵
- ۱۱/۷ همنشینی نکردن با سرگشتگان ----- ۲۷۵
- ۱۲/۷ فروتنی در برابر خدا ----- ۲۷۷
- ۱۳/۷ گریستن بر خود ----- ۲۷۷
- ۱۴/۷ نرم سخن گفتن، به همه سلام کردن، هشیاری ----- ۲۷۷
- ۱۵/۷ اندوه سودمند ----- ۲۷۷
- ۱۶/۷ فروتنی و شکیبایی ----- ۲۷۹
- ۱۷/۷ غنیمت شمردن فرصت ----- ۲۷۹
- ۱۸/۷ مهربانی با ناتوان ----- ۲۷۹

- ۱۹/۷ گریه بر خود، حضور در جایگاه های نماز - ۲۷۹
- ۲۰/۷ هلاکت امت های نافرمان - ۲۸۱
- ۲۱/۷ مدارا با ناتوان، زاری در دعا - ۲۸۱
- ۲۲/۷ دنیا جای پاداش و کیفر نیست - ۲۸۱
- ۲۳/۷ اجابت دعا - ۲۸۱
- ۲۴/۷ اندک بودن شکیبایان - ۲۸۱
- ۲۵/۷ هشدار در باره مهلت دادن خدا - ۲۸۳
- ۲۶/۷ پاسخ دعای ستمگر! - ۲۸۳
- ۲۷/۷ انتظار خدا برای بازگشت افراد غافل! - ۲۸۳
- ۲۸/۷ هماهنگی باطن با ظاهر، پرهیز از حرام، فرو بستن چشم - ۲۸۵
- ۲۹/۷ مهربانی، یاد مرگ، پرهیز از سرگرمی و غفلت - ۲۸۵
- ۳۰/۷ توبه، هشدار از نفرین مظلوم - ۲۸۵
- ۳۱/۷ خطر همنشین بد - ۲۸۷
- ۳۲/۷ توبه، غنیمت شمردن فرصت - ۲۸۷
- ۳۳/۷ بی رغبتی به دنیا، عبرت آموزی از پیشینیان - ۲۸۷
- ۳۴/۷ هشدار به گنه کاران - ۲۸۹
- ۳۵/۷ خوی خدا گرفتن، نهی از نافرمانی خدا - ۲۸۹
- ۳۶/۷ برترین گرامیداشت - ۲۸۹
- ۳۷/۷ پاکسازی ظاهر و باطن - ۲۹۱
- ۳۸/۷ هشدار در باره بخل - ۲۹۱
- ۳۹/۷ آراستگی به دین، دوستی با بینوایان، فروتنی در راه رفتن - ۲۹۱
- ۴۰/۷ کوشیدن در کار، تلاوت کتاب خدا با پاکی و آواز حزین - ۲۹۱
- ۴۱/۷ روی گردانی از دنیا - ۲۹۳
- ۴۲/۷ تشویق به آخرت - ۲۹۳
- ۴۳/۷ پیشی گرفتن در مراتب اخروی - ۲۹۳
- ۴۴/۷ هشدار در باره آتش دوزخ - ۲۹۳

- ۴۵/۷ در نظر داشتن خدا - ۲۹۵
- ۴۶/۷ نکوهش افراد دوچهره - ۲۹۵
- ۴۷/۷ غفلت، ذکر، خاکساری - ۲۹۵
- ۴۸/۷ پاداش شکیبایی - ۲۹۷
- ۴۹/۷ نیکو سخن گفتن، آموختن - ۲۹۷
- ۵۰/۷ پیش فرستادن کارهای نیک، شفای دل ها - ۲۹۷
- ۵۱/۷ مکر، فراموش کردن خدا - ۲۹۹
- ۵۲/۷ محاسبه نفس - ۲۹۹
- ۵۳/۷ آفرینش عیسی ۷ - ۲۹۹
- ۵۴/۷ محبوب ترین خلق، نزد خدا - ۲۹۹
- ۵۵/۷ هشیاری، تسبیح و تقدیس - ۳۰۱
- ۵۶/۷ آنچه مانع کُفر می شود - ۳۰۱
- ۵۷/۷ هشدار درباره دنیا - ۳۰۱
- ۵۸/۷ دعای محبت پیشگان - ۳۰۱
- ۵۹/۷ هشدار در باره گناه - ۳۰۳
- ۶۰/۷ خَشیت از خدا - ۳۰۳
- ۶۱/۷ فرمان بری از خدا - ۳۰۳
- ۶۲/۷ رضایت خلق و نارضایتی خالق - ۳۰۳
- ۶۳/۷ یاد خدا، در خلوت و آشکار - ۳۰۵
- ۶۴/۷ دعای کسی که در حال غرق شدن است - ۳۰۵
- ۶۵/۷ سوگند دروغ، کوتاهی عمر دنیا - ۳۰۵
- ۶۶/۷ نامه اعمال - ۳۰۵
- ۶۷/۷ زیبایی ظاهر و زشتی باطن - ۳۰۷
- ۶۸/۷ درآمد حرام، شنیدن ناسزا، روی کردن دل به سوی خدا - ۳۰۷
- ۶۹/۷ شادی، گریه، انصاف، دوستی، روی گردانی از نادانان - ۳۰۷
- ۷۰/۷ رفتار با نیکوکاران و ستمگران - ۳۰۷

- ۳۰۹ ۷۱/۷ تهدید به مجازات
- ۳۰۹ ۷۲/۷ ویژگی های سرور پیامبران
- ۳۱۳ ۷۳/۷ هشدار در باره دنیا
- ۳۱۳ ۷۴/۷ در جستجوی عیب های خود بودن و عیبجویی نکردن از دیگران
- ۳۱۵ ۷۵/۷ دقت در سرنوشت ستمگران
- ۳۱۵ ۷۶/۷ هشدار در باره نافرمانی خدا
- ۳۱۵ ۷۷/۷ قناعت، دنیا دوستی
- ۳۱۵ ۷۸/۷ پاکی دل، فراوان یاد کردن خدا در تنهایی
- ۳۱۷ ۷۹/۷ شرک، پیشی گرفتن در کارهای نیک
- ۳۱۷ ۸۰/۷ گریه، خاکساری
- ۳۱۷ ۸۱/۷ یاری خواستن از خدا در سختی ها
- ۳۱۸ درباره مرکز

حکمت نامه عیسی بن مریم علیهما السلام فارسی - عربی

مشخصات کتاب

سرشناسه : محمدی ری شهری، محمد، 1325-1401.

عنوان و نام پدیدآور : حکمت نامه عیسی بن مریم علیهما السلام فارسی - عربی / محمدی ری شهری، با همکاری مجتبی فرجی؛ ترجمه حمیدرضا شیخی.

مشخصات نشر : قم : موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر، 1392.

مشخصات ظاهری : 299 ص.

شابک : 120000 ریال 4-652-493-964-978

وضعیت فهرست نویسی : فایا

یادداشت : عربی - فارسی.

یادداشت : چاپ دوم.

یادداشت : کتابنامه: ص. [301] - 312 ؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : عیسی مسیح

موضوع : عیسی مسیح در قرآن

اندرزنامه ها

احادیث شیعه -- قرن 14

شناسه افزوده : فرجی، مجتبی، 1346 -

شناسه افزوده : شیخی، حمیدرضا، 1337 -، مترجم

رده بندی کنگره : BP104 /ع9 م26 1392

رده بندی دیویی : 297/159

شماره کتابشناسی ملی : 3048088

اطلاعات رکورد کتابشناسی : رکورد کامل

ص: 1

اشاره

حکمت نامه عیسی بن مریم علیهما السلام فارسی - عربی

محمدی ری شهری

با همکاری مجتبی فرجی

ترجمه حمیدرضا شیخی.

ص: 3

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 5

«وَلَمَّا جَاءَ عِيسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ قَالَ قَدْ جِئْتُكُمْ بِالْحِكْمَةِ .

و هنگامی که عیسی دلایل روشن آورد، گفت:

به راستی من برای شما حکمت آورده‌ام». (1)

واژه «حکمت» در لغت، از ریشه «حُکِمَ» گرفته شده است و «حُکْم» به معنای «منع» است؛ زیرا حُکْم و داوری عادلانه، مانع ظلم می‌شود. دهنه اسب و دیگر چارپایان نیز در عربی، «حَكْمَة» نامیده می‌شود؛ چرا که مهارکننده حیوان است و علم، در عربی، «حکمت» نامیده شده است؛ چرا که از جهل عالم، جلوگیری می‌کند. (2)

همچنین بر هر چیز نفوذناپذیری، صفت «مُحْكَم» اطلاق می‌گردد. (3)

آلوسی در تفسیر روح المعانی، در تبیین واژه «حکمت»، از کتاب البحر جاحظ، چنین نقل می‌کند:

دانشمندان، در معنای این کلمه، بیست و نه قول دارند که برخی از آنها به هم نزدیک اند. پاره ای از عالمان، بیشتر این معانی را اصطلاحی می‌دانند که قائل به آنها، به مصداق مهم «حکمت» بسنده کرده و همان را در معنای آن آورده است، وگرنه در اصل، «حکمت» از مصدر «احکام» است که به معنای استواری در علم و گفتار و کردار یا همه اینهاست. (4)

ص: 7

1- زخرف: آیه 63.

2- ر.ك: معجم مقاییس اللغة: مادة «حکم».

3- در الصحاح (ج 5 ص 1902) آمده است: «أَحْكَمْتُ شَيْئاً فَأَحْكَمَهُ» چیزی را استوار کردم و آن هم استوار شد؛ یعنی پایرجا و محکم شد.

4- روح المعانی: ج 3 ص 41.

بنا بر این، از منظر واژه‌شناسی، کلمه «حکمت»، حاکی از نوعی استواری و اتقان است و در توصیف هر چیز استوار و نفوذناپذیر، اعم از مادی یا معنوی، استفاده می‌گردد.

حکمت، در قرآن و حدیث

واژه «حکمت»، بیست بار در قرآن کریم آمده است و خداوند متعال، در این کتاب آسمانی، 91 بار، خود را با صفت «حکیم» ستوده است.

(1)

تأمل در موارد کاربرد این واژه در متون اسلامی، نشان می‌دهد که حکمت، از نگاه قرآن و حدیث، عبارت است از: «مقدمت استوار علمی و عملی و روانی، برای نیل به مقصد والای انسانیت» و آنچه احادیث اسلامی در تفسیر «حکمت» آورده‌اند، در واقع، مصداقی از مصادیق این تعریف کلی است.

اقسام حکمت

اشاره

بر پایه آنچه در تعریف کلی ذکر کردیم، حکمت از نگاه قرآن و حدیث، به سه نوع تقسیم می‌شود: حکمت علمی، حکمت عملی و حکمت حقیقی. گفتنی است که این تقسیم بندی و نام گذاری، بر اساس تأمل در کاربردهای واژه حکمت در قرآن و احادیث اسلامی است.

حکمت های علمی و عملی و حقیقی، هر يك به منزله پله های نردبان استواری هستند که انسان با بهره گیری از آنها، به قله کمال انسانیت، صعود می کند. جالب توجه است که بدانیم پله اول این نردبان (حکمت علمی) را فرستادگان خداوند متعال، بنا نهاده اند. پله دوم (حکمت عملی) را انسان، خود باید بسازد و پس از ساخته شدن آن، آخرین پله جهش به مقام انسان کامل (یعنی حکمت حقیقی) را

ص: 8

1- در قرآن، صفت «حکیم»، 36 بار همراه با صفت «علیم»، 47 بار همراه با صفت «عزیز»، چهار بار همراه با صفت «خبیر» و یک بار همراه هر يك از صفات «توّاب»، «حمید»، «علیّ» و «واسع» آمده است.

خداوند متعال، آماده می سازد.

اینک، توضیح کوتاهی در باره این سه گونه حکمت:

1. حکمت علمی

مقصود از حکمت علمی، هر گونه دانستنی یا معرفتی است که برای صعود به مقام انسان کامل، ضروری است. به سخن دیگر، هم دانش مربوط به عقاید، «حکمت» است، هم دانش مربوط به اخلاق، و هم دانش مربوط به اعمال. از این روست که قرآن کریم، پس از ارائه ره نمودهای گوناگون در عرصه های اعتقادی و اخلاقی و عملی، همه آنها را حکمت می نامد و می فرماید:

﴿ذَلِكَ مِمَّا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ. (1)﴾

این [سفارش ها] از حکمت هایی است که پروردگارت به تو وحی کرده است».

این مفهوم از حکمت، نخستین فلسفه بعثت انبیای الهی است. قرآن کریم، در آیات متعددی، بر این مطلب، تأکید کرده است، از جمله در این آیه:

﴿لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِن كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ. (2)﴾

بی گمان، [خدا] بر مؤمنان در بر انگیختن فرستاده ای از میان خود ایشان، منت نهاده است، که آیاتش را برایشان می خواند و آنها را پاکیزه می گرداند و به ایشان، کتاب و حکمت می آموزد، هر چند پیش از آن، در گم راهی آشکاری بودند».

ص: 9

1- اسرا: آیه 39.

2- آل عمران: آیه 164. نیز، ر. ک: بقره: آیه 129 و 151، جمعه: آیه 2.

2. حکمت عملی

حکمت عملی، برنامه‌ عملی رسیدن به مرتبه انسان کامل است. از نگاه قرآن و احادیث، هم دانش و هم عملی که مقدمه تکامل انسان اند، «حکمت» نامیده می‌شوند، با این تفاوت که دانش، پله نخست تکامل، و عمل، پله دوم آن است.

احادیثی که حکمت را به فرمانبری از خداوند متعال، مدارا با مردم، دوری از گناهان، و اجتناب از نیرنگ تفسیر کرده اند، به این نوع از حکمت، اشاره دارند. (1)

3. حکمت حقیقی

حکمت حقیقی، نورانیت و بصیرتی است که در نتیجه به کار بستن حکمت عملی در زندگی، برای انسان، حاصل می‌گردد. در واقع، حکمت علمی، مقدمه حکمت عملی، و حکمت عملی، سرآغاز حکمت حقیقی است و تا انسان بدین پایه از حکمت نرسیده است، حکیم حقیقی نیست، هر چند بزرگ ترین استاد حکمت باشد.

حکمت حقیقی، در واقع، همان جوهر دانش و نور دانش و دانش نور است. از این رو، خواص دانش حقیقی و آثارش، بر آن، مترتب می‌گردد، که از مهم ترین آنها بیم از خداوند متعال است:

«إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ». (2)

از بندگان خدا، تنها دانایان اند که از او بیم دارند».

در کلام پیامبر خدا، حکمت حقیقی، عیناً بر این اثر، منطبق شده است، آن جا که می‌فرماید:

ص: 10

1- ر.ک: دانش نامه عقاید اسلامی: ج 2، ص 353 (معرفت شناسی/بخش پنجم/فصل یکم: معنای حکمت).

2- فاطر: آیه 28.

خَشْيَةُ اللَّهِ رَأْسُ كُلِّ حِكْمَةٍ (1)

بیم از خداوند عز و جل، اساس هر حکمتی است.

حکمت حقیقی، جاذبه ای عقلانی بر ضدّ کشش های نفسانی است (2)

که هر اندازه در جان انسان قوّت یابد، به همان اندازه، تمایلات نفسانی در او ضعیف می شوند، (3)

تا آن جا که کاملاً از بین می روند. (4)

در این حال است که عقل به طور کامل، زنده می گردد (5)

و اداره انسان را به دست می گیرد و از آن پس، زمینه ای برای انجام دادن کارهای ناشایست، در وجود انسان، باقی نمی ماند. در نتیجه، حکمت، با عصمت، همراه می گردد (6)

و در نهایت، همه و ویژگی های حکیم و عالم حقیقی، برای آدمی حاصل می گردد و در بالاترین مراتب علم و حکمت، به والاترین درجات خودشناسی، خداشناسی، امامت و رهبری دست می یابد.

سرآمد حکیمان

پیامبران الهی، سرآمد حکیمانی هستند که به قلّه های حکمت علمی، عملی و حقیقی دست یافته اند، و از جانب خداوند سبحان، مأمور آموختن علم و حکمت به جامعه بشر شده اند.

ص: 11

1- حلیة الأولیاء: ج 2 ص 386، مسند الشهاب: ج 1 ص 59 ح 41.

2- اشاره است به روایتی از امام صادق علیه السلام: «الحکمة ضدّ الهوی؛ حکمت، ضدّ هوس است» (الخصال: ص 591 ح 13).

3- اشاره است به حدیثی از امام علی علیه السلام: «کلّما قویت الحکمة ضعففت الشهوة؛ هر گاه حکمت نیرومند گردد، خواسته های نفسانی ضعیف می شوند» (غرر الحکم: ح 7205).

4- اشاره است به حدیثی از امام علی علیه السلام در وصف مؤمن: «میتة شهوته؛ خواسته های نفسش مُرده اند» (نهج البلاغة: خطبة 193).

5- اشاره است به حدیثی از امام علی علیه السلام در وصف سالك إلى الله: «قد أحیا عقله وأمات نفسه؛ خردش رازنده کرده و نفسش را میرانده است» (عیون الحکم والمواعظ: ص 366).

6- ر.ک: دانش نامه عقاید اسلامی: ج 2 ص 381 (معرفت شناسی/بخش پنجم/فصل سوم: آثار حکمت/عصمت).

بر این اساس، شناخت پیامبران و آموزه های آنان برای بشر همیشه لازم و ره گشا بوده است و البته در دنیای معاصر، ضرورتی مضاعف پیدا کرده است؛ چرا که بالا-رفتن سطح آگاهی و فرهنگ بشر و آسان شدن دسترسی به منابع و آثار-که از ویژگی های دوران معاصر است-، بستر مناسب را برای چنین پیشرفتی فراهم ساخته است.

اندیشه تدوین حکمت نامه ها

اشاره

فکر تدوین حکمت نامه هایی به نام پیشوایان (انبیاء، امامان و حکیمان الهی) و برگرفته از آموزه های آنان، با توجه به دو ضرورت زیر، شکل گرفت:

1. ضرورت اتحاد جبهه ایمان، در برابر کفر و دنیاپرستی

در دوران معاصر، ظهور مادّیگری و دین زدایی و سیطره این اندیشه بر بخش های وسیعی از جهان، در کنار دستیابی بشر به دانش های تجربی و کشف پاره ای از زوایای مجهول و پنهان هستی، همراه با قدرت شگرف تکنولوژی (فتاوری)، آدمیان را به طغیان واداشت و آنان را غرق در دنیاپرستی کرد و شاید به نظر آید که دینداری به سستی گرایید.

گرنش در برابر علوم تجربی و تکنولوژی و رهاوردهای آنها از يك سو و خشونت های پاره ای از دینداران و نهادهای وابسته به دین در قرون وسطا از سوی دیگر، جبهه کفر (به معانی وسیع و لایه های مختلف آن) و دنیاپرستی را گسترده و به هم پیوسته کرد و هجوم بر دینداری و معنویت را افزایش داد.

برای رویارویی با این جبهه کفر و دنیاپرستی، تقویت جبهه متحد ایمان و دینداری ضروری است. دینداران حقیقی و پیروان راستین ادیان آسمانی و پیامبران الهی، از يك سو باید تلاش کنند که آموزه های راستین و بی پیرایه پیامبران الهی را عرضه دارند و آنها را به دور از خرافه ها و تعصّب های نابه جا بگسترانند، و از دیگر

سو، گام هایی را برای نزدیک شدن به یکدیگر بردارند تا بتوانند بر کفر و دنیاپرستی مُدرن، فائق آیند.

قرآن کریم، پیروان ادیان را به تشکیل این جبهه متحد، فراخوانده است:

«قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئاً وَلا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضاً أَرْبَاباً مِنْ دُونِ اللَّهِ. (1)

بگو: ای اهل کتاب! بیاید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است (پیامبران و کتاب های آسمانی بر آن متفق اند)، گرد آییم و آن، این که: جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او قرار ندهیم و برخی از ما برخی را به جای خدای یکتا به خدایی نگیرد».

و البته این درخواست، ناشی از آن است که ادیان الهی، از یک منبع سرچشمه می گیرند و دارای مبانی، اصول و هویت مشترک اند که در سیر بعثت ها، تکامل یافته اند.

استخراج و عرضه آموزه های مشترک ادیان آسمانی که عبارت اند از: تلاش جهت شناخت صحیح حقایق هستی، تأکید بر توحید و پرستش خدای یکتا، پرهیز از پیروی خدایان موهوم، تعهد به ارزش های اخلاقی و عملی (بویژه رعایت حقوق انسان ها، عدالت اجتماعی و مبارزه با جهل، ظلم و فقر) می تواند به تشکیل کانون یا هسته مرکزی برای جبهه خداپرستان و دینداران، کمک کند.

2. ضرورت تأسی به پیامبران الهی

برای عینیت بخشی به آموزه های دینی، معرفی پیامبران الهی به عنوان اسوه ها و الگوهای زندگی، ضروری است. پیامبران الهی، شخصیت های محبوب بشرند، تا

ص: 13

جایی که هیچ انسان حق جوئی با آنها ستیز ندارد؛ بلکه جان فشانی و از خود گذشتگی پیامبران برای نجات بشر، در کنار آموزه های بلند معنوی و انسانی و نیز وارستگی های فردی آنها، از آنان چهره هایی ماندگار و محبوب ساخته است. اینها، ابعاد چندگانه ای هستند که می توان آنها را در زندگی تمامی پیامبران یافت.

به عنوان نمونه: ابراهیم با نمرود می ستیزد، (1)

بر بتان می خروشد، (2)

آوارگی اهل و عیال (3)

و افتادن در آتش را به جان می خرد (4)

و برای امنیت و آرامش شهرها خدا را می خواند (5)

و با این همه، بردبار و به درگاه الهی خاضع است. (6)

موسی علیه السلام برای نجات بنی اسرائیل، با فرعون و اطرافیان ثروتمندش درگیر (7)

و آواره می شود (8)

و تمام همت و سعیش رها کردن مردم از بندگی و بردگی غیر خداست. (9)

و عیسی علیه السلام با مهربانی و لطف، به بیماران خدمت می کند (10)

و مورد هجوم مخالفانی قرار می گیرد که قصد کشتن او را دارند. (11)

و محمد صلی الله علیه و آله با خلق عظیم (12)

و حرص فراوان، برای هدایت انسان و کاستن از رنج های او (13)

و گسستن غل و زنجیرهای درونی و بیرونی از جامعه بشر، 8.

ص: 14

1- ر.ك: بقره: آیه 258.

2- ر.ك: انبیا: آیه 52 و 57-58.

3- ر.ك: ابراهیم: آیه 37.

4- ر.ك: انبیا: آیه 68 و 69.

5- ر.ك: بقره: آیه 126.

- 6- ر.ك: هود: آية 75.
- 7- ر.ك: يونس: آية 75؛ قصص: آية 20.
- 8- ر.ك: قصص: آية 21.
- 9- ر.ك: شعرا: آية 22.
- 10- ر.ك: آل عمران: آية 49.
- 11- ر.ك: نساء: آية 157.
- 12- ر.ك: قلم: آية 4؛ آل عمران: آية 159.
- 13- ر.ك: توبه: آية 128.

تلاش می کند. (1)

سرگذشت پیامبران، تاریخ مبارزه با جهل، ستم و فقر است؛ تاریخ حفظ حقوق و کرامت انسان هاست؛ تاریخ اخلاق و انسانیت است؛ تاریخ معنویت و روحانیت است... و خلاصه، تاریخی است که بیان آن برای بشر امروز، بارقه های امید و مقاومت را در وی زنده می کند.

عیسی علیه السلام، از پیامبران بزرگ الهی

یکی از انبیای برجسته الهی که خداوند در قرآن کریم، بارها و بارها به زندگی و رفتارش اشاره می کند و در دنیای کنونی نیز از انبیایی است که بیشترین پیرو را دارند، عیسی علیه السلام است.

تبیین نگاه قرآن، پیامبر اسلام و امامان اهل بیت علیهم السلام به عیسی مسیح، می تواند به تعامل مسیحیان و مسلمانان کمک کند. از این رو در این جا، اشاره وار، نگاه قرآن کریم به عیسی علیه السلام را گزارش می کنیم:

عیسی علیه السلام بنده خدا و پیامبر او بود، (2)

که به سوی بنی اسرائیل فرستاده شد (3)

و یکی از پنج پیامبر اولوالعزم (صاحب شریعت و کتاب) (4)

شمرده می شود و کتابش انجیل است. (5)

خداوند، عیسی علیه السلام را «مسیح» نامید، (6)

که «کلمه خدا» و «روحی از او» است (7)

و

ص: 15

1- ر.ك: اعراف: آیه 157.

2- ر.ك: مریم: آیه 30.

3- ر.ك: آل عمران: آیه 49.

4- ر.ك: احزاب: آیه 7؛ شورا: آیه 13.

5- ر.ك: مائده: آیه 46.

6- ر.ك: آل عمران: آیه 45.

7- ر.ك: نساء: آیه 171.

امام (1)

و از گواهان بر اعمال (2)

است؛ به آمدن محمد، رسول خدا صلی الله علیه و آله، بشارت داده است؛ (3)

در دنیا و آخرت، آبرومند و از مقربان است؛ (4)

مصطفی (5)

و برگزیده و از صالحان است؛ (6)

هر جا بود، با برکت بود، و پاک و پاکیزه، و نشانه ای برای مردم و رحمتی از جانب خدا، و نسبت به مادرش نیک رفتار، و از هر گونه آفتی مصون و محفوظ بود (7)

و از کسانی بود که خداوند به آنها کتاب و حکمت آموخت. (8)

این ویژگی ها، در واقع، مقامات و فضایل برجسته ای است که خداوند، عیسی علیه السلام را با آنها توصیف کرده و قدر و منزلت او را نشان داده است. این صفات، دو دسته اند:

یک دسته اکتسابی اند، مانند عبودیت و قرب به حق، و دسته دیگر، موهبتی الهی شمرده می شوند.

از سوی دیگر، قرآن، عیسی علیه السلام را از زبان خودش چنین معرفی می کند:

«وَ إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ أَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَأُمِّي إِلَهَيْنِ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالَ سُبْحَانَكَ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَقُولَ مَا لَيْسَ لِي بِحَقِّ إِنْ كُنْتُ قُلْتُهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ تَعَلَّمَ مَا فِي نَفْسِي وَلَا أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ * مَا قُلْتُ لَهُمْ إِلَّا مَا أَمَرْتَنِي بِهِ أَنْ أَعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَ رَبَّكُمْ وَ كُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَا دُمْتُ فِيهِمْ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنْتُ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ * إِنْ تُعَذِّبُهُمْ فَإِنَّهُمْ عَبْدُكَ وَإِنْ تُغْفِرْ لَهُمْ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ. (9)8.

ص: 16

1- ر.ك: احزاب: آیه 7.

2- ر.ك: نساء: آیه 159؛ مائده: آیه 117.

3- ر.ك: صف: آیه 6.

4- ر.ك: آل عمران: آیه 45.

5- ر.ك: آل عمران: آیه 33.

6- ر.ك: انعام: آیه 85-87.

7- ر.ك: مریم: آیه 19-33.

8- ر.ك:آل عمران:آية 48.

9- مائده:آية 116-118.

و آن گاه که خداوند به عیسی بن مریم گفت: «آیا تو به مردم گفتی که من و مادرم را به عنوان دو خدا به جای الله به خدایی بگیری؟» او گفت: پاك خدايا! مرا نسزد که آنچه سزاوار من نیست، بگویم. اگر این را گفته بودم، تو خود، آن را می دانستی. تو آنچه را در نهان من است، می دانی و من آنچه را در ذات توست، نمی دانم و به راستی که تویی دانای نهان ها. من به آنها نگفتم مگر آنچه مرا فرمان دادی، که خدای را-که مالک و مدبّر من و شماس-ت پیوستید، و تا در میان آنها به سر می برم، بر آنان گواه و نگاهبان باشم و چون مرا از میان ایشان بر گرفتی، تو خود بر آنان نگاهبان باشی و تو بر هر چیزی گواهی. اگر عذابشان کنی، بندگان تو اند و اگر آنان را ببخشایی، باز هم تویی که توانای بی همتا و دانای باحکمتی».

همچنین قرآن در آیات متعددی، مریم علیها السلام مادر عیسی علیه السلام، را چنین معرفی کرده است: مادر عیسی، مریم دختر عمران بود. هنگامی که مادر مریم به او باردار شد، نذر کرد که وقتی فرزندش به دنیا آمد، او را در راه خدا آزاد کند تا در معبد، خدمت کند. او که خیال می کرد آنچه در شکم دارد پسر است، وقتی وضع حمل کرد و معلوم شد فرزندش دختر است، دچار اندوه و حسرت شد و با این حال، او را «مریم» (یعنی «خادمه») نامید. عمران، پدر مریم، پیش از تولد او در گذشته بود. مادر مریم، او را به معبد آورد تا به کاهنان-که یکی از آنان زکریّا بود-سپارد. میان کاهنان بر سر عهده دار شدن سرپرستی مریم، بحث و نزاع در گرفت تا سرانجام، تصمیم گرفتند قرعه بزنند و قرعه به نام زکریّا در آمد و زکریّا سرپرستی مریم را به عهده گرفت. وقتی مریم به سنّ بلوغ رسید، زکریّا میان او و کاهنان، پرده ای آویخت و مریم، پشت آن پرده، خداوند سبحان را عبادت می کرد و کسی جز زکریّا نزد او رفت و آمد نمی کرد. هر وقت زکریّا وارد محراب می شد، نزد او غذایی می دید. از او پرسید: ای مریم! این غذا از کجاست؟ مریم گفت: از نزد خداست و خداوند، به هر که خواهد، بی شمار، روزی

می دهد. مریم، بانویی راست دین، معصوم به عصمت و نگهداشت الهی، پاك، برگزیده، و محدّثه بود که فرشتگان با او سخن گفتند و خبرش دادند که خداوند، او را برگزیده و پاك و پاکیزه اش قرار داده است. او از عبادت پیشگان و از نشانه های خداوند برای مردم جهان بود. (1)

سپس، خدای متعال، روح را به سوی مریم- که در پس پرده بود- فرستاد و روح به صورت بشری کامل در برابرش جلوه کرد و به وی گفت که فرستاده پروردگارش است و آمده تا به اذن خداوند، بدون آن که شوهری داشته باشد، به او فرزندی ببخشد و به مریم، بشارت داد که به زودی از فرزند او معجزات درخشانی سرخواهد زد، و همچنین به وی خبر داد که خداوند، فرزند او را با روح القدس، تأیید خواهد کرد و کتاب و حکمت و تورات و انجیل را به وی می آموزد و با آیات و معجزاتی روشن، او را به سوی بنی اسرائیل می فرستد. روح، قصه عیسی و شرح حال او را برای مریم گفت و آن گاه در وی دمید و مریم بر اثر آن، همچون سایر زنان، حامله شد. (2)

مریم، با جنین خود به مکان دورافتاده ای پناه جست تا این که درد زایمان، او را به سوی تنه درخت خرمایی کشانید و با خود گفت: کاش پیش از این، مرده و به کلی از یادها رفته بودم! در این حال، از زیر پای او فرشته ای وی را ندا داد: غم مدار، که پروردگارت در زیر پای تو چشمه آبی پدید آورده است. تنه درخت خرما را به طرف خود تکان ده، که برایت خرمای تازه می ریزد و از آن خرما تناول کن و از این چشمه بیاشام و دیده روشن دار. اگر کسی از آدمیان را دیدی، بگو: من برای خدای رحمان، روزه نذر کرده ام و امروز مطلقاً با هیچ انسانی سخن نخواهم گفت. مریم، فرزند خود را [بزاد و او را] در آغوش گرفته، به سوی قوم خود آورد. (3)

قوم مریم، هنگامی که او را با این وضع مشاهده کردند، زبان به سرزنش او گشودند. 7.

ص: 18

1- ر.ك: آل عمران: آیه 35-44؛ انبیا: آیه 91؛ تحریم: آیه 12.

2- ر.ك: آل عمران: آیه 45-49؛ مریم: آیه 16-22.

3- ر.ك: مریم: آیه 22-27.

و درباره او سخنانی گفتند که به زنی که بدون داشتن شوهر حامله شده می گویند. آنان گفتند: ای مریم! به راستی کار بسیار ناپسندی مرتکب شده ای. ای خواهر هارون! پدرت مرد بدی نبود و مادرت هم بدکار نبود. مریم، به عیسی اشاره کرد. اما آنها گفتند: چگونه با کودکی گهواره ای سخن بگوییم؟ کودک به سخن آمده، گفت: منم بنده خدا. به من کتاب داده و مرا پیامبر گردانیده است و هر جا که باشم، مرا بابرکت ساخته و به من سفارش کرده است که تا زنده ام، نماز بگذارم و زکات بپردازم و به مادرم نیکی کنم. مرا زورگو و نافرمان، قرار نداده است و درود بر من، روزی که زاده شدم و روزی که می میرم و روزی که زنده برانگیخته می شوم. (1)

حکمت نامه عیسی بن مریم علیه السلام

اشاره

بر پایه آنچه گفته شد، سالیانی است که اندیشه انتشار آموزه های حکیمانه انبیای الهی و پیشوایان بزرگی که از این اسوه های علم و حکمت الگو گرفته اند، در برنامه های پژوهشی این جانب قرار گرفته است. پیش از این، حکمت نامه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، حکمت نامه امام حسین علیه السلام، حکمت نامه لقمان علیه السلام و حکمت نامه حضرت عبدالعظیم علیه السلام، با همکاری پژوهشکده علوم و معارف حدیث (دار الحدیث)، تدوین و منتشر گردید و اینک پنجمین کتاب از این سلسله، به آموزه های حکیمانه عیسی بن مریم علیه السلام اختصاص دارد.

نکته قابل توجه، این که عیسی مسیح علیه السلام همه آموزه های اعتقادی، اخلاقی و عملی خود را در کلمه «حکمت» خلاصه کرده است. قرآن در این باره می فرماید:

«وَلَمَّا جَاءَ عِيسَى بِالْبَيِّنَاتِ قَالَ قَدْ جِئْتُكُمْ بِالْحِكْمَةِ. (2)

و هنگامی که عیسی دلایل روشن آورد، گفت: به راستی من برای شما حکمت آورده ام».

حکمت نامه عیسی بن مریم علیهما السلام، در واقع، بخشی از این آموزه های عیسوی است که

ص: 19

1- ر.ك: مریم: آیه 27-33.

2- زخرف: آیه 63.

از طریق منابع حدیث اسلامی (اعم از شیعی و سنی) گزارش شده اند (1)

و با نظمی نوین و سهل الوصول، در اختیار علاقه مندان قرار می گیرند. (2)

در این حکمت نامه، آموزه های عیسی علیه السلام، در هفت فصل، تنظیم شده است:

یک. حکمت های عقلی و علمی

در این فصل، ره نمودهایی در باره تشویق به بصیرت و تفکر و علم آموزی، وظایف دانشمندان ربّانی، گرامیداشت اهل معرفت، و نکوهش دانشمندان فاسد و نشان دادن خطر آنان ارائه می شود.

دو. حکمت های اعتقادی

این فصل، در باره اساسی ترین اصول اعتقادی مشترک در همه ادیان آسمانی (یعنی عقیده به مبدأ و معاد) است و همچنین اشاراتی دارد به نشانه ها و شاخص های این باور.

ص: 20

1- گفتنی است که بجز در منابع حدیثی (صرفاً حدیثی)، در سایر منابع کهن اسلامی (منابع تفسیری، کلامی، تاریخی، اخلاقی، عرفانی و...) نیز می توان به جستجوی سخنان عیسی علیه السلام پرداخت که به یاری خدا، در مجالی دیگر و در دامنه زمانی گسترده تری انجام خواهد شد.

2- شایان ذکر است که در باره عیسی علیه السلام پیش از این، چند اثر حدیثی منتشر شده است، از جمله: -عیسی علیه السلام لدی المسلمین، طریف الخالدی. این اثر را دانشگاه هاروارد، در سال 2001 م، به زبان انگلیسی در امریکا منتشر کرده و در آن، متن عربی روایت های اهل سنت در باره عیسی علیه السلام جمع آوری شده است. -عیسی علیه السلام فی روایات المسلمین الشیعة، مهدی منتظر قائم. این کتاب، در سال 2006 م، در بیروت، توسط معهد المعارف الحکمیة و با ترجمه انگلیسی محمد لگنهاوزن منتشر شده است. - عیسی المسیح علیه السلام فی الأحادیث المشتركة بین السنة و الشیعة، مهدی منتظر القائم. این اثر را المجمع العالمی للتقریب بین المذاهب الإسلامیة، در سال 1426 ق، در تهران، به زبان عربی منتشر کرده که به صورت تطبیقی به معرفی عیسی علیه السلام بر اساس روایت های شیعه و اهل سنت، پرداخته است. همچنین گفتنی است که شخصیت و آموزه های عیسی علیه السلام بر پایه متون کهن فارسی (بوژه متون عرفانی، اخلاقی، تعلیمی و تفسیری)، در کتابی به نام چهره مسیح علیه السلام در ادبیات فارسی، توسط قمر آریان (زرین کوب) گرد آمده است (تهران: معین، 1369 ش).

سه. حکمت های عبادی

بخشی از آموزه های عیسوی، در باره تشویق به عبادت و انس با خدای سبحان، نقش ترك عبادت در قساوت قلب، و آداب و آفات عبادت است. این مطالب، به همراه ره نمودهایی در مورد شماری از عبادات (مانند: نماز، روزه، دعا و استغفار) در فصل سوم، مطرح می گردد.

چهار. اخلاق و رفتار نیکو

فصل چهارم، به تبیین اخلاق شایسته و رفتار پسندیده از منظر عیسی بن مریم علیه السلام اختصاص دارد. در این فصل، بیش از چهل عنوان فرعی، عهده دار عرضه آموزه های این پیامبر عظیم الشان است.

پنج. اخلاق و رفتار زشت

در فصل پنجم، با مهم ترین خوی ها و رفتارهای ناشایست از دیدگاه این پیامبر بزرگ الهی آشنا می شویم.

شش. مثل ها و حکمت ها

این فصل در باره حکمت هایی است در کلام حضرت عیسی علیه السلام که با کلمه «تمثیل» یا «مَثَل»، بیان شده است. تأمل در ره نمودهای این فصل نشان می دهد که بهره گیری از «مثال» یا «مَثَل»، تا چه اندازه می تواند در انتقال مفاهیم تربیتی به مخاطب مؤثر باشد.

هفت. اندرزهای خداوند به عیسی بن مریم علیه السلام

در این فصل، حدیثی قدسی در بیان اندرزهای خداوند به عیسی مسیح، آمده است.

این روایت بلند، شامل عبارت های آموزنده و فشرده بسیاری است که تلاش شده تا بازیابی آنها با به کارگیری بیش از هشتاد نمایه و عنوان فرعی، تا حد امکان، تسهیل گردد.

امید که این اثر، به یاری خدا، برای همگان، سودمند و در تصحیح نگاه مسیحیان به مسلمانان و زدودن کدورت ها و بدبینی ها مؤثر باشد.

تذکر مهم

یکی از آداب نقل حدیث، چگونگی نسبت دادن آن به پیامبران خدا و اوصیای آنهاست. ثقة الاسلام کلینی رحمه الله از امام علی علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

إِذَا حَدَّثْتُمْ بِحَدِيثٍ فَأَسْنِدُوهُ إِلَى الَّذِي حَدَّثَكُمْ؛ فَإِنْ كَانَ حَقًّا فَلَكُمْ وَإِنْ كَانَ كَذِبًا فَعَلَيْهِ. (1)

هنگامی که حدیثی را نقل می کنید، آن را به کسی که آن را روایت نموده، نسبت دهید، که اگر درست باشد، به سود شماست و اگر دروغ باشد، به زیان راوی است.

رعایت این ره نمود، ایجاب می کند کسانی که می خواهند از این کتاب یا سایر کتاب های روایی، حدیثی را نقل کنند، آن را مستقیماً به خداوند سبحان و یا پیامبران خدا و یا اوصیای آنان نسبت ندهند؛ بلکه حدیث را از طریق منبعی که آن را روایت کرده، به آنان منسوب نمایند. برای نمونه، نگویند: «عیسی علیه السلام چنین فرمود»؛ بلکه بگویند: «فلان کتاب، از عیسی علیه السلام چنین نقل کرده است» و یا بگویند: «از عیسی علیه السلام چنین روایت شده است».

سپاس گزاری از همکاران

از همه همکاران عزیز و بزرگواری که در آماده سازی این مجموعه سهیم بوده اند،

ص: 22

بویژه فاضل ارجمند جناب آقای مجتبی فرجی- که جمع آوری روایات آن به عهده ایشان بود- و دانشمند گرامی جناب آقای مرتضی خوش نصیب- که از نقد ایشان سود بردم- و همچنین از استاد گران قدر جناب آقای مهدی مهریزی- که «در آمد» این حکمت نامه با مساعدت ایشان تکمیل گردید-، صمیمانه سپاس گزارم و در این شب پر برکت، شب نزول بزرگ ترین حکمت نامه الهی بر خاتم پیامبران صلی الله علیه و آله، برای همه آنان، از خداوند سبحان، پاداشی در خور فضل او مسئلت دارم.

رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ!

رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ!

يَا مُبَدِّلَ السَّيِّئَاتِ حَسَنَاتٍ!

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ!

محمد محمدی ری شهری

بیست و دوم رمضان المبارک 1433

بیست و یکم مرداد 1391

ص: 23

1. عيسى بن مريم عليه السلام: طوبى لِمَنْ جُعِلَ بَصْرُهُ فِي قَلْبِهِ، وَلَمْ يُجْعَلْ بَصْرُهُ فِي عَيْنِهِ. (1)
2. عنه عليه السلام: بِحَقِّ أَقْوَلٍ لَكُمْ: لَا يَجْتَمِعُ الْمَاءُ وَالتَّارُ فِي إِنَاءٍ وَاحِدٍ، كَذَلِكَ لَا يَجْتَمِعُ الْفِقْهُ وَالْعَمَى (2) فِي قَلْبٍ وَاحِدٍ. (3)
3. عنه عليه السلام: يَا بَنَ آدَمَ... عَوَّدَ جِسْمَكَ الصَّبْرَ، وَقَلْبَكَ الْفِكْرَ. (4)
4. عنه عليه السلام: طُوبَى لِمَنْ كَانَ صَمْتُهُ فِكْرًا. (5).

ص: 24

-
- 1- تحف العقول: ص 305 عن الإمام الصادق عليه السلام و ص 502 وفيه «قلبه في نظر عينه» بدل «بصره في عينه»، بحار الأنوار: ج 78 ص 284 ح 1؛ تاريخ دمشق: ج 47 ص 452 عن عمران بن سليمان وفيه «ولم يكن قلبه في بصره» بدل «ولم يجعل...» و ص 462، الزهد وصفة الزاهدين: ص 72 ح 136 كلاهما عن عيسى المرادي وفيهما «ولم يكن قلبه في بصر عينه» بدل «ولم يجعل...».
 - 2- في نسخة: «والعي» (هامش بحار الأنوار: ج 14 ص 316).
 - 3- تحف العقول: ص 512، بحار الأنوار: ج 14 ص 316 ح 17.
 - 4- تنبيه الخواطر: ج 2 ص 229، بحار الأنوار: ج 14 ص 329 ح 63.
 - 5- النخصال: ص 295 ح 62 عن عبد الله بن ميمون عن الإمام الصادق عن آبائه عن الإمام عليّ عليهم السلام، الاختصاص: ص 232، مشكاة الأنوار: ص 81 ح 154 كلاهما عن الإمام الصادق عن أبيه عنه عليهم السلام، أعلام الدين: ص 129 عن الإمام عليّ عنه عليهما السلام، بحار الأنوار: ج 14 ص 321 ح 23؛ تفسير ابن كثير: ج 2 ص 160 وفيه «تفكراً» بدل «فكراً».

فصل یکم: حکمت های عقلی و علمی

1/1 تشویق به بینشوری و اندیشه ورزی

1. عیسی بن مریم علیه السلام: خوشا آن که بینایی او در دلش نهاده شده و نه در دیده اش!

2. عیسی بن مریم علیه السلام: به راستی به شما می گویم: آن چنان که آب و آتش در يك ظرف جمع نمی شوند، فهم و کوری نیز در يك دل، گرد هم نمی آیند.

3. عیسی بن مریم علیه السلام: ای آدمیزاد!...تنِ خود را به شکیبایی و دلت را به اندیشیدن، خوده.

4. عیسی بن مریم علیه السلام: خوشا آن که سکوتش، اندیشیدن باشد!

ص: 25

5. عنه عليه السلام - لَمَّا سُئِلَ عَنِ أَفْضَلِ النَّاسِ -: مَنْ كَانَ مَنْطِقُهُ ذِكْرًا، وَصَمْتُهُ فِكْرًا، وَنَظَرُهُ عِبْرَةً. (1)

2/1 تَعَلَّمِ الْعِلْمَ وَالْحِكْمَةَ

6. منية المرید: فی الإنجیل: اَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَتَعَلَّمُوهُ. (2)

7. تفسیر الفخر الرازی: مَرَّ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى قَبْرِ، فَرَأَى مَلَائِكَةَ الْعَذَابِ يُعَذِّبُونَ مَيِّتًا، فَلَمَّا انصَرَ رَفَّ مِنْ حَاجَتِهِ مَرَّ عَلَى الْقَبْرِ، فَرَأَى مَلَائِكَةَ الرَّحْمَةِ مَعَهُمْ أَطْبَاقٌ مِنْ نُورٍ، فَتَعَجَّبَ مِنْ ذَلِكَ، فَصَلَّى وَدَعَا اللَّهَ تَعَالَى، فَأَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِ:

يَا عَيْسَى، كَانَ هَذَا الْعَبْدُ عَاصِيًا، وَمُذْمَمًا، كَانَ مَحْبُوسًا فِي عَذَابِي، وَكَانَ قَدْ تَرَكَ امْرَأَةً حُبْلَى، فَوَلَدَتْ وَآدَا وَرَبَّتَهُ حَتَّى كَبُرَ، فَسَدَّ لَمَّتَهُ إِلَى الْكِتَابِ، فَلَقَّنَهُ الْمُعَلِّمُ:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، فَاسْتَحْيَتْ مِنْ عَبْدِي أَنْ اَعْدَبَهُ بِنَارِي فِي بَطْنِ الْأَرْضِ، وَوَلَدَهُ يَذْكُرُ اسْمِي عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ. (3)

8. عيسى بن مريم عليه السلام: أُسْرِعُوا إِلَى بُيُوتِكُمُ الْمُظْلَمَةَ فَأَنْبِرُوا فِيهَا، كَذَلِكَ فَاسْرِعُوا إِلَى قُلُوبِكُمُ الْقَاسِيَةَ بِالْحِكْمَةِ قَبْلَ أَنْ تَرِينَ (4)

عَلَيْهَا الْخَطَايَا فَتَكُونَ أَفْسَى مِنَ الْحِجَارَةِ. (5)

9. عنه عليه السلام: اِعْلَمُوا أَنَّ كَلِمَةَ الْحِكْمَةِ ضَالَّةُ الْمُؤْمِنِ، فَعَلَيْكُمْ بِهَا قَبْلَ أَنْ تُرْفَعَ، وَرَفَعُهَا أَنْ تَذَهَبَ رُؤَاتُهَا. (6)

ص: 26

1- تنبيه الخواطر: ج 1 ص 250.

2- منية المرید: ص 120، بحار الأنوار: ج 1 ص 186 ح 110؛ تفسیر الفخر الرازی: ج 2 ص 205.

3- تفسیر الفخر الرازی: ج 1 ص 178.

4- الرّين: كالصدا يغشى القلب (لسان العرب: ج 13 ص 192 «رين»).

5- تحف العقول: ص 506، بحار الأنوار: ج 14 ص 309 ح 17.

6- تحف العقول: ص 502.

5. عیسی بن مریم علیه السلام - در پاسخ این پرسش که: برترین مردم کیست؟ - کسی که سخنش ذکر خدا باشد و سکوتش اندیشیدن و نگاهش عبرت آموختن.

2/1 فرا گرفتن علم و حکمت

6. منیة المرید: در انجیل آمده است: در پی دانش بر آید و آن را بیاموزید.

7. تفسیر فخر رازی: عیسی علیه السلام از کنار گوری گذشت، فرشتگان عذاب را دید که مرده را عذاب می کنند. زمانی که از کار خود باز می گشت، [دوباره] گذرش به همان گور افتاد. فرشتگان رحمت را با سینی هایی از نور دید. از آن به شگفت آمد و نماز گزارد و خدا را خواند، خداوند متعال به او وحی کرد که: «ای عیسی! این بنده، گناهکار بود. از زمان مرگ تا کنون گرفتار عذابم بود. او زنی باردار را از خود بر جای گذاشت، و وی فرزندی به دنیا آورد و تربیتش کرد تا بزرگ شد و به معلّمان سپرد، و معلّم به او بسم الله الرحمن الرحیم آموخت. من از بنده ام حیا کردم که در دل زمین با آتشم عذابش کنم، در حالی که فرزند او بر روی زمین، نام مرا می برد».

8. عیسی بن مریم علیه السلام: به سوی خانه های تاریک خود بشتابید و در آن چراغ بیفروزید. و نیز با حکمت و دانایی، به سوی دل های سخت خویش شتاب کنید پیش از آن که گناهان بر آنها زنگار بندند و در نتیجه، از سنگ، سخت تر شوند.

9. عیسی بن مریم علیه السلام: بدانید که سخن حکمت آمیز، گم شده مؤمن است. پس، پیش از آن که از بین برود، آن را فراگیرید، و از بین رفتن آن، با از بین رفتن راویان آن است.

10. عنه عليه السلام: بِحَقِّ أَقْوَلٍ لَكُمْ: إِنَّ الشَّمْسَ نُورٌ كُلُّ شَيْءٍ، وَإِنَّ الحِكْمَةَ نُورٌ كُلُّ قَلْبٍ، وَالتَّقْوَى رَأْسٌ كُلُّ حِكْمَةٍ، وَالحَقُّ بَابٌ كُلِّ خَيْرٍ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ بَابٌ كُلِّ حَقٍّ، وَمَقَاتِيحُ ذَلِكَ الدُّعَاءُ وَالتَّضَرُّعُ وَالعَمَلُ، وَكَيْفَ يُفْتَحُ بَابٌ بِغَيْرِ مِفْتَاحٍ؟! (1)

11. عنه عليه السلام: رَاحِمُوا العُلَمَاءَ فِي مَجَالِسِهِمْ وَلَوْ جُثْوًا (2)

عَلَى الرِّكْبِ؛ فَإِنَّ اللَّهَ يُحْيِي القُلُوبَ المَيِّتَةَ بِنُورِ الحِكْمَةِ كَمَا يُحْيِي الأَرْضَ المَيِّتَةَ بِوَابِلِ (3)

المَطَرِ. (4)

12. عنه عليه السلام: مَعَشَرَ الحَوَارِيِّينَ! مَا يَضُرُّكُمْ مِنْ تَنَنِ القَطْرَانِ (5)

إِذَا أَصَابَكُمْ سِرَاجُهُ؟! خُذُوا العِلْمَ مِمَّنْ عِنْدَهُ وَلَا تَنْظُرُوا إِلَى عَمَلِهِ. (6)

13. عيسى بن مريم عليه السلام: بِحَقِّ أَقْوَلٍ لَكُمْ: يَا مَعَشَرَ الحَوَارِيِّينَ، إِنَّكُمْ اليَوْمَ فِي النَّاسِ كالأَحْيَاءِ مِنَ المَوْتَى فَلَا تَمُوتُوا بِمَوْتِ الأَحْيَاءِ.

(7)

راجع: ح 17 و 18 و 20 و 361 و 373.

3/1 ما يَجِبُ عَلَى العَالِمِ

أ- تَعْلِيمُ العِلْمِ وَالحِكْمَةِ

الكتاب

«إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ اذْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَعَلَى والدَتِكَ إِذْ أَيَّدتَكَ بِرُوحِ القُدُسِ تُكَلِّمُ

ص: 28

1- تحف العقول: ص 512، بحار الأنوار: ج 14 ص 316 ح 17؛ تاريخ دمشق: ج 68 ص 68 نحوه.

2- يجثو: أي يجلس على الركب وأطراف الأصابع (مجمع البحرين: ج 1 ص 271 «جثا»).

3- الوابل: المطر الشديد (مجمع البحرين: ج 3 ص 1901 «وبل»).

4- تحف العقول: ص 393 عن الإمام الكاظم عليه السلام وص 501 وفيه «حبوا» بدل «جثوا»، بحار الأنوار: ج 1 ص 146 ح 30.

5- قَطْرَان: الذي يُطلى بها الإبل التي فيها الجَرَب، يتخذ من حَمَل شجر العرعر، ويقال: الحديد المٌذاب (مجمع البحرين: ج 3 ص 1493 «قطر»).

6- المحاسن: ج 1 ص 360 ح 772 عن زرارة عن الإمام الباقر عليه السلام، بحار الأنوار: ج 2 ص 97 ح 42.

7- تحف العقول: ص 511، بحار الأنوار: ج 14 ص 315.

10. عیسی بن مریم علیه السلام: به راستی به شما می گویم: خورشید، روشنگر هر چیزی است، و حکمت، روشنگر هر دلی، و خداترسی، سرآمد هر حکمتی است، و حق، در هر خیری و رحمت خدا در هر حقی است، و کلیدهای آن، دعا و زاری و کردار (نیک) است، و چگونه دری بدون کلید، باز می شود؟!

11. عیسی بن مریم علیه السلام: در مجالس دانشمندان گرد آید، اگر چه [به خاطر کمبود جا، ناگزیر] بر روی زانوان و سرپا بایستید؛ زیرا خداوند، دل های مرده را با نور حکمت زنده می سازد، چنان که زمین مرده را با رگبار باران، زنده می کند.

12. عیسی بن مریم علیه السلام: ای جمع یاران! بوی بد روغن چراغ شما را چه زیان رساند آن گاه که نورش به کارتان آید؟! دانش را [نیز] از هر که دارد، فرا گیرید و به کردار وی منگرید.

13. عیسی بن مریم علیه السلام: به راستی به شما می گویم: ای جمع یاران! امروز شما در میان مردمان، چونان زندگان در میان مردگانید، پس به مرگ زندگان نمیرید. (1)

ر.ك: ح 17 و 18 و 20 و 361 و 373.

3/1 وظایف دانشمند

الف-آموزش دادن علم و حکمت

قرآن

«[یاد کن] هنگامی را که خدا فرمود: ای عیسی پسر مریم! نعمت مرا بر خودت و مادرت به یاد آر،

ص: 29

1- این سخن ممکن است اشاره باشد به تلاش جهت تحصیل علم و تشویق به باقی گذاشتن آثار علمی، مانند این روایات: «العالم حیّ وإن کان میتاً. دانشمند، زنده است، اگر چه مرده باشد»، «ما مات من أحياء علماء. کسی که دانشی را زنده کرده، نمی میرد» و «العلماء باقون ما بقي الليل والتهار. دانشمندان تا شب و روز بریاست، ماندگارند» (ر.ك: دانش نامه عقاید اسلامی: ج 3 ص 309 «زنده در میان مردگان»).

النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَإِذْ عَلَّمْتِكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ». (1)

«وَلَمَّا جَاءَ عِيسَى بِالْبَيِّنَاتِ قَالَ قَدْ جِئْتُكُمْ بِالْحِكْمَةِ وَلِأَيِّنٍ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي تَخْتَلِفُونَ فِيهِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا اللَّهَ». (2)

الحديث

14. رسول الله صلى الله عليه وآله - في قوله تعالى: «وَجَعَلْنِي مُبَارِكًا أَيَّنَ مَا كُنْتُ» (3) -: البركة التي جعلها الله لعيسى عليه السلام أنه كان معلماً ومؤدباً حيثما توجه. (4)

15. عيسى بن مريم عليه السلام: يا صاحب العلم... صغر الجهال لجهلهم ولا تطردهم، ولكن قربهم وعلمهم. (5)

16. عنه عليه السلام: طوبى لمن... صغر الجهال لجهلهم ولا يطردهم، ولكن يقربهم ويعلمهم. (6)

17. عنه عليه السلام: طوبى لمن تعلم من العلماء ما جهل، وعلم الجاهل مما علم. (7)

18. عنه عليه السلام: من تعلم وعمل وعلم فذاك يسمى - أو يدعى - عظيماً في ملكوت السماء. (8) 7.

ص: 30

1- المائدة: 110.

2- الزخرف: 63.

3- مريم: 31.

4- تاريخ دمشق: ج 70 ص 99 ح 13798 عن ابن عباس وج 47 ص 360 عن جابر نحوه، الدر المنثور: ج 5 ص 509؛ نشر الدر: ج 1 ص 415 عن ابن عباس من دون إسناد إليه صلى الله عليه وآله نحوه.

5- تحف العقول: ص 502، بحار الأنوار: ج 14 ص 305 ح 17.

6- تحف العقول: ص 512، بحار الأنوار: ج 14 ص 317 ح 17.

7- تحف العقول: ص 512، بحار الأنوار: ج 14 ص 316 ح 17.

8- الزهد لابن حنبل: ص 77، جامع بيان العلم وفضله: ج 2 ص 5 كلاهما عن عبد العزيز بن ظبيان، تاريخ بغداد: ج 2 ص 230 الرقم

682 عن بشر بن منصور، حلية الأولياء: ج 6 ص 93 الرقم 345 عن ثور بن يزيد، الدر المنثور: ج 2 ص 213؛ منية المريد: ص 121 وليس

فيه «وعلم»، تنبيه الخواطر: ج 1 ص 82 نحوه، بحار الأنوار: ج 2 ص 38 ح 57.

آن گاه که تورا با روح القدس تقویت کردم که در گهواره [به اعجاز] و در میان سالی [به وحی] با مردم سخن گفتی، و آن گاه که تورا کتاب و حکمت و تورات و انجیل آموختم».

«و چون عیسی دلایل آشکار آورد، گفت: به راستی برای شما حکمت آوردم و تا در باره بعضی از آنچه در آن اختلاف می کردید، برایتان توضیح دهم. پس، از خدا بترسید و فرمانم برید».

حدیث

14. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله -در باره این سخن خداوند متعال: «و مرا بابرکت قرار داد، هر کجا که باشم»- برکتی که خدا در عیسی علیه السلام قرار داد، این بود که هر جا می رفت، آموزش می داد و تربیت می کرد.

15. عیسی بن مریم علیه السلام: ای برخوردار از دانش!... نادانان را برای نادانی شان کوچک شمار؛ لیکن از خود مران؛ بلکه آنها را به خود، نزدیک گردان و آموزششان ده.

16. عیسی بن مریم علیه السلام: خوشا به حال کسی که... نادانان را به خاطر نادانی شان خرد بشمارد؛ لیکن آنها را از خود نراند؛ بلکه به خود، نزدیکشان گرداند و آموزششان دهد!

17. عیسی بن مریم علیه السلام: خوشا به حال کسی که آنچه را نمی داند، از دانایان بیاموزد، و از آنچه می داند، به نادان آموزش دهد!

18. عیسی بن مریم علیه السلام: کسی که دانش بیاموزد و به کار بندد و آموزش دهد، وی در ملکوت آسمان، بزرگ نامیده- یا خوانده- می شود.

19. عنه عليه السلام - لِلْحَوَارِيِّينَ - لَا تَأْخُذُوا مِمَّنْ تَعْلَمُونَ مِنَ الْأَجْرِ إِلَّا مِثْلَ الَّذِي أُعْطِيْتُمْوَنِي. (1)

ب- الْعَمَلُ بِعِلْمِهِ

20. الإمام زين العابدين عليه السلام: مَكْتُوبٌ فِي الْإِنْجِيلِ: لَا تَطْلُبُوا عِلْمَ مَا لَا تَعْلَمُونَ وَلَمَّا تَعْمَلُوا بِمَا عَلِمْتُمْ؛ فَإِنَّ الْعِلْمَ إِذَا لَمْ يُعْمَلْ بِهِ لَمْ يَزِدْ صَاحِبَهُ إِلَّا كُفْرًا، وَلَمْ يَزِدْ مِنَ اللَّهِ إِلَّا بَعْدًا. (2)

21. عيسى بن مريم عليه السلام: بِحَقِّ أَقْوَلُ لَكُمْ: إِنَّ الزَّرْعَ لَا يَصْلُحُ إِلَّا بِالْمَاءِ وَالتُّرَابِ، وَكَذَلِكَ الْإِيمَانُ لَا يَصْلُحُ إِلَّا بِالْعِلْمِ وَالْعَمَلِ. (3)

22. عنه عليه السلام: بِحَقِّ أَقْوَلُ لَكُمْ: إِنَّ الْأَجْرَ مَحْرُوصٌ عَلَيْهِ، وَلَا يُدْرِكُهُ إِلَّا مَنْ عَمِلَ لَهُ. (4)

23. عنه عليه السلام: بِحَقِّ أَقْوَلُ لَكُمْ: إِنَّ النَّاسَ فِي الْحِكْمَةِ رَجُلَانِ: فَرَجُلٌ لَمْ أَتَقْنَهَا بِقَوْلِهِ وَصَدَّقَهَا بِفِعْلِهِ، وَرَجُلٌ أَتَقْنَهَا بِقَوْلِهِ وَصَدَّقَهَا بِفِعْلِهِ بِسُوءِ فِعْلِهِ، فَشَتَّانَ بَيْنَهُمَا! فَطُوبَى لِلْعُلَمَاءِ بِالْفِعْلِ، وَوَيْلٌ لِلْعُلَمَاءِ بِالْقَوْلِ. (5)

24. عنه عليه السلام: رَأَيْتُ حَجْرًا مَكْتُوبًا عَلَيْهِ: اِقْلِبْنِي، فَإِذَا عَلَيْهِ مِنْ بَاطِنِهِ: مَنْ لَا يَعْمَلُ بِمَا يَعْلَمُ مَشُومٌ عَلَيْهِ طَلَبَ مَا لَا يَعْلَمُ، وَمَرَدُوذٌ عَلَيْهِ مَا عَلِمَ. (6) 4.

ص: 32

1- الزهد لابن المبارك: ص 96 ح 283، تاريخ دمشق: ج 47 ص 460 كلاهما عن عمران الكوفي.

2- الكافي: ج 1 ص 44 ح 4 عن هاشم بن البريد، منية المرید: ص 146، تفسير القمّي: ج 2 ص 259 نحوه، بحار الأنوار: ج 2 ص 28 ح 6.

3- تحف العقول: ص 512، بحار الأنوار: ج 14 ص 316 ح 17؛ سنن الدارمي: ج 1 ص 167 ح 653 من دون إسناد إليه عليه السلام، تاريخ دمشق: ج 47 ص 461 عن وهب بن منبه وج 68 ص 67 نحوه وليس فيه «لا يصلح إلا بالعلم».

4- تحف العقول: ص 511، بحار الأنوار: ج 14 ص 315 ح 17؛ تاريخ دمشق: ج 68 ص 67 وليس فيه «له».

5- تحف العقول: ص 392 عن الإمام الكاظم عليه السلام وص 509 نحوه، بحار الأنوار: ج 1 ص 146 ح 30.

6- عدّة الداعي: ص 69، مصباح الشريعة: ص 345 وفيه «عمل» بدل «علم»، بحار الأنوار: ج 2 ص 32 ح 24.

19. عیسی بن مریم علیه السلام - به حواریان - از کسی که به او آموزش می دهید، مزدی نستانید، مگر مانند آنچه شما خود [در ازای آموختن] به من داده اید.

ب- به کار بستن دانش خود

20. امام زین العابدین علیه السلام: در انجیل نوشته است: تا زمانی که به آنچه می دانید، عمل نکرده اید، در جستجوی دانستن آنچه نمی دانید، برنیایید؛ زیرا دانش هر گاه به کار بسته نشود، جز بر کفر دارنده خویش و دوری او از خدا نمی افزاید.

21. عیسی بن مریم علیه السلام: به راستی به شما می گویم: زراعت به بار نمی نشیند، مگر با آب و خاک. همچنین ایمان به بار نمی نشیند، مگر با دانش و به کار بستن (آن).

22. عیسی بن مریم علیه السلام: به راستی به شما می گویم: همه طالب مزدند؛ اما به آن دست نمی یابد مگر کسی که برای آن، کار کند.

23. عیسی بن مریم علیه السلام: به راستی به شما می گویم: مردم در حکمت، دو گونه اند: یکی آن را با گفتارش استوار و با کردارش تصدیق می کند، و دیگری آن را با گفتارش استوار می سازد و با بدکرداری خود تباه می گرداند، و میان این دو فرق بسیار است! پس خوشا عالمان با عمل، و وای بر عالمان در گفتار!

24. عیسی بن مریم علیه السلام: سنگی را دیدم که بر آن، نوشته بود: مرا برگردان. آن را برگرداندم. پشت آن، نوشته بود: هر که دانسته هایش را به کار نبندد، آموختن آن چه را که نمی داند، برایش شوم است و آنچه را هم که آموخته، از او پذیرفته نیست.

25. عنه عليه السلام: لَيْسَ بِنَافِعِكَ أَنْ تَعْلَمَ مَا لَمْ تَعْمَلْ، إِنَّ كَثْرَةَ الْعِلْمِ لَا يَزِيدُكَ إِلَّا جَهْلًا مَا لَمْ تَعْمَلْ بِهِ. (1)

26. عنه عليه السلام: إِنَّهُ لَيْسَ بِنَافِعِكَ أَنْ تَعْلَمَ مَا لَمْ تَعْمَلْ وَلَمَّا تَعْمَلْ بِمَا قَدْ عَلِمْتَ، إِنَّ كَثْرَةَ الْعِلْمِ لَا تَزِيدُ إِلَّا كِبْرًا إِذَا لَمْ تَعْمَلْ بِهِ. (2)

راجع: ح 368.

ج- وَضَعُ الْحِكْمَةِ عِنْدَ أَهْلِهَا

27. عيسى بن مريم عليه السلام: كُنْ كَالطَّيِّبِ الْعَالِمِ الَّذِي يَصْغُ دَوَاءَهُ حَيْثُ يَعْلَمُ أَنَّهُ يَنْفَعُ. (3)

28. عنه عليه السلام: لَا تُحَدِّثُوا بِالْحِكْمَةِ الْجُهَالَ فَتَظْلِمُوهَا، وَلَا تَمْنَعُوهَا أَهْلَهَا فَتَظْلِمُوهُمْ. (4)

راجع: ح 363-367 و 369.

د- التَّجَنُّبُ عَنِ الْعُجْبِ

29. عيسى بن مريم عليه السلام - أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ لِأَصْحَابِهِ -: إِنَّمَا أَعْلَمُكُمْ لَتَعْمَلُوا، وَلَا أَعْلَمُكُمْ لَتُعْجِبُوا. (5)

راجع: ص 210 (العُجْب). 5.

ص: 34

1- ربيع الأبرار: ج 3 ص 160؛ تنبيه الخواطر: ج 1 ص 64.

2- الزهد لابن حنبل: ص 76 عن زياد أبي عمر، الدر المنثور: ج 2 ص 204.

3- تاريخ دمشق: ج 47 ص 459 عن وهب بن منبه و ج 68 ص 63، الدر المنثور: ج 2 ص 205 نقلاً عن ابن أحمد عن أبي حسان نحوه.

4- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 400 ح 5858، معاني الأخبار: ص 196 ح 2 كلاهما عن جميل بن صالح عن الإمام الصادق

عن آبائه عليهم السلام عن رسول الله صلى الله عليه وآله، الكافي: ج 1 ص 42 ح 4 عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج 2 ص

66 ح 7، المستدرک علی الصحیحین: ج 4 ص 301 ح 7707، المنتخب من مسند عبد بن حميد: ص 226 ح 675 نحوه، الدر المنثور: ج

2 ص 213 نقلاً عن ابن عساكر وكلها عن ابن عباس.

5- الأماي للمفيد: ص 208 ح 43 عن ابن سنان عن الإمام الصادق عليه السلام، تحف العقول: ص 502 بزيادة «بأنفسكم» في آخره، بحار

الأنوار: ج 14 ص 324 ح 38؛ الزهد لابن حنبل: ص 120 عن سفيان، الزهد الكبير: ص 167 ح 384 عن عيسى المرادي، جامع بيان العلم

وفضله: ج 2 ص 10 نحوه، الدر المنثور: ج 2 ص 205.

25. عیسی بن مریم علیه السلام: آموختن دانشی که به کارش نبندی، تو را سودی نمی بخشد.

دانش بسیار، هر گاه به کارش نبندی، تو را جز نادانی نمی افزاید.

26. عیسی بن مریم علیه السلام: تا زمانی که به دانسته هایت عمل نکنی، آموختن آنچه نمی دانی، سودت نمی بخشد. دانش بسیار، هر گاه به آن عمل نشود، جز تکبر نمی افزاید.

ر.ك: ح 368.

ج- آموختن حکمت به شایستگان آن

27. عیسی بن مریم علیه السلام: همانند طیب دانا باش که داروی خویش را آن جا می نهد که می داند سود می دهد.

28. عیسی بن مریم علیه السلام: حکمت را برای نادانان بازنگویید، که به آن ستم می کنید، و از اهلش هم باز مدارید که به آنان ستم روا می دارید.

ر.ك: ح 363-367 و 369.

د- دوری از خودپسندی

29. عیسی بن مریم علیه السلام - پیوسته به یارانش می فرمود-: دانشتان می آموزم، که به کار بندید، به شما نمی آموزم تا دچار خودپسندی گردید.

ر.ك: ص 211 (خودپسندی).

ص: 35

30. عيسى بن مريم عليه السلام: بِحَقِّ أَقْوَلٍ لَكُمْ: إِنَّ الْحَكِيمَ يَعْتَبِرُ بِالْجَاهِلِ، وَالْجَاهِلُ يَعْتَبِرُ بِهِوَاهُ. (1)

31. تنبيه الخواطر: قِيلَ لِعِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ أَدَبَكَ؟ قَالَ: مَا أَدَّبَنِي أَحَدٌ، رَأَيْتُ قُبْحَ الْجَهْلِ فَجَانَبْتُهُ. (2)

راجع: ص 140/الاتعاظ والاعتبار.

و-التَّوَاضُّعُ

32. الكافي عن محمد بن سنان رفعه: قَالَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا مَعْشَرَ الْحَوَارِيِّينَ، لِي إِلَيْكُمْ حَاجَةٌ، اقْضُوهَا لِي. قَالُوا: قُضِيَتْ حَاجَتُكَ يَا رُوحَ اللَّهِ. فَقَامَ فَعَسَلَ أَقْدَامَهُمْ. فَقَالُوا:

كُنَّا نَحْنُ أَحَقُّ بِهَذَا يَا رُوحَ اللَّهِ!

فَقَالَ: إِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِالْخِدْمَةِ الْعَالِمُ، إِنَّمَا تَوَاضَعْتُ هَكَذَا لِكَيْمَا تَتَوَاضَعُوا بَعْدِي فِي النَّاسِ كَتَوَاضَعْتُمْ لِي لَكُمْ، بِالتَّوَاضُّعِ تُعَمَّرُ الْحِكْمَةُ لَا بِالتَّكَبُّرِ، وَكَذَلِكَ فِي السَّهْلِ يَنْبُتُ الزَّرْعُ لَا فِي الْجَبَلِ. (3)

33. عيسى بن مريم عليه السلام: إِنَّ الزَّرْعَ يَنْبُتُ فِي السَّهْلِ وَلَا يَنْبُتُ فِي الصَّفَا (4)

، فَكَذَلِكَ الْحِكْمَةُ تُعَمَّرُ فِي قَلْبِ الْمُتَوَاضِعِ وَلَا تُعَمَّرُ فِي قَلْبِ الْمُتَكَبِّرِ الْجَبَّارِ، أَلَمْ تَعْلَمُوا أَنَّهُ مَنْ شَمَخَ بِرَأْسِهِ (5)

إِلَى السَّقْفِ شَجَّهٌ، وَمَنْ خَفَصَ بِرَأْسِهِ عَنْهُ اسْتَظَلَّ تَحْتَهُ وَأَكْتَه؟! وَكَذَلِكَ (مَنْ).

ص: 36

1- تحف العقول: ص 511، بحار الأنوار: ج 14 ص 315 ح 17.

2- تنبيه الخواطر: ج 1 ص 96، بحار الأنوار: ج 14 ص 326 ح 45؛ إحياء العلوم: ج 3 ص 100 نحوه.

3- الكافي: ج 1 ص 37 ح 6، منية المرید: ص 183، بحار الأنوار: ج 14 ص 278 ح 8.

4- الصفا: في الأصل جمع صفاة، وهي الصخرة والحجر الأملس (النهاية: ج 3 ص 40 «صفا»).

5- شمش: علا وارتفع (لسان العرب: ج 3 ص 30 «شمخ»).

30. عیسی بن مریم علیه السلام: به راستی به شما می گویم: انسان حکیم از نادان پند می گیرد و نابخرد از هوای نفس خویش! (1)

31. تنبیه الخواطر: به عیسی علیه السلام گفته شد: چه کسی تو را ادب آموخت؟ فرمود: «کسی مرا ادب نیاموخت. خود، زشتی نادانی را دیدم و از آن دوری گزیدم».

ر.ک: ص 141/ پند گرفتن و عبرت آموختن.

و- فروتنی

32. الکافی - به نقل از محمد بن سنان، در حدیثی که سند آن را به معصوم رسانده است - : عیسی بن مریم علیه السلام فرمود: ای جمع یاران! مرا به شما حاجتی است، آن را برایم بر آورید».

گفتند: بی تردید بر آورده است، ای روح خدا!

عیسی علیه السلام بر خاست و پاهایشان را شست. آنان گفتند: ما به این کار سزاوارتر بودیم، ای روح خدا!

عیسی فرمود: «سزاوارترین مردم به خدمت کردن، عالم است. چنین، فروتنی کردم تا پس از من، چونان من با مردم فروتنی کنید. حکمت، با فروتنی، سرزنده می شود نه با تکبر، چنان که کشت، در دشت می روید نه در کوه».

33. عیسی بن مریم علیه السلام: زراعت، در زمین نرم می روید و بر صخره نمی روید. بدین سان، حکمت نیز در دل انسان فروتن، پرورش می شود و نه فرد متکبر زورگو.

مگر نمی دانید که هر کس سرش را به سقف بساید، سر او را می شکافد، و آن که سرش را از سقف فروتر گیرد، در سایه آن می آساید؟! همچنین هر که برای خدا

ص: 37

1- اشاره به این که حکیم حتی از کارهایی که نادان انجام می دهد پند می گیرد و از آن اجتناب می کند، ولی نادان تنها در پی هوس خود می رود، تو گویی پند آموزی جز آن ندارد.

لَمْ يَتَوَاضِعْ لِلَّهِ حَفْضُهُ، وَمَنْ تَوَاضَعَ لِلَّهِ رَفَعَهُ. (1)

راجع: ص/132 التواضع.

ز- الخشوعُ

34. عيسى بن مريم عليه السلام: إِلَى كَمْ يَسِيلُ الْمَاءُ عَلَى الْجَبَلِ لَا يَلِينُ؟ إِلَى كَمْ تَدْرُسُونَ الْحِكْمَةَ لَا يَلِينُ عَلَيْهَا قُلُوبُكُمْ؟ (2)

راجع: ص/258 الخشوع لله و ص/260 الخشوع والصبر.

ح- الإحتياطُ

35. عيسى بن مريم عليه السلام: الْأُمُورُ ثَلَاثَةٌ: أَمْرٌ تَبَيَّنَ لَكَ رُشْدُهُ فَاتَّبِعْهُ، وَأَمْرٌ تَبَيَّنَ لَكَ غَيْبُهُ فَاجْتَنِبْهُ، وَأَمْرٌ اخْتَلَفَ فِيهِ فَرُدَّهُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.

(3)

4/1 تَكْرِيمُ الْعَالِمِ

36. عيسى بن مريم عليه السلام: طُوبَى لِمَنْ عَظَّمَ الْعُلَمَاءَ لِعِلْمِهِمْ، وَتَرَكَ مُنَازَعَتَهُمْ. (4).

ص: 38

1- تحف العقول: ص 504، بحار الأنوار: ج 14 ص 307 ح 17؛ إحياء العلوم: ج 3 ص 502 نحوه وليس فيه ذيله من «وكذلك من لم...».

2- الأُمالي للمفيد: ص 209 ح 43 عن ابن سنان عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج 14 ص 325 ح 38.

3- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 400 ح 5858، معاني الأخبار: ص 196 ح 2 كلاهما عن جميل بن صالح عن الإمام الصادق

عن آبائه عليهم السلام عن رسول الله صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ج 72 ص 204 ح 1؛ حلية الأولياء: ج 3 ص 219 الرقم

244، المستدرک علی الصحیحین: ج 4 ص 301 ح 7707 وليس فيه «صدره»، البداية والنهاية: ج 2 ص 90 كلها عن ابن عباس نحوه، كنز

العمال: ج 15 ص 855 ح 43403.

4- تحف العقول: ص 512 و ص 502 نحوه؛ بحار الأنوار: ج 14 ص 305 ح 17؛ سنن الدارمي: ج 1 ص 167 ح 653 من دون إسناد إليه

عليه السلام، تاريخ دمشق: ج 68 ص 68 كلاهما نحوه.

افتادگی نکند، خداوند، او را پست می گرداند و هر که برای خدا افتادگی کند، خدا وی را بالا می برد.

ر.ک:ص/133 فروتنی.

ز- نرم دلی

34. عیسی بن مریم علیه السلام: تا به کی آب بر کوه روان می شود و کوه نرم نمی گردد؟! تا به کی حکمت می خوانید و دل هایتان با آن نرم نمی شود؟!

ر.ک:ص/259 فروتنی در برابر خدا و ص/261 فروتنی و شکیبایی.

ح- احتیاط

35. عیسی بن مریم علیه السلام کارها سه گونه اند: کاری که درستی اش برایت روشن است، از آن پیروی کن.

کاری که نادرستی اش برایت روشن است، از آن دوری گزین.

و کاری که در آن اختلاف است، آن را به خداوند بزرگ واگذار.

4/1 گرامی داشت دانشمند

36. عیسی بن مریم علیه السلام: خوشا آن که دانشمندان را به خاطر دانششان گرامی دارد، و ستیز با آنان را فروگذارد!

ص: 39

37. عنه عليه السلام - أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ -: مَنْ لَاحَى الرَّجَالَ (1)

ذَهَبَتْ مُرْوَةٌ. (2)

5/1 ذَمُّ عُلَمَاءِ السُّوءِ

38. عيسى بن مريم عليه السلام: بِحَقِّ أَقْوَلٍ لَكُمْ: إِنَّ شَرَّ النَّاسِ لَرَجُلٌ عَالِمٌ آثَرَ دُنْيَاهُ عَلَى عِلْمِهِ، فَأَحَبَّهَا وَطَلَبَهَا وَجَهَدَ عَلَيْهَا حَتَّى لَوْ اسْتَطَاعَ أَنْ يَجْعَلَ النَّاسَ فِي حَيْرَةٍ لَفَعَلَ، وَمَاذَا يُغْنِي عَنِ الْأَعْمَى سَدَّةُ نُورِ الشَّمْسِ وَهُوَ لَا يُبْصِرُهَا؟! كَذَلِكَ لَا يُغْنِي عَنِ الْعَالِمِ عِلْمُهُ إِذْ هُوَ لَمْ يَعْمَلْ بِهِ. (3)

39. عنه عليه السلام: كَيْفَ يَكُونُ مِنْ أَهْلِ الْعِلْمِ مَنْ يَطْلُبُ الْكَلَامَ لِيُخْبِرَ بِهِ، وَلَا يَطْلُبُهُ لِيَعْمَلَ بِهِ؟! (4)

40. عنه عليه السلام - لِلْحَوَارِيِّينَ -: يَا مَلِحَ الْأَرْضِ! لَا تَقْسُدُوا؛ فَإِنَّ كُلَّ شَيْءٍ إِذَا فَسَدَ فَإِنِّي (5)

يُداوِي بِالْمِلْحِ، وَإِنَّ الْمِلْحَ إِذَا فَسَدَ فَلَيْسَ لَهُ دَوَاءٌ. (6)

41. عنه عليه السلام - لَمَّا قِيلَ لَهُ: يَا رُوحَ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ، مَنْ أَشَدُّ النَّاسِ فِتْنَةً؟ - رَلَّةٌ 1.

ص: 40

1- ملاحاة الرجال: أي مخاصمتهم (النهاية: ج 4 ص 243 «لحا»).

2- الأمالي للصدوق: ص 636 ح 853، قصص الأنبياء للراوندي: ص 274 ح 329 كلاهما عن عبد الله بن سنان عن الإمام الصادق عليه السلام، الأمالي للطوسي: ص 512 ح 1119 عن محمد بن عمر بن علي عن الإمام الباقر عن أبيه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، تحف العقول: ص 58 عن رسول الله صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ج 14 ص 318 ح 18.

3- تحف العقول: ص 503، بحار الأنوار: ج 14 ص 307 ح 17؛ جامع بيان العلم وفضله: ج 2 ص 5، تاريخ دمشق: ج 47 ص 461 عن وهب بن منبه وفيهما ذيله من «وماذا يغني».

4- سنن الدارمي: ج 1 ص 110 ح 374، شعب الإيمان: ج 2 ص 314 ح 1917، حلية الأولياء: ج 6 ص 280 الرقم 384، تاريخ دمشق: ج 47 ص 464 كلها عن هشام الدستوائي، منية المرید: ص 141، بحار الأنوار: ج 2 ص 39 ح 66.

5- هكذا في المصدر، ولعل الصواب: «فإنما».

6- الزهد لابن المبارك: ص 96 ح 283 عن عمران الكوفي، حلية الأولياء: ج 5 ص 73 عن خلف بن حوشب نحوه وليس فيه ذيله من «وإن الملح...» وراجع: مكارم الأخلاق: ج 2 ص 371 ح 2661.

37. عیسی بن مریم علیه السلام - پیوسته می فرمود: - کسی که با مردان (اهل دانش) بستیزد، شخصیتش از دست می رود.

5/1 نکوهش دانشمندان فاسد

38. عیسی بن مریم علیه السلام: به راستی به شما می گویم: بدترین مردم، دانشمندی است که دنیای خود را بر دانش خویش برمی گزیند و دوستدارش می شود و در پی آن برمی آید و برایش می کوشد، تا آن جا که اگر بتواند مردم را در سرگردانی بیفکند، این کار را می کند. گستردگی نور خورشید برای نابینایی که آن را نمی بیند، به چه کار آید؟! این چنین، دانش آن دانشمندی که آن را به کار نبندد، وی را سودی نبخشد.

39. عیسی بن مریم علیه السلام: چگونه از اهل دانش به شمار آید کسی که سخن را می جوید تا آن را بازگو کند، و نمی جویدش تا آن را به کار ببندد؟! کار ببندد؟!!

40. عیسی مریم علیه السلام - به حواریان - ای نمک زمین! فاسد مشوید؛ چرا که هر فاسد شونده ای، با نمک، درمان می شود؛ لیکن چون نمک فاسد شود، درمانی نخواهد داشت.

41. عیسی بن مریم علیه السلام - در پاسخ به این پرسش که: ای روح و کلمه خدا! فتنه انگیزترین مردمان کیست؟ - فرمود: لغزش دانشمندان؛ [زیرا] هرگاه دانشمند

العالم؛ إِذَا زَلَّ الْعَالِمُ زَلَّ بِرَلَّتِهِ عَالَمٌ كَثِيرٌ. (1)

42. عنه عليه السلام: يَا عُلَمَاءَ السُّوءِ، جَلَسْتُمْ عَلَى أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَلَا تَدْخُلُوهَا وَلَا تَدْعُونَ الْمَسَاكِينَ يَدْخُلُونَهَا، إِنَّ شَرَّ النَّاسِ عِنْدَ اللَّهِ عَالِمٌ يَطْلُبُ الدُّنْيَا بِعِلْمِهِ. (2)

43. عنه عليه السلام: الدُّنْيَا دَاءٌ الدِّينِ، وَالْعَالِمُ طَبِيبُ الدِّينِ، فَإِذَا رَأَيْتُمُ الطَّبِيبَ يَجْرُ الدَّاءَ إِلَى نَفْسِهِ فَاتَّهَمُوهُ، وَاعْلَمُوا أَنَّهُ غَيْرُ نَاصِحٍ لِّغَيْرِهِ. (3)

44. عنه عليه السلام: يَا عَبِيدَ الدُّنْيَا، إِنَّمَا مَثَلُكُمْ كَمَثَلِ السَّرَاحِ؛ يُضِيءُ لِلنَّاسِ وَيُحْرِقُ نَفْسَهُ. (4)

45. عنه عليه السلام: يَا عَبِيدَ السُّوءِ، لَا تَكُونُوا شَبِيهًا بِالْحِدَاءِ (5)

الخَاطِطَةِ، وَلَا بِالتَّعَالِبِ الخَادِعَةِ، وَلَا بِالدُّنَابِ الغَادِرَةِ، وَلَا بِالْأَسَدِ العَاتِيَةِ، كَمَا تَفْعَلُ بِالفَرَانِسِ، كَذَلِكَ تَفْعَلُونَ بِالنَّاسِ، فَرِيقًا تَخَطُّفُونَ، وَفَرِيقًا تَخْدَعُونَ، وَفَرِيقًا تَغْدِرُونَ بِهِمْ. (6)

46. عنه عليه السلام: أَشَقَى النَّاسِ مَنْ هُوَ مَعْرُوفٌ عِنْدَ النَّاسِ بِعِلْمِهِ، مَجْهُولٌ بِعَمَلِهِ. (7)

47. عنه عليه السلام: بِحَقِّ أَقُولُ لَكُمْ: وَكَيْفَ أَرْجُو أَنْ تَنْتَفِعُوا بِمَا أَقُولُ، وَأَنْتُمْ الْحِكْمَةُ تَخْرُجُ مِنْ أَفْوَاهِكُمْ وَلَا تَدْخُلُ آذَانِكُمْ، وَإِنَّمَا بَيْنَهُمَا أَرْبَعُ أَصَابِعَ، وَلَا تَعِيهَا قُلُوبُكُمْ، فَلَا أَحْرَازَ كِرَامٍ، وَلَا عَبِيدَ أَتْقِيَاءَ. (8)هـ.

ص: 42

1- الزهد لابن المبارك: ص 520 ح 1474 عن عبيد الله بن أبي جعفر، البداية والنهاية: ج 2 ص 91 عن عكرمة، تاريخ دمشق: ج 47 ص 460.

2- البداية والنهاية: ج 2 ص 91، تاريخ دمشق: ج 47 ص 462 كلاهما عن وهب، الدر المنثور: ج 2 ص 214.

3- الخصال: ص 113 ح 91 عن الأصبع بن نبادة عن الإمام علي عليه السلام، روضة الواعظين: ص 468، بحار الأنوار: ج 73 ص 140 ح 12؛ شعب الإيمان: ج 2 ص 307 ح 1889، تاريخ الإسلام للذهبي: ج 10 ص 233 الرقم 151، حلية الأولياء: ج 6 ص 361 الرقم 395 كلها عن سفيان نحوه من دون إسناد إليه عليه السلام.

4- تحف العقول: ص 501، بحار الأنوار: ج 14 ص 304.

5- الحداء: جمع حدأة، وهو طائر يطير يصيد الجرذان (لسان العرب: ج 1 ص 54 «حدأ»).

6- تحف العقول: ص 393 عن الإمام الكاظم عليه السلام، بحار الأنوار: ج 78 ص 308 ح 1.

7- عدّة الداعي: ص 69، مصباح الشريعة: ص 368، بحار الأنوار: ج 2 ص 52 ح 19.

8- الزهد الكبير: ص 168 ح 384، تاريخ دمشق: ج 47 ص 463، الزهد وصفة الزاهدين: ص 73 ح 136 وفيه «إخوان» بدل «أحرار» وكلها عن عيسى المرادي، حلية الأولياء: ج 6 ص 279 الرقم 384 عن هشام الدستوائي نحوه.

بلغزد، با لغزش او، انسان های بسیاری می لغزند.

42. عیسی بن مریم علیه السلام: ای دانشمندان فاسد! بر درهای بهشت نشسته اید و نه خود به آن در می آید و نه می گذارید بینوایان به آن در آیند. همانا بدترین مردم نزد خدا، عالمی است که با علم خویش دنیا را می جوید.

43. عیسی بن مریم علیه السلام: دینار، درد دین است و عالم، طبیب دین. پس هرگاه دیدید که طبیب، این درد را به سوی خود می کشد، به او بدگمان شوید و بدانید که او خیرخواه دیگری هم نیست.

44. عیسی بن مریم علیه السلام: ای بندگان دنیا! مَثَل شما مَثَل چراغ است که برای مردم نورافشانی می کند؛ اما خودش را می سوزاند.

45. عیسی بن مریم علیه السلام: ای بندگان بد! مانند بازهای شکاری و روبهان حيله گر و گرگان خیانت پیشه و شیران درنده نباشید تا با مردم آن کنید که این درندگان با شکارهای خود می کنند: گروهی را براباید و گروهی را بفریبید و به گروهی نیرنگ زنید!

46. عیسی بن مریم علیه السلام: شوربخت ترین مردم، کسی است که مردم او را به دانشش بشناسند و به کردارش نشناسند.

47. عیسی بن مریم علیه السلام: به راستی به شما می گویم: چگونه امیدوار باشم که از آنچه می گویم، بهره مند می شوید، در حالی که حکمت از دهان هایتان بیرون می آید و به گوش هایتان وارد نمی شود، با آن که میان دهان و گوش، تنها چهار انگشت [فاصله] است، و دل هایتان حکمت را در خود جای نمی دهد؟! پس، نه آزادگانی ارجمندید و نه بندگان پرهیزگار.

48. عنه عليه السلام: إِلَى مَتَى تَصِفُونَ الطَّرِيقَ لِلْمُدْلِجِينَ (1)

، وَأَنْتُمْ مُقِيمُونَ مَعَ الْمُتَحَرِّينَ؟ إِنَّمَا يَنْبَغِي مِنَ الْعِلْمِ الْقَلِيلُ، وَمِنَ الْعَمَلِ الْكَثِيرُ. (2)

49. تاريخ دمشق عن مالك بن دينار: كَانَ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: يَا مَعْشَرَ الْحَوَارِيِّينَ، حَتَّى مَتَى تَوْعَظُونَ لَا تَتَّعِظُونَ؟ لَقَدْ كَلَّفْتُمُ الْوَاعِظِينَ تَعَبًا! (3)

50. سير أعلام النبلاء عن المهاصر بن حبيب: أَنَّ عَيْسَى بْنَ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَقُولُ: إِنَّ الَّذِي يُصَلِّي وَيَصُومُ، وَلَا يَتْرُكُ الْخَطَايَا، مَكْتُوبٌ فِي الْمَلَكُوتِ كَذَابًا. (4)

51. عيسى بن مريم عليه السلام: وَيَلِكُمْ عُلَمَاءُ السُّوءِ، الْأَجْرَةَ تَأْخُذُونَ وَالْعَمَلَ لَا تَصْنَعُونَ! يُوشِكُ رَبُّ الْعَمَلِ أَنْ يَطْلُبَ عَمَلَهُ، وَيُوشِكُ أَنْ يُخْرِجُوا مِنَ الدُّنْيَا إِلَى ظُلْمَةِ الْقَبْرِ، كَيْفَ يَكُونُ مِنْ أَهْلِ الْعِلْمِ مَنْ مَصِيرُهُ إِلَى آخِرَتِهِ وَهُوَ مُقْبِلٌ عَلَى دُنْيَاهُ، وَمَا يَضُرُّهُ أَشْهَى إِلَيْهِ مِمَّا يَنْفَعُهُ! (5)

52. عنه عليه السلام: وَيَلِكُمْ يَا عُلَمَاءَ السُّوءِ! أَلَمْ تَكُونُوا أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ فَلَمَّا أَحْيَاكُمْ مِتُّمْ (6)

؟! وَيَلِكُمْ! أَلَمْ تَكُونُوا أَمِّيِّينَ فَعَلَّمَكُمُ فَلَمَّا عَلَّمَكُمُ نَسِيتُمْ؟! وَيَلِكُمْ! أَلَمْ تَكُونُوا جَاهِلِينَ فَفَقَّهَكُمُ اللَّهُ فَلَمَّا فَفَّقَكُمُ جَاهِلْتُمْ؟! وَيَلِكُمْ! أَلَمْ تَكُونُوا ضَالًّا فَهَدَاكُمْ فَلَمَّا هَدَاكُمْ ضَلَلْتُمْ؟! وَيَلِكُمْ! أَلَمْ تَكُونُوا عَمِيًّا فَبَصَّرَكُمُ فَلَمَّا بَصَّرَكُمُ عَمِيتُمْ؟! وَيَلِكُمْ! أَلَمْ تَكُونُوا صَمًّا فَاسْمَعَكُمُ فَلَمَّا أَسْمَعَكُمُ صَمَمْتُمْ؟! وَيَلِكُمْ! أَلَمْ تَكُونُوا بُكْمًا (7)

فَأَنْطَقَكُمُ فَلَمَّا أَنْطَقَكُمُ بَكَمْتُمْ؟! وَيَلِكُمْ! أَلَمْ تَسْتَفْتِحُوا).

ص: 44

1- أدلج: سار الليل كله (المصباح المنير: ص 198 «دلج»). والكلام على الاستعارة.

2- عيون الأخبار لابن قتيبة: ج 2 ص 127.

3- تاريخ دمشق: ج 47 ص 465.

4- سير أعلام النبلاء: ج 13 ص 196، تاريخ دمشق: ج 47 ص 448.

5- الأماشي للطوسي: ص 208 ح 356، الكافي: ج 2 ص 319 ح 13 نحوه وكلاهما عن حفص بن غياث عن الإمام الصادق عليه

السلام، بحار الأنوار: ج 2 ص 109 ح 12؛ سنن الدارمي: ج 1 ص 109 ح 374، الزهد لابن حنبل: ص 96، شعب الإيمان: ج 2 ص 314

ح 1917 كلها عن هشام الدستوائي نحوه، الدر المنثور: ج 2 ص 209.

6- بخوضكم في الدنيا والشهوات، وترككم الإقبال على الآخرة، فكنتم خلقتم للآخرة ونعيمها والبقاء فيها فأعرضتم عنها وأقبلتم إلى

الدنيا، فصرتم ميّتين بل أشدّ خيبة منهم: لأنكم في الآخرة معذبون وعن نعيمها محرومون. (هامش بحار الأنوار: ج 14 ص 312).

7- الأبيكم: الذي خلق أخرج لا يتكلم (النهاية: ج 1 ص 150 «بكم»).

48. عیسی بن مریم علیه السلام: تا به کی راه را برای شبروان توصیف می کنید و خود با سرگشتگان می مانید؟ از دانش، اندکی باید، و از کردار، بسیار.

49. تاریخ دمشق - به نقل از مالک بن دینار - عیسی بن مریم علیه السلام می فرمود: «ای جمع یاران! تا کی پند داده شوید و پند نگیرید. شما خستگی را بر واعظان تحمیل کردید».

50. سیر أعلام النبلاء - به نقل از مهاصر بن حبیب - عیسی بن مریم علیه السلام می فرمود:

«کسی که نماز می خواند و روزه می گیرد و در عین حال، گناهان را رها نمی کند، در ملکوت، دروغگو نوشته می شود».

51. عیسی بن مریم علیه السلام: وای بر شما، ای دانشمندان فاسد! مزد می گیرید و کار نمی کنید! زودا که کارفرما کارش را طلب کند، و زودا که از دنیا به سوی تاریکی گورشان برند. چگونه از اهل دانش است کسی که ره سپار آخرتش باشد، اما به دنیای خویش روی می آورد، و آنچه به زیان اوست برای وی بیشتر مورد رغبت است از آنچه سودش می رساند!

52. عیسی بن مریم علیه السلام: وای بر شما ای دانشمندان فاسد! آیا مرده نبودید و او شما را زنده کرد و چون زنده تان کرد، باز مُردید؟! وای بر شما! آیا از دانش بی بهره نبودید و او به شما آموخت، و هنگامی که به شما آموخت، فراموش کردید؟! وای بر شما! آیا نافرهیخته نبودید و او دانش و فهمتان داد و چون دانش و فهمتان داد باز نادان شدید؟! وای بر شما! آیا گم راه نبودید و او شما را راه نمود و چون راهتان نمود، دوباره گم راه شدید؟! وای بر شما! آیا کور نبودید و او شما را بینا ساخت و چون بینایتان ساخت، دگر باره کور شدید؟! وای بر شما! آیا کر نبودید و او شما را شنوا ساخت و چون شنوایتان ساخت، دوباره کر شدید؟! وای بر شما! آیا گنگ نبودید و او شما را گویا ساخت، و چون گویاتان ساخت دوباره گنگ شدید؟! وای بر شما! آیا در پی پیروزی نبودید و چون پیروزتان کرد، به عقب

فَلَمَّا فَتَحَ لَكُمْ نَكَصْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ؟! وَيَلَّكُم! أَلَمْ تَكُونُوا أَذِلَّةً فَأَعَزَّكُمْ فَلَمَّا عَزَزْتُمْ قَهَرْتُمْ وَاعْتَدَيْتُمْ وَعَصَيْتُمْ؟! وَيَلَّكُم! أَلَمْ تَكُونُوا مُسْتَضَعْفِينَ فِي الْأَرْضِ تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَفَّكُمْ (1)

النَّاسُ فَصَرَّكُمْ وَأَيَّدَكُمْ، فَلَمَّا نَصَرَّكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ وَتَجَبَّرْتُمْ؟! فَيَا وَيَلَّكُمْ مِنْ ذُلِّ يَوْمِ الْقِيَامَةِ، كَيْفَ يُهَيِّنُكُمْ وَيُصَغِّرُكُمْ؟! وَيَا وَيَلَّكُمْ يَا عُلَمَاءَ الشُّوءِ! إِنَّكُمْ لَتَعْمَلُونَ عَمَلِ الْمُلْحِدِينَ وَتَأْمَلُونَ أَمَلَ الْوَارِثِينَ وَتَطْمَئِنُّونَ بِطُمَأْنِينَةِ الْآمِنِينَ! وَلَيْسَ أَمْرُ اللَّهِ عَلَىٰ مَا تَتَمَنَّوْنَ وَتَتَخَيَّرُونَ، بَلْ لِلْمَوْتِ تَتَوَالَدُونَ، وَلِلْخَرَابِ تَبْنُونَ وَتُعَمَّرُونَ، وَلِلْوَارِثِينَ تُمَهِّدُونَ! (2)

53. عنه عليه السلام: وَيَلُّ لِلْعُلَمَاءِ الشُّوءَ، كَيْفَ تَلْطَى (3)

عَلَيْهِمُ النَّارُ؟! (4)

54. عنه عليه السلام: كَيْفَ يَكُونُ مِنْ أَهْلِ الْعِلْمِ مَنْ دُنِيَاهُ آثَرٌ عِنْدَهُ مِنْ آخِرَتِهِ، وَهُوَ فِي الدُّنْيَا أَفْضَلُ رَغْبَةً؟! (5)

55. عنه عليه السلام: كَيْفَ يَكُونُ مِنْ أَهْلِ الْعِلْمِ مَنْ هُوَ فِي مَسِيرِهِ إِلَىٰ آخِرَتِهِ وَهُوَ مُقْبِلٌ عَلَىٰ دُنْيَاهُ، وَمَا يَضُرُّهُ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِمَّا يَنْفَعُهُ؟! (6)

راجع: ص 228/ مثل العالم بلا عمل و ص 230/ مثل علماء السوء. 9.

ص: 46

- 1- الخَطْفُ: استلاب الشيء وأخذه بسرعة (النهاية: ج 2 ص 49 «خطف»).
- 2- تحف العقول: ص 508، بحار الأنوار: ج 14 ص 312 ح 17.
- 3- تَلْطَى: أي تلتهب وتضطرم، من لظى وهو اسم من أسماء النار (النهاية: ج 4 ص 252 «لظا»).
- 4- الكافي: ج 1 ص 47 ح 2 عن حفص بن غياث عن الإمام الصادق عليه السلام، منية المريد: ص 141 وفيه «تصلى» بدل «كيف تَلْطَى»، بحار الأنوار: ج 2 ص 39 ح 67.
- 5- سنن الدارمي: ج 1 ص 109 ح 374، الزهد لابن حنبل: ص 96، شعب الإيمان: ج 2 ص 314 ح 1917، حلية الأولياء: ج 6 ص 279 الرقم 384 كلَّها عن هشام صاحب الدستوائي، الدر المنثور: ج 2 ص 209؛ منية المريد: ص 141 نحوه، بحار الأنوار: ج 2 ص 39 ح 66.
- 6- الكافي: ج 2 ص 319 ح 13، الأمالي، الطوسي: ص 208 ح 356، تنبيه الخواطر: ج 2 ص 169 وفيهما «مصيره» «أشهى» بدل «مسيره» «أحب» وكلَّها عن حفص بن غياث عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج 73 ص 16 ح 5؛ سنن الدارمي: ج 1 ص 109 ح 374 وفيه «مصيره» بدل «مسيره»، حلية الأولياء: ج 6 ص 279 الرقم 384 كلاهما عن هشام صاحب الدستوائي، الدر المنثور: ج 2 ص 209.

برگشتید؟! وای بر شما! آیا خوار نبودید و او شما را عزت بخشید، و چون عزت و توان یافتید به زورگویی و تجاوز و نافرمانی پرداختید؟! وای بر شما! آیا در زمین، مستضعف نبودید، چندان که می ترسیدید مردم شما را برابند و او شما را یاری داد و حمایت کرد، و چون یاری تان کرد، به استکبار و گردن فrazی روی آوردید؟! پس وای بر شما از خواری روز رستاخیز که چگونه شما را زبون و تحقیر کند؟! وای بر شما ای دانشمندان فاسد! همچون ملحدان رفتار می کنید و آرزوی وارثان [بهشت] را دارید، و چون امان یافته گان [از عذاب و کیفر خدا] آسوده خاطر به سر می برید. کار خدا چنان نیست که شما آرزو می کنید و می پسندید.

آری! برای مردن، زاد و ولد می کنید، و برای ویران شدن، می سازید و آباد می کنید، و برای وارثان، فراهم می آورید.

53. عیسی بن مریم علیه السلام: وای بر دانشمندان فاسد! که چه سان آتش [دوزخ] بر آنان زبانه خواهد کشید!

54. عیسی بن مریم علیه السلام: چگونه از اهل دانش است کسی که دنیای خود را بر آخرتش ترجیح می دهد و به دنیا رغبت بیشتری دارد؟!!

55. عیسی بن مریم علیه السلام: چگونه از اهل دانش است کسی که رهسپار آخرت خویش است؛ اما به دنیای خود رو کرده است، و آنچه را به او زیان می زند، بیشتر از آنچه به او سود می رساند، دوست دارد؟!!

ر.ک: ص 229/ مثل عالم بی عمل و ص 231/ مثل دانشمندان فاسد.

«وَإِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ أَأَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَأُمِّي إِهْيَيْنِ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالَ سُبْحَانَكَ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَقُولَ مَا لَيْسَ لِي بِحَقِّ إِنْ كُنْتُ قُلْتُهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ تَعَلَّمَ مَا فِي نَفْسِي وَلَا أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ * مَا قُلْتُ لَهُمْ إِلَّا مَا أَمَرْتَنِي بِهِ أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ وَكُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَا دُمْتُ فِيهِمْ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنْتُ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ. (1)

56. الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَفُفُ بَيْنَ الْحَوَارِيِّينَ، فَيَعْظُهُمْ وَيَقُولُ: لَيْسَ يَعْرِفُنِي مَنْ لَا يَعْرِفُ نَفْسَهُ، وَمَنْ لَمْ يَعْرِفِ النَّفْسَ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْهِ لَمْ يَعْرِفِ النَّفْسَ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْ غَيْرِهِ، وَمَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْهِ عَرَفَنِي، وَمَنْ عَرَفَنِي الَّذِي أَرْسَلَنِي. (2)ل.

1- المائدة: 116 و 117.

2- آداب النفس: ج 2 ص 213 عن المفضل.

قرآن

«و [یاد کن] هنگامی را که خدا فرمود: ای عیسی پسر مریم! آیا تو به مردم گفتی: من و مادرم را همچون دو خدا به جای خداوند پرستید؟ گفت: منزهی تو، من حق ندارم چیزی را که شایسته من نیست بگویم. اگر من آن را گفته بودم، بی تردید تو آن را می دانستی. آنچه در نفس من است، تو می دانی، و آنچه در ذات توست، من نمی دانم؛ چرا که تو خود دانای رازهای نهانی. جز آنچه مرا بدان فرمان دادی به آنان نگفتم که: خدا، پروردگار من و پروردگار خود را عبادت کنید، و تا وقتی در میانشان بودم، بر آنان گواه بودم، و چون روح مرا گرفتی تو خود بر آنان نگهبان بودی، و تو بر هر چیز، گواهی.»

حدیث

56. امام صادق علیه السلام: عیسی بن مریم علیه السلام در میان حواریان می ایستاد و آنها را موعظه می کرد و می فرمود: «هر که خود را شناسد، مرا نمی شناسد و هر که نفس درون خود را نشناخته باشد، نفس درون دیگران را نخواهد شناخت. هر که نفس درون خود را بشناسد، مرا می شناسد، و هر که مرا بشناسد، فرستنده مرا هم می شناسد.»

ص: 49

57. تاريخ دمشق عن الحسن: كان عيسى يمشي على الماء، فقال له الحواريون: يا روح الله، إنك لتمشي على الماء! قال: نعم، ذلك باليقين بالله. قالوا: إنا بالله لموقنون.

قال لهم عيسى: ما تقولون لو عرض لكم في الطريق دُرٌّ وحجرٌ، أيهما كنتم تأخذون؟ قالوا: الدرُّ. قال: لا - والله، حتى يكون الدرُّ والياقوتُ والحجارة عندكم سواءً. (1)

58. البداية والنهاية عن الفضيل بن عياض: قيل لعيسى بن مريم عليه السلام: يا عيسى، بأي شيء تمشي على الماء؟ قال: بالإيمان واليقين، قالوا: إنا آمننا كما آمنت وأيقنا كما أيقنت!

قال: فامشوا إذن، فمشوا معه في الموج فغرقوا، فقال لهم عيسى: ما لكم؟ قالوا: خفنا الموج، قال: ألا خفتُم ربَّ الموج؟! فأخرجهم ثم ضرب بيده إلى الأرض فقبض بها، ثم بسطها فإذا في إحدى يديه ذهبٌ وفي الأخرى مدرٌّ (2)

أو حصي.

فقال: أيهما أحلى في قلوبكم؟ قالوا: هذا الذهب، قال: فإنهما عندي سواءً. (3)

59. البداية والنهاية عن بكر بن عبد الله المزني: فقد الحواريون نبيهم عيسى، فقيل لهم:

توجه نحو البحر، فانطلقوا يطلبونه، فلما انتهوا إلى البحر إذا هو يمشي على الماء يرفعه الموج مرةً ويضعه أخرى، وعليه كساءٌ مرتدٍ بنصفه ومؤترٌ بنصفه حتى انتهى إليهم، فقال له بعضهم - قال أبو هلال: ظننت أنه من أفاضلهم -: ألا أجيء إليك يا نبي الله؟

قال: بلى، قال: فوضع إحدى رجليه على الماء ثم ذهب ليضع الأخرى، فقال: 7.

ص: 50

1- تاريخ دمشق: ج 47 ص 417.

2- المدر: الطين المتماسك (النهاية: ج 4 ص 309 «مدر»).

3- البداية والنهاية: ج 2 ص 87، تاريخ دمشق: ج 47 ص 409، الدر المنثور: ج 2 ص 207.

57. تاریخ دمشق - به نقل از حسن - عیسی علیه السلام روی آب، راه می رفت. حواریان به او گفتند:

ای روح خدا! تو بر روی آب، راه می روی؟!

فرمود: «آری. این به سبب یقین به خداست». گفتند: بی تردید ما هم به خدا یقین داریم.

عیسی علیه السلام به آنان فرمود: «چه می گوید اگر در راه به مروارید و سنگی بر خورید؟ کدام يك از آنها را برمی دارید؟». گفتند: مروارید را.

عیسی علیه السلام فرمود: «نه به خدا! [یقین به خدا ندارید] مگر آن گاه که مروارید و یاقوت و سنگ برایتان یکسان باشد».

58. البداية و النهاية - به نقل از فضیل بن عیاض - به عیسی بن مریم علیه السلام گفته شد: ای عیسی! با چه چیز روی آب، راه می روی؟

فرمود: «با ایمان و یقین». گفتند: ما نیز همانند تو ایمان آورده ایم و یقین داریم!

فرمود: «پس، شما هم راه روید».

حواریان، همراه او سوار موج شدند؛ اما زیر آب رفتند. عیسی علیه السلام به آنها فرمود: «شما را چه می شود؟». گفتند: از موج می ترسیم.

فرمود: «چرا از خداوندگار موج نمی ترسید؟!» و آنها را از آب بیرون کشید. سپس دستش را به سوی زمین بُرد و مشتی از آن برداشت، سپس آن را گشود، دیدند در يك دستش طلا و در دیگری، کلوخی یا ریگی است. فرمود: «کدام يك در دل های شما شیرین تر است؟». گفتند: این طلا.

فرمود: «اما این دو نزد من یکسان است».

59. البداية و النهاية - به نقل از بکر بن عبدالله مزنی - : حواریان، پیامبرشان عیسی علیه السلام را گم کردند. به آنها گفته شد: او به سوی دریا رفت. حواریان، در جستجوی عیسی علیه السلام حرکت کردند. چون به دریا رسیدند، او را دیدند در حالی که جامه ای به تن دارد که نیمی از آن را بالاپوش خود کرده و نیم دیگرش را به کمر آویخته، روی آب راه می رود و موج، بالا- و پایینش می برد. یکی از آنان - ابو هلال [از راویان این حدیث] می گوید: به گمانم وی از بهترین هایشان بوده است - به او گفت: ای پیامبر خدا! من سوی تو نیام؟

فرمود: «آری».

پس، يك پایش را بر آب نهاد. سپس خواست پای دیگرش را هم بگذارد که گفت: آه!

اَوْه، غَرِقْتُ يَا نَبِيَّ اللَّهِ.

فَقَالَ: أَرْنِي يَدَكَ يَا قَصِيرَ الْإِيمَانِ، لَوْ أَنَّ لِبْنِ آدَمَ مِنَ الْبَيْتَيْنِ قَدْرَ شَعِيرَةٍ مَشَى عَلَى الْمَاءِ. (1)

2/2 الإِفْتِقَارُ إِلَى اللَّهِ

60. عيسى بن مريم عليه السلام - لِمَنْ قَالَ لَهُ: كَيْفَ أَصَبَحْتَ؟ - لا- أملك ما أرجو، ولا- أستطيع ما احاذر، مأموراً بالطاعة، منهيّاً عن الخطيئة، فلا أرى فقيراً أفقر مني. (2)

61. عنه عليه السلام - لِمَنْ قَالَ لَهُ: كَيْفَ أَصَبَحْتَ يَا رُوحَ اللَّهِ؟ -: أَصَبَحْتُ وَرَبِّي تَبَارَكَ وَتَعَالَى مِنْ فَوْقِي، وَالتَّائُرُ أَمَامِي، وَالمَوْتُ فِي طَلْبِي، لَا أملك ما أرجو، وَلَا أَطِيقُ دَفْعَ مَا أَكْرَهُ، فَأَيُّ فَقِيرٍ أَفْقَرُ مِنِّي. (3)

3/2 مَعْرِفَةُ مَعَالِمِ الدِّينِ

62. عيسى بن مريم عليه السلام: كَيْفَ يَصِيرُ إِلَى الجَنَّةِ مَنْ لَا يُبْصِرُ مَعَالِمَ الدِّينِ؟! (4)

راجع: ص 26/ تعلّم العلم والحكمة. 7.

ص: 52

1- البداية والنهاية: ج 2 ص 87، تاريخ دمشق: ج 47 ص 408، الدر المنثور: ج 2 ص 203.

2- بحار الأنوار: ج 74 ص 307 ح 59 نقلاً عن مصباح الشريعة.

3- الأماشي للطوسي: ص 640 ح 1322، بحار الأنوار: ج 14 ص 322 ح 32؛ تاريخ دمشق: ج 47 ص 412.

4- تحف العقول: ص 506، بحار الأنوار: ج 14 ص 309 ح 17.

غرق شدم ای پیامبر خدا!

عیسی علیه السلام فرمود: «دستت را به من بده ای کوله ایمان! اگر آدمی را به اندازه دانه ای جو یقین بود، بر روی آب، راه می رفت».

2/2 احساس نیاز به خداوند

60. عیسی بن مریم علیه السلام - در پاسخ کسی که به وی گفت: چگونه ای؟ - چنانم که آنچه را آرزو می کنم، مالک آن نیستم، و توان (دور نگه داشتن خود از) آنچه، که از آن می پرهیزم را ندارم. به فرمانبری امر و از گنهکاری نهی شده ام. پس فقیری را بینواتر از خود نمی یابم.

61. عیسی بن مریم علیه السلام - در پاسخ کسی که گفت: چگونه ای، ای روح خدا؟! - چنانم که خداوندگار بلندمرتبه و الایم بالای سر من است و دوزخ پیش رویم و مرگ در تعقیبم. نه مالک چیزی هستم که بدان امیدوارم، و نه توان دفع چیزی را دارم که ناخوشش می دارم. پس کدام فقیر، از من فقیرتر است؟!

3/2 شناخت نشانه های دین

62. عیسی بن مریم علیه السلام: چگونه رهسپار بهشت شود کسی که نشانه های دین را نمی شناسد؟!

ر.ک: ص 271/فرا گرفتن علم و حکمت.

ص: 53

63. عيسى بن مريم عليه السلام: لَا تَأْسُوا عَلَيَّ مَا فَاتَكُمْ مِنْ دُنْيَاكُمْ إِذَا سَلِمَ دِينُكُمْ، كَمَا لَا يَأْسَى أَهْلُ الدُّنْيَا عَلَيَّ مَا فَاتَهُمْ مِنْ دِينِهِمْ إِذَا سَلِمَتِ دُنْيَاهُمْ. (1)

64. عنه عليه السلام - لِلْحَوَارِيِّينَ -: اِرْضُوا بِدَنِيِّ الدُّنْيَا مَعَ سَلَامَةِ دِينِكُمْ، كَمَا رَضِيَ أَهْلُ الدُّنْيَا بِدَنِيِّ الدِّينِ مَعَ سَلَامَةِ دُنْيَاهُمْ. (2)

65. عنه عليه السلام: التَّوَمُّ عَلَى الْمَزَابِلِ وَأَكْلُ خُبْزِ الشَّعِيرِ يَسِيرٌ مَعَ سَلَامَةِ الدِّينِ. (3)

66. عنه عليه السلام: اِتَّخِذُوا الْمَسَاجِدَ مَسَاكِينَ، وَاتَّخِذُوا الْبُيُوتَ مَنَازِلَ، وَانْجُوا مِنَ الدُّنْيَا بِسَلَامٍ، وَكُلُوا مِنْ بَقْلِ الْبَرِّيَّةِ. (4)

67. الإمام الرضا عليه السلام إِنَّ أَوْحَشَ مَا يَكُونُ هَذَا الْخَلْقُ فِي ثَلَاثَةِ مَوَاطِنَ: يَوْمَ يُولَدُ وَيَخْرُجُ. 5.

ص: 54

1- الأماشي للصدوق: ص 585 ح 805 عن الحسن بن علي الخزاز عن الإمام الرضا عليه السلام، الكافي: ج 2 ص 137 ح 25، الزهد للحسين بن سعيد: ص 119 ح 140 كلاهما عن الحسن بن علي الوشاء عن الإمام الرضا عنه عليه السلام نحوه، مشكاة الأنوار: ص 469 ح 1568 عن الإمام الرضا عنه عليهما السلام، بحار الأنوار: ج 14 ص 304 ح 16.

2- عدّة الداعي: ص 111، تنبيه الخواطر: ج 1 ص 134، بحار الأنوار: ج 70 ص 322 ح 38؛ البداية والنهاية: ج 2 ص 89، تاريخ دمشق: ج 47 ص 441 كلاهما عن زكريا بن عدي.

3- ثواب الأعمال: ص 303 ح 1، معاني الأخبار: ص 341 ح 1 وفيه «خير كثير» بدل «يسير»، علل الشرائع: ص 467 ح 21 كلّها عن سهل الحلواني عن الإمام الصادق عليه السلام، مشكاة الأنوار: ص 462 ح 1538 عن مهاجر الأسدي عن الإمام الصادق عن أبيه عنه عليهم السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 14 ص 322 ح 33.

4- المصنّف لابن أبي شيبة: ج 7 ص 462 ح 10 وج 8 ص 111 ح 3، تاريخ دمشق: ج 47 ص 423 عن أبي هريرة، شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد: ج 3 ص 155.

63. عیسی بن مریم علیه السلام: هرگاه دیتتان سالم بود، برای آنچه از دنیایتان از دست می دهید، افسوس مخورید، چنان که دنیاپرستان، هرگاه دنیایشان سالم [و رو به راه] باشد، برای از دست دادن دنیایشان افسوس نمی خورند.

64. عیسی بن مریم علیه السلام - به حواریان - با وجود سالم بودن دیتتان، به کمترین دنیا رضایت دهید، چنان که دنیاپرستان، با وجود سالم بودن دنیایشان، به کمترین دین، رضایت می دهند.

65. عیسی بن مریم علیه السلام: خوابیدن در خرابه ها و خوردن نان جوین در صورتی که دین سالم باشد، آسان (ناچیز) است.

66. عیسی بن مریم علیه السلام: مسجدها را سکونتگاه بگزینید، و خانه ها را منزلگاه، و از دنیا سالم برهید، و از سبزه های بیابان بخورید.

5/2 سلامت در سه جایگاه

67. امام رضا علیه السلام: نامأنوس ترین زمان برای این آفریده (انسان)، سه زمان است: روزی که متولد می شود و از رحم مادرش بیرون می آید و دنیا را می بیند. و روزی که

مِن بَطْنِ أُمَّهِ فَيَرَى الدُّنْيَا، وَيَوْمَ يَمُوتُ فَيُعَايِنُ الآخِرَةَ وَأَهْلِهَا، وَيَوْمَ يُبْعَثُ فَيَرَى أَحْكَاماً لَمْ يَرَهَا فِي دَارِ الدُّنْيَا.

وَقَدْ سَلَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى يَحْيَى عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي هَذِهِ الثَّلَاثَةِ الْمَوَاطِنِ وَأَمَّنَ رَوْعَتَهُ فَقَالَ: «وَسَلِّمْ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ مَاتْتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا» (1)

، وَقَدْ سَلَّمَ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ عَلَى نَفْسِهِ فِي هَذِهِ الثَّلَاثَةِ الْمَوَاطِنِ فَقَالَ: «وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ أَمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا» (2)

. (3) 6/2 الإهتمام بالآخرة

68. عيسى بن مريم عليه السلام: تَعْمَلُونَ لِلدُّنْيَا وَأَنْتُمْ تُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ عَمَلٍ، وَلَا تَعْمَلُونَ لِلآخِرَةِ وَأَنْتُمْ لَا تُرْزَقُونَ فِيهَا إِلَّا بِالْعَمَلِ. (4)

69. عنه عليه السلام: أَيُّكُمْ رَأَى نُورًا اسْمُهُ ظُلْمَةٌ أَوْ ظُلْمَةٌ اسْمُهَا نُورٌ؟! كَذَلِكَ لَا يَجْتَمِعُ لِلْعَبْدِ أَنْ يَكُونَ مُؤْمِنًا كَافِرًا، وَلَا مُؤَثِّرًا لِلدُّنْيَا رَاغِبًا فِي الآخِرَةِ. هَلْ زَارِعٌ شَعِيرٍ يَحْصُدُ قُمْحًا؟ أَوْ زَارِعٌ قُمْحٍ يَحْصُدُ شَعِيرًا؟! كَذَلِكَ يَحْصُدُ كُلُّ عَبْدٍ فِي الآخِرَةِ مَا زَرَعَ، وَيُجْزَى بِمَا عَمِلَ. (5)

70. عنه عليه السلام: يَا عَبِيدَ الدُّنْيَا، بِحَقِّ أَقُولُ لَكُمْ: لَا تُدْرِكُونَ شَرَفَ الآخِرَةِ إِلَّا بِتَرْكِ 7.

ص: 56

1- مريم: 15.

2- مريم: 33.

3- عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 1 ص 257 ح 11 عن ياسر الخادم.

4- الكافي: ج 2 ص 319 ح 13، الأمالي للطوسي: ص 208 ح 356، تنبيه الخواطر: ج 2 ص 169 كلها عن حفص بن غياث عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج 71 ص 175 ح 13؛ سنن الدارمي: ج 1 ص 109 ح 374، الزهد لابن حنبل: ص 96 كلاهما عن هشام صاحب الدستوائي.

5- تحف العقول: ص 508، بحار الأنوار: ج 14 ص 311 ح 17.

می میرد و آخرت و اهل آخرت را می بیند. و روزی که برانگیخته می شود و مقرراتی را می بیند که در سرای دنیا ندیده است.

خداوند متعال، در این سه جا به یحیی علیه السلام سلام کرد، و ترسش را ریخت و فرمود: «سلام بر او در روزی که به دنیا آمد، و روزی که می میرد و روزی که باز زنده می شود». و عیسی بن مریم علیه السلام هم بر خودش در این سه جا سلام کرده و گفته است: «سلام بر من، در روزی که متولد شدم، و روزی که می میرم، و روزی که باز زنده می شوم».

6/2 اهمیت دادن به آخرت

68. عیسی بن مریم علیه السلام: شما برای دنیایی که در آن، بدون کار هم روزی داده می شوید، کار می کنید؛ اما برای آخرت که در آن، جز با عمل، روزی داده نمی شوید، کار نمی کنید!

69. عیسی بن مریم علیه السلام: کدام يك از شما نوری دیده است که نامش تاریکی باشد، یا تاریکی ای که نامش نور باشد؟! همچنین بنده نمی تواند مؤمن باشد و هم کافر، دنیاگزين باشد و هم آخرت خواه. آیا هیچ جوکاری، گندم می دروَد؟ یا گندمکاری جو درو می کند؟! همچنین، هر بنده ای در آخرت آن چیزی را می دروَد که [در دنیا] کاشته است، و پاداش کاری را می گیرد که کرده است.

70. عیسی بن مریم علیه السلام: ای بندگان دنیا! به راستی به شما می گویم: شما به شرافت آخرت دست نمی یابید مگر با رها کردن آنچه دوست دارید. پس توبه را به فردا

ما تُحِبُّونَ، فَلَا تَنْظُرُوا بِالتَّوْبَةِ عَدَاءً، فَإِنَّ دُونََ غَدٍ يَوْمًا وَلَيْلَةً، وَفَضَاءَ اللّهِ فِيهِمَا يَعْذُو وَيُرْوَحُ. (1)

71. عنه عليه السلام: بِحَقِّ أَقْوَالٍ لَكُمْ: إِنَّ أَرْوَاحَ الشَّيَاطِينِ مَا عُمِّرَتْ فِي شَيْءٍ مَا عُمِّرَتْ فِي قُلُوبِكُمْ، فَإِنَّمَا أَعْطَاكُمْ اللّهُ الدُّنْيَا لِتَعْمَلُوا فِيهَا لِلْآخِرَةِ وَلَمْ يُعْطِكُمْوهَا لِتَشْغَلَكُمْ عَنِ الْآخِرَةِ، وَإِنَّمَا بَسَّ طَهَا لَكُمْ لِتَعْلَمُوا أَنَّهُ أَعَانَكُمْ بِهَا عَلَى الْعِبَادَةِ وَلَمْ يُعِنِكُمْ بِهَا عَلَى الْخَطَايَا، وَإِنَّمَا أَمَرَكُمْ فِيهَا بِطَاعَتِهِ وَلَمْ يَأْمُرْكُمْ فِيهَا بِمَعْصِيَتِهِ، وَإِنَّمَا أَعَانَكُمْ بِهَا عَلَى الْحَلَالِ وَلَمْ يُحِلَّ لَكُمْ بِهَا الْحَرَامَ، وَإِنَّمَا وَسَّعَهَا لَكُمْ لِتَوَاصَلُوا فِيهَا، وَلَمْ يُوسَّعَهَا لَكُمْ لِتَقَاطَعُوا فِيهَا. (2)

72. عنه عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا خُلِقَتْ مَرْزَعَةً تَزْرَعُ فِيهَا الْعِبَادُ الْحُلُوفَ وَالْمُرَّ وَالشَّرَّ وَالْخَيْرَ، وَالْخَيْرُ لَهُ مَعَبَّةٌ (3)

نَافِعَةٌ يَوْمَ الْحِسَابِ، وَالشَّرُّ لَهُ عِنَاءٌ وَشِقَاءٌ يَوْمَ الْحِصَادِ. (4)

73. عنه عليه السلام: بِقَدْرِ مَا تَنْصَبُونَ (5)

هَاهُنَا تَسْتَرِيحُونَ هَاهُنَا، وَبِقَدْرِ مَا تَسْتَرِيحُونَ هَاهُنَا تَنْصَبُونَ هَاهُنَا. (6)

74. عنه عليه السلام: يَا نَفْسُ اعْمَلِي تَرْزُقِي، وَيَا جَسَدُ انصَبْ تَسْتَرِحْ. (7)

75. عنه عليه السلام: اِسْتَدَّتْ مَوْوَنَةُ الدُّنْيَا وَمَوْوَنَةُ الْآخِرَةِ؛ أَمَا مَوْوَنَةُ الدُّنْيَا فَإِنَّكَ لَا تَمُدُّم.

ص: 58

1- تحف العقول: ص 392 عن هشام عن الإمام الكاظم عليه السلام و ص 508 نحوه، بحار الأنوار: ج 1 ص 145 ح 30؛ تاريخ دمشق: ج 68 ص 66.

2- تحف العقول: ص 511، بحار الأنوار: ج 14 ص 315 ح 17.

3- الغب: عاقبة الشيء (القاموس المحيط: ج 1 ص 109 «غب»).

4- تحف العقول: ص 501، بحار الأنوار: ج 14 ص 314 ح 17.

5- نصب الرجل: تعب (الصحاح: ج 1 ص 225 «نصب»).

6- الدر المنثور: ج 2 ص 206 نقلاً عن ابن حنبل عن وهب.

7- تنبيه الخواطر: ج 2 ص 220، بحار الأنوار: ج 14 ص 329 ح 62؛ الدر المنثور: ج 2 ص 205 نقلاً عن أحمد عن وهب عنه عليه السلام.

میفکنید؛ زیرا که تا فردا یک روز و یک شب فاصله است و قضای خداوند در این یک روز و شب، آمد و شد دارد.

71. عیسی بن مریم علیه السلام: به راستی به شما می گویم: ارواح شیاطین، در هیچ چیز چنان نزیستند که در دل های شما زیسته اند. خداوند، دنیا را تنها برای این به شما داده که در آن برای آخرت کار کنید، آن را به شما نداده است که از آخرت بازتان دارد.

آن را برایتان گسترده تا بدانید با آن برای عبادت، یاریتان کرده است، نه برای گناهان. شما را در دنیا تنها به طاعت خود فرمان داده و نه به نافرمانی اش. شما را با دنیا بر حلال، مدد رسانده و حرام را در آن بر شما روا نداشته است. آن را برایتان وسعت بخشیده، تنها بدین خاطر که در آن به یکدیگر پیوندید و آن را برایتان نگسترده که در آن از یکدیگر بپُردید!

72. عیسی بن مریم علیه السلام: دنیا، به صورت کشتزاری آفریده شده است که بندگان در آن، شیرین و تلخ و بد و نیک می کارند، و نیکی در روز حسابرسی، فرجامی سودمند دارد، و بدی در روزِ درو، رنج و بدبختی به دنبال می آورد.

73. عیسی بن مریم علیه السلام: به اندازه ای که در این جا رنج می کشید، در آن جا (آخرت) می آسایید، و به اندازه ای که در این جا می آسایید، در آن جا رنج می برید.

74. عیسی بن مریم علیه السلام: ای جان! کار کن تا روزی داده شوی، و ای تن! رنج ببر تا بیاسایی.

75. عیسی بن مریم علیه السلام: هزینه به دست آوردن دنیا و آخرت، هر دو، سنگین است: اما دنیا، چون به سوی هر چیزش که دستت را دراز کنی، می بینی شخص نابه کاری،

يَدُكَ إِلَى شَيْءٍ مِنْهَا إِلَّا وَجَدْتَ فَاجْرَأْ قَدْ سَبَقَكَ إِلَيْهَا، وَأَمَّا مَوْوَنَةُ الْآخِرَةُ فَإِنَّكَ لَا تَجِدُ أَعْوَانًا يُعِينُونَكَ عَلَيْهَا. (1)

76. عنه عليه السلام: النَّوْمُ عَلَى الْحَصِيرِ وَأَكْلُ خُبْزِ الشَّعِيرِ، فِي طَلَبِ الْفِرْدَوْسِ يَسِيرٌ. (2)

77. عنه عليه السلام: أَكْلُ الشَّعِيرِ مَعَ الرَّمَادِ وَالنَّوْمُ عَلَى الْمَزَابِلِ مَعَ الْكِلَابِ، لَقَلِيلٌ فِي طَلَبِ الْفِرْدَوْسِ. (3)

راجع: ص 274/ الترغيب في الآخرة.

7/2 عَذَابُ الْقَبْرِ

78. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَرَّ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِقَبْرِ يَعْتَذِبُ صَاحِبُهُ، ثُمَّ مَرَّ بِهِ مِنْ قَابِلٍ فَإِذَا هُوَ لَا يُعْتَذِبُ، فَقَالَ: يَا رَبِّ، مَرَرْتُ بِهَذَا الْقَبْرِ عَامَ أَوَّلِ فَكَانَ يُعْتَذِبُ، وَمَرَرْتُ بِهِ الْعَامَ فَإِذَا هُوَ لَيْسَ يُعْتَذِبُ!

فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ: إِنَّهُ أَدْرَكَ لَهُ وَلَدٌ صَالِحٌ فَأَصْلَحَ طَرِيقاً وَأَوْى يَتِيماً، فَلِهَذَا غَفَرْتُ لَهُ بِمَا فَعَلَ ابْنُهُ. (4)5.

ص: 60

1- الكافي: ج 8 ص 144 ح 112، أعلام الدين: ص 234 كلاهما عن حفص بن غياث عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج 14 ص 330 ح 69.

2- تنبيه الخواطر: ج 2 ص 230، بحار الأنوار: ج 14 ص 330 ح 64.

3- البداية والنهاية: ج 2 ص 90، تاريخ دمشق: ج 47 ص 444 كلاهما عن مالك بن دينار، الدر المنثور: ج 2 ص 213.

4- الكافي: ج 6 ص 3 ح 12، عده الداعي: ص 77 كلاهما عن الفضل بن أبي قرة عن الإمام الصادق عليه السلام، الأمالي للصدوق: ص 603 ح 837 عن إبراهيم بن محمد عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، روضة الواعظين: ص 470 عن رسول الله صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ج 6 ص 220 ح 15.

پیش از تو، به سویش دست دراز کرده است؛ و اما آخرت، چون کسی را نمی یابی که در دستیابی به آن یاریت دهد.

76. عیسی بن مریم علیه السلام: خفتن بر بوریا و خوردن نان جوین، در طلب بهشت، ناچیز است.

77. عیسی بن مریم علیه السلام: خوردن [نان] جو با خاکستر و خوابیدن همراه سگان در خرابه ها، در طلب بهشت، کاری اندک است.

ر.ك:ص/275 تشویق به آخرت.

7/2 عذاب قبر

78. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: عیسی بن مریم علیه السلام بر گوری گذشت که صاحب آن عذاب می شد.

دگر سال نیز بر همان گور گذشت و دید عذاب نمی شود. فرمود: «خداوند! پارسال بر این گور گذشتم، عذاب می شد، و امسال که بر آن می گذرم، عذاب نمی شود!».

خداوند به او وحی فرمود که: «فرزندی شایسته از او بزرگ شد. راهی ساخت و یتیمی را پناه داد و من به سبب این کارهای فرزندش، او را آمرزیدم».

ص: 61

79. البداية والنهاية: وَقَفَ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ هُوَ وَأَصْحَابُهُ عَلَى قَبْرِ وَصَاحِبِهِ يُدَلِّي فِيهِ، فَجَعَلُوا يَذْكُرُونَ الْقَبْرَ وَصَبِيحَهُ.

فَقَالَ: قَدْ كُنْتُمْ فِيمَا هُوَ أَصْبَقَ مِنْهُ مِنْ أَرْحَامِ أُمَّهَاتِكُمْ، فَإِذَا أَحَبَّ اللَّهُ أَنْ يُوسِّعَ وَسَّعَ. (1)

راجع: ح 7.

8/2 مُحَاسَبَةُ يَوْمِ الْقِيَامَةِ

80. تاريخ دمشق عن كعب: إِنَّ عِيسَى بْنَ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَأْكُلُ الشَّعِيرَ، وَيَمْشِي عَلَى رِجْلَيْهِ، وَلَا يَرْكَبُ الدَّوَابَّ، وَلَا يَسْكُنُ الْبُيُوتَ، وَلَا يَصْطَبِحُ بِالسَّرَاحِ... وَلَمْ يَجْعَلْ بَيْنَ الْأَرْضِ وَبَيْنَ جِلْدِهِ شَيْئاً قَطُّ إِلَّا لِبَاسَهُ، وَلَمْ يَهْتَمَّ لِغَدَاءِ قَطُّ، وَلَا لِعِشَاءِ قَطُّ، وَلَا اشْتَهَى شَيْئاً مِنْ شَهَوَاتِ الدُّنْيَا، وَكَانَ يُجَالِسُ الضُّعَفَاءَ وَالزَّمَنِي (2)

وَالْمَسَاكِينَ، وَكَانَ إِذَا قَرَّبَ إِلَيْهِ الطَّعَامَ عَلَى شَيْءٍ وَضَعَهُ عَلَى الْأَرْضِ وَلَمْ يَأْكُلْ مَعَ الطَّعَامِ إِدَاماً قَطُّ، وَكَانَ يَجْتَرِي مِنَ الدُّنْيَا بِالْقُوْتِ الْقَلِيلِ، وَيَقُولُ: هَذَا لِمَنْ يَمُوتُ وَيُحَاسَبُ عَلَيْهِ، كَثِيرٌ. (3)

81. عيسى بن مريم عليه السلام - أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ لِأَصْحَابِهِ -: وَبَلْ لِمَنْ كَانَتْ الدُّنْيَا هَمَّهُ، وَالخَطَايَا عَمَلَهُ كَيْفَ يَفْتَضِحُ غَدًا عِنْدَ رَبِّهِ. (4).

ص: 62

-
- 1- البداية والنهاية: ج 2 ص 91، تاريخ دمشق: ج 47 ص 468، الدر المنثور: ج 2 ص 210 نقلاً عن أحمد وكلها عن وهب بن منبه.
 - 2- الزماعة: مرض يدوم زماناً طويلاً (مجمع البحرين: ج 2 ص 782 «زمن»).
 - 3- تاريخ مدينة دمشق: ج 47 ص 418، الدر المنثور: ج 2 ص 208.
 - 4- الأُمالي للمفيد: ص 209 ح 43 عن ابن سنان عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج 14 ص 325 ح 38؛ الزهد الكبير: ص 168 ح 384، تاريخ دمشق: ج 47 ص 462 وفيه «يقتضي» بدل «يفتضح» وكلاهما عن عيسى المرادي، إحياء العلوم: ج 3 ص 302 وفيه «بذنبه» بدل «عند ربّه».

79. البداية و النهاية: عيسى عليه السلام و يارانش بر گوري ايستادند كه مرده اى را در آن مى گذاشتند. پس، از گور و تنگى آن سخن به ميان آوردند. عيسى عليه السلام فرمود:

«شما در جايى تنگ تر از گور، يعنى رَجَمِ مادرانتان بوده ايد، ليكن هرگاه خداوند بخواهد كه فراخ گرداند، مى گرداند».

ر.ك: ح 7.

8/2 حسابرسى روز رستاخيز

80. تاريخ دمشق، -به نقل از كعب-: عيسى بن مريم عليه السلام [نان] جو مى خورد و پياده راه مى رفت، و چارپايى سوار نمى شد و خانه اى نداشت، و چراغ نمى افروخت...

هيچ گاه ميان زمين و پوستش چيزى جز همان جامه اش، قرار نداد. هرگز غم چاشتى و شامى را نخورد. چيزى از خواسته هاى دنياى دنياى دنيا را نخواست. با ناتوانان و زمينگيران و بينوايان مى نشست. هرگاه خوراك را بر روى چيزى مى نهادند و به نزدش مى آوردند، آن را روى زمين مى گذاشت. و هيچ گاه با نان، خورشتى نخورد. از دنيا به اندك توشه اى بسنده مى كرد و مى فرمود: «همين هم براى كسى كه مى ميرد و بر آن حسابرسى مى شود، بسيار است».

81. عيسى بن مريم عليه السلام -پيوسته به يارانش مى فرمود-: واى بر كسى كه دنيا، هم و غم اوست و گناهان، كردار او! فردا [ى قيامت]، او نزد پروردگارش چه رسوا مى شود.

ص: 63

82. عيسى بن مريم عليه السلام: وَيَلِكُمْ يَا عبيدَ السَّوءِ! كَيْفَ تَرَجُونَ أَنْ يُؤْمِنَكُمُ اللَّهُ مِنْ فَرَعِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَأَنْتُمْ تَخَافُونَ النَّاسَ فِي طَاعَةِ اللَّهِ، وَتُطِيعُونَهُمْ فِي مَعْصِيَتِهِ، وَتَقُونَ لَهُمْ بِالْعُهُودِ النَّاقِضَةِ لِعَهْدِهِ؟! بِحَقِّ أَقُولُ لَكُمْ: لَا يُؤْمِنُ اللَّهُ مِنْ فَرَعِ ذَلِكَ الْيَوْمِ مَنْ اتَّخَذَ الْعِبَادَ أَرْبَابًا مِنْ دُونِهِ. (1)

83. عنه عليه السلام: وَيَلِكُمْ يَا عبيدَ السَّوءِ! مِنْ أَجْلِ دُنْيَا دَنِيَّةٍ وَشَهْوَةِ رَدِيَّةٍ، تُفَرِّطُونَ فِي مُلْكِ الْجَنَّةِ وَتَسُونَ هَوْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ. (2)

راجع: ص/ 274 التحذير عن نار جهنم. 7.

ص: 64

1- .تحف العقول:ص 504، بحار الأنوار:ج 14 ص 307.

2- .تحف العقول:ص 505، بحار الأنوار:ج 14 ص 308 ح 17.

82. عیسی بن مریم علیه السلام: وای بر شما ای بندگان بد! چگونه امید دارید که خدا شما را از هراس روز قیامت ایمن گرداند، در صورتی که در راه فرمانبری خدا از مردم واهمه دارید، و در نافرمانی او از آنان فرمان می برید، و به پیمان های با آنها که مخالف پیمان خداست، وفا می کنید؟!

به راستی به شما می گویم: خداوند، کسی را که بندگان را به جای او به خدایگانی بگیرد، از هراس آن روز، ایمن نمی گرداند.

83. عیسی بن مریم علیه السلام: وای بر شما ای بندگان بد! از بهر دنیایی پست و شهوتی بی ارزش، در به دست آوردن مُلک بهشت کوتاهی می کنید و هراس روز رستاخیز را از یاد می برید!

ر.ك:ص 275/ هشدار درباره آتش دوزخ.

ص: 65

84. عيسى بن مريم عليه السلام: عَلَيْكُمْ بِعِبَادَةِ رَبِّكُمْ، فَإِنَّكُمْ خُلِقْتُمْ لَهَا. (1)

85. عنه عليه السلام - لِلْحَوَارِيِّينَ - بِحَقِّ أَقْوَالِكُمْ: مَا الدُّنْيَا تُرِيدُونَ وَلَا الْآخِرَةَ.

قالوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَسِّرْ لَنَا هَذَا، فَقَدْ كُنَّا نَرَى إِنَّنا نُرِيدُ إِحْدَاهُمَا!

قال: لَوْ أَرَدْتُمْ الدُّنْيَا لَأَطَعْتُمْ رَبَّ الدُّنْيَا الَّذِي مَفَاتِيحُ خَزَائِنِهَا بِيَدِهِ فَأَعْطَاكُمْ، وَلَوْ أَرَدْتُمْ الْآخِرَةَ أَطَعْتُمْ رَبَّ الْآخِرَةِ الَّذِي يَمْلِكُهَا فَأَعْطَاكُمْ، وَلَكِنْ لَا هِدْيَةَ تُرِيدُونَ وَلَا تِلْكَ. (2)

86. عيسى بن مريم عليه السلام: بِحَقِّ أَقْوَالِكُمْ: كَمَا نَظَرَ المَرِيضُ إِلَى الطَّعَامِ فَلَا يَلْتَمِذُ بِهِ مِنْ شِدَّةِ الوَجَعِ؛ كَذَلِكَ صَاحِبُ الدُّنْيَا لَا يَلْتَمِذُ بِالعِبَادَةِ وَلَا يَجِدُ حَالاً وَتَهَا مَعَ مَا يَجِدُ.

1- تاريخ دمشق: ج 47 ص 446 عن سعيد بن أبي هلال، الدر المنثور: ج 2 ص 213.

2- الدر المنثور: ج 2 ص 210 نقلاً عن أحمد عن أبي الجلد.

1/3 تشویق به عبادت

84. عیسی بن مریم علیه السلام: بر شما باد عبادت پروردگارتان؛ زیرا برای این آفریده شده اید.

85. عیسی بن مریم علیه السلام - به حواریان - : به راستی به شما می گویم: شما نه دنیا را می خواهید و نه آخرت را. حواریان گفتند: ای فرستاده خدا! این سخن را برایمان تفسیر کن؛ زیرا خود، می پنداشتیم که یکی از این دورا می خواهیم!

فرمود: «اگر دنیا را می خواستید، بی تردید از پروردگار دنیا که کلید خزانه های آن در دست اوست، فرمان می بردید تا (آن را) به شما بدهد، و اگر در پی آخرت بودید، از پروردگار آخرت که مالک آن است، فرمان می بردید تا (آن را) ارزانی تان کند، لیکن شما نه این را می خواهید و نه آن را».

2/3 آفت عبادت

86. عیسی بن مریم علیه السلام: به راستی به شما می گویم: همچنان که بیمار به غذا می نگرد، اما از شدت دردی که دارد، از آن لذتی نمی برد، دنیادار نیز به خاطر چشیدن شیرینی

من حلاوة الدنيا. (1)

87. تاريخ دمشق: لقي عيسى بن مريم عليه السلام رجلاً فقال: ما تصنع؟ قال: أتعبّد. قال: من يعولك؟ فقال: أخي. فقال: أخوك أعبد منك. (2)

راجع: ص 94/الاخلاص.

3/3 الصلاة

الكتاب

«وَأوصاني بالصلاة والزكاة ما دمت حياً». (3)

الحديث

88. الكافي عن معاوية بن وهب: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن أفضل ما يتقرب به العباد إلى ربهم وأحب ذلك إلى الله عز وجل ما هو؟

فقال: ما أعلم شيئاً بعد المعرفة أفضل من هذه الصلاة، ألا ترى أن العبد الصالح عيسى بن مريم عليه السلام قال: «وَأوصاني بالصلاة والزكاة ما دمت حياً»؟ (4)

89. الإمام الصادق عليه السلام: كان بين داود وعيسى بن مريم عليهما السلام أربع مئة سنة، وكان شريعة عيسى عليه السلام أنه بعث بالتوحيد والإخلاص، وبما أوصي به نوح وإبراهيم وموسى عليهم السلام، وأنزل عليه الإنجيل، وأخذ عليه الميثاق الذي أخذ على النبيين. 0.

ص: 68

1- التحصين لابن فهد: ص 5 ح 2، تحف العقول: ص 507 وفيه «حب المال» بدل «حلاوة الدنيا»، عدّة الداعي: ص 96، تنبيه الخواطر: ج 1 ص 148، بحار الأنوار: ج 14 ص 310 ح 17.

2- تنبيه الخواطر: ج 1 ص 65، تاريخ دمشق: ج 47 ص 468.

3- مريم: 31.

4- الكافي: ج 3 ص 264 ح 1، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 210 ح 634، الدعوات للراوندي: ص 27 ح 48، بحار الأنوار: ج 82 ص 225 ح 50.

دنیا، از عبادت لذت نمی برد و شیرینی آن را در نمی یابد.

87. تاریخ دمشق: عیسی بن مریم علیه السلام به مردی برخورد کرد. از او پرسید: «چه می کنی؟».

گفت: عبادت می کنم.

فرمود: «چه کسی مخارج تو را تأمین می کند؟».

گفت: برادرم.

فرمود: «برادرت، عابدتر از توست».

ر.ك: ص 195/ اخلاص.

3/3 نماز

قرآن

«و مرا به نماز و زکات، تا زمانی که زنده باشم، سفارش فرمود».

حدیث

88. الکافی - از معاویه بن وهب - از امام صادق علیه السلام پرسیدم: برترین و دوست داشتنی ترین وسیله نزدیک شدن بندگان به پروردگارشان، نزد خدای عز و جل چیست؟ فرمود: «پس از شناخت، چیزی برتر از این نماز نمی شناسم. آیا نمی بینی که بنده شایسته، عیسی بن مریم علیه السلام فرمود: و مرا به نماز و زکات، تا زمانی که زنده باشم، سفارش فرمود».

89. امام صادق علیه السلام: میان داوود علیه السلام تا عیسی بن مریم علیه السلام، چهارصد سال فاصله بود. شریعت عیسی علیه السلام بر پایه دعوت به یکتاپرستی و اخلاص (دوری از هرگونه شرك) و آن چیزی بود که نوح علیه السلام، ابراهیم علیه السلام و موسی علیه السلام بدان سفارش شدند. انجیل بر او فرستاده شد و از او همان پیمانی گرفته شد که از پیامبران دیگر گرفته شده بود.

ص: 69

وَشَرَّعَ لَهُ فِي الْكِتَابِ إِقَامَ الصَّلَاةِ مَعَ الدِّينِ... وَأَمَرَ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ مَعَهُ مِمَّنِ اتَّبَعَهُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْ يُؤْمِنُوا بِشَرِيعةِ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ. (1)

90. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ عِيسَى بْنَ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:... خَلَقَ اللَّيْلَ لِثَلَاثَةِ خِصَالٍ، وَخَلَقَ النَّهَارَ لِسَبْعِ خِصَالٍ، فَمَنْ مَضَى عَلَيْهِ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَهُوَ فِي غَيْرِ هَذِهِ الْخِصَالِ خَاصَمَهُ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَخَصَمَاهُ...

خَلَقَ النَّهَارَ لِتُؤَدِّيَ فِيهِ الصَّلَاةَ الْمَفْرُوضَةَ الَّتِي عَنْهَا تُسَأَلُ وَبِهَا تُحَاسَبُ، وَبِرِّ وَالِدَيْكَ... (2)

91. عيسى بن مريم عليه السلام: بِحَقِّ أَقُولُ لَكُمْ: لَيْسَ شَيْءٌ أَبْلَغُ فِي شَرَفِ الْآخِرَةِ وَأَعْوَنُ عَلَى حَوَادِثِ الدُّنْيَا مِنَ الصَّلَاةِ الدَّائِمَةِ، وَلَيْسَ شَيْءٌ أَقْرَبُ إِلَى الرَّحْمَنِ مِنْهَا، فَدُومُوا عَلَيْهَا، وَاسْتَكْثِرُوا مِنْهَا، وَكُلُّ عَمَلٍ صَالِحٍ يَقْرُبُ إِلَى اللَّهِ فَالصَّلَاةُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ وَأَثَرُ عِنْدَهُ. (3)

راجع: ص 260/ الحضور في مواضع الصلاة.

4/3 صلاة الليل

92. عيسى بن مريم عليه السلام: بِحَقِّ أَقُولُ لَكُمْ: طُوبَى لِلَّذِينَ يَتَهَجَّدُونَ مِنَ اللَّيْلِ، أُولَئِكَ الَّذِينَ يَرِثُونَ الثَّوَرَ الدَّائِمَ؛ مِنْ أَجْلِ أَنَّهُمْ قَامُوا فِي ظُلْمَةِ اللَّيْلِ عَلَى أَرْجُلِهِمْ فِي 7.

ص: 70

-
- 1- تفسير العياشي: ج 1 ص 175 ح 52 عن محمد الحلبي، بحار الأنوار: ج 14 ص 234 ح 4.
 - 2- الدر المنثور: ج 7 ص 303 نقلاً عن أبيه عن ابن مردويه عن عبد الله بن مغفل؛ بحار الأنوار: ج 58 ص 207 ح 38.
 - 3- تحف العقول: ص 508، بحار الأنوار: ج 14 ص 311 ح 17.

در کتاب [انجیل] برای او قانون بر پا داشتن نماز و دین مقرر گردید... و عیسی علیه السلام هم به مؤمنانی که از او پیروی می کردند، دستور داد تا به شریعت تورات و انجیل، ایمان داشته باشند.

90. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: عیسی بن مریم علیه السلام گفت: «... خداوند، شب را برای سه کار آفرید و روز را برای هفت کار. هر که شب و روز بر او بگذرد و او در کاری جز اینها باشد، روز رستاخیز، شب و روز با او به دشمنی برمی خیزند...»

خدا روز را آفرید تا در آن، نماز واجب را که از آن بازخواست و برایش حسابرسی می شوی، به جا آوری، و به پدر و مادرت نیکی کنی....

91. عیسی بن مریم علیه السلام: به راستی به شما می گویم: برای دستیابی به شرافت آخرت و ایستادگی در برابر حوادث دنیا، چیزی بهتر از نماز پیوسته نیست، و هیچ چیزی مانند آن به خدای مهربان، نزدیک نیست. پس بر آن مداومت ورزید و بسیار نماز بگزارید. هر کار نیکی، [انسان را] به خدا نزدیک می کند، اما نماز به او نزدیک تر است و نزد وی محبوب تر.

ر.ک: ص 261/ حضور در جایگاه های نماز.

4/3 نماز شب

92. عیسی بن مریم علیه السلام: به راستی به شما می گویم: خوشا به حال آنان که پاسی از شب را به عبادت می گذرانند! اینان اند کسانی که روشنایی همیشگی را به دست می آورند؛ زیرا در تاریکی شب، در سجاده های خود بر پا می ایستند و به درگاه

ص: 71

مَسَاجِدِهِمْ، يَتَضَرَّعُونَ إِلَى رَبِّهِمْ رَجَاءً أَنْ يُنَجِّيَهُمْ فِي الشَّدَةِ غَدًا. (1)

راجع: ص/ 256 قيام الليل وصيام النهار.

5/3 الصَّيَامُ

93. رسول الله صلى الله عليه وآله: أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْإِنْجِيلِ أَنْ قُتِلَ لِمَلَأٍ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ: إِنَّ مَنْ صَامَ لِمَرْضَاتِي صَحَّحْتُ لَهُ جِسْمَهُ، وَأَعْظَمْتُ لَهُ أَجْرَهُ. (2)

94. عيسى بن مريم عليه السلام: طُوبَى لِلَّذِينَ يَجُوعُونَ وَيَظْمَأُونَ خُشوعاً، هُمُ الَّذِينَ يُسْقَوْنَ. (3)

95. عنه عليه السلام: يَا مَعْشَرَ الْحَوَارِيِّينَ! أَجِيعُوا أَكْبَادَكُمْ، وَأَعْرِضُوا أَجْسَادَكُمْ؛ لَعَلَّ قُلُوبَكُمْ تَرَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ. (4)

6/3 ذِكْرُ اللَّهِ

96. عيسى بن مريم عليه السلام: أَكْثَرُوا ذِكْرَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَحَمَدَهُ وَتَقْدِيسَهُ وَأَطِيعُوهُ؛ فَإِنَّمَا يَكْفِي أَحَدُكُمْ.

ص: 72

1- تحف العقول: ص 510، بحار الأنوار: ج 14 ص 314 ح 17.

2- الفردوس: ج 1 ص 143 ح 512 عن أبي الدرداء، شعب الإيمان: ج 3 ص 412 ح 3923 عن أبي إسحاق الهمداني عن الإمام علي عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله وفيه «نبي من أنبياء بني إسرائيل» بدل «عيسى»، كنز العمال: ج 8 ص 455 ح 23633.

3- تحف العقول: ص 501، بحار الأنوار: ج 14 ص 304 ح 17.

4- إحياء العلوم: ج 3 ص 125، المحجبة البيضاء: ج 5 ص 148؛ مشكاة الأنوار: ص 448 ح 1503 عن رسول الله صلى الله عليه وآله نحوه.

خداوندگارشان زاری می کنند بدان امید که در سختی فردا [ای قیامت]، نجاتشان دهد.

ر.ك:ص 257/شب زنده داری و روزه داری.

5/3 روزه

93. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خدای متعال به عیسی علیه السلام در انجیل وحی فرمود که: «به بزرگان بنی اسرائیل بگو: هر کس برای خشنودی من روزه بگیرد، تنش را سالم و پاداشش را بزرگ می گردانم».

94. عیسی بن مریم علیه السلام: خوشا کسانی که از سر خشوع [برای خداوند]، گرسنگی و تشنگی می کشند (روزه می گیرند)! اینانند که [در قیامت] سیراب می شوند.

95. عیسی بن مریم علیه السلام: ای جمع یاران! جگرهای خود را گرسنه نگه دارید، و بدن هایتان را [از گناه] برهنه کنید. امید که دل هایتان خدا را ببیند!

6/3 یاد خدا

96. عیسی بن مریم علیه السلام: خدای متعال را بسیار یاد کرده و ستایش و تقدیس کنید و از او فرمان برید؛ زیرا هر يك از شما که خدای متعال از او خشنود باشد، همین اندازه

ص: 73

مِنَ الدُّعَاءِ إِذَا كَانَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ رَاضِيًا عَنْهُ أَنْ يَقُولَ: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي خَطِيئَتِي، وَأَصْلِحْ لِي مَعِيشَتِي، وَعَافِنِي مِنَ الْمَكَارِهِ يَا إِلَهِي. (1)

97. عنه عليه السلام - لَمَّا سُئِلَ عَنْ أَفْضَلِ النَّاسِ - مَنْ كَانَ مَنْطِقُهُ ذِكْرًا. (2)

98. جامع الأخبار: أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى عَيْسَى بْنِ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا عَيْسَى، إِنِّي لَأَنْسَى مَنْ يَنْسَانِي، فَكَيْفَ أَنْسَى مَنْ يَذْكُرُنِي؟! أَنَا لَأَبْخُلُ عَلَى مَنْ عَصَانِي، فَكَيْفَ أَبْخُلُ عَلَى مَنْ يُطِيعُنِي؟! (3)

99. فتح الباري عن عروة بن رويم: إِنَّ عَيْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ سَأَلَ رَبَّهُ أَنْ يُرِيَهُ مَوْضِعَ الشَّيْطَانِ مِنْ ابْنِ آدَمَ، قَالَ: فَإِذَا بِرَأْسِهِ مِثْلَ الْحَيَّةِ وَاصْبِعُ رَأْسَهُ عَلَى ثَمَرَةِ الْقَلْبِ، فَإِذَا ذَكَرَ الْعَبْدُ رَبَّهُ حَسَنًا، وَإِذَا غَفَلَ وَسُوسَ. (4)

راجع: ح 229 و 261 و 262.

7/3 الإِسْتِغْفَارُ

100. عيسى بن مريم عليه السلام: كَيْفَ يُطِيقُ حَمَلَ الْأَثْقَالِ مَنْ لَا يَسْتَعِينُ عَلَى حَمْلِهَا؟ أَمْ كَيْفَ تُحَطُّ أَوْزَارُ مَنْ لَا يَسْتَغْفِرُ اللَّهَ مِنْهَا، أَمْ كَيْفَ تَنْقَى ثِيَابُ مَنْ لَا يَغْسِلُهَا؟ وَكَيْفَ يَبْرَأُ مِنَ الْخَطَايَا مَنْ لَا يُكْفِّرُهَا؟ أَمْ كَيْفَ يَنْجُو مَنْ غَرِقَ الْبَحْرَ مَنْ يَعْبُرُ بِغَيْرِ سَفِينَةٍ؟ (5)

101. عنه عليه السلام: خَلَقَ اللَّيْلَ لِتَسْكُنَ فِيهِ الْعُرُوقُ الْفَاتِرَةُ الَّتِي أَنْعَبَتْهَا فِي نَهَارِكَ، 7.

ص: 74

1- الزهد لابن حنبل: ص 72 عن وهب بن منبه، الدر المنثور: ج 2 ص 210.

2- تنبيه الخواطر: ج 1 ص 250؛ وراجع: تاريخ دمشق: ج 47 ص 439.

3- جامع الأخبار: ص 509 ح 1417.

4- فتح الباري: ج 8 ص 742 و ج 6 ص 563 تقياً عن ابن أبي داود في كتاب الشريعة، الدر المنثور: ج 6 ص 406.

5- تحف العقول: ص 506، بحار الأنوار: ج 14 ص 309 ح 17.

کافی است که در دعا بگویید: بار خدایا! خطا و گناه مرا ببخش، و زندگی ام را رو به راه کن، و مرا از ناملایمات در امان دار، ای پروردگار من!

97. عیسی بن مریم علیه السلام - در پاسخ به این پرسش که: برترین مردم چه کسی است؟ - کسی که گفتارش، ذکر [خدا] باشد.

98. جامع الأخبار: خدای تعالی به عیسی بن مریم علیه السلام وحی فرمود که: «ای عیسی! من کسی را که فراموشم کند، فراموش نمی کنم. پس چگونه کسی را که به یاد من است، فراموش می کنم؟! من از کسی که نافرمانی ام کند، دریغ نمی کنم. پس چگونه از کسی که فرمانم می برد، دریغ می ورزم?!».

99. فتح الباری - به نقل از عروة بن رویم: عیسی علیه السلام از پروردگارش درخواست کرد که نسبت شیطان را با آدمیزاد به او نشان دهد. فرمود: «[نشانم داد و دیدم که] سر شیطان، مانند سر مار بود و سرش را گذاشته بود بر آنچه به دل آدمی (1)».

خطور می کند. هرگاه بنده پروردگارش را یاد می کرد، شیطان، کنار می کشید، و وقتی دچار غفلت می شد، او به وسوسه می پرداخت».

ر.ك: ح 229 و 261 و 262.

7/3 آموزش خواهی

100. عیسی بن مریم علیه السلام: چگونه بارهای سنگین را حمل کند کسی که برای حمل آن کمک نمی گیرد؟ یا چگونه گناهان کسی بریزد که برای آنها از خداوند، آموزش نمی خواهد؟ یا چگونه پاکیزه شود جامه های کسی که آنها را نمی شوید؟ و چگونه از خطاها پاک شود کسی که آنها را جبران نمی کند؟ و چگونه از غرق شدن در دریا نجات یابد کسی که بی کشتی به دریا می رود؟

101. عیسی بن مریم علیه السلام: خدا شب را آفرید تا رگ هایی که در روز، خسته و کوفته شان کرده ای،

ص: 75

1- در متن عربی حدیث، «ثمرة القلب» آمده که به معنای «خُطورات قلبی» است (ر.ك: فیض القدیر: ج 4 ص 589، عمدة القاری: ج 6 ص 32).

وَتَسْتَغْفِرُ لِدَنْبِكَ الَّذِي كَسَبْتَهُ فِي النَّهَارِ ثُمَّ لَا تَعُودُ فِيهِ. (1)

102. الدر المنثور عن بشير الدمشقي: مرَّ عيسى عليه السلام بِقَوْمٍ فَقَالَ: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَنَا ثَلَاثًا.

فَقَالُوا: يَا رُوحَ اللَّهِ، إِنَّا نُرِيدُ أَنْ نَسْمَعَ مِنْكَ الْيَوْمَ مَوْعِظَةً وَنَسْمَعَ مِنْكَ شَيْئًا لَمْ نَسْمَعْهُ فِيمَا مَضَى.

فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَى عَيْسَى: أَنْ قُلْ لَهُمْ: إِنِّي مَنْ أَغْفِرُ لَهُ مَغْفِرَةً وَاحِدَةً أَصْلِحْ لَهُ بِهَا دُنْيَاهُ وَآخِرَتَهُ. (2)

8/3 التَّحْمِيدُ لِلَّهِ

103. عيسى بن مريم عليه السلام: يَا بَنَ آدَمَ الضَّعِيفَ... أَكْثَرَ حَمْدِ اللَّهِ عَلَى الْفَقْرِ، فَإِنَّ مِنَ الْعِصْمَةِ أَنْ لَا تَقْدِرَ عَلَى مَا تُرِيدُ. (3)

9/3 مُلَازِمَةُ الْمَسْجِدِ

104. عيسى بن مريم عليه السلام - لِلْحَوَارِيِّينَ -: وَيَلِكُمْ يَا عِبِيدَ الدُّنْيَا! اتَّخِذُوا مَسَاجِدَ رَبِّكُمْ سُجُونًا لِأَجْسَادِكُمْ. (4)

105. عنه عليه السلام: ابْنَ آدَمَ الضَّعِيفَ! اتَّقِ اللَّهَ حَيْثُمَا كُنْتَ، وَكُلْ كِسْرَتَكَ مِنْ حَلَالٍ، 0.

ص: 76

1- الدر المنثور: ج 7 ص 303 نقلاً عن ابن مردويه عن عبد الله بن مغفل عن رسول الله صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ج 58 ص 207

ح 38.

2- الدر المنثور: ج 2 ص 204 نقلاً عن أحمد.

3- تنبيه الخواطر: ج 2 ص 229، بحار الأنوار: ج 14 ص 329 ح 63.

4- تحف العقول: ص 509 و 393 عن الإمام الكاظم عنه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 1 ص 146 ح 30.

در آن بیسایند، و برای گناهی که در روز مرتکب شده ای، آمرزش بخواهی و دیگر به آن باز نگردی.

102. الدر المنثور - به نقل از بشیر دمشقی - : عیسی بر گروهی گذشت و سه بار فرمود:

«خدایا! ما را بیامرز».

آنان گفتند: ای روح خدا! ما می خواهیم امروز از تو اندرزی بشنویم، و چیزی از تو بشنویم که در گذشته نشنیده باشیم.

پس، خداوند به عیسی وحی فرمود که: «به آنان بگو: من هر که را يك بار بیامرم، با آن آمرزش، دنیا و آخرتش را سامان می دهم».

8/3 ستایش خدا

103. عیسی بن مریم علیه السلام: ای آدمیزاد ناتوان!... خداوند را برای ناداری [خود] بسیار بستای؛ زیرا توان نداشتن، بر انجام هر کاری که اراده کنی، خود نوعی مصونیت [از گناه] است.

9/3 اهل مسجد بودن

104. عیسی بن مریم علیه السلام - به حواریان - : وای بر شما ای بندگان دنیا! عبادتگاه های خدایتان را زندان تن خویش سازید.

105. عیسی بن مریم علیه السلام: ای آدمیزاد ناتوان! هر جا که هستی، از خدا بپرهیز، و پاره نان

ص: 77

106. حلية الأولياء عن ثور: قَرَأْتُ فِي التَّوْرَةِ أَنَّ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: يَا مَعْشَرَ الْحَوَارِيِّينَ، كَلِّمُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَكَلِّمُوا النَّاسَ قَلِيلًا.

قَالُوا: وَكَيْفَ نُكَلِّمُ اللَّهَ؟ قَالَ: اخْلُوا بِمُنَاجَاتِهِ، اُخْلُوا بِدُعَائِهِ. (2)

107. عيس بن مريم عليه السلام: بِحَقِّ أَقْوَلٍ لَكُمْ: إِنَّ السَّمْسَ نُورٌ كُلُّ شَيْءٍ، وَإِنَّ الْحِكْمَةَ نُورٌ كُلُّ قَلْبٍ، وَالتَّقْوَى رَأْسٌ كُلِّ حِكْمَةٍ، وَالحَقُّ بَابُ كُلِّ خَيْرٍ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ بَابُ كُلِّ حَقٍّ، وَمَفَاتِيحُ ذَلِكَ الدُّعَاءِ وَالتَّضَرُّعِ وَالعَمَلِ، وَكَيْفَ يُفْتَحُ بَابُ بَغَيْرِ مِفْتَاحٍ؟! (3)

108. الإمام علي عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَوْحَى إِلَى عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قُلْ لِلْمَلَائِكَةِ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ: لَا يَدْخُلُوا بَيْتًا مِنْ بُيُوتِي إِلَّا بِقُلُوبٍ طَاهِرَةٍ، وَأَبْصَارٍ خَاشِعَةٍ، وَأَكْفُفٍ نَقِيَّةٍ، وَقُلْ لَهُمْ:

اعْلَمُوا أَنِّي غَيْرُ مُسْتَجِيبٍ لِأَحَدٍ مِنْكُمْ دَعْوَةً وَلَا أَحَدٍ مِنْ خَلْقِي قَبْلَهُ مَظْلَمَةً. (4)

109. عدّة الداعي عن محمد بن مسلم عن أحدهما عليهما السلام قال: يَا مُحَمَّدُ، إِنَّمَا مَثَلُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِ كَانُوا فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ، وَكَانَ لَا يَجْتَهِدُ أَحَدٌ مِنْهُمْ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً إِلَّا دَعَا فَأُجِيبَ، وَإِنَّ رَجُلًا مِنْهُمْ اجْتَهَدَ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ دَعَا فَلَمْ يُسْتَجَبْ لَهُ، فَأَتَى عِيسَى بْنَ مَرْيَمَ.

ص: 78

1- تاريخ دمشق: ج 47 ص 426 عن عتبة بن يزيد، الدر المنثور: ج 2 ص 202.

2- حلية الأولياء: ج 6 ص 94.

3- تحف العقول: ص 512، بحار الأنوار: ج 14 ص 316 ح 17؛ تاريخ دمشق: ج 68 ص 68 نحوه.

4- الخصال: ص 337 ح 40، الأمالي للمفيد: ص 133 ح 1، فلاح السائل: ص 93 ح 28، كَلِّمُوا اللَّهَ عَنْ نَوْفِ الْبِكَالِيِّ، بحار الأنوار: ج 41 ص

16 ح 9؛ حلية الأولياء: ج 1 ص 79 الرقم 4، تاريخ بغداد: ج 7 ص 162 ح 3608 كلاهما عن نَوْفِ الْبِكَالِيِّ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، كنز العمال: ج

15 ص 933 ح 43600.

خود را از حلال بخور، و مسجد را خانهٔ خویش گردان.

10/3 دعا

106. حلیة الاولیاء - به نقل از ثور - در تورات خواندم که عیسی علیه السلام فرمود: «ای جمع یاران! با خدا بسیار سخن بگویند و با مردم اندک».

حواریان گفتند: چگونه با خدا سخن بگوییم؟

فرمود: «در خلوت، با او راز و نیاز کنید. در خلوت با او نیایش کنید».

107. عیسی بن مریم علیه السلام: به راستی به شما می گویم: خورشید، روشنگر هر چیزی است، و حکمت، روشنگر هر دلی، و خدا ترسی، سرآمد هر حکمتی، و حق، در هر خوبی است و رحمت خدا در هر حقی، و کلیدهای آن، دعا و زاری و کردار (نیک) است، و در بدون کلید، چگونه باز می شود؟!

108. امام علی علیه السلام: خداوند به عیسی بن مریم علیه السلام وحی فرمود که: «به بزرگان بنی اسرائیل بگو: به هیچ خانه ای از خانه های من جز با دل هایی پاک و چشمانی فرو هشته و دستانی پاکیزه، وارد نشوند. به آنان بگو: بدانید که من دعای کسی از شما را که کسی از آفریدگانم بر گردن او حقی (ادا نشده) داشته باشد، نمی پذیرم».

109. عدّة الداعی - به نقل از محمّد بن مسلم، از امام باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام - : ای محمّد! حکایت ما خاندان، حکایت خاندانی است که در میان بنی اسرائیل بودند. هر يك از آنها که چهل شب در عبادت می کوشید و سپس دعا می کرد، دعایش

مَرِيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَشْكُو إِلَيْهِ مِمَّا هُوَ فِيهِ وَيَسْأَلُهُ الدُّعَاءَ لَهُ، فَتَطَهَّرَ عِيسَى وَصَلَّى ثُمَّ دَعَا، فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ:

يَا عِيسَى، إِنَّ عَبْدِي أَتَانِي مِنْ غَيْرِ الْبَابِ الَّذِي أَوْتَيْتَ مِنْهُ، إِنَّهُ دَعَانِي وَفِي قَلْبِهِ شَكٌّ مِنْكَ، فَلَوْ دَعَانِي حَتَّى يَنْقَطِعَ عُنُقُهُ وَتَنْتَشِرَ أَنَامِلُهُ، مَا اسْتَجَبْتُ لَهُ.

فَالْتَمَتَ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: تَدْعُو رَبِّكَ وَفِي قَلْبِكَ شَكٌّ مِنْ نَبِيِّهِ؟ قَالَ: يَا رُوحَ اللَّهِ وَكَلِمَتَهُ، قَدْ كَانَ وَاللَّهِ مَا قُلْتُ، فَاسْأَلِ اللَّهَ أَنْ يَذْهَبَ بِهِ عَنِّي.

فَدَعَا لَهُ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَتَقَبَّلَ اللَّهُ مِنْهُ، وَصَارَ فِي حَدِّ أَهْلِ بَيْتِهِ، وَكَذَلِكَ نَحْنُ أَهْلُ الْبَيْتِ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَمَلَ عَبْدٍ وَهُوَ يَشْكُ فِينَا. (1)

110. كتاب الزهد عن خالد الحذاء: كَانَ عِيسَى بْنُ مَرِيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا سَرَّحَ رُسُلَهُ يُحْيُونَ الْمَوْتَى، قَالَ:

فَكَانَ يَقُولُ لَهُمْ: قُولُوا كَذَا، قُولُوا كَذَا، فَإِذَا وَجَدْتُمْ قَشْعَرِيَّةً وَدَمْعَةً، فَادْعُوا ثُمَّ عِنْدَ ذَلِكَ. (2)

111. عِيسَى بْنُ مَرِيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَيُّ إِنْسَانٍ مِنْكُمْ يَسْأَلُهُ ابْنُهُ خُبْرًا فَيُعْطِيهِ حَجْرًا؟ وَيَسْأَلُهُ شَيْئًا مَلَّةً فَيُعْطِيهِ حَيَّةً؟ فَإِذَا كُنْتُمْ أَنْتُمْ الْأَشْرَارَ تَعْرِفُونَ تُعْطُونَ الْعَطَايَا الصَّالِحَةَ لِأَبْنَائِكُمْ، فَكَانَ بِالْأُخْرَى رَبُّكُمْ يُعْطِي الْخَيْرَاتِ لِمَنْ يَسْأَلُهُ. (3)

راجع: ص 82/ من أدعية عيسى بن مريم عليهما السلام و ص 262/ التضرع في الدعاء..».

ص: 80

1- الأماشي للمفيد: ص 2 ح 2، الكافي: ج 2 ص 400 ح 9 وليس فيه ذيله، عدّة الداعي: ص 57، تأويل الآيات الظاهرة: ج 1 ص 87 ح 73، بحار الأنوار: ج 14 ص 279 ح 10.

2- كتاب الزهد لابن حنبل: ص 77، الدر المنثور: ج 2 ص 220.

3- سعد السعود: ص 56، بحار الأنوار: ج 14 ص 318 ذيل ح 17 وفيه «خمرًا بدل «خبزًا» و«حجرًا» بدل «جمراً».

مستجاب می شد. يك بار یکی از آنان چهل شب در عبادت کوشید و سپس دعا کرد؛ اما دعایش مستجاب نشد. از این حال خود، به نزد عیسی بن مریم علیه السلام شکایت بُرد و از او خواست برایش دعا کند. عیسی وضو گرفت و نماز گزارد و سپس دعا کرد. خداوند به او وحی فرمود که: ای عیسی! این بنده ام از غیر دری که از آن باید وارد شود، نزد من آمد. او در حالی به درگاهم دعا کرد که نسبت به تو در دلش تردیدی داشت. پس اگر چندان مرا بخواند که گردش قطع شود و انگشتانش بریزد، جوابش را نخواهم داد.

عیسی علیه السلام رو به آن مرد کرد و فرمود: «تو در حالی خدایت را می خوانی که در دلت نسبت به پیامبر او مردّدی؟»

مرد گفت: ای روح و کلمه خدا! به خدا، چنان است که گفتم. پس، از خدا بخواه که آن تردید را از من ببرد.

عیسی علیه السلام برایش دعا کرد و خداوند توبه آن مرد را پذیرفت و مانند یکی از خاندانش شد.

ما خاندان نیز این گونه ایم. خداوند، عمل بنده ای را که در [حقانیت] ما تردید داشته باشد، نمی پذیرد.

110. کتاب الزهد - به نقل از خالد حدّاء - : وقتی عیسی بن مریم علیه السلام فرستادگانش را می فرستاد تا مردگان را زنده کنند، به آنها می فرمود: چنین و چنان بگویند، پس هر گاه لرزه و اشکی در خود یافتید، در چنین حالتی دعا کنید.

111. عیسی بن مریم علیه السلام: کدام يك از شماست که فرزندش از او نانی بخواهد و او سنگی به دستش دهد؟ و از او روپوشی بخواهد و او ماری به دستش دهد؟ حال، وقتی شما بدکرداران می دانید که باید چیزهای خوب به فرزندانتان بدهید، خداوندتان سزاوارتر است چیزهای خوب را به کسی که از او بخواهد، بدهد.

ر.ک: ص 83/ برخی از دعاهای عیسی بن مریم علیه السلام و ص 263/ زاری در دعا.

الكتاب

«قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا عِيداً لِأَوَّلِنَا وَآخِرِنَا وَآيَةً مِنْكَ وَارزُقْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ * قَالَ اللَّهُ إِنِّي مُنزِّلُهَا عَلَيْكُمْ فَمَنْ يَكْفُرْ بَعْدُ مِنْكُمْ فَإِنِّي أُعَذِّبُهُ عَذَاباً لَا أُعَذِّبُهُ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ». (1)

«فَلَمَّا أَحَسَّ عِيسَى مِنْهُمُ الْكُفْرَ قَالَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ آمَنَّا بِاللَّهِ وَأَشْهَدُ بِأَنَّكَ مُسْلِمُونَ * رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ». (2)

الحديث

112. الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَهْدَى إِلَى عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامَ خَمْسَ دَعَوَاتٍ جَاءَ بِهَا جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي أَيَّامِ الْعَشْرِ فَقَالَ: يَا عِيسَى، ادْعُ بِهَذِهِ الْخَمْسِ الدَّعَوَاتِ؛ فَإِنَّهُ لَيْسَتْ عِبَادَةٌ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ مِنْ عِبَادَتِهِ فِي أَيَّامِ الْعَشْرِ - يَعْنِي عَشْرَ ذِي الْحِجَّةِ -:

أَوَّلُهُنَّ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

وَالثَّانِيَةُ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، أَحَدًا صَمَدًا لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وُلْدًا.

وَالثَّلَاثَةُ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، أَحَدًا صَمَدًا لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ.

وَالرَّابِعَةُ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي 3.

ص: 82

1- المائدة: 114 و 115.

2- آل عمران: 52 و 53.

قرآن

«عیسی بن مریم گفت: خدایا! پروردگارا! از آسمان، خوانی بر ما فرو فرست تا عیدی برای اوّل و آخر ما باشد و نشانه ای از جانب تو، و ما را روزی ده که بهترین روزی دهندگانی. خداوند فرمود:

«من آن را بر شما فرو خواهم فرستاد و [لی] هر کس از شما پس از آن انکار ورزد، وی را چنان عذایی کنم که هیچ يك از جهانیان را چنان عذاب نکرده باشم»».

«چون عیسی از آنها احساس کفر کرد، فرمود: «یاران من در راه خدا چه کسانی هستند؟». حواریان گفتند: ما یاران [دین] خداییم. به خدا ایمان آورده ایم، و گواه باش که ما تسلیم هستیم. خداوندا! ما به آنچه فرو فرستادی، گرویدیم و فرستاده [ات] را پیروی کردیم. پس ما را در زمره گواهان بنویس»».

حدیث

112. امام باقر علیه السلام: خداوند متعال به عیسی بن مریم علیه السلام پنج دعا هدیه کرد. این پنج دعا را جبرئیل علیه السلام در ایام دهه آورد و گفت: ای عیسی! این پنج دعا را بخوان؛ زیرا هیچ عبادتی نزد خدا محبوب تر از عبادت کردن به درگاه او در ایام دهه-یعنی دهه [اول] ذیحجه- نیست:

دعای اوّل: گواهی می دهم که خدایی جز الله نیست! یگانه است و بی شریک. از آن اوست پادشاهی و برای اوست سپاس. خیر و خوبی در دست اوست و او بر هر چیزی تواناست.

دعای دوم: گواهی می دهم که خدایی جز الله نیست! یگانه است و بی شریک. یکتاست و بی نیاز. نه همسری گرفته و نه فرزندی دارد.

دعای سوم: گواهی می دهم که خدایی جز الله نیست! یگانه است و بی شریک.

یکتاست و بی نیاز. نه فرزندی زاده است و نه خود زاده کسی است، و هیچ کس همتای او نیست.

دعای چهارم: گواهی می دهم که خدایی جز الله نیست! یگانه است و بی شریک. از آن

وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

والخامسة: حَسْبِيَ اللَّهُ وَكَفَى، سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ دَعَا، لَيْسَ وَرَاءَ اللَّهِ مُنْتَهَى، أَشْهَدُ لِلَّهِ بِمَا دَعَا، وَأَنَّهُ بَرِيءٌ مِمَّنْ تَبَرَّى، وَأَنَّ لِلَّهِ الْآخِرَةَ وَالْأُولَى. (1)

113. الإمام الصادق عليه السلام عن آبائه عليهم السلام عن رسول الله صلى الله عليه وآله: لَمَّا اجْتَمَعَتِ الْيَهُودُ عَلَى عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ لِيَقْتُلُوهُ بِرَعْمِهِمْ، أَتَاهُ جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَعَشَّاهُ بِجَنَاحِهِ، وَطَمَحَ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ بِبَصَرِهِ فَإِذَا هُوَ بِكِتَابٍ فِي جَنَاحِ جِبْرَائِيلَ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ بِاسْمِكَ الْوَاحِدِ الْأَعَزِّ، وَأَدْعُوكَ اللَّهُمَّ بِاسْمِكَ الصَّمَدِ، وَأَدْعُوكَ اللَّهُمَّ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الْوَتَرِ، وَأَدْعُوكَ اللَّهُمَّ بِاسْمِكَ الْكَبِيرِ الْمُتَعَالِ الَّذِي ثَبَّتَ أَرْكَانَكَ كُلَّهَا، أَنْ تَكْشِفَ عَنِّي مَا أَصْبَحْتُ وَأَمْسَيْتُ فِيهِ».

فَلَمَّا دَعَا بِهِ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى جِبْرَائِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ارْفَعُهُ إِلَيَّ عِنْدِي.

ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ، سَلُوا رَبَّكُمْ بِهِؤَلَاءِ الْكَلِمَاتِ، فَوَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، مَا دَعَا بِهِنَّ عَبْدٌ بِإِخْلَاصٍ وَنِيَّةٍ إِلَّا اهْتَرَّتْ لَهُ الْعَرْشُ، وَإِلَّا قَالَ اللَّهُ لِمَلَائِكَتِهِ: اشْهَدُوا إِنِّي قَدْ اسْتَجَبْتُ لَهُ بِهِنَّ، وَأَعْطَيْتُهُ سُؤْلَهُ فِي عَاجِلِ دُنْيَاهُ وَأَجَلِ آخِرَتِهِ. (2)

114. البداية والنهاية عن أبي هريرة: إِنَّ عِيسَى بْنَ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَوَّلُ مَا أَطْلَقَ اللَّهُ لِسَانَهُ بَعْدَ الْكَلَامِ الَّذِي تَكَلَّمَ بِهِ وَهُوَ طِفْلٌ، فَمَجَّدَ اللَّهُ تَمَجِيداً لَمْ تَسْمَعْ الْأَذَانُ بِمِثْلِهِ، لَمْ يَدْعُ شَمْساً وَلَا قَمَراً وَلَا جَبَلاً وَلَا نَهراً وَلَا عَيْناً إِلَّا ذَكَرَهُ فِي تَمَجِيدِهِ، فَقَالَ:

اللَّهُمَّ، أَنْتَ الْقَرِيبُ فِي عُلُوكِ الْمُتَعَالِ فِي دُنُوكِ، الرَّفِيعُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ.

ص: 84

1- الإقبال: ج 2 ص 46 عن عبد الله بن عبد بن عمير.

2- قصص الأنبياء للراوندي: ص 276 ح 333 عن عمر، المصباح للكفعمي: ص 399 نحوه، بحار الأنوار: ج 14 ص 338 ح 8: تاريخ بغداد: ج 11 ص 379 الرقم 6242، تاريخ دمشق: ج 47 ص 471 ح 10287 كلاهما عن أنس عن رسول الله صلى الله عليه وآله نحوه.

اوست پادشاهی و برای اوست سپاس. زنده می کند و می میراند و او خود زنده نامیراست. خیر و خوبی همه در دست اوست و او بر هر چیزی تواناست.

دعای پنجم: خدا مرا بس است و کافی. خدا دعای کسی را که بخواندش می شنود. آن سوی خدا پایانی نیست. گواهی می دهم برای خدا به آنچه که دعوت کرد و این که او به راستی بیزار است از هر که بیزاری بجوید، و این که انجام و آغاز [آخرت و دنیا] از آن اوست.

113. امام صادق علیه السلام - به نقل از پدرانش علیهم السلام از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - چون یهود جمع شدند تا به خیال خود، عیسی علیه السلام را به قتل برسانند، جبرائیل علیه السلام نزد عیسی علیه السلام آمد و او را زیر بال خود گرفت. عیسی علیه السلام نگاه کرد، دید بر بال جبرائیل نوشته است: «خدایا! تو را می خوانم به نامت: یگانه و شکست ناپذیر. خدایا! تو را می خوانم به نامت:

بی نیاز. خدایا! تو را می خوانم به نامت: بزرگ و تک. خدایا! تو را می خوانم به نامت: کبیر و والا که همه ارکان تو را استوار کرده است، که مرا از این گرفتاری که بام و شام در آنم، نجات دهی».

چون عیسی علیه السلام این دعا را خواند، خدای بلندمرتبه به جبرائیل علیه السلام وحی فرمود که: «او را نزد من فراز آر».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، سپس فرمود: ای پسران عبد المطلب! از پروردگارتان با این کلمات بخواهید؛ زیرا سوگند به آن که جانم در دست اوست، هیچ بنده ای، این دعا را با تبت خالص نخواند، مگر این که عرش برایش به لرزه درآمد، و مگر این که خداوند به فرشتگانش فرمود: گواه باشید که من به واسطه این کلمات، دعای او را مستجاب نمودم و خواسته اش را در دنیا و آخرتش به او عطا کردم.

114. البداية و النهایة - به نقل از ابو هریره - عیسی بن مریم علیه السلام پس از آن که خداوند زبان او را در نوزادی به آن سخنانی که گفت، گویا کرد، به تمجید خداوند پرداخت، چنان تمجیدی که گوش ها مانند آن نشنیده بود. او در تمجید خود از خورشید و ماه و کوه و رود و چشمه یاد کرد و فرمود: «بار خدایا! تو با آن که بالایی، نزدیک هستی، و با آن که نزدیکی، در اوج بلندایی. بالادست همه آفریدگان خود هستی».

تو آنی که با کلمات، هفت طبقه آسمان را در هوا آفریدی

مِنْ خَلْقِكَ. أَنْتَ الَّذِي خَلَقْتَ سَبْعاً فِي الْهَوَاءِ بِكَلِمَاتِكَ مُسْتَوِيَاتٍ طِبَاقاً أَجَبْنَ وَهَنَّ دُخَانٌ مِنْ فَرْقِكَ، فَأَتَيْنَ طَائِعَاتٍ لِأَمْرِكَ، فِيهِنَّ مَلَائِكَتُكَ يُسَبِّحُونَ قُدْسَكَ لِتَقْدِيسِكَ، وَجَعَلْتَ فِيهِنَّ دُوراً عَلَى سَوَادِ الطَّلَاحِمِ وَضِيَاءً مِنْ ضَوْءِ الشَّمْسِ بِالنَّهَارِ، وَجَعَلْتَ فِيهِنَّ الرَّعْدَ الْمُسَبِّحَ بِالْحَمْدِ، فَبِعِزَّتِكَ يَجْلُو ضَوْءُ ظِلْمَتِكَ. وَجَعَلْتَ فِيهِنَّ مَصَابِيحَ يَهْتَدَى بِهِنَّ فِي ظُلُمَاتِ الْحِيرَانِ.

فَتَبَارَكَ اللَّهُمَّ فِي مَفْطُورِ سَمَاوَاتِكَ وَفِي مَا دَحَوْتَ مِنْ أَرْضِكَ، دَحَوْتَهَا (1)

عَلَى الْمَاءِ، فَسَدَّ مَكْتَهَا عَلَى تَيَّارِ الْمَوْجِ الْغَامِرِ، فَأَذَلَّتْهَا إِذْ لَمْ تَنْظَاهِرِ، فَذَلَّ لَطَاعَتِكَ صَدْعُهَا، وَاسْتَحْيَا لِأَمْرِكَ أَمْرُهَا، وَخَصَّدَتْ لِعِزَّتِكَ أَمْوَالَهَا، فَفُجِّرَتْ فِيهَا بَعْدَ الْبُحُورِ الْأَنْهَارِ، وَمِنْ بَعْدِ الْأَنْهَارِ الْجَدَاوِلُ الصَّغَارُ، وَمِنْ بَعْدِ الْجَدَاوِلِ يَنْبِيعُ الْعَيْونِ الْغَزَارِ، ثُمَّ أَخْرَجَتْ مِنْهَا الْأَنْهَارَ وَالْأَشْجَارَ وَالشَّمَارَ، ثُمَّ جَعَلْتَ عَلَى ظَهْرِهَا الْجِبَالَ، فَوَدَّتْهَا أَوْ تَادَأُ عَلَى ظَهْرِ الْمَاءِ، فَأَطَاعَتْ أَطْوَادَهَا وَجُلْمُودَهَا.

فَتَبَارَكَ اللَّهُمَّ، فَمَنْ يَبْلُغُ بِنِعْمَتِكَ نِعْمَتَكَ، أَمَّنْ يَبْلُغُ بِصِدْقَتِهِ صِدْقَتَكَ؟ تَسُدُّ السَّحَابَ، وَتَقُكُ الرِّقَابَ، وَتَقْضِي الْحَقَّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاصِلِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ، أَمَرْتَ أَنْ نَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ، سَتَرْتَ السَّمَاوَاتِ عَنِ النَّاسِ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ، إِنَّمَا يَغْشَاكَ مِنْ عِبَادِكَ الْأَكْيَاسُ.

نَشْهَدُ أَنَّكَ لَسْتَ بِإِلَهٍ اسْتَحْدَثْنَاكَ، وَلَا رَبَّ يَبِيدُ ذِكْرَهُ، وَلَا كَانَ مَعَكَ شَرِكَاءُ فَندَعُوهُمْ وَندُكْرُكُ، وَلَا أَعَانَكَ عَلَى خَلْقِنَا أَحَدٌ، فَنَشْكُكَ فِيكَ، نَشْهَدُ أَنَّكَ أَحَدٌ صَمَدٌ، لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَكَ كُفُؤاً أَحَدٌ. (2)

115. عيسى بن مريم عليه السلام: اللَّهُمَّ خَالِقَ النَّفْسِ مِنَ النَّفْسِ، وَمُخْرِجَ النَّفْسِ مِنَ النَّفْسِ، هـ.

ص: 86

1- أي: بسطتها.

2- البداية والنهاية: ج 2 ص 76، تاريخ دمشق: ج 47 ص 377 و 473 عن وهب وكلاهما نحوه.

و در حالی که دود (بخار) بودند، از بیم تو فرمانت را اجابت کردند و فرمان بردارانه آمدند و فرشتگان در میان آنها تو را تسبیح و تقدیس می کردند، و در آنها نوری بر روی سیاهی تاریکی قراردادی و پرتوی از روشنایی خورشید در روز، و در آنها رعد قرار دادی که تو را تسبیح و ستایش می گویند. پس، از عزت توست که نور تاریکی ات آشکار می شود، و در آنها (آسمانها) چراغ هایی قرار دادی که به واسطه آنها در تاریکی های سرگردانی، راهیابی می شود.

پس بزرگی تو- ای خدای!- که آسمان هایت را آفریدی و زمینت را گستردی؛ آن را بر روی آب گستردی، و بر روی جریان موج متلاطم، نگاهش داشتی، و آشکارا رامش ساختی، و در برابر تو سر طاعت فرود آورد، و از تو شرم کرد، و امواج آن در برابر قدرت تو خاضع شد، و پس از دریاها، رودها در آن شکافته شد، و پس از رودها، جویبارها، و پس از جویبارها، چشمه های جوشان، و سپس از آن، نهرها و درخت ها و میوه ها را پدید آوردی. آن گاه، بر روی آن، کوه ها را قرار دادی، و بر روی آب، میخکوبشان کردی. پس کوه ها و صخره هایش از تو فرمان بردند.

بزرگی تو ای خداوند! پس کیست که با ستودنش از پس ستایش تو بر آید؟ یا کیست که با وصف خود، تو را داشته باشد؟ تو ابرها را می گسترانی، و بندگان را آزاد می کنی، و به حق حکم می کنی و تو بهترین داورانی. خدایی جز تو نیست منزهی تو. دستور داده ای که برای هر گناهی، از تو آموزش بخواهیم.

خدایی جز تو نیست. منزهی تو. آسمان ها را از [دیدة] مردم پوشاندی. خدایی جز تو نیست. منزهی تو. تنها بندگان زیرک تو اند که از تو می ترسند.

گواهی می دهیم که تو خدایی نیستی که ما پدیدت آورده باشیم، و پروردگاری نیستی که نامش از میان برود، و تو را شریکانی نیست که هم آنها را بخوانیم و هم تو را یاد کنیم، و هیچ کس در آفریدن ما یاریت نکرده است تا که در تو شک کنیم. گواهی می دهیم که تو یگانه ای و بی نیاز. نه زاده ای و نه زاده شده ای و هیچ کس همتای تو نیست».

115. عیسی بن مریم علیه السلام: خدایا! ای آفریننده جان از جان! و ای بیرون آورنده جان از

وَمُخْلِصَ النَّفْسِ مِنَ النَّفْسِ، فَرَّجَ عَنَّا وَخَلِّصْنَا مِنْ شِدَّتِنَا. (1)

116. عنه عليه السلام -فيما كان يقول-: اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْحَبْتُ لَا أَسْتَطِيعُ رَفَعَ مَا أَكْرَهُ، وَلَا أَمْلِكُ نَفَعَ مَا أَرْجُو، وَأَصْبَحَ الْأَمْرُ بِيَدِ غَيْرِي، وَأَصْبَحْتُ مُرْتَهَنًا بِعَمَلِي، فَلَا فَقِيرَ أَفْقَرُ مِنِّي، لَا تُشْمِتْ بِي عَدُوِّي، وَلَا تُسَيِّءْ بِي صَدِيقِي، وَلَا تَجْعَلْ مُصِيبَتِي فِي دِينِي، وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيَّ مَنْ لَا يَرْحَمُنِي.

(2)

117. الإمام الصادق عليه السلام: مَرَّ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِصَفَاةِ الرُّوحَاءِ (3)

وَهُوَ يَقُولُ: لَيْتَكَ عَبْدَكَ ابْنُ أُمَّتِكَ لَيْتَكَ. (4)

118. تاريخ دمشق عن وهب بن منبه: كَانَ دُعَاءُ عَيْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ الَّذِي يَدْعُو بِهِ لِلْمَرْضَى وَالزَّمْنَى وَالْعُمَيَانَ وَالْمَجَانِينَ:

اللَّهُمَّ أَنْتَ إِلَهٌ مَنْ فِي السَّمَاءِ، وَإِلَهُ مَنْ فِي الْأَرْضِ، لَا إِلَهَ فِيهِمَا غَيْرُكَ، وَأَنْتَ جَبَّارٌ مَنْ فِي السَّمَاءِ وَجَبَّارٌ مَنْ فِي الْأَرْضِ لَا جَبَّارَ فِيهِمَا غَيْرُكَ، وَأَنْتَ مَلِكٌ مَنْ فِي السَّمَاءِ وَمَلِكٌ مَنْ فِي الْأَرْضِ، لَا مَلِكَ فِيهِمَا غَيْرُكَ. قَدَّرْتَكَ فِي الْأَرْضِ كَقَدَّرْتَكَ فِي السَّمَاءِ، وَسَلَّطْتَكَ فِي الْأَرْضِ كَسَلَّطْتَكَ فِي السَّمَاءِ، أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْكَرِيمِ وَوَجْهِكَ 8.

ص: 88

1- مهج الدعوات: ص 375، المصباح للكفعمي: ص 210 وليس فيه ذيله من «فرج عنا»، بحار الأنوار: ج 95 ص 176 ح 22.

2- الزهد لابن حنبل: ص 120 عن جعفر الخوري، المصنّف لابن أبي شيبة: ج 8 ص 112 ح 11 نحوه، شعب الإيمان: ج 1 ص 230 ح 240، المصنّف لعبد الرزاق: ج 11 ص 37 ح 19836، البداية والنهاية: ج 2 ص 88 والثلاثة الأخيرة عن جعفر بن برقان وفيها «دفع» بدل «رفع»، الدر المنثور: ج 2 ص 210.

3- الصفح: الجانب، ومن الجبل: مضطجعه، والجمع صفاح. والصفح من الحجارة خاصة: ما عرض وطل (انظر: كتاب العين: ج 3 ص 122 «صفح»). والروحاء: موضع بين الحرمين على ثلاثين أو أربعين ميلاً من المدينة (القاموس المحيط: ج 1 ص 225 «روح»). وعليه يكون المراد بصفاح الروحاء: موضع بالروحاء.

4- الكافي: ج 4 ص 213 ح 4؛ علل الشرائع: ص 419 ح 47، منتقى الجمان: ج 3 ص 172 كلها عن هشام بن الحكم، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 235 ح 2284 وفيه «بصفائح» بدل «بصفاح»، بحار الأنوار: ج 14 ص 247 ح 28.

جان! و ای رهاننده جان از جان! در کار ما گشایش آر و ما را از سختی برهان.

116. عیسی بن مریم علیه السلام - از دعاهایی که پیوسته می خواند-: خدایا! من چنانم که نه می توانم آنچه را ناخوش می دارم، از خود دور سازم، و نه سودی را که امید دارم، به خود رسانم؛ بلکه کار در دست غیر من است، و من گروگانِ کردار خویشم.

پس هیچ ناداری، نادارتر از من نیست. چنانم مدار که دشمنانم شاد گردند و دوستانم ناشاد. مصیبت مرا در دینم قرار مده، و کسی را که به من رحم نمی کند، بر من مسلط مگردان.

117. امام صادق علیه السلام: عیسی بن مریم علیه السلام از حوالی رُوحاء گذشت در حالی که [در مناجات با خدا] می گفت: «گوش به فرمان توست این بنده تو؛ پسر کنیز تو، گوش به فرمان توست».

118. تاریخ دمشق - به نقل از وهب بن منبه -: دعای عیسی علیه السلام که با آن برای بیماران و زمینگیران و نابینایان و دیوانگان، دعا می کرد، این بود: «خدایا! تو خدای هر کسی هستی که در آسمان است و خدای هر کسی هستی که در زمین است، و خدایی جز تو در آن دو نیست. تو سلطان هر کسی هستی که در آسمان است و سلطان هر کسی هستی که در زمین است، و سلطانی جز تو در آن دو نیست. تو پادشاه کسی هستی که در آسمان است و پادشاه کسی هستی که در زمین است، و پادشاهی جز تو در آن دو نیست. قدرت تو در زمین، همانند قدرت تو در آسمان است و فرمان روایی تو در زمین، همانند فرمان روایی ات در آسمان. از تو

المُنِيرِ وَمُلْكِكَ الْقَدِيمِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. (1)

119. عيسى بن مريم عليه السلام - من دُعَائِهِ الَّذِي يُحْيِي بِهِ الْمَوْتَى -: اللَّهُمَّ، إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْحَيُّ الْقَيُّومُ، الطَّاهِرُ الْمُطَهَّرُ، نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَيْنِ، عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ، الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ، الْمَنَّانُ، ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَلِّ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا. (2)

120. المستدرک علی الصحیحین عن عائشة: دَخَلَ عَلَيَّ أَبُو بَكْرٍ فَقَالَ: هَلْ سَمِعْتَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ دُعَاءَ عَلَمَنِيهِ؟ قُلْتُ: مَا هُوَ؟ قَالَ: كَانَ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُعَلِّمُهُ أَصْحَابَهُ، قَالَ:

لَوْ كَانَ عَلَيَّ أَحَدِكُمْ جَبَلٌ ذَهَبٌ دِينًا فَدَعَا اللَّهَ بِذَلِكَ لَقَضَاهُ اللَّهُ عَنْهُ:

اللَّهُمَّ فَارِجِ الْهَمِّ، كَاشِفِ الْغَمِّ، مُجِيبِ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ، رَحْمَانَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا، أَنْتَ تَرَحَّمْنِي، فَارْحَمْنِي بِرَحْمَةٍ تُغْنِينِي بِهَا عَن رَحْمَةِ مَنْ سِوَاكَ. (3)

121. الإمام الصادق عليه السلام: فِي الْإِنْجِيلِ: إِنَّ عَيْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: اللَّهُمَّ ارزُقْنِي غُدْوَةً رَغِيْفًا مِنْ شَعِيرٍ، وَعَشِيَّةً رَغِيْفًا مِنْ شَعِيرٍ، وَلَا تَرزُقْنِي فَوْقَ ذَلِكَ فَاطْعَى. (4)0.

ص: 90

1- .تاريخ دمشق: ج 47 ص 390، تفسير الألوسي: ج 3 ص 169، شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد: ج 6 ص 187 كلاهما نحوه، الدر المنثور: ج 2 ص 215.

2- .المصباح للكفعمي: ص 399، مهج الدعوات: ص 373 نحوه، بحار الأنوار: ج 95 ص 175 ح 22.

3- .المستدرک علی الصحیحین: ج 1 ص 696 ح 1898، الدعاء للطبراني: ص 317 ح 1041، دلائل النبوة للبيهقي: ج 6 ص 171 كلاهما نحوه، كنز العمال: ج 6 ص 228 ح 15468.

4- .عدة الداعي: ص 104، بحار الأنوار: ج 14 ص 326 ح 40.

درخواست می‌کنم به حق نام‌گرامی و روی نورانی و فرمان‌روایی دیرینت، که تو بر هر چیز توانایی!».

119. عیسی بن مریم علیه السلام - از دعای ایشان که با آن، مرده را زنده می‌کرد-: خدایا! از تو می‌خواهم که تنها تویی خدا. خدایی جز تو نیست. زنده ای و پاینده. پاکی و پاکیزه. روشنایی آسمان‌ها و زمین‌هایی. دانای نمان و پیدایی. بزرگ و والایی.

بنده نوازی. با شکوه و با ارجی. [از تو می‌خواهم که] بر محمد و آل محمد درود فرستی و برایم چنین و چنان کنی.

120. المستدرک علی الصحیحین - به نقل از عایشه - : ابو بکر بر من وارد شد و گفت: آیا دعایی را که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به من آموخت، تو از او شنیده‌ای؟ گفتم: چه دعایی؟ گفت: عیسی بن مریم علیه السلام آن را به یارانش آموزش می‌داد. گفت: اگر کسی از شما کوهی طلا بدهکار باشد، و این دعا را بخواند، خداوند بدهی اش را ادا می‌کند: بار خدایا! ای زداينده اندوه! ای گسارنده غم! ای اجابت‌کننده دعای بیچارگان! ای مهرگستر در دنیا و آخرت و مهربان در آن دو! تویی که به من رحم می‌کنی. پس بر من چنان رحمی نمای که با آن، مرا از رحم دیگران بی‌نیاز گردانی.

121. امام صادق علیه السلام: در انجیل آمده است که عیسی علیه السلام فرمود: «بار خدایا! صبح، يك قرص نان جو روزی ام کن و شب، يك قرص، و بیش از این روزی ام مده مبادا که سرکش شوم».

122. عيسى بن مريم عليه السلام: ويلكم يا علماء السوء! لا تحدّثوا أنفسكم أنّ آجالكم تستأخر من أجل أنّ الموت لم ينزل بكم، فكأنّه قد حلّ بكم فأظعنكم، فمن الآن فاجعلوا الدعوة في آذانكم، ومن الآن فتوحوا على أنفسكم، ومن الآن فابكوا على خطاياكم، ومن الآن فتجهّزوا وخذوا اهبتكم، وبادروا التوبة إلى ربكم. (1)

123. عنه عليه السلام -إنّه كان يقول لأصحابه-: يا بني آدم، اهزبوا من الدنيا إلى الله... وتوبوا إلى الله توبةً نصوحاً. (2)

124. عنه عليه السلام: يا صاحب العلم، اعلم أنّ كلّ معصية عجزت عن توبتها بمنزلة عقوبة تعاقب بها. (3)

راجع: ص 264/انتظار الله لرجوع اهل الغفلة. 9.

ص: 92

1- تحف العقول: ص 507، بحار الأنوار: ج 14 ص 310 ح 17.

2- الأمالي للصدوق: ص 650 ح 884 عن منصور بن حازم عن الإمام الصادق عليه السلام، روضة الواعظين: ص 489 و490 عن الإمام الصادق عنه عليهما السلام، بحار الأنوار: ج 14 ص 288 ح 13.

3- تحف العقول: ص 502، بحار الأنوار: ج 14 ص 305 ح 17؛ تاريخ دمشق: ج 68 ص 69.

122. عیسی بن مریم علیه السلام: وای بر شما ای دانشمندان فاسد! مبادا چون هنوز مرگ به سراغتان نیامده، به خود بگویید که اجل هایتان به این زودی ها نخواهد رسید؛ زیرا که گویی مرگ بر شما فرود آمده و شما را کوچانده است. پس، از هم اکنون دعوت [مرگ] را در گوش های خود بگیرید، و از هم اکنون برای خویش نوحه کنید، و از هم اکنون بر گناهانتان بگریید، و از هم اکنون بار بریندید و ساز و برگ سفر بگیرید و برای توبه به سوی پروردگارتان، بشتابید.

123. عیسی بن مریم علیه السلام - پیوسته به یارانش می فرمود-: ای فرزندان آدم! از دنیا به سوی خدا بگریزید... و به درگاه خدا توبه خالصانه کنید.

124. عیسی بن مریم علیه السلام: ای دارنده دانش! بدان هر گناهی که نتوانی از آن توبه کنی، به سان کیفری است که با آن مجازات می شوی.

ر.ك: ص 265/ انتظار خدا برای بازگشت افراد غافل.

125. عيسى بن مريم عليه السلام: طُوبَى لِلْمُطَهَّرَةِ قُلُوبُهُمْ، أُولَئِكَ يَزُورُونَ اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (1)

126. عنه عليه السلام: بِالْقُلُوبِ الصَّالِحَةِ يَعْمُرُ اللَّهُ الْأَرْضَ، وَبِهَا يُخْرِبُ الْأَرْضَ إِذَا كَانَتْ عَلَى غَيْرِ ذَلِكَ. (2)

127. عنه عليه السلام: يَا عِبِيدَ الدُّنْيَا! تَحْلِقُونَ رُؤُوسَكُمْ، وَتَقْصُرُونَ قُمُصَكُمْ، وَتُنَكِّسُونَ رُؤُوسَكُمْ، وَلَا تَتَزَعُونَ الْغِلَّ (3)

مِنْ قُلُوبِكُمْ؟! (4)

راجع: ص/ 278 شفاء القلوب.

3/4 الإِخْلَاصُ

128. عيسى بن مريم عليه السلام - حِينَ سَأَلَهُ الْحَوَارِيُّونَ عَنِ الْإِخْلَاصِ - : أَنْ يَعْمَلَ الرَّجُلُ الْعَمَلَ لَا يُحِبُّ أَنْ يَحْمَدَهُ عَلَيْهِ أَحَدٌ مِنَ النَّاسِ، وَالْمُنَاصِحُ لِلَّهِ الَّذِي يَبْدَأُ بِحَقِّ اللَّهِ قَبْلَ حَقِّ النَّاسِ، يُؤَثِّرُ حَقَّ اللَّهِ عَلَى حَقِّ النَّاسِ، وَإِذَا عَرَضَ أَمْرَانِ: أَحَدُهُمَا لِلدُّنْيَا وَالْآخَرُ لِلْآخِرَةِ، بَدَأَ بِأَمْرِ الْآخِرَةِ قَبْلَ أَمْرِ الدُّنْيَا. (5)

129. عنه عليه السلام - لِمَنْ قَالَ لَهُ: مَنْ الْمُخْلِصُ لِلَّهِ؟ - : الَّذِي يَعْمَلُ لِلَّهِ عِزًّا وَجَلًّا، لَا يُحِبُّ أَنَّهُ.

ص: 94

1- .تحف العقول:ص 501، بحار الأنوار:ج 14 ص 304 ح 17.

2- .الدرر المنتور:ج 2 ص 202 نقلاً عن الترمذي عن يزيد بن ميسرة.

3- .الغلل:الحقد والشحناء (النهاية:ج 3 ص 381«غلل»).

4- .تحف العقول:ص 501، بحار الأنوار:ج 14 ص 305 ح 17.

5- .المصنّف لابن أبي شيبة:ج 8 ص 112 ح 9 عن أبي ثمامة.

125. عیسی بن مریم علیه السلام: خوشا به حال کسانی که دل هایشان پاک است! آنان در روز رستاخیز به دیدار خدا می روند.

126. عیسی بن مریم علیه السلام: با دل های درست است که خداوند، زمین را آباد می کند، و با همین دل ها، هرگاه خراب شوند، زمین را خراب می کند.

127. عیسی بن مریم علیه السلام: ای بندگان دنیا! سرهایتان را می تراشید و پیراهن های کوتاه می پوشید، و سرهای خود را به زیر می افکنید، اما کینه را از دل هایتان بر نمی گنید؟!

ر.ک: ص/279 شفاى دل ها.

3/4 اخلاص

128. عیسی بن مریم علیه السلام - در پاسخ به حواریان که پرسیدند: اخلاص چیست؟ - : اخلاص آن است که انسان، عمل کند و دوست نداشته باشد کسی از مردمان، او را برای آن عمل بستاید، و مخلص خدا کسی است که به حقّ خدا پیش از حقّ مردم آغاز می کند، و حقّ خدا را بر حقّ مردم مقدم می دارد، و هرگاه دو کار برایش پیش آمد که یکی برای دنیا بود و دیگری برای آخرت، کار آخرت را پیش از کار دنیا انجام دهد.

129. عیسی بن مریم علیه السلام - در پاسخ به حواریان که پرسیدند: مخلص برای خدا کیست؟ - :

ص: 95

130. عنه عليه السلام: لَا يَجِدُ الْعَبْدُ حَقِيقَةَ الْإِيمَانِ حَتَّى لَا يُحِبَّ أَنْ يُحْمَدَ عَلَى عِبَادَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. (2)

131. عنه عليه السلام -لِلْحَوَارِيِّينَ-: يَا عِبِيدَ السَّوِّءِ، تَقُوا الْقَمَحَ وَطَبِيبُوهُ وَأَذِقُوا طَحْنَهُ، تَجِدُوا طَعْمَهُ وَيُهَنِّتْكُمْ أَكْلُهُ، كَذَلِكَ فَأَخْلَصُوا الْإِيمَانَ وَأَكْمَلُوهُ، تَجِدُوا حَلَاوَتَهُ وَيَنْفَعَكُمْ غَبُّهُ (3)

(4) .

132. عنه عليه السلام: إِذَا تَصَدَّقَ أَحَدُكُمْ فَلْيُعْطِ بِيَمِينِهِ (5)

وَلْيُخْفِ مِنْ شِدِّ مَالِهِ، وَإِذَا كَانَ يَوْمَ صَوْمِ أَحَدِكُمْ فَلْيُدْهِنْ أَوْلَيْمَسْحَ شِدِّ فَمَتِيهِ مِنْ دُهْنِهِ حَتَّى يَنْظُرَ إِلَيْهِ النَّاطِرُ فَلَا يَرَى أَنَّهُ صَائِمٌ، وَإِذَا صَلَّى أَحَدُكُمْ فِي بَيْتِهِ فَلْيُخْفِ (6)

عَلَيْهِ سَتْرَةٌ؛ فَإِنَّ اللَّهَ يَقْسِمُ الثَّنَاءَ كَمَا يَقْسِمُ الرِّزْقَ. (7) 5.

ص: 96

- 1- الزهد لابن حنبل: ص 73، شعب الإيمان: ج 5 ص 346 ح 6874، الزهد لابن المبارك: ج 2 ص 34 ح 134، تاريخ دمشق: ج 47 ص 447 نحوه وكلها عن أبي ثمامة الصائدي، تفسير ابن كثير: ج 5 ص 232 عن أبي لبابة، الدر المنثور: ج 2 ص 724.
- 2- ربيع الأبرار: ج 2 ص 63، تاريخ دمشق: ج 47 ص 450 عن يونس بن عبيد، سير أعلام النبلاء: ج 8 ص 434 الرقم 114 عن الفضيل بن عياض من دون إسناد إليه عليه السلام نحوه.
- 3- الغب: العاقبة (المصباح المنير: ص 442 «غب»).
- 4- تحف العقول: ص 392 عن الإمام الكاظم عليه السلام وص 507 وفيه «الدنيا» بدل «السوء» وليس فيه «وأكملوه»، بحار الأنوار: ج 1 ص 145 ح 30.
- 5- في المصدر «بيمنه»، وما أثبتناه من المصادر الأخرى وهو الصحيح.
- 6- كذا في المصدر، والظاهر أن الصواب: «فليخ» كما في الزهد لابن المبارك. وفي بعض المصادر: «فليدن».
- 7- الزهد لهناد: ج 2 ص 444 ح 879، المصنّف لعبد الرزاق: ج 4 ص 313 ح 7913، الزهد لابن المبارك: ج 1 ص 48 ح 150 كلها عن هلال بن يساف، الزهد لابن حنبل: ص 72 عن هلال بن يسار وكلها نحوه، الدر المنثور: ج 2 ص 206؛ عدّة الداعي: ص 220 نحوه، بحار الأنوار: ج 70 ص 250 ح 25.

کسی که برای خداوند کار کند و دوست نداشته باشد که مردم برای آن کار، او را بستایند.

130. عیسی بن مریم علیه السلام: بنده، حقیقت ایمان را نمی یابد مگر آن گاه که دوست نداشته باشد برای عبادت خدا ستایش شود.

131. عیسی بن مریم علیه السلام - به حواریان - ای بندگان بد! گندم را پاک و پاکیزه کنید و آن را خوب آرد سازید تا مزه اش را بیابید و خوردنش بر شما گوارا شود. همچنین، ایمان را خالص و کامل گردانید، تا شیرینی آن را احساس کنید و فرجامش به شما سود بخشد.

132. عیسی بن مریم علیه السلام: هر گاه یکی از شما صدقه داد، با دست راستش بدهد و از دست چپش مخفی بدارد، و هرگاه روزِ روزه گیری یکی از شما شد، [سر و ریش خود را] روغن زند یا از روغن خود لبانش را چرب کند تا وقتی کسی او را می بیند، نفهمد که روزه است، و هرگاه یکی از شما در خانه اش نماز می خواند، پرده اش را بیندازد [تا کسی او را نبیند و ریا نشود]؛ زیرا خداوند، ستایش را نیز همانند روزی، تقسیم می کند.

ص: 97

133. تاريخ دمشق عن مصعب الزبيري عن أبيه عن جدّه: قَالَ عيسى عليه السلام لِرَجُلٍ: كُنْ لِرَبِّكَ كَالْحَمَامِ الْأُوفِ لِأَهْلِهِ؛ تُدْبِحُ فِرَاحَهُ وَلَا يَطِيرُ عَنْهُمْ. (1)

134. تَنْبِيهُ الْخَوَاطِرِ: إِنَّ عيسى عليه السلام مَرَّ بِثَلَاثَةِ نَفَرٍ قَدْ نَحَلَتْ أَبْدَانُهُمْ وَتَغَيَّرَتْ أَلْوَانُهُمْ، فَقَالَ لَهُمْ: مَا الَّذِي بَلَغَ بِكُمْ مَا أَرَى؟ فَقَالُوا: الْخَوْفُ مِنَ النَّارِ، فَقَالَ: حَقٌّ عَلَى اللَّهِ أَنْ يُؤْمِنَ الْخَائِفُ.

ثُمَّ جَاوَزَهُمْ إِلَى ثَلَاثَةِ آخَرِينَ فَإِذَا هُمْ أَشَدُّ نَحُولًا وَتَغْيِيرًا. فَقَالَ: مَا الَّذِي بَلَغَ بِكُمْ مَا أَرَى؟ قَالُوا: الشَّوْقُ إِلَى الْجَنَّةِ، فَقَالَ: حَقٌّ عَلَى اللَّهِ أَنْ يُعْطِيَكُمْ مَا تَرْجُونَ.

ثُمَّ جَاوَزَهُمْ إِلَى ثَلَاثَةِ آخَرِينَ فَإِذَا هُمْ أَشَدُّ نَحُولًا وَتَغْيِيرًا كَأَنَّ عَلَى وُجُوهِهِمَ الْمَرَايَا مِنَ النَّوْرِ، فَقَالَ: مَا الَّذِي بَلَغَ بِكُمْ مَا أَرَى؟ فَقَالُوا: نَحْبُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، فَقَالَ: أَنْتُمْ الْمُقَرَّبُونَ، أَنْتُمْ الْمُقَرَّبُونَ. (2)

135. عيسى بن مريم عليه السلام: لَوْ أَنَّ ابْنَ آدَمَ عَمِلَ بِأَعْمَالِ الْبِرِّ كُلِّهَا، وَحُبَّ فِي اللَّهِ لَيْسَ، وَبُغْضُ فِي اللَّهِ لَيْسَ، مَا أَغْنَى ذَلِكَ عَنْهُ شَيْئًا. (3)

136. عنه عليه السلام: كَيْفَ يَسْتَكْمِلُ حُبَّ رَبِّهِ مَنْ لَا يُقْرِضُهُ بَعْضَ مَا رَزَقَهُ؟! (4)

137. الزهد لابن حنبل عن وهب: قَالَ الْحَوَارِيُّونَ: يَا عيسى، مَنْ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ الَّذِينَ لَا خَوْفَ 7.

ص: 98

1- تاريخ دمشق: ج 47 ص 466.

2- تنبيه الخواطر: ج 1 ص 224، تفسير الفخر الرازي: ج 4 ص 227، شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد: ج 10 ص 156، إحياء العلوم: ج 4 ص 429 كلها نحوه.

3- تاريخ دمشق: ج 47 ص 445، الدر المنثور: ج 2 ص 210 نقلاً عن أحمد نحوه وكلاهما عن مالك بن دينار.

4- تحف العقول: ص 507، بحار الأنوار: ج 14 ص 309 ح 17.

133. تاریخ دمشق - به نقل از مصعب زبیری، از پدرش، از جدش - عیسی علیه السلام به مردی فرمود:

«برای پروردگارت همانند کبوتر اهلی برای صاحبانش باش که جوجه او را می گُشند، و در عین حال، او از صاحبانش فرار نمی کند».

134. تنبیه الخواطر: عیسی علیه السلام گذرش به سه نفر افتاد که پیکرهایشان تکیده و رنگ هایشان پریده بود. به آنها فرمود: «چه چیز شما را به این حال که می بینم انداخته است؟».

گفتند: بیم از آتش [دوزخ].

عیسی علیه السلام فرمود: «بر خداست که بیمناک را ایمن گرداند».

سپس از آنها گذشت و به سه تن دیگر رسید که از آن سه تن، تکیده تر و رنگ پریده تر بودند. فرمود: «شما را چه چیزی به این حال که می بینم انداخته است؟».

گفتند: شوق بهشت.

فرمود: «بر خداست که آنچه را امید دارید، عطایان فرماید».

از آنها نیز گذشت و به سه تن دیگر رسید که از قبلی ها تکیده تر و رنگ پریده تر بودند، گویی چهره هایشان آینه هایی از نور بود. فرمود: «شما را چه چیز به این حالی که می بینم انداخته است؟».

گفتند: عشق به خدا.

فرمود: «شما باید مقربان! شما باید مقربان!».

135. عیسی بن مریم علیه السلام: اگر آدمیزاد همه کارهای خوب را انجام دهد، لیکن مهرورزی و کین ورزی برای خدا نداشته باشد، آن کارها برایش هیچ سودی ندارد.

136. عیسی بن مریم علیه السلام: چگونه محبتش به خدایش کامل است کسی که قسمتی از آنچه را روزی اش کرده، به او وام نمی دهد؟!

137. الزهد، ابن حنبل - به نقل از وهب - : حواریان گفتند: ای عیسی! آن دوستان خدا که بیمی

عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ؟

قَالَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الَّذِينَ نَظَرُوا إِلَى بَاطِنِ الدُّنْيَا حِينَ نَظَرَ النَّاسُ إِلَى ظَاهِرِهَا، وَالَّذِينَ نَظَرُوا إِلَى آجَلِ الدُّنْيَا حِينَ نَظَرَ النَّاسُ إِلَى عَاجِلِهَا، فَأَمَاتُوا مِنْهَا مَا يَخْشَوْنَ أَنْ يُمِيتَهُمْ، وَتَرَكَوا مَا عَلِمُوا أَنَّ سَيِّئَاتِهِمْ، فَصَارَ اسْتِكْثَارُهُمْ مِنْهَا اسْتِقْلَالًا، وَذَكَرَهُمْ إِيَّاهَا فَوَاتًا، وَفَرَحَهُمْ بِمَا أَصَابُوا مِنْهَا حَزْنًا، فَمَا عَارَضَهُمْ مِنْ نَائِلِهَا رَفُضُوهُ، وَمَا عَارَضَهُمْ مِنْ رَفَعَتِهَا بَغَيْرِ الْحَقِّ وَضَعُوهُ.

خُلِقَتِ الدُّنْيَا عِنْدَهُمْ فَلَيْسَ وَاجِبًا دُونُهَا، وَخَرِبَتْ بَيْنَهُمْ فَلَيْسَ وَاجِبًا دُونُهَا، وَمَاتَتْ فِي صُدُورِهِمْ فَلَيْسَ وَاجِبًا دُونُهَا، يَهْدُمُونَهَا فَيَبْنُونَ بِهَا آخِرَتَهُمْ، وَيَبْعُونَهَا فَيَشْتَرُونَ بِهَا مَا يَبْقَى لَهُمْ، وَرَفُضُوهَا فَكَانُوا فِيهَا هُمُ الْفَرِحِينَ، وَنَظَرُوا إِلَى أَهْلِهَا صَرَخَى قَدْ خَلَّتْ فِيهِمُ الْمَثَلَاتُ، وَأَحْيَا ذَكَرَ الْمَوْتِ، وَأَمَاتُوا ذَكَرَ الْحَيَاةِ.

يُحِبُّونَ اللَّهَ وَيُحِبُّونَ ذِكْرَهُ وَيَسْتَضِيءُ بِنُورِهِ وَيُضِيءُ بِنُورِهِ بِهِ، لَهُمْ خَيْرٌ عَجِيبٌ وَعِنْدَهُمْ الْخَيْرُ الْعَجِيبُ، بِهِمْ قَامَ الْكِتَابُ وَبِهِ قَامُوا، وَبِهِمْ نَطَقَ الْكِتَابُ وَبِهِ نَطَقُوا، وَبِهِمْ عَلِمَ الْكِتَابُ وَبِهِ عَلِمُوا، وَلَيْسُوا يَرَوْنَ نَائِلًا مَعَ مَا نَالُوا، وَلَا أَمَانًا دُونَ مَا يَرْجُونَ، وَلَا خَوْفًا دُونَ مَا يَحْذَرُونَ. (1)

راجع: ص/254 ذكر الله ومحبه.

5/4 حُبُّ الْمَسَاكِينِ

138. عِدَّةُ الدَّاعِي - فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى إِلَى عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ - يَا عِيسَى، إِنِّي قَدْ وَهَبْتُ لَكَ حُبَّ الْمَسَاكِينِ وَرَحْمَتَهُمْ، تُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَكَ، يَرْضَوْنَ بِكَ إِمَامًا وَقَانِدًا، وَتَرْضَى بِهِمْ 0.

ص: 100

1- الزهد لابن حنبل: ص 78، تفسير الألويسي: ج 11 ص 150، الدرر المشور: ج 4 ص 370.

بر آنان نیست و اندوهگین نمی شوند، چه کسانی اند؟

عیسی بن مریم علیه السلام فرمود: «آنان که به باطن دنیا بنگرند، آن گاه که مردم، ظاهر آن را ببینند، و آنان که به سرانجام دنیا بنگرند آن گاه که مردم، اکنون آن را ببینند، و در نتیجه، آنچه را از دنیا که می ترسند [فضیلت های] ایشان را بمیراند، می میرانند، و آنچه را که می دانند به زودی ایشان را ترك خواهد گفت، ترك می کنند. از این رو، می دانند که هر اندازه هم از دنیا گرد آورند، باز [در برابر نعمت های آخرت] اندك است، و به یاد دنیا بودن را برای خود زیان می دانند، و شادی خود از رسیدن به چیزهای دنیوی را غم و اندوه می شمارند. بنا بر این، به هر بخشش دنیوی که برایشان پیش آید، دست رد می زنند، و هر رفعت ناروایی را که به ایشان دست دهد، فرو می نهند.

دنیا نزد آنان کهنه است و آن را نو نمی سازند، ویران است و آبادش نمی کنند، در سینه هایشان مرده است و آن را دوست نمی دارند. ویرانش می کنند و با آن، آخرتشان را می سازند. آن را می فروشند و در برابرش آنچه را برایشان ماندگار است، می خرند. آن را رها کردند، از این رو در آن شادمان اند. به مردم دنیا نگریستند که به هلاکت در افتاده اند و به کیفر رسیده اند، و یاد مرگ را [در خود] زنده کردند، و یاد زندگی را میراندند.

خدا را دوست می دارند و هم یاد و نام او را، از نور او روشنی می گیرند و با آن، روشنگری می کنند. برای آنان و نزد آنان خبری شگفت است. کتاب [خدا] به آنان استوار است و آنان به کتاب [خدا]. کتاب به آنان گویاست و آنان به کتاب. کتاب به واسطه آنان دانسته می شود و آنان به کتاب دانایند. با وجود آنچه بدان رسیده اند، دیگر مطلوبی برای خود نمی بینند، و آرزویی فراتر از آنچه بدان امیدوارند، ندارند، و ترسی بالاتر از آنچه از آن می ترسند، نمی شناسند».

ر.ك:ص/255 یاد خدا و دوستی او.

5/4 دوستی بینوایان

138. عده الداعی - در باره فرموده خداوند متعال به عیسی علیه السلام - ای عیسی! من دوست داشتن مستمندان و مهربانی کردن با آنها را به تو بخشیدم. تو آنان را دوست داری و آنان تو

ص: 101

صَحَابَةً وَتَبَعًا، وَهُمَا خُلِقَانِ مَنِ لَقِينِي بِهِمَا لَقِينِي بِأَزْكَى الْأَعْمَالِ وَأَحَبِّهَا إِلَيَّ. (1)

6/4 بُغْضُ أَهْلِ الْمَعَاصِي

139. رسول الله صلى الله عليه وآله: قَالَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِلْحَوَارِيِّينَ: تَحَبَّبُوا إِلَى اللَّهِ وَتَقَرَّبُوا إِلَيْهِ. قَالُوا: يَا رُوحَ اللَّهِ، بِمَاذَا نَتَحَبَّبُ إِلَى اللَّهِ وَنَتَقَرَّبُ؟ قَالَ: بِبُغْضِ أَهْلِ الْمَعَاصِي، وَالتَّمَسُّوْا رِضَا اللَّهِ بِسَخَطِهِمْ. (2)

7/4 التَّقْوَى

140. عيسى بن مريم عليه السلام: اجْعَلُوا قُلُوبَكُمْ يُبَوِّئًا لِلتَّقْوَى، وَلَا تَجْعَلُوا قُلُوبَكُمْ مَأْوَى لِلشَّهَوَاتِ. (3)

141. عنه عليه السلام: التَّقْوَى رَأْسُ كُلِّ حِكْمَةٍ. (4)

142. مجمع البيان: رُوِيَ أَنَّ رَجُلًا سَأَلَ عِيسَى بْنَ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَيُّ النَّاسِ أَفْضَلُ؟ فَأَخَذَ قَبْضَتَيْنِ مِنْ تُرَابٍ فَقَالَ: أَيُّ هَاتَيْنِ أَفْضَلُ؟ النَّاسُ خُلِقُوا مِنْ تُرَابٍ فَأَكْرَمُهُمْ أَتْقَاهُمْ. (5) ي.

ص: 102

-
- 1- عِدَّة الداعي: ص 112.
 - 2- تحف العقول: ص 44، تنبيه الخواطر: ج 2 ص 235، إرشاد القلوب: ص 77 كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 77 ص 147 ح 60؛ ربيع الأبرار: ج 1 ص 483، تاريخ دمشق: ج 47 ص 453 عن مالك بن أنس وكلاهما نحوه، كنز العمال: ج 3 ص 65 ح 5518.
 - 3- تحف العقول: ص 393 عن الإمام الكاظم عليه السلام وص 509، بحار الأنوار: ج 14 ص 312 ح 17.
 - 4- تحف العقول: ص 512، بحار الأنوار: ج 14 ص 316 ح 17.
 - 5- مجمع البيان: ج 9 ص 207؛ تاريخ دمشق: ج 47 ص 451 عن سعيد المقبري.

را. آنان به پیشوایی و رهبری تو خشنودند و تو، به یار و پیرو بودن آنان. اینها دو خصلت اند که هر کس با آنها مرا دیدار کند، با پاك ترین و دوست داشتنی ترین کارهای نزد من، دیدارم کرده است.

6/4 نفرت از گنه پیشگان

139. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: عیسی بن مریم علیه السلام به حواریان فرمود: «خویشان را محبوب و مقرب خداوند گردانید».

گفتند: ای روح خدا! با چه خود را محبوب و مقرب خداوند کنیم؟

فرمود: «با نفرت از گنه پیشگان. (1)»

با ناخشنودی از آنها، خشنودی خدا را به دست آورید».

7/4 پرهیزگاری

140. عیسی بن مریم علیه السلام: دل هایتان را خانه پرهیزگاری کنید و آنها را شهوتکده نسازید.

141. عیسی بن مریم علیه السلام: پرهیزگاری، در رأس همه حکمت هاست.

142. مجمع البیان: روایت شده است که مردی از عیسی بن مریم علیه السلام پرسید: مردم، کدام يك برترند؟

عیسی دو مشت خاک برداشت و فرمود: «کدام يك از این دو برتر است؟! مردم از خاک آفریده شده اند و ارجمندترین آنها کسی است که پرهیزگارتر باشد».

ص: 103

1- گنه پیشه (اهل معصیت)، کسی است که گناه بر زندگی او غلبه داشته و به اصطلاح «فاسق» باشد. پس دوری جستن از او، دوری جستن از گناه است. باید توجه داشت که کسی با يك گناه که از او سر بزند، گنه پیشه (اهل معصیت) نمی شود تا مستحق نفرت ما گردد. چنین کسی مستحق تذکر و راه نمایی و دلسوزی و دعاست، چنان که سنت پیامبر ما صلی الله علیه و آله و اهل بیت ایشان در هدایتگری و نهی از منکر بود (ر.ک: فرهنگ قرآن: ج 24 ص 513-519، مفاتیح الحیاة: ص 300-302).

143. عيسى بن مريم عليه السلام - لِمَنْ قَالَ لَهُ: يَا مُعَلِّمَ الْخَيْرِ، دُلَّنِي عَلَى عَمَلٍ أَنَالُ بِهِ الْجَنَّةَ -: اتَّقِ اللَّهَ فِي سِرِّكَ وَعَلَانِيَتِكَ، وَبِرِّ وَالِدَيْكَ. (1)

144. عنه عليه السلام - لِمَنْ قَالَ لَهُ: يَا مُعَلِّمَ الْخَيْرِ، عَلِّمْنِي عَمَلًا إِذَا أَنَا عَمَلْتُهُ كُنْتُ تَقِيًّا لِلَّهِ كَمَا أَمَرَنِي -: افْعَلْ فِي مُؤُونَةٍ يَسِيرَةٍ إِنْ قُبِلَتْ: تُحِبُّ اللَّهُ بِقَلْبِكَ كُلَّهُ وَتَحْمَدُ لَهُ بِذَلِكَ كُلَّهُ، وَإِذَا أَحْسَدَتْ مِنْ حَسَدِ نَاتِكَ فَانْسَهُ، فَقَدْ حَفِظَ لَكَ مَنْ لَا يَنْسَاهُ، وَلِتَكُنْ ذُنُوبُكَ نَصَبَ عَيْنِكَ، وَتَرْحَمَ عَلَى وُلْدِ جِنْسِكَ؛ يَعْنِي: وُلْدَ آدَمَ. (2)

145. عنه عليه السلام: لَوْ صَلَّيْتُمْ حَتَّى تَصِيرُوا مِثْلَ الْحَنَائِيَا (3)

، وَصَلَّيْتُمْ حَتَّى تَكُونُوا أَمْثَالَ الْأَوْتَادِ، وَجَرَى مِنْ أَعْيُنِكُمْ الدَّمُوعُ أَمْثَالَ الْأَنْهَارِ، مَا أَدْرَكْتُمْ مَا عِنْدَ اللَّهِ إِلَّا بِوَرَعٍ صَادِقٍ. (4)

146. عنه عليه السلام: بِحَقِّ أَقُولُ لَكُمْ: إِنْ الشَّجَرَةَ لَا تَكْمُلُ إِلَّا بِشَمْرَةٍ طَيِّبَةٍ، كَذَلِكَ لَا يَكْمُلُ الدِّينُ إِلَّا بِالتَّحَرُّجِ عَنِ الْمَحَارِمِ. (5)

147. الدر المنثور عن سعيد بن أبي سعيد المقبري: بَلَّغْنَا أَنَّ رَجُلًا جَاءَ إِلَى عَيْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَقَالَ: يَا مُعَلِّمَ الْخَيْرِ، كَيْفَ أَكُونُ تَقِيًّا لِلَّهِ كَمَا يَنْبَغِي لَهُ؟ قَالَ: يَسِيرٌ مِنَ الْأَمْرِ: تُحِبُّ اللَّهُ بِقَلْبِكَ كُلَّهُ، وَتَعْمَلُ بِكَدْحِكَ وَقُوَّتِكَ مَا اسْتَطَعْتَ، وَتَرْحَمُ ابْنَ جِنْسِكَ كَمَا تَرْحَمُ نَفْسَكَ.

قَالَ: مَنْ ابْنُ جِنْسِي يَا مُعَلِّمَ الْخَيْرِ؟ قَالَ: وُلْدُ آدَمَ كُلُّهُمْ.

وَمَا لَا تُحِبُّ أَنْ يُؤْتَى إِلَيْكَ فَلَا تَأْتَهُ إِلَى أَحَدٍ فَأَنْتَ تَقِي لِلَّهِ حَقًّا. (6) 2.

ص: 104

1- تنبيه الخواطر: ج 2 ص 248، مستدرک الوسائل: ج 15 ص 175 ح 17911 نقلاً عن كتاب الأخلاق.

2- تاريخ دمشق: ج 47 ص 446، شعب الإيمان: ج 5 ص 352 ح 6905 كلاهما عن ابن عجلان، الدر المنثور: ج 1 ص 62 نقلاً عن أحمد في الزهد وابن أبي الدنيا وكلاهما عن سعيد المقبري نحوه.

3- الحنایا: جمع حنیة وهي القوس (النهاية: ج 1 ص 454 «حنا»).

4- الورع لابن أبي الدنيا: ص 49 ح 22 عن أرطاة.

5- تحف العقول: ص 511، بحار الأنوار: ج 14 ص 315 ح 17.

6- الدر المنثور: ج 1 ص 62.

143. عیسی بن مریم علیه السلام - در پاسخ به مردی که گفت: ای آموزگار خوبی! کاری را نشانم ده که با آن به بهشت دست یابم - در نهان و آشکارت از خدا بترس، و به پدر و مادرت نیکی کن.

144. عیسی بن مریم علیه السلام - در پاسخ مردی که گفت: ای آموزگار خوبی! کاری به من بیاموز که با انجام آن پرهیزکار از خدا به شمار آیم، چنان که فرمانم داده است -:

کار اندکی که پذیرفته شود به جای آر: با تمام قلبت خدا را دوست بدار و کاملاً سپاسگزارش باش، و هرگاه کار نیکی انجام دادی، آن را فراموش کن؛ زیرا کسی آن را برای حفظ می کند که هرگز فراموشش نمی کند، و گناهانت همواره فراروی تو باشد، و به هممنوعت، یعنی بنی آدم، رحم کن.

145. عیسی بن مریم علیه السلام: اگر چندان نماز بگزارید که چونان کمان شوید، یا چندان به نماز بایستید که مانند میخ گردید، و اشک از چشم هایتان چون جویباران روان شود، به آنچه نزد خداست دست نخواهید یافت مگر با پارسایی راستین.

146. عیسی بن مریم علیه السلام: به راستی به شما می گویم: درخت، کامل نمی شود مگر با میوه خوب و لذیذ؛ همان گونه که دینداری، کامل نمی شود مگر با دوری کردن از حرام ها.

147. الدر المنثور - به نقل از سعید بن ابی سعید مقبری - به ما خبر رسیده که مردی نزد عیسی علیه السلام آمد و به او گفت: ای آموزگار خوبی! چگونه از خدا بپرهیزم چنان که سزاوار است؟

فرمود: با کاری آسان: خدا را با همه دلت دوست بدار و با آن چه در توان داری بکوش و به هممنوع خود مهربانی کن چنان که با خود مهربانی!

گفت: ای آموزگار خوبی! هممنوع من کیست؟

فرمود: همه آدمیزاد.

و آنچه دوست نداری با تو شود، با دیگران مکن که در این صورت، به راستی

تو از خداوند پرهیز کرده ای.

148. عيسى بن مريم عليه السلام: لَا تَخْبِتُوا رِزْقَ الْيَوْمِ لِغَدٍ، فَإِنَّ الَّذِي أَتَاكَ بِهِ الْيَوْمَ سَ يَأْتِيكَ بِهِ غَدًا، فَإِنْ قُلْتَ: وَكَيْفَ يَكُونُ؟ فَانظُرْ إِلَى الطَّيْرِ لَا تَحْرُثُ وَلَا تَزْرَعُ تَغْدُو وَتَزُوحُ إِلَى رِزْقِ اللَّهِ، فَإِنْ قُلْتَ: وَمَا يَكْفِي الطَّيْرَ؟ فَانظُرْ إِلَى حُمْرِ الْوَحْشِ (1)

وَبَقَرِ الْوَحْشِ تَغْدُو إِلَى رِزْقِ اللَّهِ وَتَزُوحُ شِبَاعًا. (2)

149. كمال الدين: عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَلِيمَانَ: قَرَأْتُ فِي الْإِنْجِيلِ: يَا عَيْسَى... فَإِيَّايَ فَاعْبُدْ، وَعَلَيَّ فَتَوَكَّلْ. (3)

راجع: ص 136/ ترك الاهتمام للرزق.

9/4 الرُّهُدُ

150. عيسى بن مريم عليه السلام: مَعَاشِرَ الْحَوَارِيِّينَ! احذَرُوا الدُّنْيَا لَا تَسْحَرَكُم، لَهَايِ وَاللَّهِ أَشَدُّ سِحْرًا مِنْ هَاوُوتَ وَمَازُوتَ، وَأَعْلَمُوا أَنَّ الدُّنْيَا مَدْبِرَةٌ وَالْآخِرَةُ مُقْبِلَةٌ، وَأَنَّ لِكُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهُمَا بَنِينَ، فَكُونُوا مِنْ أَبْنَاءِ الْآخِرَةِ دُونَ بَنِي الدُّنْيَا؛ فَإِنَّ الْيَوْمَ عَمَلٌ وَلَا حِسَابَ، وَغَدًا الْحِسَابُ وَلَا عَمَلَ. (4)هـ.

ص: 106

1- في المصدر: «وحش»، وهو تصحيف، والصحيح ما أثبتناه.

2- المصنّف لابن أبي شيبة: ج 305 ح 62 عن عبد الرحمن بن محمّد المحاربيّ وراجع: إحياء العلوم: ج 4 ص 389.

3- كمال الدين: ص 159 ح 18، الأمالي للصدوق: ص 345 و346 ح 418، الإقبال: ج 2 ص 340 عن أبي حارثة، بحار الأنوار: ج 16 ص 144 ح 1؛ دلائل النبوة للبيهقي: ج 1 ص 378 عن مقاتل بن حيان، البداية والنهاية: ج 2 ص 78 عن أبي هريرة وكلاهما نحوه، الدر المنثور: ج 4 ص 645.

4- الدر المنثور: ج 1 ص 244 نقلاً عن الخطيب، الفردوس: ج 3 ص 196 ح 4548 وليس فيه ذيله من «وَأَنَّ لِكُلِّ وَاحِدٍ» وكلاهما عن ابن عمر عن رسول الله صلى الله عليه وآله.

148. عیسی بن مریم علیه السلام: روزی امروز را برای فردا نیندوکید؛ زیرا کسی که روزی امروز تو را داده، روزی فردایت را هم می دهد. اگر بگویی: چگونه می دهد؟ پس به پرندگان بنگر که نه شخمی می زنند و نه چیزی می کارند؛ اما بام و شام به روزی خدا دست می یابند. اگر بگویی: مگر پرندگان چه قدر نیاز دارند؟ پس به خران و گاوان وحشی بنگر که بامدادان به سوی روزی خدا می روند و شامگاهان سیر بر می گردند.

149. کمال الدین - به نقل از حماد بن عبد الله بن سلیمان - : در انجیل خواندم: ای عیسی!... فقط مرا بپرست، و تنها به من تکیه کن.

ر.ک: ص 137/ نگران نبودن برای روزی.

150. عیسی بن مریم علیه السلام ای جمع یاران! مراقب باشید که دنیا افسونتان نکند. به خدا سوگند که آن از هاروت و ماروت افسونگرتر است! بدانید که دنیا رفتنی است و آخرت آمدنی، و برای هر يك از این دو، فرزندان است.

پس شما از فرزندان آخرت باشید نه از فرزندان دنیا؛ زیرا امروز، روز عمل است و حسابرسی نیست، و فردا روز حسابرسی است و عمل در کار نیست.

ص: 107

151. الإمام الصادق عليه السلام: رُفِعَ عيسى بنُ مريمَ عليه السلام بِمِدْرَعَةٍ (1)

صوفٍ من غزلِ مريمَ، ومن نسجِ مريمَ ومن خياطةِ مريمَ، فَلَمَّا انتهَى إلى السَّمَاءِ نُودِيَ: يا عيسى! ألقي عنك زينةَ الدنيا. (2)

152. عيسى بن مريم عليه السلام: تَهَاوَنُوا بِالدُّنْيَا تَهْنُ عَلَيكُمْ، وَأَهِينُوهَا تَكْرُمُ الآخِرَةَ إِلَيْكُمْ وَلَا تُكْرِمُوا الدُّنْيَا فَتَهُونِ الآخِرَةَ عَلَيكُمْ، فَلَيْسَتْ الدُّنْيَا بِأَهْلِ كِرَامَةٍ، فِي كُلِّ يَوْمٍ تَدْعُو إِلَى فِتْنَةٍ وَخَسَارٍ. (3)

153. عنه عليه السلام: يَا طَالِبَ الدُّنْيَا لِتَبْرَّ، تَرْكُكَ الدُّنْيَا أَبْرٌ. (4)

154. عنه عليه السلام - لِلْحَوَارِيِّينَ - : كَمَا تَرَكَ لَكُمْ الْمُلُوكُ الْحِكْمَةَ، فَدَعُوا لَهُمُ الدُّنْيَا. (5)

155. عنه عليه السلام - لِلْحَوَارِيِّينَ - : إِنَّ أَصْبَرَكُمْ عَلَى الْبَلَاءِ لَأَرْهَدُكُمْ فِي الدُّنْيَا. (6)

156. الدر المنثور عن أبي عبيدة: إِنَّ الْحَوَارِيِّينَ قَالُوا لِعِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَاذَا نَأْكُلُ؟ قَالَ: تَأْكُلُونَ خُبْزَ الشَّعِيرِ وَبَقْلَ الْبَرِّيَّةِ. قَالُوا: فَمَاذَا شَرَبُ؟ قَالَ: تَشْرَبُونَ مَاءَ الْقَرَّاحِ. (7)

قَالُوا: فَمَاذَا نَتَّوَسَّدُ؟ قَالَ: تَوَسَّدُوا الْأَرْضَ.

ص: 108

- 1- المِدْرَعَةُ: ثَوْبٌ كَالدَّرَاعَةِ، وَلَا يَكُونُ إِلَّا مِنْ صُوفٍ خَاصَّةٍ. وَقِيلَ: الدَّرَاعَةُ: جُبَّةٌ مَشْقُوقَةٌ الْمُقَدَّمُ (تاج العروس: ج 11 ص 108 «درع»).
- 2- تفسير العياشي: ج 1 ص 175 ح 53، بحار الأنوار: ج 14 ص 338 ح 9 وج 67 ص 315 ح 21.
- 3- أعلام الدين: ص 279؛ كشف الخفاء: ج 1 ص 408 ذيل ح 1310، الدر المنثور: ج 2 ص 205 نقلاً عن ابن أحمد وكلاهما عن عمران بن سليمان نحوه.
- 4- تنبيه الخواطر: ج 1 ص 134؛ إحياء العلوم: ج 3 ص 304.
- 5- الزهد لابن حنبل: ص 117 عن خالد بن حوشب، الزهد لابن المبارك: ج 1 ص 96 ح 284، حلية الأولياء: ج 5 ص 74 الرقم 299، فتح الباري: ج 13 ص 49 ذيل ح 7098 كلَّها عن خلف بن حوشب، جامع بيان العلم وفضله: ج 1 ص 106 عن لقمان أو عيسى عليهما السلام، الدر المنثور: ج 2 ص 201.
- 6- تحف العقول: ص 393 عن الإمام الكاظم عليه السلام وص 509، بحار الأنوار: ج 1 ص 146 ح 30؛ البداية والنهاية: ج 9 ص 300، الدر المنثور: ج 2 ص 205 نقلاً عن أحمد وكلاهما عن وهب بن منبه نحوه.
- 7- الماء القَرَّاحُ: الماء الذي لم يخالطه شيء يُطَيَّبُ به كالعسل والتمر والزبيب (النهاية: ج 4 ص 36 «قرح»).

151. امام صادق علیه السلام: عیسی بن مریم علیه السلام، با لباس پشمینی، ریسیده و بافته و دوخته شده به دست مریم، بالا برده شد. وقتی به آسمان رسید، ندا داده شد: «ای عیسی! زیور دنیایی را بپرداز».

152. عیسی بن مریم علیه السلام: دنیا را بی مقدار شمارید تا برایتان بی مقدار شود. آن را خوار دارید تا آخرت نزدتان ارجمند شود. دنیا را ارجمند مدارید که آخرت برایتان بی ارج می شود. دنیا شایسته گرامیداشت نیست؛ او در هر روز، به گناهی و زیانی فرا می خواند.

153. عیسی بن مریم علیه السلام: ای که دنیا را می جویی تا کار نیک کنی! ترك دنیا، خود، نیک ترین کار است.

154. عیسی بن مریم علیه السلام - به حواریان - همان طور که شاهان، حکمت را برای شما وانهادند، شما دنیا را برای آنان وانهید.

155. عیسی بن مریم علیه السلام - به حواریان - شکیباترین شما بر بلا، زاهدترین شما به دنیا است.

156. الدر المنثور - به نقل از ابو عبیده - حواریان به عیسی علیه السلام گفتند: چه بخوریم؟

فرمود: «نان جوین و علف بیابان بخورید».

گفتند: چه بیاشامیم؟

فرمود: «آب خالی بنوشید». (1)

گفتند: چه چیز را بالین خود سازیم؟

فرمود: «زمین را بالین خود سازید». د.

ص: 109

1- در گذشته، گاه آب آشامیدنی را با هدف خوش طعم شدن، با چیزی مانند عسل و خرما و کشمش می آمیختند. ماء قراح - که در متن عربی حدیث آمده -، آبی است که این گونه آمیخته نشده باشد.

قالوا: ما نراك تأمرنا من العيش إلا بكل شديد!

قال: بهذا تنجون، ولا تحلون ملكوت السماوات حتى يفعله أحدكم وهو منه على شهوة.

قالوا: وكيف يكون ذلك؟

قال: ألم تروا أن الرجل إذا جاع فما أحب إليه الكسرة وإن كانت شعبة، وإن عطش فما أحب إليه الماء وإن كان قراحاً، وإذا أطلال القيام فما أحب إليه أن يتوسد الأرض. (1)

157. المصنف لابن أبي شيبة عن العلاء بن المسيب عن رجل حدثه: قال الحواريون لعيسى بن مريم عليه السلام: ما تأكل؟ قال: خبز الشعير. قالوا: وما تلبس؟ قال: الصوف. قالوا: وما تفتش؟ قال: الأرض.

قالوا: كل هذا شديداً!

قال: لن تنالوا ملكوت السماوات والأرض حتى تُصيبوا هذا على لذة - أو قال:

على شهوة. (2)

158. تنبيه الخواطر: قال الحواريون لعيسى عليه السلام: ما لك تمشي على الماء ونحن لأنقدر على ذلك؟ فقال لهم: وما منزلة الدينار والدرهم عندكم؟ قالوا: حسن، قال: لكنهما عندي والمدر (3)

سواء. (4)

159. تاريخ دمشق عن يونس بن عبيد: كان عيسى بن مريم عليه السلام يقول: لا يُصيب أحد حقيقة. (4)

ص: 110

1- الدر المنثور: ج 2 ص 211 نقلاً عن أحمد.

2- المصنف لابن أبي شيبة: ج 7 ص 462 ح 11 وج 8 ص 111 ح 4.

3- المدر: الطين المتماسك (النهاية: ج 4 ص 309 «مدر»).

4- تنبيه الخواطر: ج 1 ص 156؛ إحياء العلوم: ج 3 ص 344.

گفتند: تو ما را در زندگی به هر چه سخت است، فرمان می دهی؟!

فرمود: «راه نجات شما در این است. شما به ملکوت آسمان ها وارد نمی شوید مگر آن که هر يك از شما این کارها را با میل و رغبت انجام دهد».

گفتند: چگونه این کارها را انجام دهیم؟

فرمود: «آیا نمی بینید که انسان هرگاه گرسنه شود، دوست داشتنی ترین چیز نزد او يك تکه نان است، اگر چه جوین باشد؟ و هرگاه تشنه شود، دوست داشتنی ترین چیز برایش آب است، اگر چه آب خالی باشد؟ و هرگاه مدّتی طولانی در شب نخوابد، دوست داشتنی ترین چیز برایش آن است که لختی سر بر زمین گذارد و بخوابد؟!».

157. المصنّف ابن ابی شیبّه- به نقل از علاء بن مسیب، از مردی که برایش روایت کرد- :

حواریان به عیسی بن مریم علیه السلام گفتند: خوراك تو چیست؟

فرمود: «نان جو».

گفتند: پوشاك تو چیست؟

فرمود: «پشمینه».

گفتند: زیرانداز تو چیست؟ فرمود: «زمین».

گفتند: اینها همه سخت اند!

فرمود: «هرگز به ملکوت آسمان ها و زمین نمی رسید مگر آن که این کارها را با لذّت (میل) انجام دهید».

158. تنبيه الخواطر: حواریان به عیسی علیه السلام گفتند: چرا تو روی آب راه می روی، لیکن ما توان آن را نداریم؟

به آنان فرمود: «دینار و درهم در نظر شما چگونه اند؟ گفتند: نیکویند.

فرمود: «اما نزد من با کلوخ یکسان اند».

159. تاریخ دمشق - به نقل از یونس بن عبید-: عیسی بن مریم علیه السلام می فرمود: «هیچ کس

الإيمانِ حتَّى لا يُباليَ مَنْ أَكَلَ الدُّنْيَا. (1)

160. عيسى بن مريم عليه السلام: يا معشَرَ الحَوَارِيِّينَ، اتَّخِذُوا المَسَاجِدَ مَسَاكِينَ، وَاتَّخِذُوا بُيُوتَكُمْ كَمَنَازِلِ الأَضْيَافِ، ما لَكُمْ فِي العالَمِ مِن مَنزِلٍ، إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا عابِرِو سَبيلٍ. (2)

161. رسول الله صلى الله عليه وآله: كانَ طَعامُ عيسى عليه السلام الباقِلَى حتَّى رُفِعَ، وَلَمْ يَأْكُلْ عيسى عليه السلام شَيْئاً غَيْرَهُ النَّارُ حتَّى رُفِعَ. (3)

راجع: ص/268 الزهد في الدنيا.

10/4 تَرْكُ الشَّهَوَاتِ

162. عيسى بن مريم عليه السلام: يا بَنَ آدَمَ الضَّعيفَ! اتَّقِ رَبَّكَ، وَاتَّقِ طَمَعَكَ، وَكُنْ فِي الدُّنْيَا ضَعيفاً، وَعَنْ شَهَوَاتِكَ عَفيفاً. (4)

163. عنه عليه السلام: طُوبى لِمَنْ تَرَكَ شَهْوَةً حَاضِرَةً لِمَوْعُودٍ غائِبٍ لَمْ يَرَهُ. (5)

164. عنه عليه السلام: طُوبى لِمَنْ يَرى بِعَيْنَيْهِ الشَّهَوَاتِ وَلَمْ يَعمَلْ بِقَلْبِهِ المَعاصِي، ما أَبَعَدَ.

ص: 112

1- تاريخ دمشق: ج 47 ص 413، البداية والنهاية: ج 2 ص 88.

2- المصنّف لابن أبي شيبة: ج 8 ص 113 ح 17 عن ميمون بن سياه وج 7 ص 462 ح 10، الزهد لابن المبارك: ج 1 ص 198 ح 563، تاريخ دمشق: ج 47 ص 423 و424 كلّها عن أبي هريرة نحوه، الدر المنثور: ج 2 ص 203.

3- مكارم الأخلاق: ج 1 ص 397 ح 1345 عن أنس، بحار الأنوار: ج 66 ص 266 ح 5؛ تاريخ دمشق: ج 47 ص 425 وفيه «القاتلي» بدل «الباقلي»، الفردوس: ج 3 ص 272 ح 4814 كلاهما عن أنس، كنز العمال: ج 11 ص 504 ح 32357.

4- تنبيه الخواطر: ج 2 ص 229، بحار الأنوار: ج 14 ص 329 ح 63؛ وراجع: تفسير ابن كثير: ج 2 ص 160.

5- تنبيه الخواطر: ج 1 ص 96، الأمالي للمفيد: ص 51 ح 11 عن جميل بن درّاج عن الإمام الصادق عليه السلام عن رسول الله صلى الله عليه وآله، الخصال: ص 3 ح 2، ثواب الأعمال: ص 211 ح 1 كلاهما عن السكوني عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عن رسول الله صلى الله عليه وآله وليس فيها «غائب»، بحار الأنوار: ج 14 ص 327 ح 46؛ تاريخ دمشق: ج 47 ص 433 وليس فيه «غائب».

به حقیقت ایمان دست نمی یابد، مگر این که باکش نباشد که چه کسی دنیا را خورد».

160. عیسی بن مریم علیه السلام ای جمع یاران! مسجدها را سکونتگاه بگزینید، و خانه هایتان را چون مهمان خانه. شما را در این جهان، خانه ای نیست؛ شما ره گذرانی بیش نیستید.

161. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: غذای عیسی علیه السلام تا زمانی که به آسمان برده شد، باقلا بود، و تا پیش از آن که به آسمان برده شود، غذای پخته نخورد.

ر.ك:ص 269/ بی رغبتی به دنیا.

10/4 وا نهادن خواهش های دل

162. عیسی بن مریم علیه السلام: ای آدمیزاد ناتوان! از پروردگارت پروا دار، و از طمع خویش بپرهیز، و در دنیا ناتوان باش و در برابر خواهش های نفسانی ات خویستنداری کن.

163. عیسی بن مریم علیه السلام: خوشا آن که شهوتی نقد را برای وعده فردایی که ندیده است، رها کند!

164. عیسی بن مریم علیه السلام: خوشا آن که که با دو چشم خود شهوات را می بیند؛ ولی با دلش

ص: 113

ما قَدَفَات، وما أَدْنَى ما هُوَ آتٍ. (1)

165. عنه عليه السلام -لأصحابه-: بِحَقِّ أَقْوَلِ لَكُمْ: إِنَّكُمْ لَا تُصِيبُونَ مَا تُرِيدُونَ إِلَّا بِتَرْكِ مَا تَشْتَهُونَ، وَلَا تَنَالُونَ مَا تَأْمَلُونَ إِلَّا بِالصَّبْرِ عَلَى مَا تَكْرَهُونَ. (2)

166. عنه عليه السلام: رُبَّ شَهْوَةٍ أَوْرَثَتْ أَهْلَهَا حُزْنَ طَوِيلًا. (3)

11/4 مُكَافَحَةُ الشَّيْطَانِ

167. تهذيب الكمال عن خالد بن يزيد: تَعَبَّدَ الشَّيْطَانُ مَعَ عَيْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ سِنِينَ، فَقَامَ يَوْمًا عَلَى شَفِيرِ (4)

جَبَلٍ، فَقَالَ الشَّيْطَانُ: أَرَأَيْتَ إِنْ أَلْقَيْتُ نَفْسِي، هَلْ يُصِيبُنِي إِلَّا مَا كُتِبَ لِي؟

قَالَ: «إِنِّي لَسْتُ بِالَّذِي أَبْتَلِي رَبِّي، وَلَكِنْ رَبِّي إِذَا شَاءَ ابْتَلَانِي»، وَعَرَفَ أَنَّهُ الشَّيْطَانُ، فَفَارَقَهُ. (5)

168. الإمام الصادق عليه السلام: صَعِدَ عَيْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى جَبَلٍ بِالسَّامِ يُقَالُ لَهُ: أَرِيحًا، فَأَتَاهُ إِبْلِيسُ فِي «.

ص: 114

1- الأُمالي للمفيد: ص 208 ح 43 عن ابن سنان عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج 14 ص 325 ح 38؛ تاريخ دمشق: ج 47 ص 462 عن عيسى المرادي نحوه.

2- تحف العقول: ص 305 عن الإمام الصادق عليه السلام، الأُمالي للمفيد: ص 208 ح 43 عن ابن سنان عن الإمام الصادق عنه عليهما السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 78 ص 283 ح 1؛ تاريخ دمشق: ج 68 ص 66 نحوه.

3- تنبيه الخواطر: ج 1 ص 129، الأُمالي للطوسي: ص 533 ح 1162، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 371 ح 2661 كلاهما عن أبي ذر عن رسول الله صلى الله عليه وآله بزيادة «ساعة» بعد «شهوة»، بحار الأنوار: ج 14 ص 327 ح 49؛ تاريخ دمشق: ج 47 ص 426 عن وهيب المكي، الطبقات الكبرى: ج 7 ص 423 عن أبي البجير عن رسول الله صلى الله عليه وآله وفيه بزيادة «ساعة» بعد «شهوة» نحوه، كنز العمال: ج 15 ص 883 ح 43502.

4- شفير: جانب (النهاية: ج 2 ص 485 «شفر»).

5- تهذيب الكمال: ج 6 ص 382 الرقم 1314، البداية والنهاية: ج 2 ص 80، تاريخ دمشق: ج 47 ص 387 وفيهما «عشر سنين أو سنتين» بدل «سنين».

گناه نمی کند! چه دور است آنچه از دست رفته، و چه نزدیک است آنچه آمدنی است!

165. عیسی بن مریم علیه السلام - به یارانش - به راستی به شما می گویم: شما به آنچه می خواهید نمی رسید مگر با رها کردن شهوات خود، و به آنچه امید بسته اید، دست نمی یابید مگر با تحمل آنچه خوش ندارید.

166. عیسی بن مریم علیه السلام: بسا هوس که اندوهی دراز برای صاحبش به بار آرد.

11/4 مبارزه با شیطان

167. تهذیب الکمال - به نقل از خالد بن یزید - شیطان، سالیانی با عیسی علیه السلام عبادت کرد.

روزی بر لبه کوهی ایستاد و گفت: بگو بدانم اگر خود را پرت کنم، آیا جز آنچه برایم مقدر شده، به من می رسد؟

عیسی علیه السلام فرمود: «من کسی نیستم که پروردگارم را بیازمایم؛ بلکه این پروردگار من است که هرگاه بخواهد مرا می آزمايد». و دانست که او شیطان است و از وی جدا شد.

168. امام صادق علیه السلام: روزی عیسی علیه السلام بالای کوهی در شام، به نام اریحا رفت. ابلیس به

صُورَةَ مَلِكِ فِلِسْطِينَ فَقَالَ لَهُ: يَا رُوحَ اللَّهِ، أَحْيَيْتَ الْمَوْتَى وَأَبْرَأْتَ الْأَكْمَةَ (1)

وَالْأَبْرَصَ، فَاطْرَحَ نَفْسَكَ عَنِ الْجَبَلِ.

فَقَالَ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ ذَلِكَ إِذْنٌ لِي فِيهِ، وَهَذَا لَمْ يُؤْذَنْ لِي فِيهِ. (2)

169. الدرّ المنثور عن وهب: إِنَّ إِبْلِيسَ قَالَ لِعِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: زَعَمْتَ أَنَّكَ تُحْيِي الْمَوْتَى، فَإِنْ كُنْتَ كَذَلِكَ فَادْعُ اللَّهَ أَنْ يَرُدَّ هَذَا الْجَبَلَ خُبْرًا. فَقَالَ لَهُ عِيسَى: أَوْ كُلُّ النَّاسِ يَعْيشُونَ بِالْخُبْرِ!؟

قَالَ: فَإِنْ كُنْتَ كَمَا تَقُولُ فَتُبَّ مِنْ هَذَا الْمَكَانِ فَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ سَتَلْقَاكَ! قَالَ: إِنَّ رَبِّي أَمَرَنِي أَلَّا أَجْرِبَ نَفْسِي، فَلَا أُدْرِي هَلْ يُسَلِّمُنِي أَمْ لَا. (3)

170. تهذيب الكمال عن الزهري وابن طاووس، عن أبيه، قال: لَقِيَ عِيسَى بِنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِبْلِيسَ، فَقَالَ: أَمَا عَلِمْتَ أَنَّه لَا يُصِيبُكَ إِلَّا مَا قَدَّرَ لَكَ؟ قَالَ: نَعَمْ، فَقَالَ إِبْلِيسُ: فَأَوْفِ بِدُرُوءِ هَذَا الْجَبَلِ، فَتَرَدَّ مِنْهُ، فَانظُرْ أَتَعِيشُ أَمْ لَا؟!

قَالَ طَاوُوسٌ فِي حَدِيثِهِ: قَالَ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ اللَّهَ قَالَ: لَا يُجْرِبُنِي عَبْدِي، فَإِنِّي أَفْعَلُ مَا شِئْتُ؟

وقال الزُّهْرِيُّ فِي حَدِيثِهِ: إِنَّ الْعَبْدَ لَا يَبْتَلِي رَبَّهُ، وَلَكِنَّ اللَّهَ يَبْتَلِي عَبْدَهُ. قَالَ:

فَخَصَّمَهُ. (4)

171. الإمام الصادق عليه السلام: جَاءَ إِبْلِيسُ إِلَى عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: أَلَيْسَ تَزْعُمُ أَنَّكَ تُحْيِي الْمَوْتَى؟ قَالَ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: بَلَى..

ص: 116

1- الأَكْمَةُ: هو الذي يولد مطموس العين (مفردات ألفاظ القرآن: ص 726 «كمه»).

2- قصص الأنبياء للراوندي: ص 269 ح 311 عن بريد القصراني، بحار الأنوار: ج 14 ص 271 ح 2.

3- الدرّ المنثور: ج 2 ص 207 نقلاً عن أحمد.

4- تهذيب الكمال: ج 13 ص 368 الرقم 2958، المصنّف لعبد الرزاق: ج 11 ص 113 ح 20070 نحوه، البداية والنهاية: ج 2 ص

79، تاريخ دمشق: ج 47 ص 385 وفيهما «فارق» بدل «فاوف».

صورت پادشاه فلسطین نزد او آمد و گفت: ای روح خدا! تو که مرده را زنده می کنی و کور مادرزاد و پیس را شفا می دهی، خود را از این کوه پایین بیفکن.

عیسی علیه السلام فرمود: «در آن کارها به من اذن داده شده، لیکن در این کار، رخصت داده نشدم».

169. الدر المنثور - به نقل از وهب - روزی ابلیس به عیسی علیه السلام گفت: تو که مدعی زنده کردن مردگانی، اگر راست می گویی، از خدا بخواه که این کوه را به نان تبدیل کند.

عیسی علیه السلام به او فرمود: «مگر همه مردم با نان امرار معاش می کنند [که کوهی نان بسازم]؟!».

ابلیس گفت: پس اگر راست می گویی، از این جا پایین بپر که فرشتگان تو را خواهند گرفت.

عیسی علیه السلام فرمود: «پروردگرم به من دستور داده است که خود را نیازمایم. در نتیجه نمی دانم [اگر بپریم] آیا مرا سالم نگه می دارد یا نه؟».

170. تهذیب الکمال - به نقل از زهری و ابن طاووس از پدرش - عیسی بن مریم علیه السلام به ابلیس برخورد. ابلیس گفت: مگر نمی دانی تنها آن چیزی به تو می رسد که برایت مقدر شده است؟

عیسی علیه السلام فرمود: «آری».

ابلیس گفت: پس بر فراز این کوه برو و خود را از آن به زیر بینداز و ببین زنده می مانی یا نه؟!

عیسی علیه السلام [طبق نقل طاووس] فرمود: «مگر تو نمی دانی که خدا فرموده است:

بنده ام مرا نمی آزماید؛ چرا که من هر کاری بخواهم، انجام می دهم؟».

یا [طبق نقل زهری فرمود: «بنده، خداوندگار خویش را نمی آزماید؛ بلکه خداست که بنده اش را می آزماید»]. و این چنین، ابلیس را محکوم کرد.

171. امام صادق علیه السلام: ابلیس نزد عیسی علیه السلام آمد و گفت: آیا نه این است که می گویی مردگان را زنده می کنی؟

عیسی علیه السلام فرمود: «آری».

قال إبليس: فاطرح نفسك من فوق الحائط. فقال عيسى عليه السلام: ويلك! إن العبد لا يجرب ربه. (1)

172. الإمام الصادق عليه السلام: إن إبليس قال لعيسى بن مريم عليه السلام: أيقدر ربك على أن يدخل الأرض بيضة؛ لا يصغر الأرض ولا يكبر البيضة؟

فقال عيسى عليه السلام: ويلك! إن الله لا يوصف بعجز، ومن أقدر ممن يلطف الأرض ويعظم البيضة؟! (2)

173. عنه عليه السلام: جاء إبليس إلى عيسى عليه السلام فقال: ... يا عيسى، هل يقدر ربك على أن يدخل الأرض في بيضة والبيضة كهيئةها؟

فقال: إن الله عز وجل لا يوصف بعجز، والذي قلت لا يكون. (3)

174. الأمامي للصدوق عن ابن عباس: لما مضى لعيسى عليه السلام ثلاثون سنة بعثه الله عز وجل إلى بني إسرائيل، فلقى إبليس -لعنه الله- على عقبة بيت المقدس؛ وهي عقبة أفيق، فقال له: يا عيسى، أنت الذي بلغ من عظم ربوبيتك أن تكونت من غير أب؟

قال عيسى عليه السلام: بل العظمة للذي كوّنني، وكذلك كوّن آدم وحواء.

قال إبليس: يا عيسى، فانت الذي بلغ من عظم ربوبيتك أنك تكلمت في المهد صبيًا؟

قال عيسى عليه السلام: يا إبليس، بل العظمة للذي أنطقني في صغري ولو شاء لأبكمني.

قال إبليس: فانت الذي بلغ من عظم ربوبيتك أنك تخلق من الطين كهيئة الطير.

ص: 118

1- قصص الأنبياء للراوندي: ص 269 ح 312 عن هشام بن سالم، بحار الأنوار: ج 14 ص 271 ح 3.

2- التوحيد: ص 127 ح 5، مشكاة الأنوار: ص 454 ح 1515 نحوه، بحار الأنوار: ج 4 ص 142 ح 9.

3- قصص الأنبياء للراوندي: ص 269 ح 312 عن هشام بن سالم.

ابلیس گفت: [اگر راست می گویی] پس خودت را از بالای دیوار بینداز.

عیسی علیه السلام فرمود: «وای بر تو! بنده، خداوندگار خویش را نمی آزماید».

172. امام صادق علیه السلام: ابلیس به عیسی بن مریم علیه السلام گفت: آیا خداوندگار تو قادر است [کرة] زمین را در تخم مرغی جای دهد بدون آن که زمین را کوچک یا تخم مرغ را بزرگ گرداند؟».

عیسی علیه السلام فرمود: «وای بر تو! خداوند به ناتوانی وصف نمی شود. کیست تواناتر از کسی که زمین را کوچک و تخم مرغ را بزرگ گرداند؟!»

173. امام صادق علیه السلام: ابلیس نزد عیسی علیه السلام آمد و گفت: ... ای عیسی! آیا خداوندگار تو قادر است زمین را در تخم مرغی جای دهد و تخم مرغ در همان حجم خود باشد؟

عیسی علیه السلام فرمود: «خداوند به ناتوانی وصف نمی شود، لیک آنچه تو گفتی، محال است [و قدرت به امر محال تعلق نمی گیرد]».

174. امالی، صدوق - به نقل از ابن عباس -: چون عیسی علیه السلام سی ساله شد، خداوند او را سوی بنی اسرائیل به پیامبری فرستاد. ابلیس ملعون، در گردنه بیت المقدس به نام «عقبه افیق» او را دید و گفت: ای عیسی! تو آنی که بزرگی ربوبیتت تا بدان جا رسید که بدون پدر به وجود آمدی؟!

عیسی علیه السلام فرمود: «نه. بزرگی از آن کسی است که مرا و همچنین آدم و حوا را پدید آورد».

ابلیس گفت: تو آنی که بزرگی ربوبیتت تا بدان جا رسید که در کودکی در گهواره، سخن گفتی؟!

عیسی علیه السلام فرمود: «ای ابلیس! [نه] بلکه بزرگی از آن کسی است که مرا در نوزادی به سخن آورد و اگر می خواست زبانم را می بست».

ابلیس گفت: تو آنی که بزرگی ربوبیتت تا بدان جا رسیده که از گل، شکل

فَتَنْفُخُ فِيهِ فَيَصِيرُ طَيْرًا؟

قَالَ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: بَلِ الْعِظْمَةُ لِلَّذِي خَلَقَنِي وَخَلَقَ مَا سَخَّرَ لِي.

قَالَ إِبْلِيسُ: فَأَنْتَ الَّذِي بَلَغَ مِنْ عِظَمِ رُبُوبِيَّتِكَ أَنَّكَ تَشْفِي الْمَرْضَى؟

قَالَ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: بَلِ الْعِظْمَةُ لِلَّذِي يَأْذِنُهُ أَشْفِيهِمْ، وَإِذَا شَاءَ أَمْرَضَنِي.

قَالَ إِبْلِيسُ: فَأَنْتَ الَّذِي بَلَغَ مِنْ عِظَمِ رُبُوبِيَّتِكَ أَنَّكَ تُحْيِي الْمَوْتَى؟

قَالَ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: بَلِ الْعِظْمَةُ لِلَّذِي يَأْذِنُهُ أَحْيِيهِمْ، وَلَا بُدَّ مِنْ أَنْ يُمِيتَ مَا أَحْيَيْتُ وَيُمِيتُنِي.

قَالَ إِبْلِيسُ: يَا عِيسَى، فَأَنْتَ الَّذِي بَلَغَ مِنْ عِظَمِ رُبُوبِيَّتِكَ أَنَّكَ تَعْبُرُ الْبَحْرَ فَلَا تَبْتَلُ قَدَمَاكَ وَلَا تَرَسُخُ فِيهِ؟

قَالَ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: بَلِ الْعِظْمَةُ لِلَّذِي ذَلَّلَهُ لِي، وَلَوْ شَاءَ أَغْرَقَنِي.

قَالَ إِبْلِيسُ: يَا عِيسَى، فَأَنْتَ الَّذِي بَلَغَ مِنْ عِظَمِ رُبُوبِيَّتِكَ أَنَّهُ سَدَّ يَأْتِي عَلَيْكَ يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ دُونَكَ، وَأَنْتَ فَوْقَ ذَلِكَ كُلِّهِ تَدْبُرُ الْأَمْرَ، وَتُقَسِّمُ الْأَرْزَاقَ؟

فَأَعْظَمَ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ ذَلِكَ مِنْ قَوْلِ إِبْلِيسَ الْكَافِرِ اللَّعِينِ، فَقَالَ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: سُبْحَانَ اللَّهِ مِلءَ سَمَاوَاتِهِ وَأَرْضِيهِ، وَمِدَادَ كَلِمَاتِهِ، وَزِينَةَ عَرْشِهِ، وَرِضَا نَفْسِهِ! (1)

175. تاريخ دمشق عن أبي سلمة سويد عن بعض أصحابه: صَلَّى عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ بَيْتَ الْمَقْدِسِ، فَأَنْصَرَ رَفًا، فَلَمَّا كَانَ بِبَعْضِ الْعَقَبَةِ فَعَرَضَ لَهُ إِبْلِيسُ فَاحْتَبَسَهُ، فَجَعَلَ يَعْزِضُ عَلَيْهِ وَيُكَلِّمُهُ وَيَقُولُ لَهُ: إِنَّهُ لَا يَنْبَغِي لَكَ أَنْ تَكُونَ عَبْدًا، فَأَكْثَرَ عَلَيْهِ، وَجَعَلَ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ 4.

ص: 120

1- الأُمالي للصدوق: ص 272 ح 300، بحار الأنوار: ج 14 ص 270 ح 1 وراجع: قصص الأنبياء للراوندي: ص 270 ح 314.

پرنده می سازی و در آن می دمی و تبدیل به پرنده ای [واقعی] می شود؟!

عیسی علیه السلام فرمود: «نه. بزرگی از آن کسی است که مرا و آنچه را مسخر من کرد، آفرید».

ابلیس گفت: تو آنی که بزرگی ربوبیتت تا بدان جا رسیده که بیماران را شفا می دهی؟!

عیسی علیه السلام فرمود: «نه. بزرگی از آن کسی است که با اجازه او من شفا می دهم، و هرگاه بخواهد مرا نیز بیمار می گرداند».

ابلیس گفت: تو آنی که بزرگی ربوبیتت تا بدان جا رسید که مرده ها را زنده می کنی؟!

عیسی علیه السلام فرمود: «نه. بزرگی از آن کسی است که با اجازه او مرده ها را زنده می کنم، و حتماً آنچه را زنده می کنم و نیز خود مرا هم می میراند».

ابلیس گفت: ای عیسی! تو آنی که بزرگی ربوبیتت تا بدان جا رسیده که از دریا می گذری بی آن که پاهایت تر شوند یا در آن فروری؟!

عیسی علیه السلام فرمود: «نه. بزرگی از آن کسی است که دریا را رام من کرد، در حالی که اگر می خواست، مرا غرق می کرد».

ابلیس گفت: ای عیسی! تو آنی که بزرگی ربوبیتت تا بدان جا رسیده که روزی بر تو فرا می رسد که آسمان ها و زمین و هر که در آنهاست، زیر پای تو قرار می گیرند و تو از فراز آنها به تدبیر عالم و تقسیم روزی ها می پردازی؟!

این سخن ابلیس کافر ملعون، بر عیسی علیه السلام گران آمد و فرمود: «منزه است خداوند به اندازه آسمان ها و زمینش، و گستره کلماتش، و وزن عرشش، و رضایت ذاتش!».

175. تاریخ دمشق: ابو سلمه سوید، از یکی از یارانش نقل کرد: عیسی علیه السلام در بیت المقدس نماز گزارد و برگشت. در میان گردنه، ابلیس سر راهش سبز شد و جلو او را گرفت و شروع به سخن گفتن با وی کرد و گفت: سزاوار تو نیست که بنده باشی، و بر او اصرار کرد.

عیسی علیه السلام می کوشید تا خود را از دست او رهایی بخشد؛ ولی نمی توانست. از جمله

يَحْرِضُ عَلَى أَنْ يَتَخَلَّصَ مِنْهُ، فَجَعَلَ لَا يَتَخَلَّصُ مِنْهُ، فَقَالَ لَهُ -فِي مَا يَقُولُ-: لَا يَنْبَغِي لَكَ -يَا عِيسَى- أَنْ تَكُونَ عَبْدًا!

قَالَ: فَاسْتَعَاثَ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ رَبَّهُ، فَأَقْبَلَ جِبْرِيلُ وَمِيكَائِيلُ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، فَلَمَّا رَأَاهُمَا إِبْلِيسُ كَفَّ، فَلَمَّا اسْتَقَرَّ مَعَهُ عَلَى الْعَقَبَةِ اِكْتَنَفَا عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَضَرَبَ جِبْرِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِبْلِيسَ بِجَنَاحِهِ، فَقَذَفَهُ فِي بَطْنِ الْوَادِي!

قَالَ: فَعَادَ إِبْلِيسُ مَعَهُ، وَعَلِمَ أَنَّهُمَا لَمْ يُؤْمَرَا بِغَيْرِ ذَلِكَ، فَقَالَ لِعِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَدْ أَخْبَرْتُكَ أَنَّهُ لَا يَنْبَغِي لَكَ أَنْ تَكُونَ عَبْدًا، إِنَّ غَضَبَكَ لَيْسَ غَضَبَ عَبْدٍ، فَقَدْ رَأَيْتُ مَا لَقِيتُ مِنْكَ حِينَ غَضِبْتَ، وَلَكِنْ أَدْعُوكَ لِأَمْرٍ هُوَ لَكَ، أَمْرُ الشَّيَاطِينِ فَلْيَطِيعُوكَ، فَإِذَا رَأَى الْإِنْسُ أَنَّ الشَّيَاطِينَ قَدْ أَطَاعُوكَ عَبَدُوكَ. أَمَا إِنِّي لَا أَقُولُ: أَنْ تَكُونَ إِلَهًا لَيْسَ مَعَهُ إِلَهٌ، وَلَكِنَّ اللَّهَ يَكُونُ إِلَهًا فِي السَّمَاءِ، وَتَكُونُ أَنْتَ إِلَهًا فِي الْأَرْضِ!

فَلَمَّا سَمِعَ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ ذَلِكَ مِنْهُ اسْتَعَاثَ بِرَبِّهِ وَصَرَخَ صَرْخَةً شَدِيدَةً، فَإِذَا إِسْرَافِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَدْ هَبَطَ، فَنَظَرَ إِلَيْهِ جِبْرِيلُ وَمِيكَائِيلُ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، فَكَفَّ إِبْلِيسُ، فَلَمَّا اسْتَقَرَّ مَعَهُمْ ضَرَبَ إِسْرَافِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِبْلِيسَ بِجَنَاحِهِ، فَصَلَّكَ بِهِ عَيْنَ الشَّمْسِ، ثُمَّ ضَرَبَهُ ضَرْبَةً أُخْرَى، فَأَقْبَلَ إِبْلِيسُ يَهُوِي، وَمَرَّ بِعِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ بِمَكَانِهِ، فَقَالَ: يَا عِيسَى، لَقَدْ لَقِيتُ قَبْلَ الْيَوْمِ تَعْبًا شَدِيدًا! فَرَمَى بِهِ فِي عَيْنِ الشَّمْسِ فَوَخَزَهُ سَبْعَةَ أَمْلاكَ عِنْدَ الْعَيْنِ الْحَامِيَةِ، قَالَ: فَغَطَّوهُ، فَجَعَلَ كُلُّمَا خَرَجَ غَطُّوهُ فِي تِلْكَ الْحَمَاءِ (1)

، قَالَ: وَاللَّهِ مَا عَادَ إِلَيْهِ بَعْدُ.

قَالَ: وَحَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ الْعَطَّارُ، حَدَّثَنَا أَبُو حُدَيْفَةَ، قَالَ: وَاجْتَمَعَ إِلَيْهِ شَيَاطِينُهُ).

ص: 122

سخنانی که ابلیس به او گفت این بود که: ای عیسی! سزاوار تو نیست که بنده باشی!

عیسی علیه السلام از پروردگارش کمک خواست. جبرئیل علیه السلام و میکائیل علیه السلام آمدند.

ابلیس با دیدن آنها خاموش شد. چون آن دو در گردنه، کنار عیسی علیه السلام ایستادند، او را در میان گرفتند و جبرئیل علیه السلام با بال خود بر ابلیس زد و او را به عمق دژه پرتاب کرد!

ابلیس نزد عیسی علیه السلام باز آمد، و دریافت که جبرئیل علیه السلام و میکائیل علیه السلام مأموریتی جز این نداشته اند. پس به عیسی علیه السلام گفت: من به تو گفتم که سزاوار تو نیست بنده باشی. خشم تو خشم یک بنده نیست؛ زیرا که خشم چنان بلایی بر سرم آورد.

اما من تو را به چیزی فرا می خوانم که حق توست. به شیاطین دستور می دهم که از تو فرمان برند، و چون انسان ها ببینند که شیاطین، فرمان بردار تو اند، آنها هم از تو فرمان می برند. البته من نمی گویم که خدای یگانه باشی؛ بلکه الله در آسمان خدا باشد و تو در زمین خدا باشی!

عیسی علیه السلام چون این سخن را از او شنید، فریادی سخت برآورد و از پروردگارش کمک طلبید. ناگاه اسرافیل علیه السلام فرود آمد. جبرئیل علیه السلام و میکائیل علیه السلام به او نگر بستند، و ابلیس سکوت کرد. چون اسرافیل علیه السلام در کنار آنها قرار گرفت، با بال خود بر ابلیس زد، چنان که تا چشمه خورشید پرتابش کرد. سپس ضربه ای دیگر بر او زد که ابلیس سقوط کرد و از کنار عیسی علیه السلام گذشت، در حالی که وی در جای خود بود. پس گفت: ای عیسی! پیش از امروز رنج بسیار بردم! پس او را در چشمه خورشید پرتاب کرد و هفت فرشته در محل چشمه سوزان، سوزن آجیش کردند. او را در آن چشمه فرو بردند، و هر بار که بیرون می آمد، دوباره او را در آن لجن زار فرو می بردند. به خدا سوگند که بعد از آن دیگر نزد عیسی نیامد!

ابوسلمه گفت: اسماعیل عطار از ابو حذیفه برایمان نقل کرد که: شیاطین

فَقَالُوا: سَيِّدَنَا قَدْ لَقِيتَ تَعَبًا! قَالَ: إِنَّ هَذَا عَبْدٌ مَعْصُومٌ، لَيْسَ لِي عَلَيْهِ مِنْ سَبِيلٍ، وَسَأُضِلُّ بِهِ بَشَرًا كَثِيرًا. (1)

176. عيسى بن مريم عليه السلام: إِنَّ الشَّيْطَانَ مَعَ الدُّنْيَا، وَمَكْرُهُ مَعَ المَالِ، وَتَزْيِينُهُ عِنْدَ الهَوَى، وَاسْتِكْمَالُهُ عِنْدَ الشَّهَوَاتِ. (2)

12/4 الإِسْتِعْدَادُ لِلْمَوْتِ

177. عيسى بن مريم عليه السلام: هَوَلٌ لَا تَدْرِي مَتَى يَلْقَاكَ! مَا يَمْنَعُكَ أَنْ تَسْتَعِدَّ لَهُ قَبْلَ أَنْ يَفْجَأَكَ. (3)

178. عنه عليه السلام: يَا صَاحِبَ العِلْمِ، كَرِّبْ (4)

لَا تَدْرِي مَتَى تَغْشَاكَ، فَاسْتَعِدَّ لَهَا قَبْلَ أَنْ تَفْجَأَكَ. (5)

179. تاريخ دمشق عن علي بن الحسن الصنعاني: بَلَّغْنَا أَنَّ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: يَا مَعْشَرَ الحَوَارِيِّينَ، ادْعُوا اللّهَ أَنْ يُهَوِّنَ عَلَيَّ هَذِهِ السَّكْرَةَ-يَعْنِي المَوْتَ. 9.

ص: 124

1- تاريخ دمشق: ج 47 ص 388، البداية والنهاية: ج 2 ص 80 نحوه.

2- الزهد لابن حنبل: ص 120، تهذيب الكمال: ج 32 ص 547 الرقم 7185، حلية الأولياء: ج 5 ص 252 الرقم 330، تاريخ دمشق: ج 47 ص 431 وفيه «استكانه» بدل «استكمال» وكلها عن ابن حلس، البداية والنهاية: ج 2 ص 89 وفيه «فكره» بدل «مكره» و«استمكانه» بدل «استكمال»، الدر المنثور: ج 2 ص 210.

3- الزهد للحسين بن سعيد: ص 152 ح 222 عن إسماعيل عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام، مشكاة الأنوار: ص 526 ح 1769، الدعوات للراوندي: ص 236 ح 653 كلاهما عن الإمام الصادق عنه عليهما السلام وفيهما «يغشاك» بدل «يلقاك»، بحار الأنوار: ج 14 ص 326 ح 44.

4- الكرب: الحزن والغم الذي يأخذ بالنفوس (لسان العرب: ج 1 ص 711 «كرب»).

5- تحف العقول: ص 502، بحار الأنوار: ج 14 ص 305 ح 17؛ تاريخ دمشق: ج 68 ص 69.

ابلیس نزد او جمع شدند و گفتند: سرورا! رنج بسیار بردی! ابلیس گفت: او بنده ای معصوم است، و مرا به او راهی نیست؛ اما به زودی به [بهبان] او، مردم بسیاری را گمراه می کنم.

176. عیسی بن مریم علیه السلام: شیطان با دنیاست، و مال دنیا وسیله نیرنگ اوست، و هوای نفس زیور او، و شهوات مایه کامل کردن کار او.

12/4 آمادگی برای مرگ

177. عیسی بن مریم علیه السلام: وحشتی که نمی دانی چه وقت به سراغت می آید، چرا پیش از آن که غافلگیرت کند، خود را برایش آماده نمی سازی؟!

178. عیسی بن مریم علیه السلام: ای صاحب دانایی! اندوهی در پیش است که نمی دانی چه وقت تو را فرا می گیرد. پس پیش از آن که ناگهان دامنگیرت شود، خود را برایش آماده ساز.

179. تاریخ دمشق - به نقل از علی بن حسن صنعانی - : به ما رسیده است که عیسی علیه السلام فرمود: «ای جمع یاران! دعا کنید که خداوند، سَکرات مرگ را بر من آسان گرداند».

ثُمَّ قَالَ: لَقَدْ خِفْتُ الْمَوْتَ خَوْفًا وَقَفَنِي مَخَافَتِي مِنَ الْمَوْتِ عَلَى الْمَوْتِ. (1)

180. تنبيه الخواطر: كان [عيسى عليه السلام] اذا مرَّ على الشَّبابِ قالَ لَهُمْ: «كَمْ مِنْ زَرْعٍ لَمْ يُدْرِكِ الْحَصَادَ». وَإِذَا مَرَّ عَلَى الشُّيُوخِ قَالَ: «مَا يُنْتَظَرُ بِالزَّرْعِ إِذَا أَدْرَكَ إِلَّا أَنْ يُحْصَدَ!». (2)

13/4 البكاء من خشية الله

181. عيسى بن مريم عليه السلام: عَوَّدَ نَفْسَكَ الْبُكَاءَ. (3)

182. عنه عليه السلام: طُوبَى لِمَنْ... بَكَى عَلَى خَطِيئَتِهِ. (4)

(5) 183. عنه عليه السلام: طُوبَى لِلْمَحْزُونِينَ، هُمْ الَّذِينَ يُسْرُونَ. (6)

راجع: ص/ 258 البكاء على النفس. 4.

ص: 126

-
- 1- تاريخ دمشق: ج 47 ص 469، تفسير القرطبي: ج 17 ص 13 وفيه صدره إلى «يعني الموت» نحوه، الدر المنثور: ج 2 ص 210 نقلاً عن أحمد عن الحسن بن علي الصنعاني.
 - 2- تنبيه الخواطر: ج 1 ص 37.
 - 3- تاريخ دمشق: ج 47 ص 426 عن عتبة بن يزيد، الدر المنثور: ج 2 ص 202.
 - 4- الخصال: ص 295 ح 62 عن عبد الله بن ميمون عن الإمام الصادق عن آبائه عن الإمام علي عليهم السلام، الاختصاص: ص 232 عن الإمام الصادق عن أبيه عنه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 14 ص 320 ح 23؛ البداية والنهاية: ج 2 ص 89، تاريخ دمشق: ج 47 ص 433 عن سالم بن أبي الجعد وكلاهما نحوه.
 - 5- وفي رواية أخرى: مرَّ عيسى عليه السلام بِقَوْمٍ يَكُونُ عَلَى ذُنُوبِهِمْ، فَقَالَ لَهُمْ: أَتُرْكُوهَا يُغْفَرَ لَكُمْ. (تاريخ دمشق: ج 47 ص 431 عن ابن شوذب) والجمع بينهما- على فرض صحّة هذا الحديث- الاعتدال في البكاء على الذنوب.
 - 6- تحف العقول: ص 501، بحار الأنوار: ج 14 ص 304.

سپس فرمود: «از مرگ چنان می ترسم که ترسم از مرگ، مرا در آستانه مرگ قرار داده است».

180. تنبيه الخواطر: عیسی علیه السلام هرگاه بر جوانان می گذشت، می فرمود: «چه بسیار زراعتی که به زمان درو کردن نمی رسد»، و هرگاه بر پیران می گذشت، می فرمود: «زراعت چون برسد، جز درو کردنش انتظاری نیست!».

13/4 گریستن از ترس خدا

181. عیسی بن مریم علیه السلام: خود را به گریستن [از ترس خدا] عادت ده.

182. عیسی بن مریم علیه السلام: خوشا کسی که... برای گناه خویش بگرید!

183. عیسی بن مریم علیه السلام: خوشا به حال اندوهناکان! ایشان اند که شادمان می شوند.

ر.ك: ص 259/ گریستن بر خود.

ص: 127

184. عيسى بن مريم عليه السلام: يَا بَنَ آدَمَ... عَوِّدْ جِسْمَكَ الصَّبْرَ. (1)

185. عنه عليه السلام: حَصَّنُوا بَابَ الْعِلْمِ، فَإِنَّ بَابَهُ الصَّبْرُ. (2)

186. عنه عليه السلام: حُبُّ الْفِرْدَوْسِ وَخَشْيَةُ جَهَنَّمَ، يُورِثَانِ الصَّبْرَ عَلَى الْمَشَقَّةِ، وَيُبَاعِدَانِ الْعَبْدَ مِنْ رَاحَةِ الدُّنْيَا. (3)

187. عنه عليه السلام: إِنَّكُمْ لَا تُدْرِكُونَ مَا تُحِبُّونَ إِلَّا بِصَبْرِكُمْ عَلَى مَا تَكْرَهُونَ. (4)

188. عنه عليه السلام: طُوبَى لِلْمَسَاكِينِ وَلَهُمْ مَلَكُوتُ السَّمَاءِ. (5)

راجع: ص/ 254/ الصبر والرضا.

15/4 الإِسْتِحْيَاءُ مِنَ اللَّهِ

189. عيسى بن مريم عليه السلام: اسْتَحْيُوا اللَّهَ فِي سَرَائِرِكُمْ كَمَا تَسْتَحْيُونَ النَّاسَ فِي عَلَانِيَتِكُمْ. (6) 7.

ص: 128

-
- 1- تنبيه الخواطر: ج 2 ص 229، بحار الأنوار: ج 14 ص 329 ح 63؛ تاريخ دمشق: ج 47 ص 426 عن عتبة بن يزيد وفيه «جسدك» بدل «جسمك»، شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد: ج 16 ص 64 عن الإمام علي عليه السلام، الدر المنثور: ج 2 ص 202.
 - 2- تحف العقول: ص 502، بحار الأنوار: ج 14 ص 305 ح 13.
 - 3- تهذيب الكمال: ج 31 ص 173، تاريخ الإسلام للذهبي: ج 9 ص 664 كلاهما عن وهيب بن الورد، تاريخ دمشق: ج 47 ص 422 عن مالك بن دينار، الدر المنثور: ج 2 ص 201.
 - 4- مسكن الفؤاد: ص 48، بحار الأنوار: ج 82 ص 137 ح 42.
 - 5- تحف العقول: ص 501، بحار الأنوار: ج 14 ص 304.
 - 6- تحف العقول: ص 502، بحار الأنوار: ج 14 ص 305 ح 17.

184. عیسی بن مریم علیه السلام: ای پسر آدم!... تن خود را به شکیبایی عادت ده.

185. عیسی بن مریم علیه السلام: در دانش را مستحکم کنید، و در آن، شکیبایی است.

186. عیسی بن مریم علیه السلام: دوست داشتن بهشت و ترس از دوزخ، موجب شکیبایی در برابر سختی ها می شوند، و بنده را از آسایش دنیا دور می کنند.

187. عیسی بن مریم علیه السلام: شما به آنچه خوش دارید، نمی رسید مگر با تحمل آنچه ناخوش دارید.

188. عیسی بن مریم علیه السلام: خوشا به حال مستمندان! ملکوت آسمان از آن ایشان است. (1)

ر.ك:ص/255 شکیبایی و خشنودی.

15/4 شرم کردن از خدا

189. عیسی بن مریم علیه السلام: در نهان از خدا شرم کنید، همان گونه که در آشکار از مردم شرم می کنید.

ص: 129

1- این سخن ظاهراً اشاره به فقر اختیاری است.

190. عيسى بن مريم عليه السلام: إِذَا قَعَدَ أَحَدُكُمْ فِي مَنْزِلِهِ فَلْيُبِخْ عَلَيْهِ سِتْرَهُ، فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى قَسَمَ الْحَيَاءَ كَمَا قَسَمَ الرَّزْقَ. (1)

17/4 الإِنصَافُ

191. عيسى بن مريم عليه السلام - لِأَصْحَابِهِ -: أَنْصِفُوا مِنْ أَنْفُسِكُمْ. (2)

18/4 التَّرَاحُفُ

192. عيسى بن مريم عليه السلام: طُوبَى لِلْمُتَرَاخِمِينَ، أَوْلِيكَ هُمْ الْمَرْحُومُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (3)

193. عنه عليه السلام: كَمَا تَرَحَّمُونَ كَذَلِكَ تُرَحَّمُونَ. (4)

194. عنه عليه السلام - لِمَنْ قَالَ لَهُ: يَا مُعَلِّمَ الْخَيْرِ، عَلَّمَنِي عَمَلًا إِذَا أَنَا عَمَلْتُهُ كُنْتُ تَقِيًّا. 2.

ص: 130

-
- 1- قرب الإسناد: ص 46 ح 151 عن مسعدة بن صدقة عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج 7 ص 334 ح 11.
 - 2- الأُمالي للصدوق: ص 650 ح 884 عن منصور بن حازم عن الإمام الصادق عليه السلام، روضة الواعظين: ص 490 عن الإمام الصادق عنه عليهما السلام، بحار الأنوار: ج 14 ص 289 ح 14؛ المعجم الكبير: ج 8 ص 282 ح 8082 عن أبي أمامة عن رسول الله صلى الله عليه وآله من دون إسناد إلى المسيح عليه السلام، كنز العمال: ج 15 ص 893 ح 43533.
 - 3- تحف العقول: ص 501، بحار الأنوار: ج 14 ص 304 ح 17.
 - 4- تاريخ دمشق: ج 47 ص 432 عن يزيد بن ميسرة، المصنّف لابن أبي شيبة: ج 6 ص 94 ح 11 عن هشام عن أبيه، الدر المنثور: ج 2 ص 212.

16/4 شرم کردن از مردم

190. عیسی بن مریم علیه السلام: هرگاه یکی از شما در منزل خود نشست، پرده اش را بپندازد، چرا که خداوند، شرم را همچون روزی، قسمت کرده است.

17/4 انصاف

191. عیسی بن مریم علیه السلام - خطاب به یارانش - :خود را به انصاف ورزیدن، وادارید.

18/4 مهربانی کردن به یکدیگر

192. عیسی بن مریم علیه السلام: خوشا به حال مهربانی کنندگان به یکدیگر! آنان اند که در روز رستاخیز، مورد رحمت قرار می گیرند.

193. عیسی بن مریم علیه السلام: هر اندازه رحم کنید، به همان اندازه به شما رحم می شود.

194. عیسی بن مریم علیه السلام - در پاسخ مردی که گفت: ای آموزگار خوبی! کاری به من بیاموز که با انجام آن پرهیزکار از خدا به شمار آیم، چنان که فرمانم داده است -:

ص: 131

لِلَّهِ كَمَا أَمَرَنِي -... تَرَحَّمْ عَلَيَّ وَوَلِدِ جَنَسِكَ، يَعْنِي: وُلِدَ آدَمَ. (1)

راجع: ص/ 260 رحمة الضعيف.

19/4 الشُّكْرُ

195. عيسى بن مريم عليه السلام: كما لا تنقص نور الشمس كثرة من يتقلب فيها بل به يعيش ويحيى، كذلك لا ينقص الله كثرة ما يعطيكم ويرزقكم، بل برزقه تعيشون وبه تحيون، يزيد من شكره، إنه شاكِرٌ عَلِيمٌ. (2)

196. عنه عليه السلام: يا صاحب العلم، اعلم أن كل نعمة عجزت عن شكرها بمنزلة سبيبة تؤاخذ عليها. (3)

197. عنه عليه السلام: يا معشر الحواريين، كلوا خبز الشعير ونبات الأرض والماء القراح (4)

، وإياكم وخبز البر (5)

؛ فَإِنَّكُمْ لَا تَقُومُونَ بِشُكْرِهِ، وَعَلِمُوا أَنَّ حَلَاوَةَ الدُّنْيَا مَرَاةُ الْآخِرَةِ، وَأَشَدُّ مَرَاةِ الدُّنْيَا حَلَاوَةُ الْآخِرَةِ. (6)

20/4 التَّوَاضُّعُ

198. الزهد لابن حنبل عن يزيد بن مسيرة: قال عيسى عليه السلام: ما لي لا أرى فيكم أفضل العبادة؟ه.

ص: 132

- 1- تاريخ دمشق: ج 47 ص 446، شعب الإيمان: ج 5 ص 352 ح 6905 كلاهما عن ابن عجلان، الدر المنثور: ج 1 ص 62 نقلاً عن أحمد في الزهد وابن أبي الدنيا وكلاهما عن سعيد المقبري نحوه.
- 2- تحف العقول: ص 507، بحار الأنوار: ج 14 ص 310 ح 17.
- 3- تحف العقول: ص 502، بحار الأنوار: ج 14 ص 305 ح 17؛ تاريخ دمشق: ج 68 ص 68.
- 4- القراح: الماء الذي لم يخالطه شيء يطيب به (النهاية: ج 4 ص 36 «قرح»).
- 5- البر: الحنطة (لسان العرب: ج 4 ص 55 «بر»).
- 6- الدر المنثور: ج 2 ص 205 نقلاً عن أحمد، تاريخ دمشق: ج 47 ص 425 وكلاهما عن عطاء الأزرق، البداية والنهاية: ج 2 ص 88 عن ابن عمر وكلاهما نحوه.

... و به همنوعت، یعنی بنی آدم، مهربانی کن.

ر.ك:ص/261 مهربانی با ناتوان.

19/4 سپاس گزاری

195. عیسی بن مریم علیه السلام: همچنان که فراوانی کسانی که در نور خورشید، آمد و شد می کنند، از نور آن نمی کاهد، بلکه به واسطه آن زندگی می کنند و زنده می مانند، همچنین فراوانی آنچه خداوند به شما عطا می کند و روزی تان می دهد، چیزی از او نمی کاهد؛ بلکه با روزی او شما زندگی می کنید و زنده می مانید، و به هر که از او سپاس گزاری کند، بیشتر می دهد؛ که او قدرشناس و داناست.

196. عیسی بن مریم علیه السلام: ای دارنده دانش! بدان هر نعمتی که از عهده شکرش برنیایی، چونان گناهی است که از آن بازخواست می شوی.

197. عیسی بن مریم علیه السلام: ای جمع یاران! نان جوین و گیاه زمین و آب خالی بخورید، و از خوردن نان گندم دوری کنید؛ زیرا که از عهده شکر آن بر نمی آید و بدانید که شیرینی دنیا، تلخی آخرت است، و سخت ترین تلخی های دنیا، شیرینی آخرت.

20/4 فروتنی

198. الزهد، ابن حنبل - به نقل از یزید بن میسره - : عیسی علیه السلام فرمود: «چرا برترین عبادت را در شما نمی بینم؟».

ص: 133

قالوا: وما أَفْضَلُ العِبَادَةِ يا رُوحَ اللهِ؟ قال: التَّواضَعُ لِلَّهِ. (1)

199. عيسى بن مريم عليه السلام: كما تَوَاضَعُونَ كَذَلِكَ تُرْفَعُونَ. (2)

200. عنه عليه السلام: طُوبَى لِلْمُتَوَاضِعِينَ فِي الدُّنْيَا، أَوْلَيْكَ يَرِثُونَ مَنَابِرَ الْمَلِكِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (3)

201. تنبيه الخواطر: صَنَعَ عيسى عليه السلام لِلْحَوَارِيِّينَ طَعَاماً، فَلَمَّا أَكَلُوا وَضَّاهُمْ (4)

بِنَفْسِهِ، وَقَالُوا: يَا رُوحَ اللهِ، نَحْنُ أَوْلَى أَنْ نَفْعَلَهُ مِنْكَ! قَالَ: إِنَّمَا فَعَلْتُ هَذَا لِتَفْعَلُوهُ بِمَنْ تُعَلِّمُونَ. (5)

202. الدر المنثور عن سعيد بن عبد العزيز: بَلَغَنِي أَنَّهُ مَا مِنْ كَلِمَةٍ كَانَتْ تُقَالُ لِعِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنْ أَنْ يُقَالَ: هَذَا الْمِسْكِينُ. (6)

203. عيسى بن مريم عليه السلام: سَلُونِي فَإِنَّ قَلْبِي لَيِّنٌ، وَإِنِّي صَغِيرٌ فِي نَفْسِي. (7)

راجع: ص 36/ التواضع.

21/4 أَكُلُ الْحَلَالِ

204. عيسى بن مريم عليه السلام: ابْنُ آدَمَ الضَّعِيفُ، اتَّقِ اللَّهَ حَيْثُمَا كُنْتَ، وَكُلْ كَسْرَتَكَ مِنْ حَلَالٍ. (8) 2.

ص: 134

1- الزهد لابن حنبل: ص 73، الدر المنثور: ج 5 ص 123.

2- تاريخ دمشق: ج 47 ص 432 عن يزيد بن ميسره، الدر المنثور: ج 2 ص 212.

3- تحف العقول: 501، تنبيه الخواطر: ج 1 ص 201 نحوه، بحار الأنوار: ج 14 ص 304 ح 17.

4- في الحديث «تَوَضَّؤُوا مِمَّا غَيَّرَتِ النَّارُ» أراد به غسل الأيدي والأفواه من الزهومة (النهاية: ج 5 ص 195 «وضاً»).

5- تنبيه الخواطر: ج 1 ص 83، بحار الأنوار: ج 14 ص 326 ح 43 وراجع: الزهد لابن حنبل: ص 77 ومنية المرید: ص 192.

6- الدر المنثور: ج 2 ص 209.

7- الزهد لابن حنبل: ص 76 و77، تفسير الطبري: ج 9 الجزء 16 ص 82، تاريخ دمشق: ج 47 ص 378 كلها عن قتادة، تفسير الفخر

الرازي: ج 21 ص 216، الدر المنثور: ج 2 ص 28.

8- تاريخ دمشق: ج 47 ص 426 عن عتبة بن يزيد، الدر المنثور: ج 2 ص 202.

گفتند: برترین عبادت چیست، ای روح خدا؟!

فرمود: «فروتنی برای خدا».

199. عیسی بن مریم علیه السلام: هر اندازه افتادگی کنید، به همان اندازه، بالا برده می شوید.

200. عیسی بن مریم علیه السلام: خوشا به حال فروتنان در دنیا! اینان در روز رستاخیز، وارثان تخت های پادشاهی اند.

201. تنبیه الخواطر: عیسی علیه السلام برای حواریان، خوراکی ای ساخت و چون خوردند، خودش به دست آنها آب ریخت تا دست و دهانشان را بشویند. حواریان گفتند:

ای روح خدا! ما به این کار، از شما سزاوارتریم!

عیسی علیه السلام فرمود: «من این کار را کردم تا شما نیز با شاگردان خود چنین کنید».

202. الدر المنثور - به نقل از سعید بن عبد العزیز - به من رسیده است که هیچ سخنی برای عیسی علیه السلام دوست داشتنی تر از این نبود که به او گفته شود: این بینوا.

203. عیسی بن مریم علیه السلام: از من بپرسید؛ زیرا دل من نرم است، و من در نظر خویش

خردم (خودبزرگ بین نیستم).

ر.ک: ص 37/ فروتنی.

21/4 حلال خواری

204. عیسی بن مریم علیه السلام: ای آدمیزاد ناتوان! هر جا که هستی، از خدا بترس، و تگه نان خود را از حلال بخور.

ص: 135

205. عنه عليه السلام: يا بني إسرائيل، أما تستحيون من الله؟ إن أحدكم لا يسوغ له شراؤه حتى يصفيه من القذى (1).

، ولا يبالي أن يبلغ أمثال الفيلة من الحرام! (2)

22/4 ترك الاهتمام للرزق

206. عيسى بن مريم عليه السلام: اتقوا الله واعملوا لله، ولا تعملوا لبطونكم، وانظروا إلى هذه الطير لا تحصد ولا تزرع يرزقها الله، فإن زعمتم أن بطونكم أعظم من بطون الطير، فهذه البقر والحمير لا تحرث ولا تزرع يرزقها الله، وإياكم وفضل الدنيا فإنها عند الله رجس (3).

(4).

207. عنه عليه السلام: بحق أقول لكم: لا تهتموا بما تأكلون (5).

ولا ما تشربون؛ فإن الله عز وجل لم يخلق نفساً أعظم من رزقها، ولا جسداً أعظم من كسوته، فاعتبروا. (6)

208. المصنف لابن أبي شيبة عن عمير بن عمير: كان عيسى بن مريم عليه السلام لا يرفع عشاءً لغداً ولا غداً لعشاء، وكان يقول: إن مع كل قوم رزقه. كان يلبس الشعر، ويأكل الشجر، وينام حيث أمسى. (7).

ص: 136

-
- 1- القذى: وهو ما يقع في العين والماء والشراب من تراب أو تبق أو وسخ أو غير ذلك (النهاية: ج 4 ص 30 «قذى»).
 - 2- تحف العقول: ص 503، بحار الأنوار: ج 14 ص 306 ح 17.
 - 3- الرجس: القذر (النهاية: ج 2 ص 200 «رجس»).
 - 4- المصنف لابن أبي شيبة: ج 8 ص 112 ح 7، البداية والنهاية: ج 2 ص 90، تاريخ دمشق: ج 47 ص 444 كلها عن سالم بن أبي الجعد، الدر المنثور: ج 2 ص 207.
 - 5- في المصدر: «بما لا تأكلون»، ويبدو ما أثبتناه في المتن نقلاً من الدر المنثور، هو الأصوب.
 - 6- تاريخ دمشق: ج 47 ص 445 عن أنس، الدر المنثور: ج 2 ص 213، وراجع: التوكل.
 - 7- المصنف لابن أبي شيبة: ج 7 ص 462 ح 7 وج 8 ص 111 ح 1، تاريخ دمشق: ج 47 ص 415 عن هلال بن يساف نحوه وفيه «يخبئ» بدل «يرفع».

205. عیسی بن مریم علیه السلام: ای بنی اسرائیل! آیا از خدا شرم نمی کنید؟! هر يك از شما نوشیدنی خود را تا از خس و خاشاك صاف نکند گوارا نمی داند، لیکن از این که به حرامی به بزرگی ماده فیلی دست یابد، باک ندارد!

22/4 نگران نبودن برای روزی

206. عیسی بن مریم علیه السلام: از خدا بپرهیزید و برای خدا کار کنید، نه برای شکم هایتان. به این پرندگان بنگرید، نه می دروند و نه می کارند؛ اما خداوند، روزی شان می دهد.

اگر می گوئید که شکم های شما بزرگ تر از شکم های پرندگان است، این گاو و خرن هم کشت و زرعی نمی کنند؛ ولی خداوند، به آنها نیز روزی می دهد. از زواید دنیا دوری کنید؛ زیرا که اینها نزد خدا پلیدند.

207. عیسی بن مریم علیه السلام: به راستی به شما می گویم: غم خوردنی و نوشیدنی تان را نخورید؛ چرا که خداوند هیچ جانی را بزرگ تر از روزی اش، و هیچ تنی را بزرگ تر از پوشاکش نیافریده است، پس عبرت بگیرید.

208. المصنّف، ابن ابی شیبّه- به نقل از عبید بن عمیر- : عیسی بن مریم علیه السلام شامی را برای چاشت ذخیره نمی کرد، و چاشتی را برای شام، و می فرمود: «هر قومی روزی خود را دارد». او پشمینه می پوشید، و [برگ و میوه] درخت می خورد، و هر کجا که شب می شد، همان جا می خوابید.

209. رسول الله صلى الله عليه وآله - لا مَّ أَيْمَنَ - يا أمَّ أَيْمَنَ! أما عَلِمْتَ أَنَّ أَخِي عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ لَا يَخْبِي عِشَاءً لِعِشَاءٍ وَلَا غَدَاءً لِعِشَاءٍ؟! يَا كُلُّ مَنْ وَرَقِ الشَّجَرِ، وَيَشْرَبُ مِنْ مَاءِ الْمَطَرِ، يَلْبَسُ الْمُسُوحَ (1)

، وَيَبِيْتُ حَيْثُ يُمَسِّي، وَيَقُولُ: يَا تِي كُلُّ يَوْمٍ بَرِزِقِهِ. (2)

210. عيسى بن مريم عليه السلام: لا تَهْتَمُّ بِرِزْقِ غَدٍ فَإِنَّهَا حَاطِيَةٌ. (3)

211. عنه عليه السلام: لا تَهْتَمُّوا بِرِزْقِ غَدٍ، فَإِنَّ يَكُنْ مِنْ آجَالِكُمْ فَسَيَأْتِي فِيهِ أَرْزَاقُكُمْ مَعَ آجَالِكُمْ، وَإِنْ لَمْ يَكُنْ مِنْ آجَالِكُمْ فَلَا تَهْتَمُّوا لِآجَالِ غَيْرِكُمْ. (4)

23/4 تَوَطُّبُ النَّفْسِ عَلَى عِدَاوَةِ النَّاسِ

212. عيسى بن مريم عليه السلام - أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ لِأَصْحَابِهِ -: إِنْ كُنْتُمْ أَحِبَّائِي وَإِخْوَانِي، فَوَطِّئُوا أَنْفُسَكُمْ عَلَى الْعِدَاوَةِ وَالْبَغْضَاءِ مِنَ النَّاسِ، فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَلَسْتُمْ بِإِخْوَانِي. (5)

213. عنه عليه السلام: طُوبَى لَكُمْ إِذَا حُسِدْتُمْ وَشَتِمْتُمْ وَقِيلَ فِيكُمْ كُلُّ كَلِمَةٍ قَبِيحَةٍ كَاذِبَةٍ، حِينَئِذٍ فَافْرَحُوا وَابْتَهَجُوا؛ فَإِنَّ أَجْرَكُمْ قَدْ كَثُرَ فِي السَّمَاءِ. (6) 7.

ص: 138

1- .المِسْحُ: الكساء من الشعر (لسان العرب: ج 2 ص 596 «مسح»).

2- .كنز العمال: ج 11 ص 504 ح 32358 نقلاً عن الحكيم عن أنس.

3- .البداية والنهاية: ج 2 ص 89، تاريخ دمشق: ج 47 ص 426 عن عتبة بن يزيد، الدر المنثور: ج 2 ص 202.

4- .تنبيه الخواطر: ج 1 ص 278.

5- .الأمالى للمفيد: ص 208 ح 43 عن ابن سنان عن الإمام الصادق عليه السلام، المؤمن: ص 26 ح 42 عن عبد الأعلى بن أعين، مشكاة

الأنوار: ص 496 ح 1658، أعلام الدين: ص 436 والثلاثة الأخيرة عن الإمام الصادق عليه السلام من دون إسناد إلى عيسى عليه السلام

نحوه، بحار الأنوار: ج 14 ص 324 ح 38؛ تاريخ دمشق: ج 47 ص 452 عن عمران بن سليمان.

6- .تحف العقول: ص 501، بحار الأنوار: ج 14 ص 304 ح 17.

209. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - خطاب به امّ ایمن - : ای امّ ایمن! مگر نمی دانی که برادرم عیسی علیه السلام شامی را برای چاشتی نگه نمی داشت و چاشتی را برای شام؟! از برگ درختان می خورد و از آب باران می آشامید. پلاس می پوشید، و هر جا که شب فرامی رسید، همان جا می خوابید، و می فرمود: «هر روزی، روزی خود را می آورد».

210. عیسی بن مریم علیه السلام: غم روزی فردا را مخور که این کار، خطاست.

211. عیسی بن مریم علیه السلام: غم روزی فردا را مخورید؛ زیرا اگر فردا از عمرتان باشد، روزی شما با عمرتان می آید، و اگر از عمرتان نباشد، پس برای عمر دیگران غم مخورید.

4/23 آمادگی برای تحمل دشمنی مردم

212. عیسی بن مریم علیه السلام - پیوسته به یارانش می فرمود - : اگر شما دوستان و برادران من هستید، پس خویشتن را برای [پذیرش] دشمنی و کینه توزی از سوی مردم آماده سازید؛ که اگر چنین نکنید، برادران من نیستید.

213. عیسی بن مریم علیه السلام: خوشا به حالتان! هرگاه مورد حسد واقع شدید و دشنام شنیدید و هر سخن زشت و دروغی در باره شما گفته شد، شاد و خوش حال شوید؛ چرا که پاداش شما در آسمان زیاد می شود.

214. عيسى بن مريم عليه السلام - ليحیی عليه السلام - إذا قيلَ فيكَ ما فيكَ، فأعلمَ أَنَّهُ ذَنْبٌ ذُكِرَتْهُ فَاسْتَغْفِرِ اللَّهَ مِنْهُ، وَإِنْ قِيلَ فِيكَ ما لَيْسَ فِيكَ، فأعلمَ أَنَّهُ حَسَنَةٌ كُتِبَتْ لَكَ لَمْ تَتَّعِبْ فِيهَا. (1)

215. الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ الْحَوَارِيَّيْنَ شَكَوْا إِلَى عِيسَى ما يُلْقَوْنَ مِنَ النَّاسِ وَشَدَّتْهُمْ عَلَيْهِمْ.
فَقَالَ:

إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ لَمْ يَزَالُوا مُبْغَضِينَ، وَإِيمَانُهُمْ كَحَبَّةِ الْقَمْحِ؛ ما أَحْلَى مذاقَهَا وَأَكْثَرَ عَذَابِهَا! (2)

216. عيسى بن مريم عليه السلام: طُوبَى لِلْمَسْبُوبِينَ مِنْ أَجْلِ الطَّهَّارَةِ؛ فَإِنَّ لَهُمْ مَلَكَوتَ السَّمَاءِ. (3)

24/4 تَرْكُ الْإِنْتِقَامِ

217. عيسى بن مريم عليه السلام: بِحَقِّ أَقْوَلُ لَكُمْ: إِنَّ كُلَّ عَمَلٍ الْمَظْلُومِ الَّذِي لَمْ يَنْتَصِرْ بِقَوْلٍ وَلَا فِعْلٍ وَلَا حِقْدٍ، هُوَ فِي مَلَكَوتِ السَّمَاءِ عَظِيمٌ. (4)

25/4 الْإِتِّعَاطُ وَالْإِعْتِبَارُ

218. عيسى بن مريم عليه السلام - أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ لِأَصْحَابِهِ - قَدْ أَبْلَغَ مَنْ وَعَظَ، وَأَفْلَحَ مَنْ اتَّعَظَ. (5) 3.

ص: 140

-
- 1- الأُمالي للصدوق: ص 603 ح 837 عن إبراهيم بن محمد عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عن رسول الله صلى الله عليه و آله، بحار الأنوار: ج 14 ص 287 ح 11.
 - 2- المؤمن: ص 26 ح 41، مشكاة الأنوار: ص 496 ح 1659 نحوه.
 - 3- تحف العقول: ص 501، بحار الأنوار: ج 14 ص 304.
 - 4- تحف العقول: ص 508، بحار الأنوار: ج 14 ص 311 ح 17.
 - 5- الأُمالي للصدوق: ص 650 ح 884 عن منصور بن حازم عن الإمام الصادق عليه السلام، روضة الواعظين: ص 490 عن الإمام الصادق عنه عليهما السلام، بحار الأنوار: ج 14 ص 289 ح 13.

214. عیسی بن مریم علیه السلام - به یحیی علیه السلام - هرگاه چیزی در باره ات گفته شد که در تو هست، بدان که گناهی به تو یادآور شده است. پس برای آن از خدا آمرزش بخواه؛ و هرگاه در باره ات چیزی گفته شد که در تو نیست، بدان که ثوابی برایت نوشته شده که تو برایش زحمتی نکشیده ای.

215. امام صادق علیه السلام: حواریان، از رنج و سختی هایی که از مردم به آنها می رسید، به عیسی علیه السلام شکوه کردند. عیسی علیه السلام فرمود: «مؤمنان همواره مورد غضب [دیگران] بوده اند؛ ایمانشان همانند دانه گندم است: خوشمزه، اما پُر رنج!».

216. عیسی بن مریم علیه السلام: خوشا آنان که به خاطر پاک بودنشان، ناسزا می شنوند! همانا ملکوت آسمان از آن ایشان است.

24/4 انتقام نگرفتن

217. عیسی بن مریم علیه السلام: به راستی به شما می گویم: همه کارهای شخص ستمدیده ای که با گفتار یا کردار و یا کینه ورزی، انتقام [ستمی را که به او شده است] نگیرد، در ملکوت آسمان، با شکوه است.

25/4 پند گرفتن و عبرت آموختن

218. عیسی بن مریم علیه السلام - پیوسته به یارانش می فرمود-: ابلاغ کرد آن که پند داد، و رستگار شد آن که پند آموخت.

219. رسول الله صلى الله عليه وآله: أوحى الله عز وجل إلى عيسى بن مريم: يا عيسى، عِظْ نَفْسَكَ بِحِكْمَتِي، فَإِنْ انْتَفَعَتِ فَعِظِ النَّاسَ، وَإِلَّا فَاسْتَحْ مَنِّي. (1)

220. عيسى بن مريم عليه السلام - لَمَّا سُئِلَ عَنِ أَفْضَلِ النَّاسِ -: مَنْ كَانَ... نَظَرُهُ عِبْرَةً. (2)

221. عنه عليه السلام - أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ إِذَا مَرَّ بِدَارٍ قَدْ مَاتَ أَهْلُهَا وَخَلَفَ فِيهَا غَيْرُهُمْ -: وَيَحَا لِأَرْبَابِكَ الَّذِينَ وَرَثُوكَ، كَيْفَ لَمْ يَعتَبِرُوا بِإِخْوَانِهِمُ الْمَاضِينَ؟! (3)

222. عنه عليه السلام: اعلّموا يا معشر الحواريين أنّ النّظر إلى القبور عظة، وإلى الموتى عبرة، وإلى أهل الدنيا رحمة. (4)

223. الإمام الصادق عليه السلام: أوحى الله تعالى إلى عيسى بن مريم عليه السلام: يا عيسى... قم على قبور الأموات، فدأهم بالصوت الرفيع لعلك تأخذ موعظتك منهم، وقُل: إني لآحقّ بهم في اللاحقين. (5)

راجع: ص 36/ الاعتبار بالجاهل.

26/4 الأمل البتاء

224. تاريخ دمشق عن داود بن أبي هند وحُميد: بينما عيسى عليه السلام جالسٌ وشيخٌ يعملُ بمسحاته يُشيرُ4.

ص: 142

1- الفردوس: ج 1 ص 144 ح 513 عن أبي موسى، الزهد لابن حنبل: ص 71، حلية الأولياء: ج 2 ص 382 الرقم 204 كلاهما عن مالك بن دينار من دون إسناد إلى رسول الله صلى الله عليه وآله نحوه، كنز العمال: ج 15 ص 795 ح 43156.

2- تنبيه الخواطر: ج 1 ص 250 وراجع: إحياء العلوم: ج 4 ص 617.

3- تنبيه الخواطر: ج 2 ص 219، بحار الأنوار: ج 14 ص 329 ح 61؛ شعب الإيمان: ج 7 ص 385 ح 10681، حلية الأولياء: ج 2 ص 385 الرقم 204 كلاهما عن مالك بن دينار نحوه، الدر المنثور: ج 2 ص 202.

4- فوائد العراقيين لابن عمرو النقاش: ص 111 ح 107 عن حسان بن عطية.

5- الأمالي للمفيد: ص 236 ح 7، الأمالي للطوسي: ص 12 ح 15 كلاهما عن أبي بصير، عدّة الداعي: ص 155، قصص الأنبياء للراوندي: ص 272 ح 320 عن ابن سنان، بحار الأنوار: ج 14 ص 320 ح 24.

219. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند به عیسی بن مریم علیه السلام وحی فرمود که: «ای عیسی! با حکمتم خویشتن را پند ده، اگر سود بردی [آن را به کار بستی]، مردم را نیز پند ده و گرنه از من شرم کن [و واعظ پندناپذیر مباش]».

220. عیسی بن مریم علیه السلام - در پاسخ این پرسش که: برترین مردم کیست؟ - کسی که...

نگاه کردنش عبرت آموختن است.

221. عیسی بن مریم علیه السلام - هرگاه بر خانه ای می گذشت که اهل آن، مرده بودند و کسانی دیگر جایشان را گرفته بودند - بیچاره صاحبان تو که وارث تو شدند. چگونه از برادران درگذشته خود عبرت نگرفتند؟!

222. عیسی بن مریم علیه السلام: ای حواریان! بدانید که نگاه کردن به گورها اندرز است، و به مردگان عبرت، و به مردم دنیا (زندگان)، مهربانی.

223. امام صادق علیه السلام: خدای متعال به عیسی بن مریم علیه السلام وحی فرمود که: «ای عیسی!... بر گورهای مردگان بایست و با آواز بلند، صدایشان بزن. شاید که از آنان پند گیری، و بگو: من نیز همچون دیگران به شما خواهم پیوست».

ر.ک: ص 37/ عبرت آموزی از نادان.

26/4 آرزوی سازنده

224. تاریخ دمشق - به نقل از داوود بن ابی هند و حمید - : روزی عیسی علیه السلام نشسته بود و

ص: 143

بِهَا الْأَرْضَ، فَقَالَ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: «اللَّهُمَّ انزِعْ مِنْهُ الْأَمَلَ»، فَوَضَعَ الشَّيْخُ الْمِسْحَاةَ وَاضْطَجَعَ، فَلَبِثَ سَاعَةً.

فَقَالَ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: «اللَّهُمَّ ارُدِّدْ إِلَيْهِ الْأَمَلَ»، فَقَامَ فَجَعَلَ يَعْمَلُ.

فَقَالَ لَهُ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا لَكَ بَيْنَمَا أَنْتَ تَعْمَلُ الْقَيْتَ مِسْحَاتِكَ وَاضْطَجَعْتَ سَاعَةً، ثُمَّ إِنَّكَ قَمْتَ بَعْدُ تَعْمَلُ؟!

فَقَالَ الشَّيْخُ: بَيْنَا أَنَا أَعْمَلُ إِذْ قَالَتْ لِي نَفْسِي: إِلَى مَتَى تَعْمَلُ وَأَنْتَ شَيْخٌ كَبِيرٌ؟! فَأَلْقَيْتُ الْمِسْحَاةَ وَاضْطَجَعْتُ. ثُمَّ قَالَتْ لِي نَفْسِي: وَاللَّهِ، مَا بَذَلْتُكَ مِنْ عَيْشٍ مَا بَقِيَتْ، فَقَمْتُ إِلَى مِسْحَاتِي. (1)

27/4 كَفَّ الْأَذَى

225. عيسى بن مريم عليه السلام: طوبى لِمَنْ كَانَ صَمْتُهُ فِكْرًا، وَنَظْرُهُ عَبْرًا، وَوَسْعُهُ بَيْتَهُ، وَبَكَى عَلَى خَطِيئَتِهِ، وَسَلِمَ النَّاسُ مِنْ يَدِهِ وَلِسَانِهِ. (2)

226. عنه عليه السلام: بِحَقِّ أَقْوَلٍ لَكُمْ: ابدؤوا بِالشَّرِّ فَاتْرِكُوهُ، ثُمَّ اطلبوا الْخَيْرَ يَنْفَعَكُمْ، فَإِنَّكُمْ إِذَا جَمَعْتُمُ الْخَيْرَ مَعَ الشَّرِّ لَمْ يَنْفَعَكُمُ الْخَيْرُ. (3)

227. عنه عليه السلام: دَعِ النَّاسَ فَلْيَكُونُوا مِنْكَ فِي رَاحَةٍ، وَلَتَكُنْ نَفْسُكَ مِنْهُمْ فِي شُغْلٍ. دَعُهُمْ فَلَا تَلْتَمِسَ مَحَامِدَهُمْ، وَلَا تَكْسِبَ مَذَامَهُمْ، وَعَلَيْكَ بِمَا وُكِّلْتَ بِهِ. (4) 9.

ص: 144

1- تاريخ دمشق: ج 47 ص 468؛ تنبيه الخواطر: ج 1 ص 272 نحوه، بحار الأنوار: ج 14 ص 329 ح 58.

2- النخصال: ص 295 ح 62 عن عبد الله بن ميمون، عن الإمام الصادق، عن آبائه، عن الإمام علي عليه السلام، مشكاة الأنوار: ص 81 ح 154 عن الإمام الصادق عن أبيه عنه عليهم السلام، أعلام الدين: ص 129 عن الإمام علي عنه عليهما السلام، بحار الأنوار: ج 14 ص 320 ح 23.

3- تحف العقول: ص 510، بحار الأنوار: ج 14 ص 314 ح 17؛ تاريخ دمشق: ج 68 ص 64 نحوه.

4- تاريخ دمشق: ج 47 ص 438 وراجع: كتاب الصمت وآداب اللسان لابن أبي الدنيا: ص 309.

پیرمردی با بیلش زمین را شخم می زد. عیسی علیه السلام فرمود: «خدایا! آرزو را از او بگیر».

پیرمرد، بیل را زمین گذاشت و دراز کشید. ساعتی گذشت و عیسی علیه السلام فرمود:

«خدایا! آرزو را به او باز گردان». پیرمرد برخاست و به کار پرداخت.

عیسی علیه السلام به او فرمود: «چه شد که مشغول کار کردن بودی؛ اما ناگهان بیلت را انداختی و ساعتی دراز کشیدی، سپس برخاستی و دوباره به کار پرداختی؟!».

پیر مرد گفت: مشغول کار بودم که ناگهان نفسم به من گفت: تو پیری سال خورده ای. تا کی کار می کنی؟! لذا بیل را انداختم و دراز کشیدم؛ اما بعد نفسم به من گفت: به خدا قسم، تا زنده ای باید خرج زندگی ات را به دست آوری. پس برخاستم و بیل را برداشتم.

27/4 خودداری از آزار رسانی

225. عیسی بن مریم علیه السلام: خوشا آن که سکوتش، اندیشیدن است و نگاهش عبرت آموختن، خانه اش گنجایش او را دارد [او با اهل خانه ناسازگار نیست که واکنش آنان عرصه را بر وی تنگ کند] و برای گناه خویش می گیرد و مردم از دست و زبانش در امان اند.

226. عیسی بن مریم علیه السلام: به راستی به شما می گویم: نخست، بدی را رها کنید و سپس نیکی را بجوید تا شما را سود بخشد؛ زیرا که اگر نیکی را با بدی جمع کنید، نیکی به شما سود نمی رساند.

227. عیسی بن مریم علیه السلام: دست از مردم بردار، بگذار از تو در آسایش باشند و کاری به کارشان نداشته باش. آنها را به خود واگذار، نه ستایش هایشان را بجوی و نه

228. الدرّ المنثور عن الأوزاعي: كان عيسى يُحِبُّ الْعَبْدَ يَتَعَلَّمُ الْمِهْنَةَ يَسْتَعِينِي بِهَا عَنِ النَّاسِ، وَيَكْرَهُ الْعَبْدَ يَتَعَلَّمُ الْعِلْمَ يَتَّخِذُهُ مِهْنَةً. (1)

29/4 مُجَالَسَةُ الصُّلَحَاءِ

229. عيسى بن مريم عليه السلام - حِينَ قَالَ لَهُ الْحَوَارِيُّونَ: يَا رُوحَ اللَّهِ، مَنْ نُجَالِسُ؟ - مَنْ يَذَكِّرُكُمْ اللَّهُ رُؤْيُتَهُ، وَيَزِيدُ فِي عِلْمِكُمْ مَنْطِقَهُ، وَيُرَغِّبُكُمْ فِي الْآخِرَةِ عَمَلُهُ. (2)

230. عنه عليه السلام: لَا تُجَالِسُوا أَهْلَ الْمَعَاصِي؛ فَيُرَغِّبُوكُمْ فِي الدُّنْيَا وَيَنْسَوُكُمْ الْآخِرَةَ. (3)

راجع: ص 256/ ترك مجالسة المفتون.

30/4 مُكَافَحَةُ الظُّلْمِ

231. عيسى بن مريم عليه السلام: مَنْ قَدَرَ عَلَى أَنْ يُعَيِّرَ الظَّالِمَ (الظُّلْمَ) ثُمَّ لَمْ يُعَيِّرْهُ فَهُوَ كَفَاعِلِهِ، وَكَيْفَ يُهَابُ الظَّالِمَ وَقَدْ أَمِنَ بَيْنَ أَظْهُرِكُمْ؛ لَا يُنْهَى، وَلَا يُعَيَّرُ عَلَيْهِ، وَلَا يُؤْخَذُ عَلَى يَدَيْهِ؟! فَمِنْ أَيْنَ يَقْصُرُ الظَّالِمُونَ، أَمْ كَيْفَ لَا يَعْتَرُونَ؟! 6!

ص: 146

1- الدرّ المنثور: ج 2 ص 206 نقلاً عن أحمد.

2- الكافي: ج 1 ص 39 ح 3 عن الفضل بن أبي قرّة عن الإمام الصادق عليه السلام عن رسول الله صلى الله عليه وآله، تحف العقول: ص 44، عوالي اللآلي: ج 4 ص 78 ح 72 كلاهما عن رسول الله صلى الله عليه وآله عليه وآله عنه عليه السلام، بحار الأنوار: ج 1 ص 203 ح 18؛ الزهد لابن المبارك: ج 1 ص 121 ح 355، شعب الإيمان: ج 7 ص 57 ح 9445 وفيه «عملكم» بدل «علمكم» وكلاهما عن مالك بن مغول، الدرّ المنثور: ج 2 ص 205.

3- نشر الدرّ: ج 7 ص 36.

بدگویی های آنان را برای خود به دست آر و در پی کار خویش باش.

28/4 بی نیازی از مردم

228. الدر المنثور - به نقل از اوزاعی - عیسی بنده ای را که پیشه می آموخت تا بدان وسیله از مردم بی نیاز شود، دوست می داشت، و بنده ای را که دانش می آموخت تا آن را پیشه [و وسیله کسب درآمد] خود سازد، ناخوش می داشت.

29/4 همنشینی با نیکوکاران

229. عیسی بن مریم علیه السلام - در پاسخ به حواریان که به او گفتند: ای روح خدا! با که همنشینی کنیم؟ - با کسی که دیدارش شما را به یاد خدا بیندازد، و گفتارش بر دانش شما بیفزاید، و کردارش شما را به آخرت، مشتاق سازد.

230. عیسی بن مریم علیه السلام: با اهل گناهان همنشینی نکنید؛ زیرا آنان شما را به دنیا مشتاق می کنند و آخرت را از یادتان می برند.

ر.ک: ص 257/ همنشینی نکردن با سرگشتگان.

30/4 ستم ستیزی

231. عیسی بن مریم علیه السلام: کسی که بتواند جلو ستم را بگیرد و نگیرد، همچون کننده آن ستم است. چگونه ستمگر بترسد در حالی که در میان شما امنیت دارد و کسی او را [از ستم] نهی نمی کند؟ در برابرش نمی ایستند و دستش را کوتاه نمی سازند؟! با چنین وضعی، چگونه ستمگران [از ستمکاری خود] کوتاه آیند و چگونه مغرور نگردند؟! آیا کافی است که فردی از شما بگوید: من خود ستم نمی کنم، ولی هر

ص: 147

فَحَسْبُ أَنْ يَقُولَ أَحَدُكُمْ: لَا- أَظْلَمَ وَمَنْ شَاءَ فَلْيَظْلِمِ، وَيَرَى الظَّلْمَ فَلَا يُعْيِرُهُ؟! فَلَوْ كَانَ الْأَمْرُ عَلَى مَا تَقُولُونَ لَمْ تُعَاقِبُوا مَعَ الظَّالِمِينَ الَّذِينَ لَمْ تَعْمَلُوا بِأَعْمَالِهِمْ حِينَ تَنْزِلُ بِهِمُ الْعَذْرَةُ فِي الدُّنْيَا. (1)

232. عنه عليه السلام: بِحَقِّ أَقْوَلٍ لَكُمْ: إِنَّ الْحَرِيقَ لَيَقَعُ فِي الْبَيْتِ الْوَاحِدِ فَلَا- يَزَالُ يَنْتَقِلُ مِنْ بَيْتٍ إِلَى بَيْتٍ حَتَّى تَحْتَرِقَ بُيُوتٌ كَثِيرَةٌ، إِلَّا أَنْ يُسْتَدْرَكَ الْبَيْتُ الْأَوَّلُ فَيُهْدَمَ مِنْ قَوَاعِدِهِ فَلَا تَجِدُ فِيهِ النَّارَ مَعْمَلًا، وَكَذَلِكَ الظَّالِمُ الْأَوَّلُ لَوْ يُؤْخَذُ عَلَى يَدَيْهِ لَمْ يُوجَدِ مِنْ بَعْدِهِ إِمَامٌ ظَالِمٌ فَيَأْتُمُونَ بِهِ كَمَا لَوْ لَمْ تَجِدِ النَّارَ فِي الْبَيْتِ الْأَوَّلِ خَشْبًا وَالْوَاحِدَ لَمْ تُحْرِقْ شَيْئًا. (2)

233. عنه عليه السلام -لبنِي إِسْرَائِيلَ-: لَا تُعِينُوا الظَّالِمَ عَلَى ظُلْمِهِ؛ فَيَبْطُلَ فَضْلُكُمْ. (3)

234. عنه عليه السلام: طُوبَى لِمَنْ عَلَّمَهُ اللَّهُ عِزَّ وَجَلَّ كِتَابَهُ ثُمَّ لَمْ يَمْتِ جَبَارًا. (4)

31/4 اغْتِنَامُ الْفُرْصَةِ

235. عيسى بن مريم عليه السلام: كَانَتْ الدُّنْيَا قَبْلَ أَنْ أَكُونَ فِيهَا، وَهِيَ كَانَتْ بَعْدِي، وَإِنَّمَا لِي فِيهَا أَيَّامٌ مَعْدُودَةٌ، فَإِذَا لَمْ أَسْعُدْ فِي أَيَّامِي فَامْتَنِي أَسْعُدْ؟ (5) ن.

ص: 148

1- .تحف العقول:ص 504، بحار الأنوار:ج 14 ص 308 ح 17.

2- .تحف العقول:ص 504، بحار الأنوار:ج 14 ص 308 ح 17.

3- .كتاب من لا يحضره الفقيه:ج 4 ص 400 ح 5858، معاني الأخبار:ص 196 ح 2، الأمالي للصدوق:ص 382 ح 486 كلَّها عن جميل بن صالح عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عن رسول الله صلى الله عليه وآله عنه عليه السلام، بحار الأنوار:ج 14 ص 286 ح 7؛ المستدرک علی الصحیحین:ج 4 ص 301 عن محمّد بن كعب القرطبي، تاريخ دمشق:ج 55 ص 134 عن ابن عباس وكلاهما عن رسول الله صلى الله عليه وآله عنه عليه السلام وفيهما «تكاثوا» بدل «تعينوا» نحوه، كنز العمال:ج 3 ص 507 ح 7652.

4- .الزهد لابن حنبل:ص 117 عن ثابت، إحياء العلوم:ج 3 ص 491؛ تنبيه الخواطر:ج 1 ص 198.

5- .تاريخ دمشق:ج 47 ص 454 عن معتمر بن سليمان.

که خواست، ستم کند. او ستم را ببیند و جلوی آن را نگیرد؟! اگر چنین بود که می گوئید، وقتی در دنیا بر ستمگران کیفر و بلا می رسید، شما که مانند آنها عمل نکرده اید، همراه ایشان مجازات نمی شدید.

232. عیسی بن مریم علیه السلام: به راستی به شما می گویم: [گاه] آتش در يك خانه می افتد و پیوسته از خانه ای به خانه دیگر سرایت می کند تا جایی که خانه های بسیاری می سوزد، مگر این که در همان خانه نخست، جلو آتش را بگیرند و آن را از بن، ویران کنند تا آتش از کار بیفتد. همچنین است ستمگر نخست؛ اگر دست او را کوتاه کنند، بعد از او پیشوای ستمگری یافت نمی شود که دیگران از او پیروی کنند، همچنان که اگر آتش در خانه نخست، چوب و تخته ای نمی یافت، چیزی را نمی سوزاند.

233. عیسی بن مریم علیه السلام - خطاب به بنی اسرائیل - ستمگر را در ستمش کمک نکنید که برتری شما از بین می رود.

234. عیسی بن مریم علیه السلام: خوشا به حال کسی که خداوند، کتابش را به او آموخت، سپس او ستم پیشه از دنیا نرفت!

31/4 غنیمت شمردن فرصت

235. عیسی بن مریم علیه السلام: دنیا، پیش از آن که من به وجود بیایم، بوده است و پس از من هم خواهد بود. من، تنها چند روزی در آنم. اگر در همان چند روز، به خوش بختی دست نیابم، پس کی دست می یابم؟!

236. عنه عليه السلام: الدَّهْرُ يَدُورُ عَلَى ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ: أَمْسٍ حَلَا وَعِظَتْ بِهِ، وَالْيَوْمُ زَادَكَ فِيهِ، وَغَدًا لَا تَدْرِي مَا لَكَ فِيهِ. (1)

237. تاريخ دمشق عن مالك بن دينار: كَانَ عَيْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: إِنَّ هَذَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خَزَائِنَانِ، فَانظُرُوا مَا تَصْنَعُونَ فِيهِمَا.

وكان يقول: اِعْمَلُوا اللَّيْلَ لِمَا خُلِقَ لَهُ، وَاِعْمَلُوا النَّهَارَ لِمَا خُلِقَ لَهُ. (2)

238. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ عَيْسَى بْنِ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: يَا مَعْشَرَ الْحَوَارِيِّينَ، الصَّلَاةُ جَامِعَةٌ. فَخَرَجَ الْحَوَارِيُّونَ فِي هَيْئَةِ الْعِبَادَةِ... فَقَالَ:

يَا مَعْشَرَ الْحَوَارِيِّينَ، اسْمَعُوا مَا أَقُولُ لَكُمْ: إِنِّي لِأَحَدُ فِي كِتَابِ اللَّهِ الْمُنَزَّلِ الَّذِي أَنْزَلَ اللَّهُ فِي الْإِنْجِيلِ أَشْيَاءَ مَعْلُومَةً فَاعْمَلُوا بِهَا.

قالوا: يَا رُوحَ اللَّهِ، مَا هِيَ؟

قال: خَلَقَ اللَّيْلَ لِثَلَاثَةِ خِصَالٍ وَخَلَقَ النَّهَارَ لِسَبْعِ خِصَالٍ، فَمَنْ مَضَى عَلَيْهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَهُوَ فِي غَيْرِ هَذِهِ الْخِصَالِ خَاصَمَهُ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَخَصَمَهُ مِائَةٌ: خَلَقَ اللَّيْلَ لِتَسْكُنَ فِيهِ الْعُرُوقُ الْفَاتِرَةُ الَّتِي اتَّعَبَتْهَا فِي نَهَارِكَ، وَتَسْتَغْفِرُ لِدُنْبِكَ الَّذِي كَسَبْتَهُ فِي النَّهَارِ، ثُمَّ لَا تَعُودُ فِيهِ وَتَقْنُتُ فِيهِ قُنُوتَ الصَّابِرِينَ، فَتُلْتِ تَمَامٌ، وَتُلْتِ تَقُومٌ، وَتُلْتِ تَضَرَّعٌ إِلَى رَبِّكَ، فَهَذَا مَا خُلِقَ لَهُ اللَّيْلُ.

وَخَلَقَ النَّهَارَ لِتُؤَدِّيَ فِيهِ الصَّلَاةَ الْمَفْرُوضَةَ الَّتِي عَنْهَا تُسْأَلُ وَبِهَا تُحَاسَبُ، وَبَرِّ وَالْإِدْيَكِ، وَأَنْ تَضْرِبَ فِي الْأَرْضِ تَبْتَغِي الْمَعِيشَةَ مَعِيشَةَ يَوْمِكَ، وَأَنْ تَعُودَ فِيهِ وَلِيًّا لِلَّهِ تَعَالَى كَيْمَا يَتَّعَهُدُكُمْ اللَّهُ بِرَحْمَتِهِ، وَأَنْ تُشِيعُوا فِيهِ جِنَاةً كَيْمَا تَتَّقَلَّبُوا.

ص: 150

1- الزهد لابن حنبل: ص 76 عن إبراهيم بن الوليد العبدي، تاريخ دمشق: ج 47 ص 438 عن مالك بن دينار نحوه، الدر المنثور: ج 2 ص 204 وفيه «الزهد» بدل «الدهر».

2- تاريخ دمشق: ج 47 ص 435.

236. عیسی بن مریم علیه السلام: روزگار بر گرد سه روز می چرخد: روزی که گذشت و مایهٔ پند توست، امروز که توشهٔ تو در آن است، و فردا که نمی دانی چه در انتظار توست.

237. تاریخ دمشق - به نقل از مالک بن دینار - عیسی علیه السلام پیوسته می فرمود: «این شب و روز، دو گنجینه اند. ببینید در آن دو، چه می کنید [و چه عملی، به ودیعت می نهید]». و نیز پیوسته می فرمود: «در شب، همان کاری را بکنید که برایش آفریده شده است، و در روز، همان کاری را بکنید که برای آن آفریده شده است».

238. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: عیسی بن مریم علیه السلام فرمود: «ای جمع یاران! همگی برای نماز جمع شوید!» و حواریان، در هیئت عبادت بیرون آمدند.... عیسی علیه السلام فرمود: «ای جمع یاران! بشنوید آنچه به شما می گویم: من در کتاب آسمانی خدا - که در انجیل فرو فرستاد -، چیزهای روشنی را می یابم، پس به آنها عمل کنید».

حواریان گفتند: آنها چیست، ای روح خدا؟!!

فرمود: «خداوند، شب را برای سه کار آفرید و روز را برای هفت کار. هر که شب و روز بر او بگذرد و او در کاری جز اینها باشد، روز رستاخیز، شب و روز با او به دشمنی بر می خیزند.

خدا شب را آفرید تا رگ هایی که در روز، خسته و کوفته شان کرده ای، در آن بیاسایند، و برای گناهی که در روز مرتکب شده ای، آمرزش بخواهی و دیگر به آن باز نگردی، و در آن، چونان طاعت شکیبایان به طاعت پردازی. پس يك سوم شب را بخوابی، و يك سوم را [به عبادت] برخیزی، و يك سوم دیگر را به درگاه خداوندت زاری کنی؛ اینها کارهایی اند که شب برای آنها آفریده شده است.

و روز را آفرید تا در آن، نماز واجب را - که از آن بازخواست و برایش حسابرسی می شوی - به جا آوری، و به پدر و مادرت نیکی کنی، و در طلب معاش روزانه ات بکوشی، و در آن، به دوستان خداوند متعال سرکشی کنی تا که

مَغْفُورًا لَكُمْ، وَأَنْ تَأْمُرُوا بِمَعْرُوفٍ وَتَنْهَوْا عَنِ مُنْكَرٍ فَهُوَ دَرَوَةُ الْإِيمَانِ وَقِيَامِ الدِّينِ، وَأَنْ تُجَاهِدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَتَرَاحَمُوا (1)

إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ الرَّحْمَنِ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ فِي قُبَّتِهِ.

وَمَنْ مَضَى عَلَيْهِ اللَّيْلُ وَالتَّهَارُ وَهُوَ فِي غَيْرِ هَذِهِ الْخِصَالِ خَاصَمَهُ اللَّيْلُ وَالتَّهَارُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَهُوَ عِنْدَ مَلِكٍ مُقْتَدِرٍ. (2)

راجع: ص/ 260 اغتنام الفرصة.

32/4 الأكل من كد اليمين

239. مجمع البيان: رُوِيَ أَنَّهُمْ [أَي حَوَارِيِّ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَام]... كَانُوا إِذَا جَاعُوا قَالُوا: يَا رُوحَ اللَّهِ جُعْنَا، فَيَضْرِبُ بِيَدِهِ عَلَى الْأَرْضِ سَهْلًا كَانَ أَوْ جَبَلًا فَيَخْرُجُ لِكُلِّ إِنْسَانٍ مِنْهُمْ رَغِيفِينَ يَأْكُلُهُمَا، وَإِذَا عَطَشُوا قَالُوا: يَا رُوحَ اللَّهِ عَطَشْنَا، فَيَضْرِبُ بِيَدِهِ عَلَى الْأَرْضِ سَهْلًا كَانَ أَوْ جَبَلًا، فَيَخْرُجُ مَاءً فَيَشْرَبُونَ.

قَالُوا: يَا رُوحَ اللَّهِ، مَنْ أَفْضَلُ مِنَّا؟ إِذَا شَبْنَا أَطْعَمْتَنَا، وَإِذَا شَبْنَا سَقَيْتَنَا، وَقَدْ آمَنَّا بِكَ وَاتَّبَعْنَاكَ! (3)

قَالَ: أَفْضَلُ مِنْكُمْ مَنْ يَعْمَلُ بِيَدِهِ، وَيَأْكُلُ مِنْ كَسْبِهِ، فَصَارُوا يَغْسِلُونَ الثِّيَابَ بِالْكَرَاءِ. (4) هـ.

ص: 152

1- في الطبعة المعتمدة للمصدر: «وأن تجاهد... وتراحموا»، والصواب ما أثبتناه كما في بحار الأنوار.

2- الدر المنثور: ج 7 ص 303 نقلاً عن ابن مردويه عن عبد الله بن مغفل؛ بحار الأنوار: ج 58 ص 207 ح 38.

3- في المصدر: «واتبعنا»، والتصويب من بحار الأنوار.

4- مجمع البيان: ج 2 ص 757، بحار الأنوار: ج 14 ص 276؛ تفسير الثعلبي: ج 3 ص 77، تفسير الفخر الرازي: ج 8 ص 70، تفسير الألويسي: ج 3 ص 176 كلها نحوه.

خداوند، شما را مشمول رحمت خویش گرداند، و در آن، جنازه ای را تشییع کنید تا آمرزیده بازگردید، و امر به معروف و نهی از منکر کنید که آن، قلّه ایمان و جان مایه دین است، و در راه خدا جهاد کنید، و همگی در سرپرده ابراهیم خلیل الرحمان- که درود و سلام بر او باد- بر وی گرد آید.

هر که شب و روز بر او بگذرد و او در کاری جز اینها باشد، روز رستاخیز، شب و روز در پیشگاه فرمان روای توانا با او به دشمنی برمی خیزند».

ر.ک: ص/261 غنیمت شمردن فرصت.

32/4 خوردن از دسترنج خود

239. مجمع البیان: روایت شده است که حواریان عیسی علیه السلام هرگاه گرسنه می شدند، می گفتند: ای روح خدا! ما گرسنه شده ایم. پس عیسی علیه السلام با دست خود به زمین- چه دشت بود و چه کوه- می زد و برای هر یک از آنان دو گرده نان بیرون می آورد و آنها می خوردند. چون تشنه می شدند، می گفتند: ای روح خدا! ما تشنه شده ایم.

پس [دو باره] ایشان با دستش به زمین- خواه دشت بود یا کوه- می زد و آب بیرون می آورد و حواریان می نوشیدند.

حواریان گفتند: ای روح خدا! چه کسی از ما برتر است؟! هرگاه می خواهیم، تو غذایمان می دهی و هرگاه می خواهیم، تو آیمان می دهی. به تو ایمان آورده ایم و پیروی ات می کنیم!

عیسی علیه السلام فرمود: «از شما برتر، آن کسی است که با دست خود کار می کند و از دسترنج خود می خورد».

از آن پس، حواریان، رختشویی می کردند و مزد می گرفتند.

ص: 153

240. عيسى بن مريم عليه السلام: طُوبَى لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ الْخَيْرَ، أَصْفِيَاءَ اللَّهِ يَدْعُونَ. (1)

241. تنبيه الخواطر: قَالَ عَيْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ لِأَصْحَابِهِ: اسْتَكْثِرُوا مِنَ الشَّيْءِ الَّذِي لَا تَأْكُلُهُ النَّارُ.

قَالُوا: وَمَا هُوَ؟ قَالَ: الْمَعْرُوفُ. (2)

242. عيسى بن مريم عليه السلام: الْمُؤْمِنُ الْعَالِمُ لَا يَعْمَلُ إِلَّا عَمَلًا يَرْضَاهُ رَبُّهُ. (3)

34/4 الإِهْتِمَامُ بِخَاتِمَةِ الْعَمَلِ

243. معاني الأخبار: عن أبي فروة الأنصاري: قَالَ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا مَعْشَرَ الْحَوَارِيِّينَ! بِحَقِّ أَقُولُ: إِنَّ النَّاسَ يَقُولُونَ: إِنَّ الْبِنَاءَ بِأَسَاسِهِ، وَأَنَا لَا أَقُولُ لَكُمْ كَذَلِكَ. قَالُوا:

فَمَاذَا تَقُولُ يَا رُوحَ اللَّهِ؟ قَالَ: بِحَقِّ أَقُولُ لَكُمْ: إِنَّ آخِرَ حَجَرٍ يَضَعُهُ الْعَامِلُ هُوَ الْأَسَاسُ. (4)

35/4 الإِصْلَاحُ بَيْنَ النَّاسِ

244. عيسى بن مريم عليه السلام: طُوبَى لِلْمُصْلِحِينَ بَيْنَ النَّاسِ، أُولَئِكَ هُمُ الْمُقَرَّبُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (5) هـ.

ص: 154

1- تحف العقول: ص 501، بحار الأنوار: ج 14 ص 304 ح 17.

2- تنبيه الخواطر: ج 2 ص 249، بحار الأنوار: ج 14 ص 330 ح 66.

3- تحف العقول: ص 512، بحار الأنوار: ج 14 ص 316 ح 17.

4- معاني الأخبار: ص 348 ح 1، بحار الأنوار: ج 14 ص 321 ح 31 و ج 71 ص 364 ح 5.

5- تحف العقول: ص 393 و ص 501، بحار الأنوار: ج 14 ص 304 ح 17؛ التواضع والخمول: ص 153 ح 117 عن سعد الطائي نحوه.

240. عیسی بن مریم علیه السلام: خوشا به حال آنان که کار خیر می کنند! اینان دوستان ناب خدا خوانده می شوند.

241. تنبیه الخواطر: عیسی علیه السلام به یارانش فرمود: «از چیزی که آتش [دوزخ] آن را نمی سوزاند، فراوان جمع کنید». گفتند: آن چیست؟

فرمود: «نیکی».

242. عیسی بن مریم علیه السلام: مؤمن عالم [خداشناس]، تنها کاری را انجام می دهد که خداوندگارش بیسندد.

34/4 اهمیت دادن به پایان کار

243. معانی الأخبار - به نقل از ابو فروة انصاری - «عیسی بن مریم علیه السلام فرمود: ای جمع یاران! به راستی می گویم: مردم می گویند که ساختمان، به سنگِ بنیاد آن است، و من این گونه به شما نمی گویم».

گفتند: ای روح الله! توجه می گویی؟

فرمود: «به راستی برایتان می گویم: آخرین سنگی که کارگر می گذارد، اساس [ساختمان] است». (1)

35/4 آشتی دادن مردم

244. عیسی بن مریم علیه السلام: خوشا به حال کسانی که میان مردم، آشتی می دهند! ایشان اند که در روز رستاخیز، مقرب [درگاه الهی] اند.

ص: 155

1- در ضرب المثل های فارسی آمده است: کار را که کرد، آن که تمام کرد.

245. رسول الله صلى الله عليه وآله - فِي قَوْلِ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْآيَةِ «وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ»، قَالَ:-

جَعَلَنِي نَفَاعًا أَيْنَ اتَّجِهْتُ. (1)

246. الكافي عن محمد بن سنان رفعه: قَالَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ... إِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِالْخِدْمَةِ الْعَالِمُ. (2)

247. عيسى بن مريم عليه السلام: كَمَا تَقْضُونَ مِنْ حَوَائِجِ النَّاسِ فَكَذَلِكَ اللَّهُ تَعَالَى يَقْضِي مِنْ حَوَائِجِكُمْ. (3)

248. عنه عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ... يُحِبُّ الْوَالِيَّ الَّذِي يَكُونُ كَالرَّاعِي لَا يَغْفُلُ عَنْ رَعِيَّتِهِ. (4)

راجع: ح 78.

37/4 إِرْضَاءٌ مَنْ غَضِبَ عَلَيْهِ

249. عيسى بن مريم عليه السلام: يَا عَمِيدَ السَّوَاءِ، إِذَا قَرَّبَ أَحَدُكُمْ قُرْبَانَهُ لِيَذْبَحَهُ، فَذَكَرَ أَنَّ أَخَاهُ 7.

ص: 156

1- .حلية الأولياء: ج 3 ص 25 الرقم 206، الفردوس: ج 4 ص 414 ح 7203 بزيادة «للناس» بعد «نفاعاً» وكلاهما عن أبي هريرة، الدر المنثور: ج 5 ص 509؛ الكافي: ج 2 ص 165 ح 11، معاني الأخبار: ص 212 ح 1، تفسير القمي: ج 2 ص 50 كلها عن الإمام الصادق عليه السلام وليس فيها «أين اتجهت»، بحار الأنوار: ج 14 ص 210 ح 6.

2- .الكافي: ج 1 ص 37 ح 6، منية المرید: ص 183، بحار الأنوار: ج 14 ص 278 ح 8.

3- .حلية الأولياء: ج 5 ص 238 الرقم 328، تاريخ دمشق: ج 47 ص 432 كلاهما عن يزيد بن ميسرة، الدر المنثور: ج 2 ص 212.

4- .تحف العقول: ص 502، بحار الأنوار: ج 14 ص 305 ح 17.

36/4 خدمت رسانی به مردم

245. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - در باره این گفته عیسی علیه السلام در آیه «و مرا خجسته قرار داد هر کجا که باشم» - یعنی مرا سودمند قرار داد، هر سو که بروم.

246. الکافی - به نقل از محمد بن سنان، در حدیثی که آن را به معصوم رسانده است - :

عیسی بن مریم علیه السلام فرمود: ...سزاوارترین مردم به خدمت کردن، عالم است.

247. عیسی بن مریم علیه السلام: به آن مقدار که شما نیازهای مردم را برآورده می سازید، خداوند، نیازهایتان را برمی آورد.

248. عیسی بن مریم علیه السلام: خداوند... حکمرانی را که همچون شبانی از گله خود غافل نمی شود، دوست دارد.

ر.ك: ح 78.

37/4 دلجویی از کسی که بر او خشم گرفته ای

249. عیسی بن مریم علیه السلام: ای بندگان بد! هر گاه یکی از شما قربانی اش را آورد تا ذبحش

ص: 157

واجِدْ عَلَيْهِ، فَلْيَتْرِكْ قُرْبَانَهُ وَلْيَذْهَبْ إِلَى أَخِيهِ فَلْيَرِضْهُ، ثُمَّ لِيَرْجِعْ إِلَى قُرْبَانِهِ فَلْيَذْبَحْهُ. (1)

38/4 الإحسانُ إلى مَنْ أساء

250. عيسى بن مريم عليه السلام - أنه كان يقول: - إن الإحسانَ ليسَ أن تُحسِنَ إلى مَنْ أحسَنَ إليك، إنَّما تلكَ مُكافأةٌ بالمعروفِ، وَلكِنَّ الإحسانَ أن تُحسِنَ إلى مَنْ أساءَ إليك. (2)

251. عنه عليه السلام: يا بني إسرائيل، أما تستحيون من الله؟! إنَّ أَحَدَكُمْ لا يَسُوغُ لَهُ شَرَابُهُ حَتَّى يُصَفِّيهِ مِنَ القَذَى (3)

،ولا- يُبالي أن يبلغَ أمثالَ الفيلدةِ مِنَ الحرامِ! أَلَمْ تَسْمَعُوا أَنَّهُ قِيلَ لَكُمْ فِي التَّوْرَةِ: صِدِّ لُوا أَرْحَامَكُمْ، وَكَافُوا أَرْحَامَكُمْ! وَأَنَا أَقُولُ لَكُمْ: صِدِّ لُوا مَنْ قَطَعَكُمْ، وَأَعْطُوا مَنْ مَنَعَكُمْ، وَأَحْسِدُوا إِلَى مَنْ أساءَ إِلَيْكُمْ، وَتَدَلِّمُوا عَلَى مَنْ سَدَّ بَيْنَكُمْ، وَأَنْصِدُوا مَنْ خَصَمَكُمْ، وَأَعْفُوا عَمَّنْ ظَلَمَكُمْ، كَمَا أَنَّكُمْ تُجِبُونَ أَنْ يُعْفَى عَنِ إِسَاءَتِكُمْ فَاعْتَبِرُوا بِعَفْوِ اللَّهِ عَنْكُمْ.

أَلَا تَرَوْنَ أَنَّ شِدْمَهُ أَشْرَقَتْ عَلَى الْأَبْرَارِ وَالْفُجَّارِ مِنْكُمْ، وَأَنَّ مَطَرَهُ يَنْزِلُ عَلَى الصَّالِحِينَ وَالْخَاطِئِينَ مِنْكُمْ؟! فَإِنْ كُنْتُمْ لا تُجِبُونَ إِلَّا مَنْ أَحَبَّكُمْ وَلا تُحْسِنُونَ إِلَّا إِلَى مَنْ أَحَسَّنَ إِلَيْكُمْ وَلا تُكَافِئُونَ إِلَّا مَنْ أَعْطَاكُمْ فَمَا فَضْلُكُمْ إِذَا عَلَى غَيْرِكُمْ؟! وَقَدْ يَصْنَعُ هَذَا السُّفْهَاءُ الَّذِينَ لَيْسَتْ عِنْدَهُمْ فُضُولٌ وَلا لَهُمْ أَحْلَامٌ، وَلَكِنْ إِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ).

ص: 158

1- تحف العقول: ص 510، بحار الأنوار: ج 14 ص 313 ح 17؛ تاريخ دمشق: ج 68 ص 63.

2- الزهد لابن حنبل: ص 74، تاريخ دمشق: ج 47 ص 436، الدر المنثور: ج 2 ص 212، تفسير ابن كثير: ج 6 ص 303، تفسير الآلوسي: ج 14 ص 217 والثلاثة الأخيرة نحوه وكلها عن الشعبي.

3- القذى: هو ما يقع في العين والماء والشراب من تراب أو تبن أو وسخ أو غير ذلك (النهاية: ج 4 ص 30 «قذا»).

کند و به یاد آورد که برادرش از او ناراحت است، قربانی اش را رها کند و نزد برادرش برود و او را راضی نماید. سپس برگردد و قربانی خود را ذبح کند.

38/4 نیکی به کسی که بدی کرده

250. عیسی بن مریم علیه السلام - پیوسته می فرمود-: احسان، آن نیست که به کسی که به تو احسان کرده، نیکی کنی. این، تلافی کار خوب است؛ بلکه احسان، آن است که به کسی که به تو بدی کرده، نیکی نمایی.

251. عیسی بن مریم علیه السلام: ای بنی اسرائیل! آیا از خدا شرم نمی کنید؟! هر يك از شما نوشیدنی خود را تا از خس و خاشاك صاف نکنند گوارا نمی داند، لیکن از این که به حرامی به بزرگی ماده فیلی دست یابد، باك ندارد! مگر نشنیده اید که در تورات به شما گفته شده است: صلۀ رحم کنید و نیکی خویشاوندان را تلافی نمایید؟ و من به شما می گویم: با کسی که از شما بریده است، پیوند برقرار سازید؛ و به کسی که از شما دریغ کرده است، عطا کنید، و به آن که با شما بدی کرده است، خوبی کنید، و به کسی که به شما دشنام داده است، سلام گوید، و با کسی که با شما خصومت ورزیده است، انصاف به خرج دهید، و از کسی که به شما ستم کرده، درگذرید، چنان که دوست دارید از بدی کردن های شما در گذرند، از گذشت خداوند نسبت به خود عبرت بگیرید.

آیا نمی بینید که آفتاب خداوند بر نیک و بد شما می تابد و بارانش بر نیکوکار و گنهکارتان می بارد؟! پس شما اگر بجز کسی که دوستان دارد، دوست نمی دارید، و جز به کسی که به شما نیکی کرده است، نیکی نمی کنید، و جز به آن که به شما عطا کرده است، عطا نمی کنید، در این صورت، چه فضیلتی بر دیگران دارید؟! نابخردان نیز که نه فضیلتی دارند و نه خرد [و درایتی]، این کار را می کنند؛ بلکه

تَكُونُوا أَحِبَّاءَ اللَّهِ وَأَصْفِيَاءَ اللَّهِ فَأَحْسِبُ نُوا إِلَى مَنْ أَسَاءَ إِلَيْكُمْ، وَاعْفُوا عَمَّنْ ظَلَمَكُمْ، وَسَلِّمُوا عَلَى مَنْ أَعْرَضَ عَنْكُمْ، اسْمَعُوا قَوْلِي، وَاحْفَظُوا وَصِيَّتِي، وَارْعُوا عَهْدِي كَيْمَا تَكُونُوا عُلَمَاءَ فُقَهَاءَ. (1)

252. عنه عليه السلام: إِنْ أَحَبَبْتُمْ أَنْ تَكُونُوا أَصْفِيَاءَ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَنُورَ بَنِي آدَمَ مِنْ خَلْقِهِ؛ فَاعْفُوا عَمَّنْ ظَلَمَكُمْ، وَعُودُوا مَنْ لَا يَعُودُكُمْ، وَأَحْسِنُوا إِلَى مَنْ لَا يُحْسِنُ إِلَيْكُمْ.... (2)

253. تاريخ دمشق عن ابن المبارك: بَلَغَنِي أَنَّ عِيسَى بْنَ مَرْيَمَ مَرَّ بِقَوْمٍ فَشَتَمُوهُ، فَقَالَ خَيْرًا. وَمَرَّ بِآخَرِينَ فَشَتَمُوهُ وَزَادُوا، فَزَادَهُمْ خَيْرًا.

فَقَالَ رَجُلٌ مِنَ الْحَوَارِيِّينَ: كَلِّمْنَا زَادُوكَ شَرًّا زِدْتَهُمْ خَيْرًا، كَأَنَّكَ تُغْرِهِمْ بِنَفْسِكَ! فَقَالَ عِيسَى: كُلُّ إِنْسَانٍ يُعْطِي مَا عِنْدَهُ. (3)

39/4 الإنفاق في سبيل الله

254. عيسى بن مريم عليه السلام: كَيْفَ يَسْتَكْمِلُ حُبَّ خَلِيلِهِ مَنْ لَا يَبْذُلُ لَهُ بَعْضَ مَا عِنْدَهُ؟! وَكَيْفَ يَسْتَكْمِلُ حُبَّ رَبِّهِ مَنْ لَا يَقْرِضُهُ بَعْضَ مَا رَزَقَهُ؟! (4)

255. عنه عليه السلام: بِحَقِّ أَقْوَلٍ لَكُمْ: إِنْ قُلُوبِكُمْ بِحَيْثُ تَكُونُ كُنُوزُكُمْ، وَلِذَلِكَ النَّاسُ يُحِبُّونَ أَمْوَالَهُمْ وَتَتَوَقَّعُونَ (5) إِلَيْهَا أَنْفُسَهُمْ، فَصَعُّوا كُنُوزَكُمْ فِي السَّمَاءِ حَيْثُ لَا يَأْكُلُهَا السُّوسُ، وَلَا يَنَالُهَا اللَّصُوصُ. (6) 7.

ص: 160

1- تحف العقول: ص 503، بحار الأنوار: ج 14 ص 306 ح 17.

2- الزهد لابن حنبل: ص 118 عن ميسرة، حلية الأولياء: ج 5 ص 238 الرقم 328 عن يزيد بن ميسرة نحوه، الدر المنثور: ج 2 ص 204.

3- تاريخ دمشق: ج 47 ص 437، البيان والتبيين: ج 2 ص 177 و ج 3 ص 140 كلاهما نحوه، الدر المنثور: ج 2 ص 212.

4- تحف العقول: ص 506، بحار الأنوار: ج 14 ص 309 ح 17.

5- تافت نفسي إلى الشيء: أي اشتاقت (الصحيح: ج 4 ص 1453 «توق»).

6- تحف العقول: ص 503، بحار الأنوار: ج 14 ص 306 ح 17.

اگر می خواهید دوست و برگزیده خدا باشید، به کسی که به شما بدی کرده است، خوبی کنید، و از کسی که به شما ستم کرده، درگذرید، و به کسی که از شما روی گردانده، سلام کنید. سخنم را بشنوید و سفارشم را به یاد سپارید، و توصیه ام را به کار بندید تا دانشورانی فهیم باشید.

252. عیسی بن مریم علیه السلام: اگر دوست دارید که دوستانِ خالصِ خدا، و نور فرزندانِ آدم که آفریدگان اویند، باشید، پس، از کسی که به شما ستم کرده است، درگذرید و از کسی که از شما عیادت نمی کند، عیادت کنید، و به آن که به شما نیکی نمی کند، نیکی نمایید....

253. تاریخ دمشق - به نقل از ابن مبارک - : به من خبر رسیده است که عیسی بن مریم علیه السلام از عدّه ای گذشت و آنان به او ناسزا گفتند؛ ولی عیسی علیه السلام به آنان به نیکی سخن گفت. بر عدّه ای دیگر گذشت و آنها به او بیشتر ناسزا گفتند و عیسی به آنان بیشتر سخن نیک گفت.

مردی از حواریان گفت: هر چه آنها بیشتر بد گفتند، تو بیشتر خوب گفتی. گویا با این کار، ایشان را به خودت گستاخ می کنی!

عیسی علیه السلام فرمود: «هر انسانی آنچه نزد خود دارد، تقدیم می کند».

39/4 انفاق در راه خدا

254. عیسی بن مریم علیه السلام: چگونه محبتش به دوستش کامل است کسی که مقداری را از آنچه دارد، ارزانی او نمی کند؟! و چگونه محبتش به خدایش کامل است کسی که قسمتی از آنچه را روزی اش کرده، به او وام نمی دهد؟!!

255. عیسی بن مریم علیه السلام: به راستی به شما می گویم: دل های شما آن جاست که گنج های شماست. از همین روست که مردم، دارایی های خود را دوست دارند و جانشان مشتاق آنهاست. پس گنج هایتان را در آسمان بنهید؛ آن جا که نه موریانه آنها را می خورد و نه دزدان به آن دسترسی دارند.

256. عنه عليه السلام: اكنزوا كنزكم عند من لا يضيعة؛ فإن صاحب كنز الدنيا يخاف عليه الآفة، وصاحب كنز الله (1)

لا يخاف عليه الآفة. (2)

257. الإمام الصادق عليه السلام: إن عيسى روح الله مرّ بقوم مجلبين (3)

فقال: ما لهؤلاء؟ قيل: يا روح الله، إن فلانة بنت فلان تهادى إلى فلان بن فلان في ليلتها هذه. قال: يجلبون اليوم ويبكون غداً، فقال قائل منهم: ولم يا رسول الله؟ قال: لأن صاحبهم ميتة في ليلتها هذه!

فقال القائلون بمقاتلته: صدق الله وصدق رسوله. وقال أهل التفاق: ما أقرب غداً!

فلما أصبحوا جاؤوا فوجدوها على حالها لم يحدث بها شيء. فقالوا: يا روح الله، إن التي أخبرتنا أمس أنها ميتة لم تمت! فقال عيسى عليه السلام: يفعل الله ما يشاء، فاذهبوا بنا إليها.

فذهبوا يتساقبون حتى قرعوا الباب، فخرج زوجها فقال له عيسى عليه السلام: استأذن لي على صاحبك، قال: فدخل عليها فأخبرها أن روح الله وكلمته بالباب مع عديّة، قال: فتخدّرت، فدخل عليها فقال لها: ما صنع ليلتك هذه؟ قالت: لم أصنع شيئاً إلا وقد كنتُ أصنعهُ فيما مضى، إنه كان يعترينا (4)

سائل في كل ليلة جمعة فنبيله ما يقوته إلى مثلها، وإنه جاءني في ليلتي هذه وأنا مشغولة بأمرى وأهلي في مشاغل.

ص: 162

1- في شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد: «كنز الآخرة» بدل «كنز الله».

2- تنبيه الخواطر: ج 1 ص 129، بحار الأنوار: ج 14 ص 327 ح 48؛ شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد: ج 19 ص 330، إحياء العلوم: ج 3 ص 299 وفيه صدره إلى «الآفة» الأولى.

3- الجلبة: الأصوات، وقيل: اختلاط الأصوات، والجلب: الجلبة في جماعة الناس، من الصياح (لسان العرب: ج 1 ص 269 «جلب»).

4- اعتراه: غشيه طالباً معروفة (لسان العرب: ج 15 ص 44 «عرو»).

256. عیسی بن مریم علیه السلام: گنج خود را به کسی بسپارید که تباهش نمی کند. دارنده گنج دنیا، در معرض آسیب است، و دارنده گنج خداوند (گنج آخرت)، بیم آسیبی به او نمی رود.

257. امام صادق علیه السلام: روح خدا عیسی علیه السلام بر عده ای گذشت که هیاهو به راه انداخته بودند.

فرمود: «اینها را چه می شود؟». گفته شد: ای روح خدا! امشب، فلانی دختر فلانی را به خانه شوهرش فلانی پسر فلانی می برند.

فرمود: «امروز شادی می کنند و فردا شیون».

یکی از آنها گفت: چرا ای فرستاده خدا؟!

فرمود: «چون عروس آنها امشب می میرد!».

پیروان عیسی علیه السلام گفتند: خدا و فرستاده او راستگویند. منافقان گفتند: فردا نزدیک است! چون صبح شد، آمدند و دیدند زنده است و اتّفاقی برایش نیفتاده است.

گفتند: ای روح خدا! آن که دیروز گفتی می میرد، نمرده است.

عیسی علیه السلام فرمود: «خدا آنچه بخواهد می کند. نزد آن دختر برویم».

شتابان به راه افتادند و به خانه او رسیدند و در زدند. شوهرش بیرون آمد.

عیسی علیه السلام به او فرمود: «از همسرت برایم اجازه ورود بخواه».

مرد نزد عروسش رفت و به او خبر داد که روح و کلمه خدا با عده ای دم در هستند. زن چادرش را سرکرد. عیسی علیه السلام بر او درآمد و فرمود: «تو دیشب چه کار خیری کردی؟». زن گفت: من کاری نکردم جز آنچه قبلاً می کردم. هر شب جمعه، نیازمندی نزد ما می آمد و ما خوراک او را تا شب جمعه بعد می دادیم.

دیشب نیز نزد من آمد و من به کار خود مشغول بودم و خانواده ام سرگرم کارهای خود بودند و او صدا زد و کسی جوابش را نداد. دوباره صدا زد و باز کسی

فَهْتَفَ فَلَمْ يُجِبْهُ أَحَدٌ، ثُمَّ هْتَفَ فَلَمْ يُجِبْ، حَتَّى هْتَفَ مِرَارًا، فَلَمَّا سَمِعَتْ مَقَالَتَهُ قُمْتُ مُتَتَكِّرَةً حَتَّى أَتَلْتُهُ كَمَا كُنَّا نُنِيْلُهُ.

فَقَالَ لَهَا: تَنْحِي عَن مَجْلِسِكَ، فَإِذَا تَحْتَ ثِيَابِهَا أَفْعَى مِثْلُ جِدْعَةٍ عَاضٌ عَلَى ذَنْبِهِ! فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: بِمَا صَنَعْتَ صَرَفَ اللَّهُ عَنكَ هَذَا. (1)

258. عِدَّةُ الدَّاعِي: قِيلَ: بَيْنَا عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ مَعَ أَصْحَابِهِ جَالِسًا إِذْ مَرَّ بِهِ رَجُلٌ فَقَالَ: هَذَا مَيِّتٌ أَوْ يَمُوتُ. فَلَمْ يَلْبَثُوا أَنْ رَجَعَ عَلَيْهِمْ وَهُوَ يَحْمِلُ حُزْمَةَ حَطَبٍ، فَقَالُوا: يَا رُوحَ اللَّهِ، أَخْبَرْتَنَا إِنَّهُ مَيِّتٌ وَهُوَ ذَا نَرَاهُ حَيًّا!

فَقَالَ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: ضَعِ حُزْمَتَكَ. فَوَضَعَهَا فَفَتَحَهَا وَإِذَا فِيهَا أَسْوَدٌ قَدْ الْقَمَ حَجْرًا.

فَقَالَ لَهُ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَيُّ شَيْءٍ صَنَعْتَ الْيَوْمَ؟ فَقَالَ: يَا رُوحَ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ، كَانَ مَعِيَ رَغِيْفَانِ، فَمَرَّ بِي سَائِلٌ فَأَعْطَيْتُهُ وَاحِدًا. (2)

40/4 الأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ

259. رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: ... خَلَقَ اللَّيْلَ لثَلَاثَةِ خِصَالٍ، وَخَلَقَ النَّهَارَ لِسَبْعِ خِصَالٍ، فَمَنْ مَضَى عَلَيْهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَهُوَ فِي غَيْرِ هَذِهِ الْخِصَالِ خَاصَّةً مَهُ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَخَصَّ مَا... خَلَقَ النَّهَارَ لِتُوْدِي فِيهِ الصَّلَاةَ الْمَفْرُوضَةَ الَّتِي عَنْهَا تُسَأَلُ وَبِهَا تُحَاسَبُ، وَيُرَى وَالِدَيْكَ، وَأَنْ تَضْرِبَ فِي الْأَرْضِ تَبْتَغِي الْمَعِيشَةَ مَعِيشَةَ يَوْمِكَ، وَأَنْ تَعُودَ فِيهِ وَلِيًّا لِلَّهِ تَعَالَى كَيْمَا يَتَّعَهَدَكُمُ اللَّهُ بِرَحْمَتِهِ، وَأَنْ تُشَيِّعُوا فِيهِ جِنَازَةً كَيْمَا تَنْقَلِبُوا مَغْفُورًا لَكُمْ، وَأَنْ تَأْمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ؛ فَهُوَ 8.

ص: 164

1- .الأَمَالِي لِلصَّدُوقِ: ص 589 ح 816، فَصَصَ الْأَنْبِيَاءَ لِلرَّوَانْدِيِّ: ص 271 ح 317 كِلَاهِمَا عَنِ أَبِي بَصِيرٍ، فَجِ الْمَهْمُومِ: ص 118، رَوْضَةُ

الْوَاعِظِينَ: ص 392 كَلَّهَا نَحْوَهُ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ: ج 4 ص 94 ح 1.

2- .عِدَّةُ الدَّاعِي: ص 61، بَحَارُ الْأَنْوَارِ: ج 96 ص 135 ح 68.

جوابش را نداد تا چند بار صدا زد، و چون صدای او را شنیدم، با قیافه ناشناس رفتم و مثل همیشه به او نوایی دادم.

عیسی علیه السلام به او فرمود: «از جای خود کنار برو».

چون کنار رفت، زیر جامه او ماری به اندازه تنه یک درخت خرما بود و دم خود را در دهانش داشت! عیسی علیه السلام فرمود: «به سبب آن کاری که کردی، خداوند، این بلا را از تو گرداند».

258. عده الداعی: آورده اند که عیسی علیه السلام با یاران خود نشسته بود که مردی بر او گذشت.

عیسی علیه السلام فرمود: «این، مرد مرده است یا می میرد».

طولی نکشید که با پشته ای هیزم بر پشت برگشت. یاران گفتند: ای روح خدا! توبه ما خبر دادی که این مرد می میرد، در حالی که او را زنده می بینیم!

عیسی علیه السلام به آن مرد فرمود: «پشته هیزم را بر زمین بگذار». پشته را بر زمین گذاشت و آن را باز کرد. دیدند در میان آن، ماری است که سنگی در دهان دارد.

عیسی علیه السلام به آن مرد فرمود: «امروز چه کار خیری کردی؟».

گفت: ای روح و کلمه خدا! من دو قرص نان با خود داشتم. گدایی بر من گذشت و من یکی را به او دادم.

40/4 امر به معروف و نهی از منکر

259. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: عیسی بن مریم علیه السلام فرمود: «...» خداوند، شب را برای سه کار آفرید و روز را برای هفت کار. هر که شب و روز بر او بگذرد و او در کاری جز اینها باشد، روز رستاخیز، شب و روز با او به دشمنی برمی خیزند... خدا روز را آفرید تا در آن، نماز واجب را که از آن بازخواست و برایش حسابرسی می شوی، به جا آوری، و به پدر و مادرت نیکی کنی و در طلب معاش روزانه ات بکوشی، و در آن، به دوستان خداوند متعال سرکشی کنی تا که خداوند، شما را مشمول رحمت خویش گرداند، و در آن، جنازه ای را تشییع کنید تا آمرزیده بازگردید، و امر به معروف و نهی از منکر کنید که آن، قلّه ایمان

ص: 165

ذُرُوءُ الْإِيمَانِ وَقَوَامُ الدِّينِ. (1)

راجع: ص/248 مثل من لا ينهى عن المنكر.

41/4 حِفْظُ اللِّسَانِ

260. تاريخ دمشق عن سفيان: قالوا لعيسى بن مريم عليه السلام: دُلُّنَا عَلَى عَمَلٍ نَدْخُلُ بِهِ الْجَنَّةَ. قَالَ:

لَا تَنْطِقُوا أَبَدًا، قَالُوا: لَا نَسْتَطِيعُ ذَلِكَ، قَالَ: فَلَا تَنْطِقُوا إِلَّا بِخَيْرٍ. (2)

261. عيسى بن مريم عليه السلام - أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ: - لَا تَكْثِرُوا الكَلَامَ فِي غَيْرِ ذِكْرِ اللَّهِ، فَإِنَّ الدِّينَ يُكْثِرُونَ الكَلَامَ فِي غَيْرِ ذِكْرِ اللَّهِ قَاسِيَةً قُلُوبَهُمْ وَلَكِنْ لَا يَعْلَمُونَ. (3)

262. عنه عليه السلام: لَا تَكْثِرُوا الكَلَامَ بِغَيْرِ ذِكْرِ اللَّهِ فَتَقْسُوا قُلُوبَكُمْ، فَإِنَّ القَلْبَ القَاسِيَّ بَعِيدٌ مِنَ اللَّهِ، وَلَكِنْ لَا تَعْلَمُونَ. (4)

263. عنه عليه السلام: مَنْ كَثَرَ كَلَامَهُ كَثُرَ سَقَطُهُ. (5)

264. عنه عليه السلام: قَلَّةُ المَنْطِقِ حُكْمٌ عَظِيمٌ، فَعَلَيْكُمْ بِالصَّمْتِ فَإِنَّهُ دَعَا (6)

حَسَنَةً، وَقَلَّةٌ).

ص: 166

1- الدر المنثور: ج 7 ص 303 نقلاً عن ابن مردويه عن عبد الله بن مغفل؛ بحار الأنوار: ج 58 ص 207 ح 38.

2- تاريخ دمشق: ج 47 ص 438، شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد: ج 10 ص 137، إحياء العلوم: ج 3 ص 167 عن البراء بن عازب عن رسول الله صلى الله عليه وآله نحوه، الدر المنثور: ج 2 ص 212 نقلاً عن ابن أبي الدنيا.

3- الكافي: ج 2 ص 114 ح 11 عن عمرو بن جميع، الأمالي للمفيد: ص 209 ح 43 عن ابن سنان وكلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج 71 ص 301 ح 75.

4- الموطأ: ج 2 ص 986 ح 8، تفسير القرطبي: ج 17 ص 250 كلاهما عن مالك، المصنّف لابن أبي شيبة: ج 7 ص 462 ح 9 عن محمد بن يعقوب، تاريخ دمشق: ج 47 ص 441 عن وائل بن بكير؛ الدر المنثور: ج 7 ص 220 نقلاً عن أحمد عن أبي الجلود؛ مجمع البيان: ج 9 ص 358 عن الزجاج.

5- الأمالي للصدوق: ص 636 ح 853، قصص الأنبياء للراوندي: ص 274 ح 329 كلاهما عن عبد الله بن سنان عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج 14 ص 318 ح 18؛ المعجم الأوسط: ج 6 ص 328 ح 6541 عن ابن عمر عن رسول الله صلى الله عليه وآله، تاريخ دمشق: ج 24 ص 456 ح 5318 عن أبي هريرة عن رسول الله صلى الله عليه وآله.

6- الدعاء: الخفض والسعة في العيش (القاموس المحيط: ج 3 ص 92 «ودع»).

و جان مایهٔ دین است.

ر.ک:ص/249 مثل کسی که نهی از منکر نمی کند.

41/4 نکه داشتن زبان

260. تاریخ دمشق - به نقل از سفیان - به عیسی بن مریم علیه السلام گفتند: کاری را نشانمان ده که با آن وارد بهشت شویم

فرمود: «هرگز سخن نگویند».

گفتند: این کار را نمی توانیم.

فرمود: «پس جز سخن نیک نگویند».

261. عیسی بن مریم علیه السلام - پیوسته می فرمود: - در غیر یاد خدا، پرگویی نکنید؛ زیرا آنان که در غیر یاد خدا، پرگویی می کنند، سنگ

دل اند و خود نمی دانند.

262. عیسی بن مریم علیه السلام: در غیر ذکر خدا، زیاد سخن نگویند که سنگ دل می شوید و دل سخت از خدا دور است؛ لیک، خود

نمی دانید.

263. عیسی بن مریم علیه السلام: کسی که سخنش بسیار باشد، لغزشش فراوان می گردد.

264. عیسی بن مریم علیه السلام: کم گویی، حکمت بزرگی است. پس خاموشی گزینید؛ که آن،

ص: 167

265. عنه عليه السلام: اوصيكم أن تختتموا على أفواهكم بالصمت، حتى لا يخرج منها ما لا يحل لكم. (2)

266. تاريخ دمشق عن مالك بن أنس: مرَّ بعيسى بن مريم خنزيرٌ، فقال: مرَّ بسلام.

فقيل له: يا روح الله، لهذا الخنزير تقول؟! قال: أكره أن أعود لساني الشرِّ. (3)

(4).

267. عيسى بن مريم عليه السلام: إنَّ الله يُبغضُ الضحَّاكَ من غيرِ عجبٍ، والمُشَاءَ إلى غيرِ أدبٍ. (5)

268. عنه عليه السلام: أربَعُ هُنَّ عَجَبٌ، وَلَا يُحْفَظَنَّ إِلَّا بِعَجَبٍ: الصَّمْتُ؛ وَهُوَ أَوَّلُ الْعِبَادَةِ، وَذِكْرُ اللَّهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ، وَالتَّوَاضُّعُ، وَقِلَّةُ الشَّيْءِ.

(6)

269. عنه عليه السلام: البرُّ ثلاثةٌ: المنطقُ، والنَّظَرُ، والصَّمْتُ؛ فَمَنْ كَانَ مَنْطِقُهُ فِي غَيْرِ ذِكْرِ فَقَدْ لَغَا (7)

، وَمَنْ كَانَ نَظْرُهُ فِي غَيْرِ اعْتِبَارٍ فَقَدْ سَهَا (8)

، وَمَنْ كَانَ صَمْتُهُ فِي غَيْرِ.

ص: 168

1- تحف العقول: ص 502، بحار الأنوار: ج 14 ص 305 ح 17.

2- تحف العقول: ص 511، بحار الأنوار: ج 14 ص 315 ح 17.

3- في رواية أخرى: قد بلغنا أن عيسى عليه السلام مرَّ على خنزيرٍ، فقال ما معناه: «أنعم صَ باحاً»، فقيل له في ذلك، فقال: إنما فعلت ذلك لأعود لساني الكلام الحسن. (العهد المحمدي للشعراني: ص 845).

4- تاريخ دمشق: ج 47 ص 437، الموطأ: ج 2 ص 985 ح 4 عن يحيى بن سعد نحوه، الدر المنثور: ج 2 ص 212 نقلاً عن ابن أبي الدنيا.

5- تحف العقول: ص 502، أعلام الدين: ص 273 عن معاذ بن جبل عن رسول الله صلى الله عليه وآله نحوه؛ المصنّف لابن أبي شيبة: ج

8 ص 322 ح 198 عن سليمان بن موسى من دون إسناد إلى المعصوم عليه السلام نحوه.

6- الزهد لهناد: ج 1 ص 326 ح 594 عن سفيان، المستدرک على الصحيحين: ج 4 ص 346 ح 7864، المعجم الكبير: ج 1 ص 256 ح

741 كلاهما عن أنس عن رسول الله صلى الله عليه وآله نحوه، كنز العمال: ج 15 ص 859 ح 43418؛ مكارم الأخلاق: ج 2 ص 377 ح

2661 عن أبي ذر عن رسول الله صلى الله عليه وآله، عدّة الداعي: ص 234 عن رسول الله صلى الله عليه وآله وكلاهما نحوه، بحار

الأنوار: ج 77 ص 88 ح 3.

7- لغا الإنسان: إذا تكلم بالمطرح من القول وما لا يعني (النهاية: ج 4 ص 257 «لغا»).

8- سها في الأمر: نسيه وغفل عنه وذهب قلبه إلى غيره (القاموس المحيط: ج 4 ص 346 «سها»).

آسایشی نیکو است، و مایهٔ کم شدن بار مسئولیت، و سبکباری از گناهان.

265. عیسی بن مریم علیه السلام: به شما سفارش می‌کنم که بر دهانتان مُهر خاموشی بزنید، مبادا چیزی که برایتان روا نیست از آن بیرون آید.

266. تاریخ دمشق - به نقل از مالک بن انس - : خوکى بر عیسی بن مریم علیه السلام گذشت.

عیسی علیه السلام فرمود: «برو به سلامت».

به او گفته شد: ای روح خدا! به این خوک [چنین سخنی] می‌گویی؟!!

فرمود: «خوش ندارم زبانم را به بدی عادت دهم».

267. عیسی بن مریم علیه السلام: خداوند، کسی را که بدون تعجب از چیزی، زیاد می‌خندد و کسی را که به سوی چیزی غیر از ادب می‌رود، دشمن می‌دارد.

268. عیسی بن مریم علیه السلام: چهار چیزند که شگفت‌انگیزند و جز با شگفتی حفظ نمی‌شوند:

خاموشی که گام نخست بندگی است؛ یاد خدا در همه حال؛ فروتنی؛ و کم چیزی [فقر].

269. عیسی بن مریم علیه السلام: نیکی در سه چیز است: سخن گفتن، نگریستن، و خاموشی. هر که سخن گفتنش در غیر ذکر [خدا] باشد، بیهوده گویی کرده است. هر که نگریستنش با عبرت آموختن همراه نباشد، دستخوش غفلت است. و هر که

فَكَرَّ فَقَدَ لَهَا (1)

(2) .

42/4 تَقَدَّ الْكَلَامِ

270. عيسى بن مريم عليه السلام: كُونُوا مُنْتَقِدِي الْكَلَامِ؛ كَي لَا يَكُونَ فِيكُمْ الزُّيُوفُ (3)

(4) .

271. عنه عليه السلام: حَذُّوا الْحَقَّ مِنْ أَهْلِ الْبَاطِلِ، وَلَا تَأْخُذُوا الْبَاطِلَ مِنْ أَهْلِ الْحَقِّ، كُونُوا نَقَادَ الْكَلَامِ، فَكَمْ مِنْ صَدَّ لَالَةٍ زُخْرِفَتْ بِآيَةٍ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ، كَمَا زُخْرِفَ الدَّرْهَمُ مِنْ نُحَاسٍ بِالْفِضَّةِ الْمُموَّهَةِ! النَّظْرُ إِلَى ذَلِكَ سَوَاءٌ، وَالْبَصْرَاءُ بِهِ خُبْرَاءُ. (5)

43/4 التَّعَادُلُ فِي الْحُزَنِ وَالشُّرُورِ

272. الإمام الكاظم عليه السلام: كَانَ يَحْيَى بْنُ زَكَرِيَّا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَبْكِي وَلَا يَضْحَكُ، وَكَانَ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَضْحَكُ وَيَبْكِي، وَكَانَ الَّذِي يَصْنَعُ عَيْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ أَفْضَلَ مِنَ الَّذِي كَانَ يَصْنَعُ يَحْيَى عَلَيْهِ السَّلَامُ. (6)0.

ص: 170

1- لهيت عن الشيء- بالكسر-: إذا سلوت عنه وتركت ذكره وأضربت عنه (الصحاح: ج 6 ص 2487 «لها»).

2- البيان والتبيين: ج 1 ص 297 عن الشعبي، تاريخ دمشق: ج 47 ص 439 عن وهيب بن الورد نحوه؛ المواعظ العددية: ص 195 وراجع: ثواب الأعمال: ص 212 ح 1.

3- الزيف: من وصف الدراهم، يقال: زافت عليه دراهمه أي: صارت مردودة لغش فيها، وقد زيفت إذا ردت... والجمع زيوف (لسان العرب: ج 9 ص 142 «زيف»).

4- تاريخ دمشق: ج 47 ص 440: الدر المنثور: ج 2 ص 212 نقلاً عن الخرائطي وكلاهما عن إبراهيم النخعي.

5- المحاسن: ج 1 ص 359 ح 769، بحار الأنوار: ج 2 ص 96 ح 39؛ تاريخ دمشق: ج 47 ص 440 عن إبراهيم النخعي وفيه صدره إلى «أهل الحق».

6- الكافي: ج 2 ص 665 ح 20، مشكاة الأنوار: ص 335 ح 1070 وفيه «ولا يبكي» بدل «ويبكي»، قصص الأنبياء للراوندي: ص 273 ح 326 عن الحسن بن الجهم عن الإمام الرضا عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 14 ص 188 ح 40.

خاموشی اش با اندیشیدن همراه نباشد، کاری بیهوده کرده است.

42/4 ارزیابی سخن

270. عیسی بن مریم علیه السلام: ناقد سخن باشید تا سخنان ناروا در میان شما نباشد.

271. عیسی بن مریم علیه السلام: حق را از اهل باطل فراگیرید، و باطل را از اهل حق فرا نگیرید.

ناقدان سخن باشید؛ زیرا چه بسا گم راهی ای که با آیه ای از کتاب خدا آراسته می شود، چنان که سگه مسین را با نقره روکش کنند! به نظر، نقره می نماید؛ لیک کارشناسان، آن را می شناسند.

43/4 متعادل کردن اندوه و شادی

272. امام کاظم علیه السلام: یحیی بن زکریا علیه السلام اهل گریستن بود و نمی خندید، و عیسی بن مریم علیه السلام اهل خندیدن و گریه کردن، هر دو بود، و کار عیسی علیه السلام برتر از کار یحیی علیه السلام بود.

ص: 171

273. البداية والنهاية عن مكحول: إلتقى يحيى وعيسى عليهما السلام فصافحه عيسى عليه السلام وهو يضحك فقال له يحيى عليه السلام: يابن خالة، ما لي أراك ضاحكاً، كأنك قد أمنت؟!»

فقال له عيسى عليه السلام: ما لي أراك عابساً، كأنك قد نيست؟!»

فأوحى الله إليهما: أن أحببكما إليّ أبشكما (1)

بصاحبه. (2)

45/4 إقراء الضيف

274. المصنّف لابن أبي شيبة عن خيثمة: كان عيسى بن مريم عليه السلام يصنع الطعام لأصحابه، قال:

ثم يقوم عليهم ويقول: هكذا فاصنعوا بالقراء. (3)

46/4 غسل اللحم قبل الطبخ

275. رسول الله صلى الله عليه وآله: مرّ أخي عيسى عليه السلام بمدينة فاذا وجوههم صفرّ وعيونهم زرق، فشكوا إليه ما بهم من العليل.

فقال: دواؤكم معكم، أنتم إذا أكلتم اللحم طبختموه غير مغسول، وليس يخرج شيء من الدنيا إلا بجنابة. 2.

ص: 172

1- البش: فرح الصديق بالصدق واللفظ في المسألة والإقبال عليه (النهاية: ج 1 ص 130 «بشش»).

2- البداية والنهاية: ج 2 ص 91، تاريخ دمشق: ج 47 ص 467.

3- المصنّف لابن أبي شيبة: ج 8 ص 114 ح 18، البداية والنهاية: ج 2 ص 89 وفيه «بالقري» بدل «بالقراء»، تاريخ دمشق: ج 47 ص 432.

273. البداية والنهاية - به نقل از مکحول-: یحیی علیه السلام و عیسی علیه السلام به هم رسیدند و عیسی علیه السلام خنده کنان با او دست داد. یحیی علیه السلام فرمود: «ای پسر خاله! چه شده است که تو را خندان می بینم؟ گویی [از عذاب خدا] در امانی؟!». عیسی علیه السلام به او پاسخ داد: «چه شده است که من تو را عبوس می بینم؟ تو گویی [از رحمت خدا] مأیوسی؟!».

پس خداوند به آن دو وحی فرمود که: محبوب ترین شما نزد من کسی است که با رفیقش خوش روتر باشد.

45/4 مهمان نوازی

274. المصنّف، ابن ابی شیبہ - به نقل از خیثمه-: عیسی بن مریم علیه السلام برای یاران خود غذا درست می کرد و سپس بالای سر آنها می ایستاد و می فرمود: «این گونه از مهمان پذیرایی کنید».

46/4 شستن گوشت، پیش از پختن آن

275. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برادرم عیسی علیه السلام از شهری گذشت که رنگ مردمانش زرد و چشمانشان کبود بود. آنها از بیماری های خود به او شکایت کردند. فرمود:

«دوای شما در دست خودتان است. وقتی گوشت می خورید، آن را ناشسته می پزید. هیچ جاننداری از دنیا نمی رود مگر با جنابت».

فَغَسَلُوا بَعْدَ ذَلِكَ لِحُومَهُمْ فَذَهَبَتْ أَمْرَاضُهُمْ. (1)

47/4 الإحسانُ إِلَى الدَّوَابِّ

276. الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ عَيْسَى بْنَ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا أَنْ مَرَّ عَلَى شَاطِئِ الْبَحْرِ رَمَى بِقُرْصٍ مِنْ قُوْتِهِ فِي الْمَاءِ، فَقَالَ لَهُ بَعْضُ الْحَوَارِيِّينَ: يَا رُوحَ اللَّهِ وَكَلِمَتَهُ، لِمَ فَعَلْتَ هَذَا وَإِنَّمَا هُوَ مِنْ قُوْتِكَ؟!

فَقَالَ: فَعَلْتُ هَذَا لِذَاتِي تَأْكُلُهُ مِنْ دَوَابِّ الْمَاءِ، وَثَوَابُهُ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ. (2)

48/4 رُؤْيُ الْجَمَالِ وَكَوْفِي جِيْفَةَ الْكَلْبِ!

277. تنبيه الخواطر: رُوي أَنَّ عَيْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ مَرَّ وَالْحَوَارِيُّونَ عَلَى جِيْفَةِ كَلْبٍ. فَقَالَ الْحَوَارِيُّونَ:

مَا أَنْتَنَ رِيْحَ هَذَا الْكَلْبِ! فَقَالَ عَيْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا أَشَدَّ بِيَاضَ أَسْنَانِهِ! (3) 2.

ص: 174

1- .قصص الأنبياء للراوندي:ص 274 ح 330 عن ابن سنان عن الإمام الصادق عليه السلام، علل الشرائع:ص 575 ح 1 عن عمر بن علي عن الإمام علي عليه السلام، بحار الأنوار:ج 14 ص 321 ح 28.

2- .الكافي:ج 4 ص 9 ح 3، تهذيب الأحكام:ج 4 ص 105 ح 300، ثواب الأعمال:ص 174 ح 2 كلها عن معلّى بن خنيس، بحار الأنوار:ج 14 ص 257 ح 55.

3- .تنبيه الخواطر:ج 1 ص 117، بحار الأنوار:ج 14 ص 327 ح 47؛ تاريخ دمشق:ج 47 ص 437 عن مالك بن دينار، شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد:ج 9 ص 62.

از آن پس، مردم، گوشت های خود را شستند و بیماری هایشان از بین رفت.

47/4 نیکی به حیوانات

276. امام صادق علیه السلام: عیسی بن مریم علیه السلام هنگام عبور از ساحل دریا، قرص نانی از قوت خود را در آب انداخت. یکی از حواریان به او گفت: ای روح و کلمه خدا! چرا چنین کردی؟ آن قرص نان از قوت تو بود؟!

عیسی علیه السلام فرمود: «این کار را برای این کردم که برخی حیوانات درون آب، آن را بخورند. این کار، ثواب بزرگی نزد خدا دارد».

48/4 دیدن زیبایی هر چند در لاشه سگ!

277. تنبیه الخواطر: روایت شده است که عیسی علیه السلام و حواریان بر لاشه سگی گذشتند.

حواریان گفتند: چه بوی گندی می دهد این سگ!

عیسی علیه السلام فرمود: «عجب دندان های سفیدی دارد!». (1)

نکته:

ابن ابی الحدید ضمن شرح خطبه 140 از نهج البلاغه که در باره نهی از غیبت است با اشاره به روایت یاد شده می گوید: گویا حضرت عیسی علیه السلام حواریون را از غیبت سگ نهی کرده و توجه به این معنا داده که شایسته نیست جز از زیباترین امور مربوط به چیزی یاد شود (2)

لیکن به نظر می رسد مقصود از این جمله اجتناب از مطلق گرایی در داوری درباره افراد ناشایسته است، و این که اگر در زندگی آنها کمترین نقطه مثبتی هم وجود دارد باید مورد توجه قرار گیرد.

ص: 175

1- این روایت، در موضوع «مثبت اندیشی» و «خوش بینی» و «جامع نگری» و «عیب پوشی» نیز جالب توجه است.

2- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید: ج 9 ص 62.

278. عيسى بن مريم عليه السلام: إِنَّ حُبَّ الدُّنْيَا لِرَأْسِ كُلِّ خَطِيئَةٍ. (1)

279. عنه عليه السلام: بِحَقِّ أَقْوَلٍ لَكُمْ: إِنَّهُ... كَمَا يَلْتَدُّ الْمَرِيضُ نَعْتِ الطَّيِّبِ الْعَالِمِ بِمَا يَرْجُو فِيهِ مِنَ الشِّفَاءِ، فَإِذَا ذَكَرَ مَرَاةَ الدَّوَاءِ وَطَعْمَهُ كَدَّرَ عَلَيْهِ الشِّفَاءَ؛ كَذَلِكَ أَهْلُ الدُّنْيَا يَلْتَدُّونَ بِبَهْجَتِهَا وَأَنْوَاعِ مَا فِيهَا، فَإِذَا ذَكَرُوا فَجَاءَ الْمَوْتِ كَدَّرَهَا عَلَيْهِمْ وَأَفْسَدَهَا. (2)

280. عنه عليه السلام: بِحَقِّ أَقْوَلٍ لَكُمْ: إِنَّ الَّذِي يَخُوضُ النَّهْرَ لَا بُدَّ أَنْ يُصِيبَ ثَوْبَهُ الْمَاءَ وَإِنْ جَهَدَ أَلَّا يُصِيبَهُ؛ كَذَلِكَ مَنْ يُحِبُّ الدُّنْيَا لَا يَنْجُو مِنَ الْخَطَايَا. (3) 4.

ص: 176

1- .تحف العقول:ص 508، مجمع البيان:ج 7 ص 305، كنز الفوائد:ج 1 ص 217 كلاهما عن رسول الله صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار:ج 14 ص 311 ح 17؛ المغني عن حمل الأسفار:ج 2 ص 980 ح 3583 عن رسول الله صلى الله عليه وآله، البداية والنهاية:ج 2 ص 89 عن يحيى بن سعيد، كنز العمال:ج 3 ص 192 ح 6114.

2- .تحف العقول:ص 507، التحصين لابن فهد:ص 5 ح 2 نحوه، بحار الأنوار:ج 14 ص 310 ح 17 وراجع:عدّة الداعي:ص 96.

3- .تحف العقول:ص 510، بحار الأنوار:ج 14 ص 314 ح 17؛ تاريخ دمشق:ج 47 ص 460 عن سفيان بن عيينة وج 68 ص 64.

278. عیسی بن مریم علیه السلام: دنیادوستی، سرآمد هر گناهی است.

279. عیسی بن مریم علیه السلام: به راستی به شما می گویم:... همان گونه که بیمار از نسخهٔ پزشك ماهر- که در آن امید شفا دارد-، لذت می برد، اما چون تلخی دارو را به یاد می آورد، آن شفا در کامش تلخ می گردد، دنیاپرستان نیز از زرق و برق دنیا و انواع نعمت هایی که در آن است، لذت می برند؛ اما همین که رسیدن ناگهانی مرگ را به یاد می آورند، آن لذت، برای آنان تیره و تباه می شود.

280. عیسی بن مریم علیه السلام: به راستی به شما می گویم: هر که به رودخانه قدم بگذارد، ناگزیر دامش تر می شود، هر چند بکوشد که تر نشود. همچنین کسی که دنیادوست باشد، از خطاها و گناهان نمی رهد.

281. عنه عليه السلام: وَاللَّهِ مَا سَكَنَتِ الدُّنْيَا فِي قَلْبِ عَبْدٍ إِلَّا التَّاطَبَ قَلْبُهُ مِنْهَا بِثَلَاثٍ: شُغْلٌ لَا يَنْفَكُ عَنْهُ (1)

، وَفَقْرٌ لَا يُدْرِكُ غِنَاهُ، وَأَمَلٌ لَا يُدْرِكُ مُنْتَهَاهُ. الدُّنْيَا طَالِبَةٌ وَمَطْلُوبَةٌ، فَطَالِبُ الْآخِرَةِ تَطْلُبُهُ الدُّنْيَا حَتَّى يَسْتَكْمِلَ فِيهَا رِزْقَهُ، وَطَالِبُ الدُّنْيَا تَطْلُبُهُ الْآخِرَةُ حَتَّى يَجِيءَ الْمَوْتُ فَيَأْخُذُ بِعُنُقِهِ. (2)

282. عنه عليه السلام: لَا تَتَّخِذُوا الدُّنْيَا رَبًّا فَتَتَّخِذَكُمْ لَهَا عَبِيدًا. (3)

283. عنه عليه السلام: بِحَقِّ أَقْوَلٍ لَكُمْ: إِنَّ الْعَبْدَ لَا يَقْدِرُ عَلَى أَنْ يَخْدَمَ رَبَّيْنِ، وَلَا - مَحَالَّةً أَنَّهُ يُؤَثِّرُ أَحَدَهُمَا عَلَى الْآخَرِ وَإِنْ جَهَدَ، كَذَلِكَ لَا يَجْتَمِعُ لَكُمْ حُبُّ اللَّهِ وَحُبُّ الدُّنْيَا. (4)

284. عنه عليه السلام: لَا يَسْتَقِيمُ حُبُّ الدُّنْيَا وَحُبُّ الْآخِرَةِ فِي قَلْبِ مُؤْمِنٍ، كَمَا لَا يَسْتَقِيمُ الْمَاءُ وَالتَّارُ فِي إِنَاءٍ. (5)

285. عنه عليه السلام - أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ لِأَصْحَابِهِ: يَا بَنِي آدَمَ، اهْرُبُوا مِنَ الدُّنْيَا إِلَى اللَّهِ، وَأَخْرِجُوا قُلُوبَكُمْ عَنْهَا، فَإِنَّكُمْ لَا تَصْلِحُونَ لَهَا وَلَا تَصْلِحُ لَكُمْ، وَلَا تَبْقُونَ فِيهَا وَلَا تَبْقَى لَكُمْ، هِيَ الْخَدَاعَةُ الْفَجَاعَةُ، الْمَغْرُورُ مَنْ اغْتَرَّ بِهَا، الْمَغْبُونُ مَنْ اطْمَأَنَّ إِلَيْهَا، الْهَالِكُ مَنْ أَحَبَّهَا وَأَرَادَهَا، فَتَوَبُّوا إِلَى بَارِيكُمْ، وَاتَّقُوا رَبَّكُمْ، وَاخْشَوْا يَوْمًا لَا يَجْزِي وَالِدٌ عَنِ وَلَدِهِ، وَلَا مَوْلُودٌ هُوَ جَازٍ عَنِ وَالِدِهِ شَيْئًا.

أَيْنَ آبَاؤُكُمْ؟ أَيْنَ امَهَاتُكُمْ؟ أَيْنَ إِخْوَتُكُمْ؟ أَيْنَ أَخَوَاتُكُمْ؟ أَيْنَ أَوْلَادُكُمْ؟ دُعَاؤُا 1.

ص: 178

1- في المصدر «غناه»، والصواب ما أثبتناه كما في الدر المنثور.

2- تاريخ دمشق: ج 47 ص 429 عن شعيب بن صالح، الدر المنثور: ج 2 ص 212.

3- تفسير الفخر الرازي: ج 22 ص 136، شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد: ج 19 ص 330؛ تنبيه الخواطر: ج 1 ص 129، بحار الأنوار: ج 14 ص 327 ح 48.

4- تحف العقول: ص 503، بحار الأنوار: ج 14 ص 307 ح 17.

5- البداية والنهاية: ج 2 ص 89، تاريخ دمشق: ج 47 ص 431 كلاهما عن سفيان الثوري، إحياء العلوم: ج 3 ص 301؛ تنبيه الخواطر: ج 1 ص 131، بحار الأنوار: ج 14 ص 327 ح 51.

281. عیسی بن مریم علیه السلام: به خدا سوگند که دنیا در دل هیچ بنده ای ننشست مگر آن که دلش به سه چیز از آن پیوست: مشغله ای که رنج آن از او جدا نشود؛ فقری که به بی نیازی دست نیابد؛ و آرزویی که به پایان نرسد. دنیا طالب است و مطلوب.

پس کسی که طالب آخرت است، دنیا در طلب او بر می آید تا آن که روزی اش را از دنیا کامل دریافت کند، و کسی که طالب دنیا است، آخرت در طلب او بر می آید تا آن که مرگ در رسد و گردنش را بگیرد.

282. عیسی بن مریم علیه السلام: دنیا را به خواجگی نگیرید که شما را به بردگی خود می گیرد.

283. عیسی بن مریم علیه السلام: به راستی به شما می گویم: بنده، هر اندازه هم بکوشد، نمی تواند دو خواجه را خدمت کند و ناگزیر، یکی از آن دو را بر دیگری بر می گزیند.

همچنین خدادوستی، و دنیادوستی در شما جمع نمی شوند.

284. عیسی بن مریم علیه السلام: دنیادوستی و آخرت دوستی، در دل هیچ مؤمنی جمع نمی شوند، چنان که آب و آتش در یک ظرف گرد هم نمی آیند.

285. عیسی بن مریم علیه السلام - پیوسته به یارانش می فرمود: - ای فرزندان آدم! از دنیا به سوی خدا بگریزید، و دل از آن برکنید؛ زیرا که نه شما شایسته آن هستید و نه دنیا شایسته شما، و نه شما در آن می مانید و نه دنیا برای شما. دنیا فریبکار و مصیبت بار است. فریب خورده، کسی است که فریفته دنیا شود، و زیان دیده، کسی است که به دنیا اطمینان کند، و کسی که آن را دوست بدارد و بخواهدش، هلاک می شود. پس به سوی آفریدگارتان بازگردید، و از خداوندگارتان پروا دارید، و از آن روزی بترسید که نه هیچ پدری به کار فرزندش می آید، و نه هیچ فرزندی به کار پدرش.

کجایند پدرانتان؟ کجایند مادرانتان؟ کجایند برادرانتان؟ کجایند خواهرانتان؟

فَأَجَابُوا، وَاسْتَوْدَعُوا الثَّرَى، وَجَاوَزُوا الْمَوْتَى، وَصَارُوا فِي الْهَلَكَى، وَخَرَجُوا عَنِ الدُّنْيَا، وَفَارَقُوا الْأَحِبَّةَ، وَاحْتَاجُوا إِلَى مَا قَدَّمُوا، وَاسْتَغْنَوْا عَمَّا خَلَّفُوا، فَكَمْ تُوَعِّظُونَ وَكَمْ تُزَجَّرُونَ وَأَنْتُمْ لَا هُونَ لَا هُونَ؟!

مَثَلُكُمْ فِي الدُّنْيَا مَثَلُ الْبَهَائِمِ، هِمَّتْكُمْ بَطُونُكُمْ وَفُرُوجُكُمْ، أَمَا تَسْتَحْيُونَ مِمَّنْ خَلَقَكُمْ وَقَدْ وَعَدَ مِنْ عَصَاهُ النَّارَ، وَلَسْتُمْ مِمَّنْ يَقْوَى عَلَى النَّارِ؟ وَعَدَ مَنْ أَطَاعَهُ الْجَنَّةَ وَمُجَاوَرَتَهُ فِي الْفِرْدَوْسِ الْأَعْلَى، فَتَنَافَسُوا فِيهِ، وَكُونُوا مِنْ أَهْلِهِ، وَأَنْصِدُوا مِنْ أَنْفُسِكُمْ، وَتَعَطَّفُوا عَلَى ضِعْفَانِكُمْ وَأَهْلِ الْحَاجَةِ مِنْكُمْ، وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحًا، وَكُونُوا عَيْبِدًا أَبْرَارًا، وَلَا تَكُونُوا مُلُوكًا جَبَابِرَةً، وَلَا مِنَ الْعُنَاةِ الْفَرَاعِذَةِ الْمُتَمَرِّدِينَ عَلَى مَنْ قَهَرَهُمْ بِالْمَوْتِ جَبَّارِ الْجَبَابِرَةِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَرَبِّ الْأَرْضِينَ، وَإِلَهُ الْأَقْلِينَ وَالْآخِرِينَ مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ، شَدِيدِ الْعِقَابِ، أَلِيمِ الْعَذَابِ، لَا يَنْجُو مِنْهُ ظَالِمٌ، وَلَا يَقُوتُهُ شَيْءٌ، وَلَا يَعِزُّبُ عَنْهُ شَيْءٌ، وَلَا يَتَوَارَى مِنْهُ شَيْءٌ، أَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ عِلْمُهُ وَأَنْزَلَهُ مَنْزِلَتَهُ فِي جَنَّةٍ أَوْ نَارٍ.

ابْنُ آدَمَ الضَّعِيفَ! أَيْنَ تَهْرُبُ مِمَّنْ يَطْلُبُكَ فِي سَوَادِ لَيْلِكَ، وَيَبَاضِ نَهَارِكَ، وَفِي كُلِّ حَالٍ مِنْ حَالَاتِكَ؟ قَدْ أَبْلَغَ مَنْ وَعَظَ، وَأَفْلَحَ مَنْ اتَّعَظَ. (1)

286. تنبيه الخواطر: قِيلَ لِعِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: عَلِمْنَا عَمَلًا وَاحِدًا يُحِبُّنَا اللَّهُ عَلَيْهِ. قَالَ: أَبْغَضُوا الدُّنْيَا يُحِبِّبُكُمْ اللَّهُ. (2)

287. عيسى بن مريم عليه السلام - لِلْحَوَارِيِّينَ -: إِنَّ أَجْزَعَكُمْ عِنْدَ الْبَلَاءِ لَأَشَدُّكُمْ حُبًّا.

ص: 180

- 1- .الأُمَالِي لِلصَّدُوقِ: ص 650 ح 884 عن منصور بن حازم عن الإمام الصادق عليه السلام، روضة الواعظين: ص 489 عن الإمام الصادق عنه عليهما السلام، بحار الأنوار: ج 14 ص 288 ح 13.
- 2- .تنبيه الخواطر: ج 1 ص 134، بحار الأنوار: ج 14 ص 328 ح 55؛ شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد: ج 19 ص 288 من دون إسناد إليه عليه السلام، إحياء العلوم: ج 3 ص 303.

كجایند فرزندانان؟ فرا خوانده شدند و [دعوت حق را] لبیک گفتند، و به دل خاك سپرده شدند، و با مردگان همسایه گشتند، و در زمرة از دست رفتگان درآمدند، و از دنیا بیرون رفتند، و از دوستان و عزیزان جدا گشتند، و به آنچه پیش فرستاده بودند نیازمند شدند، و از آنچه بر جای نهادند، بی نیاز. پس چه قدر شما را پند دهند و باز دارند و شما همچنان غافلید، غافل؟!

حکایت شما در دنیا حکایت ستوران است: هم و غمّتان شکم و شهوتتان است. چرا پروا نمی کنید از کسی که شما را آفریده و به آن که نافرمانی اش کند، وعده آتش [دوزخ] داده؟! حال آن که شما کسی نیستید که تاب آتش داشته باشید. و به آن که از او فرمان برداری کند، وعده بهشت و همجواری با او در فردوس برین داده است. پس در رسیدن به این جایگاه، رقابت کنید و از اهل آن باشید. نسبت به خود، انصاف داشته باشید. و با ناتوانان و نیازمندان خود، مهربان و دلسوز بوده و به درگاه خدا خالصانه توبه کنید، و بندگانیک باشید. نه از شمار شاهان متکبر و نه از شمار فرعونان مغرور و سرکش در برابر کسی که آنها را مقهور مرگ ساخت. آن که فرادست همه متکبران عالم است، و خداوندگار آسمان ها و زمین ها، و خدای پیشینیان و پسینیان، و مالک روز جزا، کیفرش سخت است، و عذابش دردناک. هیچ ستمگری از چنگ او نمی رهد، و هیچ چیزی از دستش نمی رود، و هیچ چیزی از او دور و پوشیده نمی شود. علمش همه چیز را شمارش می کند، و او را در جایگاه خودش، در بهشت یا دوزخ، جای می دهد.

ای آدمیزاد ناتوان! به کجا می گریزی از کسی که در تاریکی شب و روشنایی روزت و در هر حالی از حالات تو را می جوید؟ به راستی ابلاغ کرد آن که اندرز داد، و رستگار شد آن که اندرز پذیرفت.

286. تنبيه الخواطر: به عیسی علیه السلام گفته شد: کرداری به ما بیاموز که به سبب آن، خدا ما را دوست بدارد.

فرمود: «دنیا را دشمن بدارید تا خدا شما را دوست بدارد».

287. عیسی بن مریم علیه السلام - به حواریان - بی تاب ترین شما در برابر بلا و گرفتاری، کسی

288. عنه عليه السلام: إِنَّ أَبْغَضَ الْعُلَمَاءِ إِلَى اللَّهِ رَجُلٌ يُحِبُّ الذِّكْرَ بِالْمَغِيبِ، وَيُوسِّعُ لَهُ فِي الْمَجَالِسِ، وَيَدْعَى إِلَى الطَّعَامِ، وَتُفْرَغُ لَهُ الْمَزَاوِدُ. بِحَقِّ أَقُولُ لَكُمْ: إِنَّ أَوْلَنِكَ قَدْ أَخَذُوا أَجْرَهُمْ فِي الدُّنْيَا، وَإِنَّ اللَّهَ يُضَاعِفُ لَهُمُ الْعَذَابَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (2)

289. عنه عليه السلام: مِنْ حُبِّ الدُّنْيَا أَنَّ اللَّهَ عَصِيَ فِيهَا، وَأَنَّ الْآخِرَةَ لَا تَنَالُ إِلَّا بِتَرْكِهَا. (3)

290. عنه عليه السلام: بِحَقِّ أَقُولُ لَكُمْ: يَا عِبِيدَ الدُّنْيَا، مَا الدُّنْيَا تُحِبُّونَ، وَلَا - الْآخِرَةَ تَرْجُونَ، لَوْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ الدُّنْيَا أَكْرَمْتُمْ الْعَمَلَ الَّذِي بِهِ أَدْرَكْتُمُوهَا، وَلَوْ كُنْتُمْ تُرِيدُونَ الْآخِرَةَ عَمِلْتُمْ عَمَلًا مَنْ يَرْجُوهَا. (4)

291. عنه عليه السلام: وَيَلِكُمْ يَا عِبِيدَ الدُّنْيَا! لَا كَحُكْمَاءَ تَعْقِلُونَ، وَلَا كَحُلَمَاءَ تَقْقَهُونَ، وَلَا كَعُلَمَاءَ تَعْلَمُونَ، وَلَا كَعَبِيدِ اتِّقِيَاءٍ، وَلَا كَأَحْرَارٍ كِرَامٍ، تُوشِكُ الدُّنْيَا أَنْ تَقْتَلِعَكُمْ مِنْ أَصُولِكُمْ فَتَقْلِبَكُمْ عَلَى وُجُوهِكُمْ، ثُمَّ تُكَبِّبَكُمْ عَلَى مَنَاخِرِكُمْ، ثُمَّ تَأْخُذُ خَطَايَاكُمْ بِنَوَاصِيكُمْ وَيَدْفَعُكُمْ الْعِلْمُ مِنْ خَلْفِكُمْ حَتَّى يُسَلِّمَكُمْ إِلَى الْمَلِكِ الدِّيَانِ عُرَاءَ فُرَادَى، فَيَجْزِيكُمْ بِسُوءِ أَعْمَالِكُمْ. (5)

292. عنه عليه السلام: وَيَلِكُمْ يَا عِبِيدَ الدُّنْيَا! مِنْ أَجْلِ نِعْمَةٍ زَائِلَةٍ وَحَيَاةٍ مُنْقَطِعَةٍ تَقْرُونَ.7.

ص: 182

1- .تحف العقول:ص 393 عن الإمام الكاظم عليه السلام وص 509، بحار الأنوار:ج 1 ص 146 ح 30؛ البداية والنهاية:ج 9 ص 300، حلية الأولياء:ج 4 ص 67 الرقم 256، سير أعلام النبلاء:ج 4 ص 551 الرقم 219 كلها عن وهب بن منبه وفيها«المصيبة» بدل«البلاء»، الدر المنثور:ج 2 ص 205.

2- .عيون الأخبار لابن قتيبة:ج 2 ص 127.

3- .ربيع الأبرار:ج 1 ص 93، حلية الأولياء:ج 8 ص 146 الرقم 406 عن وهيب بن الورد، إحياء العلوم:ج 3 ص 299 كلاهما نحوه؛ تنبيه الخواطر:ج 1 ص 129 نحوه، بحار الأنوار:ج 14 ص 327 ح 49.

4- .تحف العقول:ص 511، بحار الأنوار:ج 14 ص 315 ح 17.

5- .تحف العقول:ص 508، بحار الأنوار:ج 14 ص 311 ح 17.

است که دنیا دوست تر باشد.

288. عیسی بن مریم علیه السلام: منفورترین عالمان نزد خداوند، کسی است که دوست دارد پشت سرش از او ستایش شود، و در مجلس‌ها برایش جا باز کنند، و به میهمانی دعوتش نمایند، و توشه‌دان‌ها برایش خالی شود. به راستی به شما می‌گویم: اینان مزد خود را در دنیا گرفته‌اند و خداوند، عذاب آنها را در روز قیامت چند برابر می‌کند.

289. عیسی بن مریم علیه السلام: از پلیدی دنیا این که خداوند در آن نافرمانی می‌شود، و آخرت، جز با ترك آن به دست نمی‌آید.

290. عیسی بن مریم علیه السلام: به راستی به شما می‌گویم: ای بندگان دنیا! شما نه دنیا را دوست دارید و نه به آخرت امیدوارید. اگر دنیا را دوست می‌داشتید، آن کاری را که به واسطه آن به دنیا رسیده‌اید، ارج می‌نهادید، و اگر آخرت را می‌خواستید، کردار کسی را می‌کردید که به آن امید دارد.

291. عیسی بن مریم علیه السلام: وای بر شما ای بندگان دنیا! نه چون حکیمان خرد می‌ورزید، و نه چون فرزنانگان می‌فهمید، و نه چون دانشمندان می‌دانید، و نه چون بندگان ترسان هستید، و نه چون آزادگان شرافتمند. زودا که دنیا شما را از بُن برکند و سرنگونتان کند. سپس بینی تان را به خاک بمالد. آن‌گاه گناهانتان کاکل شما را بگیرد و دانش (خدا) از پشت سر، شما را پیش براند تا آن که برهنه و تنها به پادشاه سزا دهنده، تسلیمتان کند و او سزای کارهای بدتان را بدهد.

292. عیسی بن مریم علیه السلام: وای بر شما ای بندگان دنیا! از بهر نعمتی زوال آمدنی و زندگی‌ای به پایان رسیدنی، از خدا می‌گریزید و دیدار او را ناخوش می‌دارید؟!

مَنْ الدَّهِ وَتَكَرَّهُونَ لِقَاءَهُ؟! فَكَيْفَ يُحِبُّ اللَّهُ لِقَاءَكُمْ وَأَنْتُمْ تَكْرَهُونَ لِقَاءَهُ؟! فَإِنَّمَّا يُحِبُّ اللَّهُ لِقَاءَ مَنْ يُحِبُّ لِقَاءَهُ، وَيَكْرَهُ لِقَاءَ مَنْ يَكْرَهُ لِقَاءَهُ، وَكَيْفَ تَزْعُمُونَ أَنَّكُمْ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ مِنْ دُونِ النَّاسِ وَأَنْتُمْ تَقْرُونَ مِنَ الْمَوْتِ وَتَعْتَصِمُونَ بِالدُّنْيَا؟

فَمَاذَا يُغْنِي عَنِ الْمَيِّتِ طِيبُ رِيحِ حُنُوطِهِ وَيَبَاضُ أَكْفَانِهِ وَكُلُّ ذَلِكَ يَكُونُ فِي التُّرَابِ؟! كَذَلِكَ لَا يُغْنِي عَنْكُمْ بِهِجَّةُ دُنْيَاكُمْ الَّتِي زُيِّنَتْ لَكُمْ، وَكُلُّ ذَلِكَ إِلَى سَلْبِ وَزَوَالٍ.

ماذا يُغْنِي عَنْكُمْ نَقَاءَ أَجْسَادِكُمْ وَصَفَاءَ أَلْوَانِكُمْ وَإِلَى الْمَوْتِ تَصْبِرُونَ، وَفِي التُّرَابِ تُسَوِّنَ، وَفِي ظُلْمَةِ الْقَبْرِ تُعْمَرُونَ؟! (1)

293. عنه عليه السلام: وَيَلُّ لِصَاحِبِ الدُّنْيَا كَيْفَ يَمُوتُ وَيَتْرُكُهَا، وَيَأْمَنُهَا وَتَعْرِهُ، وَيَتَّقِي بِهَا وَتَخْذُلُهُ؟! وَيَلُّ لِلْمُغْتَرِّينَ كَيْفَ أَتَتْهُمْ (2)

ما يَكْرَهُونَ، وَفَارَقَتْهُمْ (3)

ما يُحِبُّونَ، وَجَاءَ بِهِمْ مَا يُوعَدُونَ؟! (4)

294. الإمام الصادق عليه السلام: مَرَّ عَيْسَى بْنُ مَرِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى قَرْيَةٍ قَدْ مَاتَ أَهْلُهَا وَطَيْرُهَا وَدَوَابُّهَا، فَقَالَ: أَمَا إِنَّهُمْ لَمْ يَمُوتُوا إِلَّا بِسُخْطَةِ (5)

، وَلَوْ مَاتُوا مُتَّفَرِّقِينَ لَتَدَافَنُوا.

فَقَالَ الْحَوَارِيُّونَ: يَا رُوحَ اللَّهِ وَكَلِمَتَهُ، ادْعُ اللَّهَ أَنْ يُحْيِيَهُمْ لَنَا فَيُخْبِرُونَا مَا كَانَتْ أَعْمَالُهُمْ فَتُجْتَنَّبُهَا).

ص: 184

1- .تحف العقول:ص 505، بحار الأنوار: ج 14 ص 308 ح 17.

2- .في بعض نسخ المصدر: «أرتهم».

3- .في تنبيه الخواطر: «وفارقهم» وهو المناسب للسياق.

4- .التحسين لابن فهد:ص 29 ح 49، الأمل للمفيد:ص 209 ح 43 عن ابن سنان عن الإمام الصادق عنه عليهما السلام نحوه وليس فيه صدره إلى «وتخذله»، تنبيه الخواطر: ج 1 ص 132 وفيه «رهقهم» بدل «أرتهم»، بحار الأنوار: ج 14 ص 328 ح 54؛ شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد: ج 19 ص 287 من دون إسناد إليه عليه السلام نحوه.

5- .السُّخْطُ: الغضب (المصباح المنير:ص 269 «سخط»).

پس چگونه خداوند، دیدار شما را دوست داشته باشد در حالی که شما دیدار او را ناخوش می دارید؟! خداوند، تنها، دیدار کسی را دوست دارد که دوستدار دیدار اوست، و ملاقات کسی را نمی پسندد که دیدار او را ناخوش دارد. چگونه می پندارید که فقط شما دوست خدایید و نه دیگران، حال آن که از مرگ می گریزید و به دنیا چنگ می زنید؟

مرده را چه سود، بوی خوش حنوطش و سفیدی کفنش، در حالی که همه اینها در زیر خاک است؟! همچنین شما را چه سود، زرق و برق دنیایی که در چشم شما جلوه گری می کند، اما همه اش رو به نیستی و زوال است؟!

شما را چه سود، پاکیزگی پیکرهایتان و روشنی رنگ هایتان، در حالی که به سوی مرگ می روید و در خاک، به دست فراموشی سپرده می شوید و در تاریکی گور، فرو می روید؟!

293. عیسی بن مریم علیه السلام: وای بر دنیا دار! چگونه می میرد و آن را بر جای می نهد، و از دنیا آسوده خاطر می شود، ولی دنیا فریبش می دهد، و به آن اعتماد می کند؛ لیک دنیا رهایش می کند؟! وای بر فریب خوردگان دنیا، که آنچه را ناخوش می دارند بر سرشان می آورد، و آنچه را دوست می دارند، از آنها می گیرد، و آنچه را بدان تهدیدشان کرده است، نزدشان می آورد!

294. امام صادق علیه السلام: عیسی بن مریم علیه السلام بر آبادی ای می گذشت که مردم آن و پرندگان و چرندگانش، همه مرده بودند. فرمود: «بدانید که اینها به عذاب مرده اند؛ که اگر [به مرگ طبیعی] مرده بودند، قطعاً یکدیگر را به خاک می سپردند».

حواریان گفتند: ای روح و کلمه خدا! دعا کن خداوند اینان را برای ما زنده گرداند تا به ما گزارش دهند که کردارهایشان چه بوده است [که به عذاب دچار

فَدَعَا عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ رَبَّهُ، فَنُودِيَ مِنَ الْجَوَانِ نَادِهِمْ، فَقَامَ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ بِاللَّيْلِ عَلَى شُرْفٍ (1)

مِنَ الْأَرْضِ، وَقَالَ: يَا أَهْلَ هَذِهِ الْقَرْيَةِ! فَأَجَابَهُ مِنْهُمْ مُجِيبٌ: لَبَّيْكَ يَا رُوحَ اللَّهِ وَكَلِمَتَهُ.

فَقَالَ: وَيَحْكُمُ مَا كَانَتْ أَعْمَالُكُمْ؟! قَالَ: عِبَادَةُ الطَّاعُوتِ وَحُبُّ الدُّنْيَا، مَعَ خَوْفٍ قَلِيلٍ، وَأَمَلٍ بَعِيدٍ، وَغَفْلَةٍ فِي لَهْوٍ وَلَعِبٍ.

فَقَالَ: كَيْفَ كَانَ حُبُّكُمْ لِلدُّنْيَا؟ قَالَ: كَحُبِّ الصَّبِيِّ لِأُمِّهِ؛ إِذَا أَقْبَلَتْ عَلَيْنَا فَرِحْنَا وَسُرِرْنَا، وَإِذَا أَدْبَرَتْ عَنَّا بَكَيْنَا وَحَزَنَّا.

قَالَ: كَيْفَ كَانَتْ عِبَادَتُكُمْ لِلطَّاعُوتِ؟ قَالَ: الطَّاعَةُ لِأَهْلِ الْمَعَاصِي.

قَالَ: كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ أَمْرِكُمْ؟ قَالَ: بَتْنَا لَيْلَةً فِي عَافِيَةٍ، وَأَصْبَحْنَا فِي الْهَآوِيَةِ.

فَقَالَ: وَمَا الْهَآوِيَةُ؟ فَقَالَ: سَجِّينٌ. قَالَ: وَمَا سَجِّينٌ؟ قَالَ: جِبَالٌ مِنْ جَمْرِ تُوقَدُ عَلَيْنَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

قَالَ: فَمَا قُلْتُمْ وَمَا قِيلَ لَكُمْ؟ قَالَ: قُلْنَا: رُدُّنَا إِلَى الدُّنْيَا فَتَزْهَدْ فِيهَا، قِيلَ لَنَا:

كَذَّبْتُمْ.

قَالَ: وَيَحْكُ، كَيْفَ لَمْ يُكَلِّمْنِي غَيْرَكَ مِنْ بَيْنِهِمْ؟!!

قَالَ: يَا رُوحَ اللَّهِ، إِنَّهُمْ مُلْجَمُونَ بِلِجَامٍ مِنْ نَارٍ بِأَيْدِي مَلَائِكَةٍ غَلَاظٍ شَدِيدِادٍ، وَإِنِّي كُنْتُ فِيهِمْ وَلَمْ أَكُنْ مِنْهُمْ، فَلَمَّا نَزَلَ الْعَذَابُ عَمَّنِي مَعَهُمْ، فَأَنَا مُعَلَّقٌ بِشَعْرَةٍ عَلَى شَفِيرٍ (2)

جَهَنَّمَ، لَا أَدْرِي أَكَبِّبُ فِيهَا أَمْ أَنْجُو مِنْهَا.

فَالْتَفَتَ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى الْحَوَارِيِّينَ، فَقَالَ: يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ، أَكُلُ الْخُبْزِ الْيَاسِ بِالْمِلْحِ).

ص: 186

1- الشَّرْفُ: العُلُوُّ، والمكان العَالِي (الصحاح: ج 4 ص 1379 «شرف»).

2- شَفِيرٌ: جَهَنَّمُ: أَي جَانِبُهَا وَحَرْفُهَا (النهاية: ج 2 ص 485 «شفر»).

شده اند] تا ما از آن کردارها دوری کنیم.

عیسی علیه السلام به درگاه خداوندگارش دعا کرد. پس، از آسمان ندا آمد که: «آنان را صدا بزن». عیسی علیه السلام شبانه بر تپه ای ایستاد و فرمود: «ای اهل این آبادی!».

یکی از میان آنان پاسخ داد که: بله، ای روح و کلمه خدا!

فرمود: «وای بر شما! کردارهای شما چه بوده است؟!».

آن کس گفت: پرستش طاغوت و دنیادوستی، و ترس اندک [از خدا] و آرزوی دراز، و فرورفتن در غفلت لهو و لعب.

فرمود: «دنیادوستی شما چگونه بود؟!».

گفت: همانند محبت و علاقه کودک به مادرش. هرگاه به ما روی می آورد، شاد و مسرور می گشتیم، و هر زمان به ما پشت می نمود، می گریستیم و اندوهناک می شدیم.

فرمود: «طاغوت پرستی تان چگونه بود؟!».

گفت: از اهل گناهان، فرمان برداری می کردیم.

فرمود: «فرجام کارتان چه شد؟!».

گفت: شب، در سلامت خفتیم و صبحگاهان در هاویه بودیم.

فرمود: «هاویه چیست؟!».

گفت: سبّین.

فرمود: «سبّین چیست؟!».

گفت: کوه هایی آتشین اند که تا روز قیامت بر ما شعله می کشند.

فرمود: «شما چه گفتید و به شما چه گفته شد؟!».

گفت: گفتیم: ما را به دنیا باز گردانید تا [زین پس] به آن زهد ورزیم. به ما گفته شد:

دروغ می گویند.

فرمود: «وای بر تو! چرا از میان اینها کسی جز تو با من سخن نگفت؟!».

گفت: ای روح خدا! بر آنها لگام هایی از آتش زده شده که در دست فرشتگانی درشتخو و سختگیر است، و من در میان ایشان بودم؛ لیک همانندشان نبودم، و چون عذاب فرود آمد، مرا هم با آنان در بر گرفت. و اینک من با تار مویی بر لبه دوزخ آویزان گشته ام، نمی دانم در آن فرو می افتم یا از آن نجات می یابم.

عیسی علیه السلام روبه حواریان کرد و فرمود: «ای دوستان خدا! خوردن نان خشک با نمک

ص: 187

والتَّوَمُّ عَلَى الْمَزَابِلِ، خَيْرٌ كَثِيرٌ مَعَ عَافِيَةِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. (2)

295. الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ عَيْسَى بْنَ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ تَوَجَّهَ فِي بَعْضِ حَوَائِجِهِ وَمَعَهُ ثَلَاثَةُ نَفَرٍ مِنْ أَصْحَابِهِ، فَمَرَّ بِلَبْنَاتٍ ثَلَاثٍ مِنْ ذَهَبٍ عَلَى ظَهْرِ الطَّرِيقِ، فَقَالَ عَيْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ لِأَصْحَابِهِ:

إِنَّ هَذَا يَقْتُلُ النَّاسَ! ثُمَّ مَضَى. فَقَالَ أَحَدُهُمْ: إِنَّ لِي حَاجَةً، قَالَ: فَانصَرَفَ، ثُمَّ قَالَ آخَرُ: إِنَّ لِي حَاجَةً، فَانصَرَفَ، ثُمَّ قَالَ الْآخَرُ: لِي حَاجَةٌ، فَانصَرَفَ.

فَوَافُوا عِنْدَ الذَّهَبِ ثَلَاثَتُهُمْ، فَقَالَ اثْنَانِ لِوَاحِدٍ: اشْتَرِ لَنَا طَعَامًا. فَذَهَبَ يَشْتَرِي لَهُمَا طَعَامًا، فَجَعَلَ فِيهِ سَدًّا مَّا لِيَقْتُلَهُمَا كَي لَا يُشَارِكَا فِي الذَّهَبِ. وَقَالَ الْإِثْنَانِ: إِذَا جَاءَ قَتْلُنَا كَي لَا يُشَارِكَنَا. فَلَمَّا جَاءَ قَامَا إِلَيْهِ فَقَتَلَاهُ، ثُمَّ تَغَدَّيَا فَمَاتَا.

فَرَجَعَ إِلَيْهِمْ عَيْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُمْ مَوْتَى حَوْلَهُ، فَأَحْيَاهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ -تَعَالَى ذِكْرُهُ- ثُمَّ قَالَ: أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ: إِنَّ هَذَا يَقْتُلُ النَّاسَ؟! (3)

296. تنبيه الخواطر: قِيلَ: صَحِبَ رَجُلٌ عَيْسَى بْنَ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: أَكُونُ مَعَكَ وَأَصْحَبُكَ.

فَانْطَلَقَا فَاَنْتَهَيَا إِلَى شَطِّ نَهْرٍ فَجَلَسَا يَتَغَدَّيَانِ وَمَعَهُمَا ثَلَاثَةُ أَرْغِفَةٍ، فَأَكَلَا رَغِيفَيْنِ وَبَقِيَ رَغِيفٌ، فَقَامَ عَيْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى النَّهْرِ فَشَرِبَ مَاءً، ثُمَّ رَجَعَ فَلَمْ يَجِدِ الرَّغِيفَ، فَقَالَ لِلرَّجُلِ: مَنْ أَخَذَ الرَّغِيفَ؟

قَالَ: لَا أَدْرِي.

قَالَ: فَاَنْطَلَقَ وَمَعَهُ صَاحِبُهُ، فَرَأَى ظَبِيَّةً مَعَهَا خَشِيفَانِ (4)

لَهَا، فَدَعَا أَحَدَهُمَا فَأَتَاهُ).

ص: 188

1- ملح جريش: لم يُطَيَّب (الصحاح: ج 3 ص 998 «جرش»).

2- الكافي: ج 2 ص 318 ح 11 عن مهاجر الأسدي، مشكاة الأنوار: ص 461 ح 1538 عن مهاجر الأسدي عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام، بحار الأنوار: ج 73 ص 10 ح 3؛ حلية الأولياء: ج 4 ص 61 الرقم 336، البداية والنهاية: ج 9 ص 296 كلاهما عن وهب بن منبّه نحوه، الدر المنثور: ج 8 ص 607.

3- الأمامي للصدوق: ص 247 ح 267 عن عبد الله بن طلحة وإسماعيل بن جابر وعمّار بن مروان، روضة الواعظين: ص 469، بحار الأنوار: ج 14 ص 284 ح 5.

4- الخشف: ولد الغزال يطلق على الذكر والأنثى (المصباح المنير: ص 170 «خشف»).

نیمکوب، و خوابیدن در خرابه ها بسی بهتر است اگر با عافیت دنیا و آخرت همراه باشد».

295. امام صادق علیه السلام: روزی عیسی بن مریم علیه السلام با سه تن از یارانش در پی کاری می رفت که در بین راه، به سه خشت طلا برخورد. به یارانش فرمود: «این، قاتل مردم است!» و سپس رفت. یکی از آن سه تن گفت: من کاری دارم، و برگشت. دیگری نیز گفت: من کاری دارم، و برگشت، و سومی هم گفت: من کاری دارم، و برگشت، و هر سه نفر در کنار خشت های طلا به هم رسیدند. دوتای آنها به سومی گفتند: برو و برایمان غذایی بخر. او رفت و غذایی خرید و در آن زهر ریخت تا آن دو نفر را بکشد و خودش تنها طلاها را بردارد، آن دو نفر هم به یکدیگر گفتند: وقتی آمد او را می کشیم تا با ما شریک نشود. چون آمد، برخاستند و وی را کشتند، و سپس غذا را خوردند و خود نیز مردند.

عیسی علیه السلام نزد آنها برگشت، دید هر سه در اطراف خشت های طلا مرده اند. به اذن خدای تعالی آنها را زنده کرد، سپس فرمود: «به شما نگفتم که این [خشت های طلا] قاتل مردم است؟!».

296. تنبیه الخواطر: آورده اند که: مردی با عیسی بن مریم علیه السلام همراه شد و گفت: می خواهم با تو و همراه تو باشم. آن دو به راه افتادند تا به کنار جوی آبی رسیدند، نشستند و مشغول غذا خوردن شدند. آنها سه گرده نان با خود داشتند. دو گرده را خوردند و یکی باقی ماند. عیسی علیه السلام به کنار جوی رفت و آبی نوشید و برگشت؛ اما دید آن گرده نان نیست. به آن مرد فرمود: «چه کسی نان را برداشت؟». مرد گفت: نمی دانم.

عیسی با همسفر خود حرکت کرد. در بین راه، ماده آهوئی را با دو بیچه اش

مِنْهُ، فَأَكَلَ هُوَ وَذَلِكَ الرَّجُلُ، ثُمَّ قَالَ لِلْخَشِيفِ: قُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ، فَقَامَ فَذَهَبَ. فَقَالَ لِلرَّجُلِ: أَسَأَلُكَ بِالَّذِي أَرَاكَ هَذِهِ الْآيَةَ، مَنْ أَخَذَ الرَّغِيفَ؟
قَالَ: لَا أَدْرِي.

ثُمَّ انْتَهَيَا إِلَى وَادِي مَاءٍ، فَأَخَذَ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ بِيَدِ الرَّجُلِ فَمَشَى عَلَى الْمَاءِ، فَلَمَّا جَاوَزَاهُ قَالَ: أَسَأَلُكَ بِالَّذِي أَرَاكَ هَذِهِ الْآيَةَ، مَنْ أَخَذَ الرَّغِيفَ؟
قَالَ: لَا أَدْرِي.

قَالَ: فَانْتَهَيَا إِلَى مَفَازَةٍ (2)

فَجَلَسَا، فَجَمَعَ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ تُرَابًا أَوْ كَثِيبًا (3)

، فَقَالَ: كُنْ ذَهَابًا بِإِذْنِ اللَّهِ! فَصَارَ ذَهَابًا، فَقَسَمَهُ ثَلَاثَةَ أَثْلَاقٍ فَقَالَ: ثُلْثٌ لِي وَثُلْثٌ لَكَ وَثُلْثٌ لِمَنْ أَخَذَ الرَّغِيفَ.
قَالَ: فَأَنَا أَخَذْتُ الرَّغِيفَ.
فَقَالَ: فَكُلُّهُ لَكَ.

قَالَ: وَفَارَقَهُ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ. فَانْتَهَى إِلَيْهِ رَجُلَانِ فِي الْمَفَازَةِ وَمَعَهُ الْمَالُ، فَأَرَادَا أَنْ يَأْخُذَاهُ مِنْهُ وَيَقْتُلَاهُ، فَقَالَ: هُوَ بَيْنَنَا أَثْلَاقٌ، قَالَ: فَابْعَثُوا أَحَدَكُمْ إِلَى الْقَرْيَةِ حَتَّى يَشْتَرِيَ طَعَامًا، فَبِعَثُوا أَحَدَهُمْ، قَالَ الَّذِي بُعِثَ: لِأَيِّ شَيْءٍ أَقْسِمُ هَوْلَاءَ هَذَا الْمَالِ لِكَيْبِي أَضْعُ فِي هَذَا الطَّعَامِ سَدَمًا فَأَقْتُلُهُمَا، فَفَعَلَ. وَقَالَ أَوْلَيْكَ: لِأَيِّ شَيْءٍ نَجْعَلُ لِهَذَا ثُلْثَ الْمَالِ، وَلَكِنْ إِذَا رَجَعَ قَتَلْنَاهُ وَاقْتَسَمْنَا الْمَالَ بَيْنَنَا.
قَالَ: فَلَمَّا رَجَعَ إِلَيْهِمَا قَتَلَاهُ، وَأَكَلَا الطَّعَامَ فَمَاتَا، فَبَقِيَ ذَلِكَ الْمَالُ فِي الْمَفَازَةِ وَأَوْلَيْكَ الثَّلَاثَةُ قَتَلُوهُ عِنْدَهُ).

ص: 190

- 1- شَوَيْتُ اللَّحْمَ... وَأَشْوَيْتُهُ-بِالْأَلْف-لُغَةً (المصباح المنير: ص 328«شوي»).
- 2- الْمَفَازَةُ: الْبَرِّيَّةُ الْقَفْرُ (النهاية: ج 3 ص 478«فوز»).
- 3- الْكَثِيبُ: الرَّمْلُ الْمَسْتَطِيلُ الْمَحْدُودُ (النهاية: ج 4 ص 152«كتب»).

دید. یکی از آن دورا صدا زد. بچه آهو نزدش رفت. عیسی علیه السلام آن را سر برید و قسمتی از بدنش را بریان کرد و خودش و آن مرد خوردند.

سپس به بچه آهو فرمود: «به اذن خدا برخیز». بچه آهو [زنده شد و] برخاست و رفت. پس به آن مرد فرمود: «تورا به آن خدایی که این معجزه را نشانت داد، قسم، به من بگو چه کسی آن گرده نان را برداشت؟!». «!

مرد باز گفت: نمی دانم.

سپس دوباره به راه افتادند تا به رودخانه ای رسیدند.

عیسی علیه السلام دست مرد را گرفت و هر دو بر روی آب رفتند و چون گذشتند، فرمود: «تورا به آن خدایی که این معجزه را نشانت داد، سوگند، به من بگو چه کسی آن گرده نان را برداشت؟!». «!

مرد باز گفت: نمی دانم. پس رفتند تا به بیابانی رسیدند و نشستند. عیسی علیه السلام مقداری خاک یا توده ای ریگ جمع کرد و فرمود: «به اذن خدا طلا شوا!» و طلا شد. عیسی علیه السلام آنها را سه قسمت کرد و فرمود: «یک سوم از آن من؛ یک سوم از آن تو؛ یک سوم دیگر هم از آن کسی که نان را برداشته است.».

مرد گفت: من نان را برداشته ام.

عیسی علیه السلام فرمود: «همه اش از آن تو». و از آن مرد جدا شد. دو مرد در بیابان به او رسیدند و طلاها را با او دیدند. تصمیم گرفتند آن مرد را بکشند و طلاهایش را بگیرند. مرد گفت: میان خود سه قسمت می کنیم؛ اما فعلاً یک نفرمان به آبادی برود و غذایی بخرد. یکی شان را فرستادند. آن که فرستاده شده بود با خود گفت:

چرا این طلاها را قسمت کنم. در این غذا زهر می ریزم و آن دو نفر را می کشم، و چنین کرد. آن دو نفر هم گفتند: چرا باید یک سوم طلاها را به او بدهیم؛ وقتی برگشت، او را می کشیم و طلاها را میان خودمان قسمت می کنیم.

چون آن مرد برگشت، او را کشتند و غذا را خوردند و آن دو نیز مردند، و طلاها در بیابان باقی ماند و جسد آن سه مرد در کنار طلاها.

فَمَرَّ بِهِمْ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُمْ عَلَى تِلْكَ الْحَالِ، فَقَالَ لِأَصْحَابِهِ: هَذِهِ الدُّنْيَا فَاحْذَرُوهَا. (1)

297. البداية والنهاية عن ابن عباس عن رسول الله صلى الله عليه وآله: مَرَّ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى مَدِينَةِ خَرِبَةَ، فَأَعْجَبَهُ الْبِنْيَانُ، قَالَ: أَيُّ رَبِّ، مَرَّ هَذِهِ الْمَدِينَةَ أَنْ تُجِيبِي، فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيَّ الْمَدِينَةَ: أَيَّتُهَا الْمَدِينَةُ الْخَرِبَةُ، جَاوِبي عِيسَى.

قَالَ: فَنَادَتِ الْمَدِينَةُ: عِيسَى حَبِيبِي، وَمَا تُرِيدُ مِنِّي؟

قَالَ: مَا فَعَلَ أَشْجَارُكَ، وَمَا فَعَلَ أَنْهَارُكَ، وَمَا فَعَلَ قُصُورُكَ، وَأَيْنَ سُكَّانُكَ؟

قَالَتْ: حَبِيبِي، جَاءَ وَعَدُّ رَبِّكَ الْحَقُّ، فَيَسَّتْ أَشْجَارِي، وَنَشَفَتْ أَنْهَارِي، وَخَرِبَتْ قُصُورِي، وَمَاتَ سُكَّانِي.

قَالَ: فَأَيْنَ أَمْوَالُهُمْ؟

فَقَالَتْ: جَمَعُوهَا مِنَ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ مَوْضُوعَةً فِي بَطْنِي، لِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ.

قَالَ: فَنَادَى عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَعَجِبْتُ مِنْ ثَلَاثِ أَنْسَاءٍ، طَالِبِ الدُّنْيَا وَالْمَوْتِ يَطْلُبُهُ، وَبَانِي الْقُصُورِ وَالْقَبْرِ مَنْزِلُهُ، وَمَنْ يَضْحَكُ مِلءَ فِيهِ وَالتَّارُ أَمَامَهُ!

ابْنُ آدَمَ، لَا بِالْكَثِيرِ تَشْبَعُ وَلَا بِالْقَلِيلِ تَقْنَعُ، تَجْمَعُ مَالَكَ لِمَنْ لَا يَحْمَدُكَ، وَتَقْدُمُ عَلَى رَبِّ لَا يَعْدُوكَ. إِنَّمَا أَنْتَ عَبْدٌ بِطْنِكَ وَشَّ هَوْتِكَ، وَإِنَّمَا تَمَلُّ بِطْنِكَ إِذَا دَخَلْتَ قَبْرَكَ. وَأَنْتَ يَا بَنَ آدَمَ تَرَى حَسَدَ مَالِكَ فِي مِيزَانٍ غَيْرِكَ. (2)

298. عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا تَنْظُرُوا إِلَى أَمْوَالِ أَهْلِ الدُّنْيَا؛ فَإِنَّ بُرِيْقَ أَمْوَالِهِمْ يَذْهَبُ.

ص: 192

1- تنبيه الخواطر: ج 1 ص 179؛ تاريخ دمشق: ج 47 ص 395، إحياء العلوم: ج 3 ص 399 كلاهما عن ليث نحوه، الدر المنثور: ج 2 ص 219.

2- البداية والنهاية: ج 2 ص 90، تاريخ دمشق: ج 47 ص 455 وفيه «حسد» بدل «حشد».

عیسی علیه السلام بر جنازه آنها در آن حال گذشت و به یاران خود فرمود: «این است دنیا؛ پس از آن بر حذر باشید».

297. البداية والنهاية - به نقل از ابن عباس، از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - : عیسی علیه السلام بر شهر ویرانه ای گذشت. شهر قشنگی بود. فرمود: «بار پروردگارا! به این شهر امر کن به من پاسخ دهد».

خداوند به آن شهر وحی فرمود که: «ای شهر ویران! به عیسی پاسخ بده».

شهر صدا زد: دوست عزیزم عیسی! از من چه می خواهی؟

عیسی پرسید: «درختان و جوی ها و کاخ های ت چه شدند و ساکنان کجایند؟».

شهر گفت: دوست عزیزم! تهدید راستین پروردگارت فرا رسید و درختانم خشک شدند، و جوی هایم خشکیدند، و کاخ هایم ویران گشتند، و ساکنانم مردند.

عیسی علیه السلام پرسید: «پس اموالشان کجاست؟».

شهر گفت: اموالی را که از حلال و حرام جمع کردند، در شکم من است. خداوند، وارث آسمان ها و زمین است.

در این هنگام، عیسی علیه السلام بانگ زد که: «من از سه کس در شگفتم: آن که در پی دنیا است، با آن که مرگ در پی اوست؛ آن که کاخ می سازد، در حالی که گور، منزلگاه اوست؛ و آن که صدایش را به خنده بلند می کند، با آن که دوزخ پیش روی اوست!

ای آدمیزاد! تونه از بسیار سیر می شوی و نه به اندک می سازی. برای کسی دارایی گرد می آوری که تو را نمی ستاید، و بر خداوندگاری وارد می شوی که معذورت نمی دارد. تو بنده شکم و شهوت خویش هستی، و شکمت را آن گاه پر می کنی که بر گور خود در آیی، و تو ای آدمیزاد! اموالی را که گرد آورده ای، در ترازوی دیگران می بینی».

298. عیسی بن مریم علیه السلام: به دارایی دنیا داران منگرید؛ زیرا که برق دارایی آنها نور ایمان

299. عنه عليه السلام - مِنْ مَوَاعِظِهِ فِي الْإِنجِيلِ وَغَيْرِهِ -: بِحَقِّ أَقْوَالٍ لَكُمْ: يَا عِبِيدَ الدُّنْيَا، كَيْفَ يُدْرِكُ الْآخِرَةَ مَنْ لَا تَنْقُصُ شَهْوَتُهُ مِنَ الدُّنْيَا، وَلَا تَنْقَطِعُ مِنْهَا رَغْبَتُهُ؟! (2)

300. عنه عليه السلام: وَيَلِكُمْ يَا عِبِيدَ الدُّنْيَا! أَلَيْسَ بِالْعِلْمِ اعْطِيْتُمْ السُّلْطَانَ عَلَى جَمِيعِ الْخَلَائِقِ، فَنَبَذْتُمُوهُ فَلَمْ تَعْمَلُوا بِهِ، وَأَقْبَلْتُمْ عَلَى الدُّنْيَا فَبِهَا تَحْكُمُونَ، وَلَهَا تُمَهِّدُونَ، وَإِيَّاهَا تُؤْتِرُونَ وَتَعْمُرُونَ؟! فَحَتَّى مَتَى أَنْتُمْ لِلدُّنْيَا، لَيْسَ لِلَّهِ فِيكُمْ نَصِيبٌ؟! (3)

راجع: ص/ 240 مثل عبيد الدنيا و ص/ 242 مثل صاحب الدنيا.

2/5 الذَّنْبُ

301. عيسى بن مريم عليه السلام: إِنَّ صِغَارَ الذُّنُوبِ وَمُحَقَّرَاتِهَا مِنْ مَكَائِدِ إِبْلِيسَ، يُحَقِّرُهَا لَكُمْ وَيُصَغِّرُهَا فِي أَعْيُنِكُمْ، فَتَجْتَمِعُ وَتَكْتَثُرُ فَتُحِيطُ بِكُمْ. (4)

302. عنه عليه السلام: قَسْوَةُ الْقُلُوبِ مِنْ جَفْوَةِ الْعُيُونِ، وَجَفْوَةُ الْعُيُونِ مِنْ كَثْرَةِ الذُّنُوبِ. (5)

303. عنه عليه السلام: وَيَلِكُمْ يَا أَجْرَاءَ السَّوَاءِ! الْأَجْرَ تَسْتَوْفُونَ، وَالرِّزْقَ تَأْكُلُونَ، وَالْكِسَاةَ تَلْبَسُونَ، وَالْمَنَازِلَ تَبْنُونَ، وَعَمَلٌ مِنْ اسْتَأْجَرِكُمْ تُفْسِدُونَ! يُوشِكُ رَبُّ هَذَا الْعَمَلِ أَنْ يُطَالِبِكُمْ فَيَنْظُرَ فِي عَمَلِهِ الَّذِي أَفْسَدْتُمْ فَيَنْزِلَ بِكُمْ مَا يُخْزِيكُمْ، وَيَأْمُرُ بِ.

ص: 194

1- .إحياء العلوم: ج 4 ص 297.

2- .تحف العقول: ص 511، بحار الأنوار: ج 14 ص 315 ح 17؛ تاريخ دمشق: ج 68 ص 66 نحوه.

3- .تحف العقول: ص 508، بحار الأنوار: ج 14 ص 311 ح 17.

4- .تحف العقول: ص 392 عن الإمام الكاظم عليه السلام، بحار الأنوار: ج 78 ص 307 ح 1.

5- .مستدرک الوسائل: ج 12 ص 39 ح 13458 نقلاً عن القطب الراوندي في لبّ اللباب.

شما را می برد.

299. عیسی بن مریم علیه السلام - از اندرزه‌های او که در انجیل و غیر آن آمده - به راستی به شما می گویم: ای بندگان دنیا! چگونه به آخرت دست یابد آن که از میل خود به دنیا نمی کاهد، و دل از آن بر نمی کند؟!

300. عیسی بن مریم علیه السلام: وای بر شما ای بندگان دنیا! مگر نه این است که به واسطه دانش، بر همه خلائق، فرمان روایی داده شده اید؛ لیک شما آن را به دور افکندید و به کارش نیستید، و به دنیا روی آوردید و دنیایی داوری می کنید، و برای دنیا آماده می شوید، و آن را بر می گزینید و آبادش می کنید؟! تا کی دنیایی هستید، و برای خدا در شما نصیبی نیست؟!

ر.ک: ص/ 241 مثل بندگان دنیا و ص/ 243 مثل دنیا دار.

2/5 گناه

301. عیسی بن مریم علیه السلام گناهان کوچک و خردانگاشته، از نیرنگ های ابلیس است. او آنها را در چشم شما ناچیز و کوچک جلوه می دهد تا [اندک اندک] انباشته و فزون گردند و شما را در میان گیرند.

302. عیسی بن مریم علیه السلام: سنگ دلی ها ناشی از خشکی چشم هاست و خشکی چشم ها ناشی از بسیاری گناهان.

303. عیسی بن مریم علیه السلام: وای بر شما ای مزد بگیران بد! مزد را کامل می گیرید، و روزی می خورید، و جامه می پوشید، و خانه ها می سازید، و کار کسی را که اجیرتان کرده است تباه می سازید! زودا که صاحبکار بازخواستتان کند و در کار خود که تباهش کرده اید، بنگرد و بلایی بر سرتان آورد که رسوایتان گرداند، و فرمان دهد

ص: 195

بِرِقَابِكُمْ فَتَجِدَ (1)

مِنْ أَصُولِهَا، وَيَأْمُرُ بِأَيْدِيكُمْ فَتَقْطَعُ مِنْ مَفَاصِدِ لَهَا، ثُمَّ يَأْمُرُ بِجُثَثِكُمْ فَتَجْرُ عَلَى بُطُونِهَا، حَتَّى تُوَضَعَ عَلَى قَوَارِعِ الطَّرِيقِ؛ حَتَّى تَكُونُوا عِظَةً لِلْمُتَّقِينَ
وَنِكَالًا لِلظَّالِمِينَ. (2)

304. عنه عليه السلام: إِنَّ... مَنْ لَمْ يَعْمَلِ الْخَطِيئَةَ أَرَوْحُ هَمًّا مِمَّنْ عَمِلَ الْخَطِيئَةَ، وَإِنْ أَخْلَصَ التَّوْبَةَ وَأَنَابَ. (3)

305. عنه عليه السلام: كَيْفَ يَنْجُو مِنْ فِتْنِ الدُّنْيَا مَنْ لَمْ يُدَاوِهَا بِالْحِدِّ وَالْإِجْتِهَادِ؟! وَكَيْفَ يَبْلُغُ مَنْ يُسَافِرُ بِغَيْرِ دَلِيلٍ؟! وَكَيْفَ يَصِيرُ إِلَى الْجَنَّةِ
مَنْ لَا يَبْصُرُ مَعَالِمَ الدِّينِ؟! وَكَيْفَ يَبَالُغُ مَرْضَاةَ اللَّهِ مَنْ لَا يُطِيعُهُ؟! وَكَيْفَ يُبْصِرُ عَيْبَ وَجْهِهِ مَنْ لَا يَنْظُرُ فِي الْمِرَاةِ؟! (4)

راجع: ص/246 مثل من يعصي الله.

3/5 حَدِيثُ النَّفْسِ بِالْمَعْصِيَةِ

306. عيسى بن مريم عليه السلام: طُوبَى لِعَيْنٍ نَامَتْ وَلَمْ تُحَدِّثْ نَفْسَهَا بِالْمَعْصِيَةِ، وَأَنْتَبَهَتْ إِلَى غَيْرِ إِثْمٍ. (5)

307. عنه عليه السلام: إِنَّ مَثَلَ حَدِيثِ النَّفْسِ بِالْخَطِيئَةِ كَمَثَلِ الدُّخَانِ فِي الْبَيْتِ، إِنْ لَا يُحْرِقُهُ فَإِنَّهُ يَنْتِنُ رِيحَهُ وَيُعِيرُ لَوْنَهُ. (6)

راجع: ص/270 تحذير العاصين. د.

ص: 196

1- الجَدُّ: القَطْعُ (النهاية: ج 1 ص 250 «جذذ»).

2- تحف العقول: ص 507، بحار الأنوار: ج 14 ص 310 ح 17.

3- تحف العقول: ص 392 عن الإمام الكاظم عليه السلام، بحار الأنوار: ج 78 ص 307 ح 1.

4- تحف العقول: ص 506، بحار الأنوار: ج 14 ص 309.

5- تاريخ دمشق: ج 47 ص 435 عن بشر بن صالح، البداية والنهاية: ج 2 ص 89.

6- تاريخ دمشق: ج 47 ص 465، الدر المنثور: ج 2 ص 214 نقلاً عن ابن أبي شيبه وكلاهما عن سالم بن أبي الجعد.

که گردن هایتان از بیخ بریده شود، و دستور دهد دست هایتان را از بندهایشان جدا کنند، و آن گاه امر کند تا پیکر هایتان را روی شکم بکشند و در سر راه اندازند تا عبرتی برای پرهیزگاران و کیفری برای ستمگران باشید.

304. عیسی بن مریم علیه السلام: ... آن که گناه نمی کند، آسوده تر از کسی است که گناه می کند، و هر چند خالصانه، توبه و انابه نماید.

305. عیسی بن مریم علیه السلام: چگونه از فتنه های دنیا برهد کسی که با کوشش و تلاش به علاج آنها نمی پردازد؟! و چگونه به مقصد برسد کسی که بی راه نما سفر می کند؟! همچنین چگونه به بهشت برود کسی که نشانه های دین را نمی بیند و نمی شناسد؟! و چگونه به خشنودی خدا دست یابد کسی که او را فرمان نمی برد؟! و چگونه عیب چهره خود را ببیند کسی که در آینه نمی نگرد؟!

ر.ك:ص 247/ مثل کسی که نافرمانی خدا می کند.

3/5 وسوسه درونی در نافرمانی خدا

306. عیسی بن مریم علیه السلام: خوشا چشمی که بخوابد، و [پیش از به خواب رفتن] در دل خود، از گناه کردن سخن نگوید، و برای رفتن به سوی گناه، از خواب برنخیزد.

307. عیسی بن مریم علیه السلام: مثل در دل خود از گناه سخن گفتن، مثل دود در خانه است. اگر چه خانه را نمی سوزاند، اما آن را بدبو می کند و رنگش را تغییر می دهد.

ر.ك:ص 271/ هشدار به گنه کاران.

ص: 197

308. عيسى بن مريم عليه السلام - أنه كان يقول: - من ساء خلقه عذب نفسه. (1)

309. عيسى بن مريم عليه السلام: إن ابن آدم خلق في الدنيا في أربع منازل، هو في ثلاث منهم بالله واثق: حسن ظنه فيهن، وهو في الرابع سيئ ظنه بربه، يخاف خذلان الله إياه.

أما المنزلة الأولى فإنه خلق في بطن أمه خلقاً من بعد خلق في ظلمات ثلاث:

ظلمة البطن، وظلمة الرحم، وظلمة المشيمة، ينزل الله عليه رزقه في جوف ظلمة البطن.

فإذا خرج من البطن وقع في اللبن، لا يخطو إليه بدم، ولا يتناول به يده، ولا ينهض إليه بقوة، ولا يأخذه بحرقاة... حتى ينبت عليه عظمه ولحمه ودمه.

فإذا ارتفع عن اللبن وقع في المنزلة الثالثة في الطعام من أبويه، يكسب بان عليه من حلال أو حرام، فإن مات أبواه عن غير شيء تركاه، عطف عليه الناس؛ هذا يطعمه، وهذا يسقيه، وهذا يؤويه. فإذا وقع في المنزلة الرابعة فاشتد واستوى واجتمع وكان رجلاً، خشي أن لا يرزقه الله، فوثب على الناس؛ يخون أماناتهم، ويسرق امتعاتهم (2)

، ويذبحهم على أموالهم مخافة خذلان الله إياه. (3)هـ.

1- قصص الأنبياء للراوندي: ص 274 ح 329 عن ابن سنان عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج 14 ص 318 ح 18 نقلاً عن

أمالى الصدوق؛ الصمت وآداب اللسان: ص 277 ح 133، تاريخ دمشق: ج 12 ص 4 وج 47 ص 440 كلها عن عبد العزيز بن حصين.

2- كذا بالأصل والمختصر (هامش المصدر).

3- تاريخ دمشق: ج 47 ص 447 عن فضيل وج 68 ص 60 نحوه.

308. عیسی بن مریم علیه السلام - پیوسته می فرمود-: کسی که بداخلاق است، خود را عذاب می دهد.

5/5 بدگمانی به خدا

309. عیسی بن مریم علیه السلام: آدمی در دنیا در چهار مرحله آفریده شده که در سه مرحله آن، به خداوند اعتماد دارد و خوش گمان است، و در مرحله چهارم، به پروردگار خویش بدگمان می شود و می ترسد او را واگذارد.

مرحله نخست، شکم مادر اوست. او در شکم مادرش آفریده می شود و در سه تاریک خانه: شکم، رَجم و بیچه دان، پیاپی رشد کرده و خداوند در درون تاریک خانه شکم، روزی او را برایش می فرستد.

چون از شکم بیرون آمد، به شیر خوردن می افتد بی آن که قدمی به سوی شیر بردارد، و دستی به سویش دراز کند، و زوری برایش بزند، و برای به دست آوردنش حرفه ای بیاموزد... تا آن که استخوان و گوشت و خونس می روید.

چون از شیر گرفته شد، به مرحله سوم می رسد که خوراک خوردن توسط پدر و مادرش است و آن دو از حلال و حرام برایش فراهم می آورند، و اگر پدر و مادرش مردند و چیزی برایش نگذاشتند، مردم به او می رسند: یکی غذایش می دهد، یکی سیرایش می کند و دیگری سرپناش می دهد. چون به مرحله چهارم رسید و برای خودش مرد برنا و نیرومند و کاملی شد، از بیم آن که خدا به او روزی ندهد، به جان مردم می افتد و در امانت های آنها خیانت می کند، و کالاهایشان را می دزدد، و آنها را برای اموالشان سر می برد؛ چون می ترسد خداوند، او را واگذارد [و روزی اش را نرساند].

310. كنز الفوائد: رُوِيَ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَوْحَى إِلَى عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: لِيَحْذَرَ الَّذِي يَسْتَبْطِنُنِي فِي الرَّزْقِ أَنْ أَغْضَبَ فَأَفْتَحَ عَلَيْهِ بَاباً مِنَ الدُّنْيَا!

(1)

311. عيسى بن مريم عليه السلام: كَيْفَ يَكُونُ مِنْ أَهْلِ الْعِلْمِ مَنْ اتَّهَمَ اللَّهَ فِيمَا قَضَى لَهُ؛ فَلَيْسَ يَرْضَى شَيْئاً أَصَابَهُ؟! (2)

6/5 سوء الظنِّ بالناسِ

312. عيسى بن مريم عليه السلام: بِحَقِّ أَقْوَالٍ لَكُمْ: يَا عِبِيدَ الدُّنْيَا! إِنَّ أَحَدَكُمْ يُبْغِضُ صَاحِبَهُ عَلَى الظَّنِّ، وَلَا يُبْغِضُ نَفْسَهُ عَلَى اليَقِينِ. (3)

313. رسول الله صلى الله عليه وآله: رَأَى عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَجُلًا يَسْرِقُ، فَقَالَ لَهُ: أَسْرَقْتَ؟ قَالَ: كَلَّا وَاللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ. فَقَالَ

عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: آمَنْتُ بِاللَّهِ، وَكَذَّبْتُ عَيْنِي. (4)

7/5 التَّفَاقُ

314. عيسى بن مريم عليه السلام: يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ، كَلَامُكُمْ شِفَاءٌ يُبْرِئُ الدَّاءَ، وَأَعْمَالُكُمْ دَاءٌ.3.

ص: 200

1- . كنز الفوائد: ج 2 ص 197، بحار الأنوار: ج 103 ص 21 ح 16.

2- . سنن الدارمي: ج 1 ص 109 ح 374، شعب الإيمان: ج 2 ص 314 ح 1917، حلية الأولياء: ج 6 ص 279 الرقم 384، تاريخ دمشق: ج 47 ص 463 كلُّها عن هشام صاحب الدستوائي؛ الدر المنثور: ج 2 ص 209؛ منية المريد: ص 141، بحار الأنوار: ج 2 ص 39 ح 66.

3- . تحف العقول: ص 511 و 502 نحوه، بحار الأنوار: ج 14 ص 315 ح 17؛ تاريخ دمشق: ج 68 ص 66 نحوه.

4- . صحيح البخاري: ج 3 ص 1271 ح 3260، صحيح مسلم: ج 4 ص 1838 ح 149، سنن ابن ماجه: ج 1 ص 679 ح 2102، سنن النسائي: ج 8 ص 249، مسند ابن حنبل: ج 3 ص 191 ح 8160 كلُّها عن أبي هريرة، كنز العمال: ج 3 ص 135 ح 5853.

310. کنز الفوائد: خداوند متعال به عیسی علیه السلام وحی کرد: آن بنده که روزی دادنم را آهسته می یابد، باید حذر کند از این که خشم بگیرم و دری از دنیا به رویش بگشایم.

311. عیسی بن مریم علیه السلام: چگونه از اهل دانش [و معرفت] باشد کسی که خدا را در آنچه برای او مقدر فرموده است، متهم می سازد و به آنچه به وی می رسد، رضایت نمی دهد؟!

6/5 بدگمانی به مردم

312. عیسی بن مریم علیه السلام: به راستی به شما می گویم: ای بندگان دنیا! هر يك از شما دیگری را تنها به [استناد يك] گمان، دشمن می دارد؛ ولی با وجود یقین [به بدی خود]، خویشان را دشمن نمی دارد.

313. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: عیسی بن مریم علیه السلام مردی را دید که دزدی می کند. به او فرمود:

«دزدی می کنی؟».

مرد گفت: نه به خدای یگانه قسم!

عیسی علیه السلام فرمود: «به خدا ایمان دارم و چشم خود را دروغگو می شمارم».

7/5 دورویی

314. عیسی بن مریم علیه السلام: ای بنی اسرائیل! گفتار شما به شفای درد می ماند و کردارتان

ص: 201

315. عنه عليه السلام -لِلْحَوَارِيِّينَ-: لا يُغْنِي عَنِ الْجَسَدِ أَنْ يَكُونَ ظَاهِرُهُ صَحِيحاً وَبَاطِنُهُ فَاسِداً، كَذَلِكَ لا تُغْنِي أَجْسَادُكُمْ الَّتِي قَدْ أَعْجَبَتْكُمْ وَقَدْ فَسَدَتْ قُلُوبُكُمْ، وما يُغْنِي عَنْكُمْ تَنْقُوا جُلُودَكُمْ وَقُلُوبَكُمْ دَنَسَةً. (2)

316. عنه عليه السلام: يا عُلَمَاءَ السُّوءِ، تَأْمُرُونَ النَّاسَ يَصُومُونَ وَيُصَلُّونَ وَيَتَصَدَّقُونَ وَلا تَفْعَلُونَ ما تَأْمُرُونَ! وَتَدْرُسُونَ ما لا تَعْلَمُونَ، فِيا سُوءَ ما تَحْكُمُونَ! تَتَوَبُّونَ بِالْقَوْلِ وَالْأَمَانِيِّ وَتَعْمَلُونَ بِالْهَوَى! وما يُغْنِي عَنْكُمْ أَنْ تَنْقُوا جُلُودَكُمْ وَقُلُوبَكُمْ دَنَسَةً. (3)

317. عنه عليه السلام: ما لَكُمْ تَأْتُونِي وَعَلَيْكُمْ ثِيَابُ الرُّهْبَانِ وَقُلُوبُكُمْ قُلُوبُ الذَّنَابِ الضَّوَارِيِّ؟! البَسُوا ثِيَابَ المُلُوكِ وَأَمِيتُوا قُلُوبَكُمْ بِالْحَشِيَّةِ. (4)

318. عنه عليه السلام: إِنَّمَا أْبَعْتُكُمْ كَالْكِبَاشِ (5)

تَلْتَقِطُونَ خَرْفَانَ بَنِي إِسْرَائِيلَ، فَلا- تَكُونُوا كَالذَّنَابِ الضَّوَارِيِّ الَّتِي تَخْتِطِفُ النَّاسَ، وَعَلَيْكُمْ بِالْخَرْفَانِ. ما لَكُمْ تَأْتُونَ، عَلَيْكُمْ ثِيَابَ الشَّعْرِ وَقُلُوبُكُمْ قُلُوبُ الخَنَازِيرِ، البَسُوا ثِيَابَ المُلُوكِ وَلِيَتَنَا قُلُوبُكُمْ بِالْحَشِيَّةِ. (6)

319. عنه عليه السلام -لِأَحْبَارِ بَنِي إِسْرَائِيلَ-: لا تَكُونُوا لِلنَّاسِ كَالذَّنْبِ السَّارِقِ، وَكَالثَّعْلِبِ.

ص: 202

1- الزهد الكبير: ص 168 ح 384، تاريخ دمشق: ج 47 ص 462 كلاهما عن عيسى المرادي، حلية الأولياء: ج 6 ص 279 الرقم 384 عن هشام الدستوائي، البداية والنهاية: ج 2 ص 91 كلها نحوه، الدر المنثور: ج 2 ص 204 نقلاً عن أحمد عن محمد بن واسع.

2- تحف العقول: ص 393 عن الإمام الكاظم عليه السلام وص 510 نحوه، بحار الأنوار: ج 1 ص 146 ذيل ح 30؛ تاريخ دمشق: ج 68 ص 64 وفيه «تبقوا» بدل «تنقوا».

3- تنبيه الخواطر: ج 1 ص 176.

4- إحياء علوم الدين: ج 3 ص 518؛ بحار الأنوار: ج 73 ص 208.

5- في حديث المسيح: إِنَّمَا أْبَعْتُكُمْ كَالْكِبَاشِ تَلْتَقِطُونَ خَرْفَانَ بَنِي إِسْرَائِيلَ، أَرَادَ بِالْكِبَاشِ الكبار العلماء وبالخرفان الصغار الجهال (لسان العرب: ج 9 ص 66).

6- الدر المنثور: ج 2 ص 210 نقلاً عن أحمد عن مالك بن دينار.

315. عیسی بن مریم علیه السلام - به حواریان - :تن را چه سود که برونش درست باشد و درونش تباه؟! و شما را چه سود که پیکرهایتان خوشایندتان باشد و دل هایتان تباه؟! و شما را چه سود که پوست هایتان (ظاهرتان) را پاکیزه کنید و دل هایتان (باطنتان) آلوده باشد؟!

316. عیسی بن مریم علیه السلام: ای دانشمندان فاسد! به مردم دستور می دهید که روزه بگیرند و نماز بخوانند و صدقه (زکات) بدهند و خود به آنچه دستور می دهید، عمل نمی کنید و آنچه را می آموزید، به کار نمی بندید. و به چه بد داوری می کنید! به گفتار و آرزوها توبه می کنید و به هوای نفس عمل می کنید! شما را چه سود که پوست هایتان (ظاهرتان) را پاکیزه کنید و دل هایتان (باطنتان) آلوده باشد؟

317. عیسی بن مریم علیه السلام: شما را چه شده است که نزد من با جامه راهبان می آید در حالی که دل هایتان، همچون دل گرگ های درنده است؟! جامه شاهان بپوشید؛ لیک دل هایتان را با ترس [از خدا] بمیرانید.

318. عیسی بن مریم علیه السلام: من شما را همچون قوچ می فرستم تا بره های بنی اسرائیل را گرد آورید (1)

. پس چون گرگ های درنده نباشید که مردم را می درند. بره ها را دریابید.

شما را چه می شود که با جامه های مویین [نزد من] می آید در حالی که دل هایتان، دل خوک است. جامه شاهان بپوشید؛ لیک دل هایتان را با ترس [از خدا] نرم سازید.

319. عیسی بن مریم علیه السلام - خطاب به عالمان بنی اسرائیل - :با مردم چونان گرگ دزد.

1- در لسان العرب آمده: «مراد از قوچ، علمای بزرگ است، و از بره، کودکان و نادانان». یعنی شما را به سراغ آنها می فرستم تا با تعلیم و تربیت آنها، از هلاکت نجاتشان دهید.

الْخَدُوعِ، وَكَالْحِدَادِ (1)

الخاطِيفِ. (2)

راجع: ص 242/ مثل المنافق.

8/5 السَّخَطُ عَلَى قَضَاءِ اللَّهِ

320. عيسى بن مريم عليه السلام: كَيْفَ يَكُونُ مِنْ أَهْلِ الْعِلْمِ مَنْ سَخِطَ رِزْقَهُ، وَاحْتَقَرَ مَنْزِلَتَهُ، وَقَدْ عَلِمَ أَنَّ ذَلِكَ مِنْ عِلْمِ اللَّهِ وَقُدْرَتِهِ؟! (3)

9/5 الغَضَبُ

321. المصنّف لابن أبي شيبة عن عبد الله بن أبي الهذيل: لَمَّا رَأَى يَحْيَى عَلَيْهِ السَّلَامُ عَيْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ:

أَوْصِنِي. قَالَ: لَا تَغْضَبْ. (4)

322. تاريخ دمشق عن عمّار بن سعد: لَقِيَ يَحْيَى بْنَ زَكَرِيَّا عَلَيْهِ السَّلَامُ عَيْسَى بْنَ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَقَالَ يَحْيَى عَلَيْهِ السَّلَامُ لِعَيْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: ... حَدِّثْنِي بِمَا يُبْعَدُ مِنْ غَضَبِ اللَّهِ. قَالَ لَهُ عَيْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا تَغْضَبْ. قَالَ: يَا رُوحَ اللَّهِ، مَا يُبْدِي الغَضَبَ وَيُثَبِّتُهُ أَوْ يُعِيدُهُ؟ قَالَ: التَّعَزُّزُ، وَالْفَخْرُ، وَالْحَمِيَّةُ، وَالْعِظْمَةُ. قَالَ: يَا رُوحَ اللَّهِ، هُوَ لَأَشَدُّ كُفْهَنًا، فَكَيْفَ لِي بِهِنَّ؟! قَالَ: 6.

ص: 204

1- الحداد: هو هذا الطائر المعروف من الجوارح (النهاية: ج 1 ص 349 «حداد»).

2- الدرّ المنثور: ج 2 ص 204 نقلاً عن أحمد عن وهب.

3- سنن الدارمي: ج 1 ص 109 ح 374، الزهد لابن حنبل: ص 96، شعب الإيمان: ج 2 ص 314 ح 1917، حلية الأولياء: ج 6 ص 279 الرقم 384، تاريخ دمشق: ج 47 ص 463 كلّها عن هشام صاحب الدستوائي؛ منية المريد: ص 141، بحار الأنوار: ج 2 ص 39 ح 66.

4- المصنّف لابن أبي شيبة: ج 8 ص 114 ح 20، حلية الأولياء: ج 4 ص 359 الرقم 286، تفسير الثعالبي: ج 5 ص 164، الزهد لابن حنبل: ص 75 عن أبي الهذيل، البداية والنهاية: ج 2 ص 52 عن خيشمة وكلّهما نحوه، الدرّ المنثور: ج 2 ص 206.

و روباه مگّار و باز شکاری نباشید.

ر.ک:ص/243 مثل منافق.

8/5 ناخرسندی از قضای خدا

320. عیسی بن مریم علیه السلام: چگونه از اهل دانش باشد کسی که از روزی خود ناخرسند است و جایگاه خویش را خُرد می شمارد، در حالی که می داند اینها با علم و قدرتِ خدا (مقدّر شده) است؟!

9/5 خشم

321. المصنّف، ابن ابی شَیبّه-به نقل از عبد اللّه بن ابی هَذَیل-: چون یحیی علیه السلام عیسی علیه السلام را دید، گفت: مرا اندرزی ده. عیسی علیه السلام فرمود: «خشم مگیر...».

322. تاریخ دمشق-به نقل از عمّار بن سعد-: یحیی بن زکریا علیه السلام به عیسی بن مریم علیه السلام رسید و به وی گفت: ...برایم از آنچه از خشم خدا دور می گرداند، سخن بگو.

عیسی علیه السلام به او فرمود: «خشم مگیر».

گفت: ای روح خدا! آنچه باعث شروع خشم و تکرار آن می شود چیست؟

عیسی فرمود: «خود برتر بینی و خودپسندی و تعصّب و خودبزرگ بینی».

یحیی علیه السلام گفت: ای روح خدا! اینها همه، سخت اند؛ چگونه از پس آنها بر می آیم؟!

ص: 205

323. الامام الصادق عليه السلام: قَالَ الحَوَارِيُّونَ لِعِيسَى بنِ مَرِيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا مُعَلِّمَ الخَيْرِ، أَعَلِمْنَا أَيُّ الأَشْيَاءِ أَشَدُّ؟ فَقَالَ: أَشَدُّ الأَشْيَاءِ غَضَبُ اللّهِ. قَالُوا فِيمَ يَتَّقِي غَضَبَ اللّهِ؟ قَالَ: بِأَنْ لَا تَغْضِبُوا، قَالُوا: وَمَا بَدَأَ الغَضَبُ؟ قَالَ: الكِبَرُ، والتَّجَبُّرُ، ومَحَقَرَةُ النَّاسِ. (2)

10/5 الحِلْمُ

324. عيسى بن مريم عليه السلام: بِحَقِّ أَقْوَلُ لَكُمْ: إِنَّ المَاءَ يُطْفِئُ النَّارَ، كَذَلِكَ الحِلْمُ يُطْفِئُ الغَضَبَ. (3)

11/5 الحِرْصُ

325. عيسى بن مريم عليه السلام - إِنَّهُ كَانَ يَقُولُ -: مَنْ كَانَ يَطْنُ أَنْ حِرْصاً يَزِيدُ فِي رِزْقِهِ، فَلْيَزِدْ فِي طَوْلِهِ أَوْ فِي عَرَضِهِ...، أَوْ لِيَعْبُرَ لَوْنَهُ، أَلَا فَإِنَّ اللّهُ خَلَقَ الخَلْقَ فَمَضَى الخَلْقَ لِمَا خُلِقَ، ثُمَّ قَسَمَ الرِّزْقَ فَمَضَى الرِّزْقَ لِمَا قَسَمَ، فَلَيْسَتْ الدُّنْيَا بِمُعْطِيَةٍ أَحَدًا شَيْئاً لَيْسَ لَهُ، وَلَا بِمَانِعَةٍ أَحَدًا شَيْئاً هُوَ لَهُ، فَعَلَيْكُمْ بِعِبَادَةِ رَبِّكُمْ، فَإِنَّكُمْ خُلِقْتُمْ لَهَا. (4)

راجع: ح 295 و 296. ل.

ص: 206

- 1- تاريخ دمشق: ج 47 ص 451 وج 64 ص 200، الفردوس: ج 1 ص 229 ح 877 كلاهما عن أبي هريرة، الزهد لابن المبارك: ج 2 ص 12 ح 44 عن سعد بن مسعود، إحياء العلوم: ج 3 ص 254 كلها نحوه وليس فيها ذيله من «قال يا روح الله».
- 2- الخصال: ص 6 ح 17، قصص الأنبياء للراوندي: ص 272 ح 321 كلاهما عن عبد الله بن سنان، مشكاة الأنوار: ص 383 ح 1267 عن الإمام الرضا عليه السلام، جامع الأحاديث (الغايات): ص 189، روضة الواعظين: ص 415، بحار الأنوار: ج 14 ص 287 ح 9.
- 3- تحف العقول: ص 512، بحار الأنوار: ج 14 ص 316 ح 17.
- 4- تاريخ دمشق: ج 47 ص 446، الدر المنثور: ج 2 ص 31 كلاهما عن سعيد بن أبي هلال.

عیسی علیه السلام فرمود: «روان را آرام کن و خشم را فرو خور».

323. امام صادق علیه السلام: حواریان به عیسی بن مریم علیه السلام گفتند: ای آموزگار خوبی! به ما بگو که سخت ترین چیزها چیست؟

فرمود: «سخت ترین چیزها خشم خداست».

گفتند: به چه وسیله می توان از خشم خدا در امان ماند؟

فرمود: «به این که خود، خشم نگیری».

گفتند: خاستگاه خشم چیست؟

فرمود: «تکبر و گردن فرازی و کوچک شمردن مردم».

10/5 بردباری

324. عیسی بن مریم علیه السلام: به راستی به شما می گویم: همچنان که آب، آتش را خاموش می کند، بردباری، خشم را فرو می نشاند.

11/5 آزمندی

325. عیسی بن مریم علیه السلام - پیوسته می فرمود-: آن که گمان می کند آزمندی به روزی او می افزاید [اگر راست می گوید]، پس بر درازا یا پهنای خود... بیفزاید، یا رنگ [پوست] خویش را تغییر دهد. آگاه باشید که خداوند، آفریدگان را آفرید و آنها مسیری را که برای آن آفریده شدند، پیمودند، و سپس روزی را تقسیم کرد و روزی، چنان که او تقسیم کرد، جریان یافت. پس دنیا به هیچ کس چیزی را که قسمت او نیست، نمی دهد، و از هیچ کس چیزی را که قسمت اوست، باز نمی دارد. پس بر شما باد عبادت خداوندگارتان؛ زیرا که شما برای این کار آفریده شده اید.

ر.ك: ح 295 و 296.

ص: 207

326. عيسى بن مريم عليه السلام - لِلْحَوَارِيِّينَ -: إِنَّ إِبْلِيسَ يُرِيدُ أَنْ يُخْلِكَكُمْ، فَلَا تَقْعُوا فِي بُخْلِهِ. (1)

راجع: ص 272 التحذير من البخل.

13/5 كَشَفُ الْعُيُوبِ

327. الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ عَيْسَى بْنَ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لِأَصْحَابِهِ: أَرَأَيْتُمْ لَوْ أَنَّ أَحَدَكُمْ مَرَّ بِأَخِيهِ فَرَأَى ثُوبَهُ قَدِ انْكَشَفَ عَنْ بَعْضِ عَوْرَتِهِ أَكَانَ كَاشِفًا عَنْهَا كُلَّهَا أَمْ يَرُدُّ عَلَيْهَا مَا انْكَشَفَ مِنْهَا.

قالوا: بَلْ نَرُدُّ عَلَيْهَا. قَالَ كَلَّا بَلْ تَكْشِفُونَ عَنْهَا، فَعَرَفُوا أَنَّهُ مَثَلٌ ضَرَبَهُ لَهُمْ، فَقِيلَ:

يَا رُوحَ اللَّهِ وَكَيْفَ ذَلِكَ؟ قَالَ: الرَّجُلُ مِنْكُمْ يَطَّلِعُ عَلَى الْعَوْرَةِ مِنْ أَخِيهِ فَلَا يَسْتُرُهَا. (2)

328. تاريخ دمشق عن خالد الربيعي: نُبِّئْتُ أَنَّ عَيْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لِأَصْحَابِهِ: أَرَأَيْتُمْ لَوْ مَرَرْتُمْ عَلَى رَجُلٍ وَهُوَ نَائِمٌ، وَقَدِ انْكَشَفَ الرِّيحُ عَنْهُ ثُوبَهُ؟ قَالُوا: كُنَّا نَرُدُّهُ عَلَيْهِ.

قَالَ: بَلْ تَكْشِفُونَ مَا بَقِيَ. قَالُوا: سُبْحَانَ اللَّهِ! نَرُدُّهُ عَلَيْهِ. قَالَ: بَلْ تَكْشِفُونَ مَا بَقِيَ.

قَالَ: مَثَلٌ ضَرَبَهُ لِلْقَوْمِ، يَسْمَعُونَ عَنِ الرَّجُلِ بِالسَّيِّئَةِ، فَيَزِيدُونَ عَلَيْهِ، وَيَذْكُرُونَ أَكْثَرَ مِنْهَا. (3) 6.

ص: 208

1- الدر المنثور: ج 2 ص 210 نقلاً عن أحمد بن مالك بن دينار.

2- تحف العقول: ص 305 و 502، بحار الأنوار: ج 14 ص 305 ح 17.

3- تاريخ دمشق: ج 47 ص 436، الصمت وآداب اللسان: ص 573 ح 645 نحوه وكلاهما عن خالد الربيعي، الدر المنثور: ج 2 ص 206.

326. عیسی بن مریم علیه السلام - به حواریان - ابلیس می خواهد شما را به بخل ورزیدن بکشاند. پس [مراقب باشید] در دام بخل او نیفتید.

ر.ك: ص 273 هشدار در باره بخل.

13/5 عیجوی

327. امام صادق علیه السلام: عیسی بن مریم علیه السلام به یارانش فرمود: «بگویید بدانم اگر یکی از شما بر برادر خود بگذرد و ببیند که جامه اش از روی قسمتی از عورتش کنار رفته است، آیا آن را بیشتر نمایان می کند یا می پوشاند؟». گفتند: آن را می پوشانیم. فرمود: «چنین نیست؛ بلکه عریانترش می کنید!».

یارانش دانستند که برای آنها مثلی زده است. پس گفته شد: ای روح خدا! منظور چیست؟

فرمود: «منظور این است که هر يك از شما عیب برادرش را می بیند و آن را نمی پوشاند».

328. تاریخ دمشق - به نقل از خالد ربیع - : به من خبر داده شد که عیسی علیه السلام به یارانش فرمود:

«بگویید بدانم اگر بر مردی بگذرید که خوابیده و باد، جامه او را کنار زده است، چه می کنید؟».

گفتند: جامه اش را به حالت اول بر می گردانیم.

فرمود: «نه! بلکه شما همان باقی مانده اش را هم کنار می زنید».

گفتند: سبحان الله! می پوشانیم.

فرمود: «نه! همان باقی مانده اش را هم کنار می زنید».

این مثلی بود که برای مردم زد؛ [یعنی] از کسی عیب و گناهی می شنوند و خود بر آن می افزایند و بیش از آنچه بوده است، بازگو می کنند.

329. عيسى بن مريم عليه السلام: لا تَنْظُرُوا فِي عُيُوبِ النَّاسِ كَالْأَرْبَابِ، وَانظُرُوا فِي عُيُوبِهِمْ كَهَيْئَةِ عَيْبِ النَّاسِ. (1)

راجع: ص 294/ تصفح عيوب النفس.

14/5 العُجْبُ

330. الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ اعْجَبَ بِنَفْسِهِ هَلَكَ، وَمَنْ اعْجَبَ بِرَأْيِهِ هَلَكَ، وَإِنَّ عَيْسَى بْنَ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: دَاوَيْتُ الْمَرْضَى فَشَفَيْتُهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ، وَأَبْرَأْتُ الْأَكْمَةَ وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِ اللَّهِ، وَعَالَجْتُ الْمَوْتَى فَأَحْيَيْتُهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ، وَعَالَجْتُ الْأَحْمَقَ فَلَمْ أَقْدِرْ عَلَى إِصْلَاحِهِ!

فَقِيلَ: يَا رُوحَ اللَّهِ، وَمَا الْأَحْمَقُ؟

قَالَ: الْمُعْجَبُ بِرَأْيِهِ وَنَفْسِهِ، الَّذِي يَرَى الْفَضْلَ كُلَّهُ لَهُ لَا عَلَيْهِ، وَيُوجِبُ الْحَقَّ كُلَّهُ لِنَفْسِهِ وَلَا يُوجِبُ عَلَيْهَا حَقًّا، فَذَلِكَ الْأَحْمَقُ الَّذِي لَا حِيلَةَ فِي مُدَاوَاتِهِ. (2)

331. عنه عليه السلام: اتَّقُوا اللَّهَ وَلَا يَحْسُدْ بَعْضُكُمْ بَعْضًا، إِنَّ عَيْسَى بْنَ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ مِنْ شَرَائِعِهِ السَّيِّحُ فِي الْبِلَادِ، فَخَرَجَ فِي بَعْضِ سَيِّحِهِ وَمَعَهُ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِهِ قَصِيدٌ، وَكَانَ كَثِيرَ اللَّزُومِ لِعَيْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَلَمَّا أَتَاهُ عَيْسَى إِلَى الْبَحْرِ قَالَ: «بِسْمِ اللَّهِ» بِصِحَّةٍ يَقِينٍ مِنْهُ، فَمَشَى عَلَى ظَهْرِ الْمَاءِ، فَقَالَ الرَّجُلُ الْقَصِيدُ حِينَ نَظَرَ إِلَى عَيْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ جَارَةً: «بِسْمِ اللَّهِ» بِصِحَّةٍ يَقِينٍ مِنْهُ، فَمَشَى عَلَى الْمَاءِ وَلَحِقَ بِعَيْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَدَخَلَهُ الْعُجْبُ بِنَفْسِهِ، فَقَالَ: هَذَا عَيْسَى رُوحُ اللَّهِ يَمْشِي عَلَى الْمَاءِ وَأَنَا أَمْشِي عَلَى الْمَاءِ، 6.

ص: 210

1- .تحف العقول:ص 502، الأماي للمفيد:ص 209 ح 43 عن ابن سنان عن الإمام الصادق عنه عليهما السلام نحوه، بحار الأنوار:ج 14 ص 306 ح 17.

2- .الاختصاص:ص 221 عن أبي الربيع الشامي، بحار الأنوار:ج 14 ص 323 ح 36.

329. عیسی بن مریم علیه السلام: به عیب های مردم چون خواجگان منگرید؛ به عیب هایشان با نگاه غلامان بنگرید.

ر.ك:ص/295 در جستجوی عیب های خود بودن.

14/5 خودپسندی

330. امام صادق علیه السلام: هر که خودپسند باشد، نابود می شود، و هر که خودرأی باشد، از بین می رود. عیسی بن مریم علیه السلام فرمود: «من بیماران را مداوا کردم و به اذن خدا شفایشان دادم. کور مادرزاد و پیس را به اذن خدا بهبود بخشیدم. مردگان را معالجه کردم و به اذن خدا زندگی دوباره دادم»، و در صدد معالجهٔ احمق برآمدم؛ اما نتوانستم او را اصلاح کنم!».

گفته شد: ای روح خدا! احمق کیست؟

فرمود: «خودرأی خودپسند؛ کسی که همهٔ برتری ها را در خود می بیند و برای کسی بر خود برتری قائل نیست، و هر حقی را برای خود می داند و برای کسی بر خود، حقی قائل نیست. این همان احمقی است که برای درمان او چاره ای وجود ندارد».

331. امام صادق علیه السلام: از خدا بترسید و به یکدیگر حسادت نورزید. یکی از کارهای عیسی بن مریم علیه السلام گشت و گذار در شهرها بود. روزی با یکی از یاران خویش که مردی کوتاه قد بود و غالباً عیسی علیه السلام را همراهی می کرد، برای گشت و گذار بیرون رفت.

چون به دریا رسید، با یقین درست «بسم الله» گفت و بر روی آب حرکت کرد. مرد کوتاه قد که دید عیسی علیه السلام بر آب گذشت، او نیز با یقین درست «بسم الله» گفت و بر روی آب حرکت کرد و چون به عیسی علیه السلام رسید، دچار غرور شد و گفت: عیسی که روح خداست، بر آب راه می رود، من هم بر آب راه می روم. پس برتری او بر من چیست؟! در این هنگام، در آب فرو رفت. از عیسی علیه السلام کمک طلبید.

ص: 211

فَمَا فَضَلَهُ عَلَيَّ؟! قَالَ: فَرَمَسَ (1)

فِي الْمَاءِ، فَاسْتَعَاثَ بِعَيْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ فَتَنَاوَلَهُ مِنَ الْمَاءِ فَأَخْرَجَهُ، ثُمَّ قَالَ لَهُ: مَا قُلْتَ يَا قَصِيرٌ؟

قَالَ: قُلْتُ: هَذَا رُوحُ اللَّهِ يَمْشِي عَلَى الْمَاءِ وَأَنَا أَمْشِي عَلَى الْمَاءِ، فَدَخَلَنِي مِنْ ذَلِكَ عُجْبٌ.

فَقَالَ لَهُ عَيْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَقَدْ وَضَعْتَ نَفْسَكَ فِي غَيْرِ الْمَوْضِعِ الَّذِي وَضَعَكَ اللَّهُ فِيهِ؛ فَمَمَّتَكَ اللَّهُ عَلَى مَا قُلْتَ، فَتُبَّ إِلَى اللَّهِ عِزَّ وَجَلِّ مِمَّا قُلْتَ.

قَالَ: فَتَابَ الرَّجُلُ وَعَادَ إِلَى مَرْتَبَتِهِ الَّتِي وَضَعَهُ اللَّهُ فِيهَا. فَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا يَحْسُدَنَّ بَعْضُكُمْ بَعْضًا. (2)

332. كتاب التَّوَابِينَ لابن قُدَامَةَ عَنْ وَهَيْبِ بْنِ الْوَرْدِ: بَلَّغْنَا أَنَّ عَيْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ مَرَّ هُوَ وَرَجُلٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ حَوَارِيِّهِ بِلِصٍّ فِي قَلْعَةٍ لَهُ، فَلَمَّا رَأَاهُمَا اللَّصُّ أَلْقَى اللَّهَ فِي قَلْبِهِ التَّوْبَةَ، قَالَ: فَقَالَ لِنَفْسِهِ: هَذَا عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ رُوحُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ، وَهَذَا حَوَارِيُّهُ، وَمَنْ أَنْتَ يَا شَقِيٌّ؟ لِصٌّ بَنِي إِسْرَائِيلَ! قَطَعْتَ الطَّرِيقَ، وَأَخَذْتَ الْأَمْوَالَ، وَسَفَكْتَ الدِّمَاءَ!

ثُمَّ هَبَّ بِطَرَفَيْهِمَا تَائِبًا نَادِمًا عَلَى مَا كَانَ مِنْهُ. فَلَمَّا لَحِقَهُمَا، قَالَ لِنَفْسِهِ: تُرِيدُ أَنْ تَمْشِيَ مَعَهُمَا؟ لَسْتَ لِذَلِكَ بِأَهْلٍ، امْشِ خَلْفَهُمَا كَمَا يَمْشِي الْخَطَاءُ الْمُذْنِبُ مِثْلَكَ.

قَالَ: فَالْتَمَتَ إِلَيْهِ الْحَوَارِيُّ فَعَرَفَهُ، فَقَالَ فِي نَفْسِهِ: أَنْظِرْ إِلَى هَذَا الْخَبِيثِ الشَّقِيِّ وَمَشِيهِ وَرَاءَنَا!

قَالَ: فَاطَّلَعَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَلَى مَا فِي قُلُوبِهِمَا؛ مِنْ نِدَامَتِهِ وَتَوْبَتِهِ، وَمِنْ 9.

ص: 212

1- ارتمس في الماء: إذا انغمس فيه حتى يغيب رأسه وجميع جسده فيه (لسان العرب: ج 6 ص 101 «رمس»).

2- الكافي: ج 2 ص 306 ح 3 عن داود الرقي، بحار الأنوار: ج 14 ص 254 ح 49.

عیسی علیه السلام دستش را گرفت و او را از آب بیرون آورد، و سپس به او فرمود:

«مگر چه گفتی، ای مرد کوتاه؟!».

گفت: با خودم گفتم: این روح خدا بر آب می رود، و من هم می روم، و از این بابت دچار غرور شدم.

عیسی علیه السلام به او فرمود: «تو خود را در غیر آن جایگاهی قراردادی که خداوند قرار داد (پایت را از گلیم خود درازتر کردی). خداوند هم برای سخنی که گفتی، بر تو خشم گرفت. پس، از گفته خود به درگاه خدا توبه کن».

مرد توبه کرد و به مرتبه ای که خداوند، او را در آن قرار داده بود، بازگشت. بنا بر این، از خدا بپرهیزید و به [مقام و مرتبه] یکدیگر حسادت نوزید.

332. کتاب التواین، ابن قدامة - به نقل از وهیب بن ورد-: به ما خبر رسیده که عیسی علیه السلام و مردی از حواریانش از بنی اسرائیل، در قلعه دزدی به وی برخورد کردند. زمانی که او آن دو را دید، خداوند به دلش انداخت که توبه کند. به خودش گفت: این، عیسی بن مریم علیه السلام روح و کلمه خدا و این هم حواری اوست. ای بدبخت! تو کیسی؟ ای دزد بنی اسرائیلی! راه زنی می کنی. اموال مردم را می گیری. خون می ریزی.

بعد هم پشیمان و تائب از کرده خویش به سمت آنها فرود آمد. وقتی به آن دو رسید، به خودش گفت: تو می خواهی با این دو همراه شوی؟ تو اهل این کار نیستی. همان طور که خطاکار گناهکاری مثل تو، راه می رود، از پی آنان راه برو.

حواری، سرش را به سمت او چرخاند و وی را شناخت و پیش خودش گفت:

به این خبیث بدبخت و راه رفتنش پشت سر ما، نگاه کن. خداوند متعال به دل آن دو انداخت که وی پشیمان است و توبه کرده، و نیز این که حواری، آن شخص را

ازدراء الحواري إيةاً وتفضيله نفسه عليه. قال: فأوحى الله تعالى إلى عيسى بن مريم أن مر الحواري ولص بني إسرائيل أن يأتينا العمل جميعاً: أما اللص فقد غفرت له ما قد مضى لندامته وتوبته، وأما الحواري فقد حبط عمله؛ لعجبه بنفسه وازدراؤه هذا التواب. (1)

15/5 حُبُّ الشُّهْرَةِ

333. عيسى بن مريم عليه السلام: يا عبيد الدنيا! تحبون أن يقال فيكم ما ليس فيكم، وأن يُشار إليكم بالأصابع. (2)

16/5 الغضبُ عند ذكر العيوبِ والفرحُ عند المدح

334. عيسى بن مريم عليه السلام: بحقِّ أقول لكم: إن أحدكم ليغضب إذا ذكر له بعضُ عُيوبه وهي حَقٌّ، ويفرح إذا مدح بما ليس فيه. (3)

17/5 الكذبُ

335. عيسى بن مريم عليه السلام: ومن كثر كذبه ذهبَ بهاؤه. (4) 2.

ص: 214

1- كتاب التوابين لعبد الله بن قدامة: ص 88.

2- تحف العقول: ص 501.

3- تحف العقول: ص 511، بحار الأنوار: ج 14 ص 315 ح 17؛ تاريخ دمشق: ج 68 ص 66 نحوه.

4- الأماي للصدوق: ص 636 ح 853 عن عبد الله بن سنان عن الإمام الصادق عليه السلام، الأماي للطوسي: ص 512 ح 1119 عن عبد الله بن محمد بن عمر بن الإمام علي عليه السلام عن الإمام الباقر عن آبائه عليهم السلام عن رسول الله صلى الله عليه وآله، تحف العقول: ص 58 عن رسول الله صلى الله عليه وآله عليه وآله وكلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 14 ص 318 ح 18؛ شعب الإيمان: ج 6 ص 342 ح 8439 عن عبد الله بن محمد بن عمر بن الإمام علي عليه السلام عن الإمام الباقر عن آبائه عليهم السلام عن رسول الله صلى الله عليه وآله عليه وآله، تاريخ دمشق: ج 12 ص 4 عن عبد العزيز بن الحصين وكلاهما نحوه، كنز العمال: ج 16 ص 122 ح 44142.

پیش خودش کوچک کرد و خود را بالاتر از او دانست. خداوند متعال به عیسی بن مریم علیه السلام وحی کرد که به حواری و دزد بنی اسرائیل فرمان بده که همه کارهایشان را از نو انجام دهند. و گفت: به خاطر پشیمانی و توبه دزد، همه گذشته او را بخشیدم؛ اما کارهای [خوب] حواری، به خاطر خودشیفتگی و برتری دادن خود به این توبه کار، از بین رفت.

15/5 شهرت طلبی

333. عیسی بن مریم علیه السلام: ای بندگان دنیا! دوست دارید که از شما ستایش های بیجا شود، و انگشت نما گردید.

16/5 رنجش از انتقاد و خوش حالی از ستایش

334. عیسی بن مریم علیه السلام: به راستی به شما می گویم: بعضی از شما هرگاه، برخی از عیب هایش گفته شود که واقعیت هم دارند، خشمگین می شود، و هرگاه او را به چیزی بستایند که در وی نیست، شادمان می گردد.

17/5 دروغ

335. عیسی بن مریم علیه السلام: کسی که بسیار دروغ بگوید، آبرویش می رود.

ص: 215

336. عنه عليه السلام: إِنَّ مَنْ كَذَبَ مِنْ غَيْرِ عِلْمٍ أَعَذَرَ مِمَّنْ كَذَبَ عَلَى عِلْمٍ، وَإِنْ كَانَ لَا عُذْرَ فِي شَيْءٍ مِنَ الْكِذْبِ. (1)

18/5 المِدْحَةُ بِالْكَذِبِ

337. عيسى بن مريم عليه السلام: بِحَقِّ أَقُولُ لَكُمْ: إِنَّ المِدْحَةَ بِالْكَذِبِ وَالتَّرَكِيَةَ فِي الدِّينِ، لَمِنْ رَأْسِ الشُّرُورِ المَعْلُومَةِ. (2)

19/5 النَّظَرُ إِلَى المَحْذُورَاتِ

338. عيسى بن مريم عليه السلام -لِلْحَوَارِيِّينَ-: إِيَّاكُمْ وَالتَّنَظَرَ إِلَى المَحْذُورَاتِ؛ فَإِنَّهَا بَذْرُ الشَّهْوَةِ، وَنَبَاتُ القَسْوَةِ. (3)

339. عنه عليه السلام: إِيَّاكُمْ وَالتَّنَظَرَ؛ فَإِنَّهَا تَزْرَعُ فِي قَلْبِ صَاحِبِهَا الشَّهْوَةَ، وَكَفَى بِهَا لِصَاحِبِهَا فِتْنَةً. (4)

340. عنه عليه السلام: التَّنَظَرُ يَزْرَعُ فِي القَلْبِ الشَّهْوَةَ، وَكَفَى بِهَا لِصَاحِبِهَا فِتْنَةً. (5) 2.

ص: 216

1- تحف العقول: ص 506، بحار الأنوار: ج 14 ص 308 ح 17.

2- تحف العقول: ص 508، بحار الأنوار: ج 14 ص 311 ح 17.

3- مصباح الشريعة: ص 244، بحار الأنوار: ج 104 ص 42 ح 52.

4- الأماشي للمفيد: ص 208 ح 43 عن ابن سنان عن الإمام الصادق عليه السلام، تحف العقول: ص 305 عن الإمام الصادق عنه عليهما السلام وص 502، المحاسن: ج 1 ص 196 ح 340 وليس فيه «صاحبها الشهوة»، بحار الأنوار: ج 14 ص 306 ح 17؛ تاريخ دمشق: ج 47 ص 462 عن عيسى المرادي.

5- المصنّف لعبد الرزاق: ج 4 ص 193 ح 7453 عن مالك بن مغول وغيره، البداية والنهاية: ج 2 ص 89 عن يحيى بن سعيد وليس فيه ذيله، تاريخ دمشق: ج 47 ص 429 وفيه «خطيئة» بدل «صاحبه فتنة»، الدر المنثور: ج 2 ص 202.

336. عیسی بن مریم علیه السلام: آن که ندانسته دروغ بگوید، معذورتر از کسی است که دانسته دروغ بگوید، هر چند در هیچ دروغی، عذری پذیرفته نیست.

18/5 ستایش دروغین

337. عیسی بن مریم علیه السلام: به درستی به شما می گویم: ستایش دروغین و خودستایی دینی، سرآمد بدی های شناخته شده اند.

19/5 چشم چرانی

338. عیسی بن مریم علیه السلام - به حواریان - از نگاه کردن به چیزهای ناروا بپرهیزید؛ زیرا که آنها تخم شهوت اند و رویشگاه سنگ دلی.

339. عیسی بن مریم علیه السلام: از نگاه [به نامحرم] بپرهیزید؛ زیرا که آن در دل صاحبش [تخم] شهوت می کارد و [خود به تنهایی] کافی است که صاحبش را دچار گناه کند.

340. عیسی بن مریم علیه السلام: نگاه، تخم شهوت در دل می کارد، و همین نگاه کردن، کافی است که صاحبش را به گناه افکند.

341. عنه عليه السلام: سَمِعْتُمْ مَا قِيلَ لِلأَوَّلِينَ: لَا تَزْنُوا، وَأَنَا أَقُولُ لَكُمْ (1)

إِنَّ مَنْ نَظَرَ إِلَى امْرَأَةٍ فَاشْتَهَاهَا فَقَدْ زَنَى بِهَا فِي قَلْبِهِ. (2)

راجع: ص/266 كَفَّ البَصْر.

20/5 الزَّنا

342. عيسى بن مريم عليه السلام - لَمَّا اجْتَمَعَ الحَوَارِيُّونَ إِلَيْهِ فَقَالُوا: يَا مُعَلِّمَ الخَيْرِ أَرشِدْنَا-: إِنَّ مُوسَى نَبِيَّ اللّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَمَرَكُمْ أَلَّا تَزْنُوا، وَأَنَا أَمَرُكُمْ أَلَّا تُحَدِّثُوا أَنْفُسَكُمْ بِالزَّنا فَضلاً عَن أَنْ تَزْنُوا؛ فَإِنَّ مَنْ حَدَّثَ نَفْسَهُ بِالزَّنا كَانَ كَمَنْ أَوْقَدَ فِي بَيْتِ مُرَوِّقٍ، فَأَفْسَدَ التَّزَاوِيْقَ الدُّخَانُ وَإِنْ لَمْ يَحْتَرِقِ البَيْتُ. (3)

343. عنه عليه السلام: إِيَّاكَ وَالزَّنا، فَإِنَّهُ مِنْ غَضَبِ الرَّبِّ، وَإِنَّمَا يُثِيرُهُ النَّظَرُ والشَّهْوَةُ وَاتِّبَاعُهُمَا، وَلَا تَكُونَنَّ حَدِيدَ النَّظَرِ إِلَى مَا لَيْسَ لَكَ، فَإِنَّهُ لَنْ يَزِيَنِي فَرَجُكَ مَا حَفِظْتَ عَيْنَكَ، وَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَلَّا تَنْظُرَ إِلَى ثَوْبِ المَرَأَةِ الَّتِي لَا تَحِلُّ لَكَ فَافْعَلْ، وَلَا تَسْتَطِيعُ ذَلِكَ إِلَّا بِاللّهِ. (4)

344. عنه عليه السلام: أَيُّمَا امْرَأَةٍ اسْتَغَطَرْتَ وَخَرَجْتَ لِيُوجَدَ رِيحُهَا فَهِيَ زَانِيَةٌ، وَكُلُّ عَيْنٍ زَانِيَةٌ. (5)0.

ص: 218

1- في المصدر: «سمعتهم ما قال للأولين لا قرن وأنا أقول لكم»، والتصويب من بحار الأنوار.

2- سعد السعود: ص 55، بحار الأنوار: ج 14 ص 317.

3- الكافي: ج 5 ص 542 ح 7، عوالي اللآلي: ج 3 ص 547 ح 8 كلاهما عن عبد الله بن سنان عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج 14 ص 331 ح 71 وراجع: المصنّف لابن أبي شيبة: ج 8 ص 113 ح 15.

4- نوادر الأصول: ج 2 ص 187، تاريخ دمشق: ج 47 ص 452 عن عمّار بن سعد؛ تنبيه الخواطر: ج 1 ص 62.

5- تنبيه الخواطر: ج 1 ص 28؛ سنن النسائي: ج 8 ص 153، مسند ابن حنبل: ج 7 ص 167 ح 19731، المستدرک علی الصحیحین: ج 2 ص 430 ح 3497، صحيح ابن خزيمة: ج 3 ص 91 ح 1681 كلّها عن أبي موسى الأشعري عن رسول الله صلى الله عليه وآله نحوه وليس فيها «وكل عين زانية»، كنز العمال: ج 16 ص 383 ح 45010.

341. عیسی بن مریم علیه السلام: شنیده اید که به پیشینیان گفته شده: زنا نکنید؛ ولی من به شما می گویم: هر کس به زنی بنگرد و به او میل پیدا کند، در دلش با وی زنا کرده است.

ر.ك:ص 267/ فرو بستن چشم.

20/5 زنا

342. عیسی بن مریم علیه السلام - آن گاه که حواریان، گردش را گرفتند و گفتند: ای آموزگار خوبی! ما را راه نمایی فرما-: پیامبر خدا موسی علیه السلام به شما فرمان داد که زنا نکنید، و من به شما فرمان می دهم که فکر زنا هم نکنید، چه رسد به این که زنا کنید؛ زیرا کسی که به زنا فکر می کند، همانند کسی است که در خانه ای نقش و نگار شده، آتش افروزد. دود آتش، اگر خانه را نسوزاند، تزیینات آن را تباه می سازد.

343. عیسی بن مریم علیه السلام: از زنا پرهیزید که آن از خشم پروردگار است. و تنها چشم چرانی و هوسرانی و در پی آن دو بودن، باعث آن می شود. به چیزی (زنی) که تعلق به تو ندارد، خیره مشو؛ زیرا تا زمانی که چشم خود را نگه داری، مرتکب زنا نمی شوی. اگر می توانی که [حتی] به لباس زن نامحرم ننگری، چنین کن. و تو جز به یاری خدا، چنین نتوانی کرد.

344. عیسی بن مریم علیه السلام: هر زنی که به خود عطر بزند و از خانه بیرون برود تا بوی عطرش به مشام دیگران برسد، زناکار است، و هر چشمی [که به او بنگرد]، زناکار است.

ص: 219

345. عيسى بن مريم عليه السلام: بِحَقِّ أَقْوَلٍ لَكُمْ: إِنَّ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ [لَا تَحْلِفُوا بِاللَّهِ كَاذِبِينَ، وَأَنَا أَقُولُ:] (1)

لَا تَحْلِفُوا بِاللَّهِ صَادِقِينَ وَلَا كَاذِبِينَ، وَلَكِنْ قُولُوا: لَا، وَنَعَمْ. (2)

22/5 كَنْزُ الْمَالِ

346. عيسى بن مريم عليه السلام: بِمَاذَا نَفَعَ امْرُؤٌ نَفْسَهُ بَاعَهَا بِجَمِيعِ مَا فِي الدُّنْيَا ثُمَّ تَرَكَ مَا بَاعَهَا بِهِ مِيرَاثًا لِغَيْرِهِ؟ أَهَلَّكَ نَفْسُهُ! وَلَكِنْ طُوبَى لِامْرِئٍ خَلَّصَ نَفْسَهُ وَاخْتَارَهَا عَلَى جَمِيعِ الدُّنْيَا. (3)

347. البيان والتبيين عن أبي سعيد الزاهد، عن عيسى عليه السلام: فِي الْمَالِ ثَلَاثُ خِصَالٍ أَوْ بَعْضُهَا.

قَالُوا: وَمَا هِيَ يَا رُوحَ اللَّهِ؟ قَالَ: يَكْسِبُهُ مِنْ غَيْرِ حِلِّهِ. قَالُوا: فَإِنْ كَسَبَهُ مِنْ حِلِّهِ؟ قَالَ: يَمْنَعُهُ مِنْ حَقِّهِ. قَالُوا: فَإِنْ وَضَعَهُ فِي حَقِّهِ؟ قَالَ: يَشْغَلُهُ إِصْلَاحُهُ عَنِ عِبَادَةِ رَبِّهِ. (4)

348. حلية الأولياء عن سفیان الثوري: قَالَ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: ...أَلْمَالُ فِيهِ دَاءٌ كَثِيرٌ قِيلَ: يَا رُوحَ اللَّهِ، مَا دَاوَةٌ؟ قَالَ: لَا يُؤَدِّي حَقَّهُ. قَالُوا: فَإِنْ أَدَّى حَقَّهُ؟ قَالَ: لَا يَسْلَمُ مِنَ الْفَخْرِ 0.

ص: 220

1- ما بين المعقوفين سقط من الطبعة المعتمدة للمصدر، وأضفناه من بحار الأنوار.

2- تحف العقول: ص 509، الكافي: ج 5 ص 542 ح 7 وج 7 ص 434 ح 3، عوالي اللآلي: ج 3 ص 546 ح 8 والثلاثة الأخيرة عن عبد الله بن سنان عن الإمام الصادق عنه عليهما السلام نحوه وليس فيها «ولكن قولوا: لا ونعم»، بحار الأنوار: ج 14 ص 313 ح 17؛ تاريخ دمشق: ج 6 ص 63 نحوه.

3- تنبيه الخواطر: ج 2 ص 115، بحار الأنوار: ج 14 ص 329 ح 59.

4- البيان والتبيين: ج 3 ص 191؛ معدن الجواهر: ص 34، تنبيه الخواطر: ج 1 ص 162 وج 2 ص 118 كلهما نحوه، بحار الأنوار: ج 14 ص 329 ح 60.

345. عیسی بن مریم علیه السلام: به راستی به شما می گویم: موسی علیه السلام به شما فرمان می داد که به خدا سوگندِ دروغ نخورید، و من می گویم: به خدا، نه راست و نه دروغ، سوگند نخورید؛ بلکه نه و آری بگویید.

22/5 انباشتن ثروت

346. عیسی بن مریم علیه السلام: کسی که خود را به همه آنچه در دنیا است، می فروشد و سپس آنچه را به بهای فروختن خود به دست می آورد، برای دیگران به ارث می گذارد، چه سودی به خویشان می رساند؟! او خود را به هلاکت افکنده است! لیکن خوشا کسی که جان خود را آزاد ساخت و آن را بر همه دنیا برگزید.

347. البیان و التبیین - به نقل از ابو سعید زاهد - از عیسی علیه السلام: «در مال و ثروت، سه خاصیت و یا یکی از آنها وجود دارد».

گفتند: آنها چیست، ای روح خدا؟!

فرمود: «[صاحبش آن را] از غیر حلال به دست می آورد».

گفتند: اگر از حلال به دست آورد؟

فرمود: «حق آن را نمی پردازد».

گفتند: اگر حق آن را پرداخت کند؟

فرمود: «[دست کم این است که] پرداختن به آن، او را از عبادت پروردگارش باز می دارد».

348. حلیة الأولیاء - به نقل از سفیان ثوری - عیسی علیه السلام فرمود: «... در مال و دارایی، درد بسیاری [نهفته] است».

گفته شد: ای روح خدا! درد آن چیست؟

فرمود: «[صاحبش] حق آن را نمی پردازد».

گفتند: اگر حقش را پرداخت؟

وَالْحَيَلَاءِ. قَالُوا: فَإِنْ سَلِمَ مِنَ الْفَخْرِ وَالْحَيَلَاءِ؟ قَالَ: يَشْغَلُهُ اسْتِصْلَاحُهُ عَنِ ذِكْرِ اللَّهِ. (1)

23/5 كَثْرَةُ الْأَكْلِ

349. عيسى بن مريم عليه السلام: لَا تَكْثِرُوا الْأَكْلَ؛ فَإِنَّهُ مَنِ أَكْثَرَ الْأَكْلَ أَكْثَرَ النَّوْمِ، وَمَنْ أَكْثَرَ النَّوْمَ أَقَلَّ الصَّلَاةَ، وَمَنْ أَقَلَّ الصَّلَاةَ كُنِيَ مِنَ الْغَافِلِينَ. (2)

350. عنه عليه السلام: لَا تَأْكُلُوا حَتَّى تَجُوعُوا، وَإِذَا جُعْتُمْ فَكُلُوا وَلَا تَشْبَعُوا؛ فَإِنَّكُمْ إِذَا شَبِعْتُمْ غَلِظَتْ رِقَابُكُمْ، وَسَدِمَتْ جُنُوبُكُمْ، وَنَسِيَتُمْ رَبَّكُمْ. (3)

351. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَرَّ أَخِي عَيْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ بِمَدِينَةِ فِيهَا رَجُلٌ وَأَمْرَأَةٌ يَتَصَايِحَانِ.

فَقَالَ: مَا شَأْنُكُمَا.

قَالَ [الرَّجُلُ]: يَا نَبِيَّ اللَّهِ، هَذِهِ امْرَأَتِي وَلَيْسَ بِهَا بَأْسٌ، صَالِحَةٌ، وَلَكِنِّي أَحِبُّ فِرَاقَهَا.

قَالَ: فَأَخْبِرْنِي عَلَى كُلِّ حَالٍ مَا شَأْنُهَا؟ قَالَ: هِيَ خَلِيقَةٌ (4)

الْوَجْهِ مِنْ غَيْرِ كَبِيرٍ.

قَالَ: يَا امْرَأَةً، أَتُحِبِّينَ أَنْ يَعُودَ مَاءٌ وَجْهَكَ طَرِيًّا؟ قَالَتْ: نَعَمْ.

قَالَ لَهَا: إِذَا أَكَلْتِ فَإِيَّاكَ أَنْ تَشْبَعِي (5)

؛ لِأَنَّ الطَّعَامَ إِذَا تَكَثَّرَ عَلَى الصَّدْرِ فَزَادَ فِي الْقَدْرِ ذَهَبَ مَاءُ الْوَجْهِ. ٤٠٠.

ص: 222

1- . حلية الأولياء: ج 6 ص 388 الرقم 395، ربيع الأبرار: ج 4 ص 145، شعب الإيمان: ج 7 ص 323 ح 10458 كلاهما نحوه.

2- . ربيع الأبرار: ج 2 ص 673، شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد: ج 19 ص 188؛ تنبيه الخواطر: ج 1 ص 47.

3- . المحاسن: ج 2 ص 233 ح 1712، بحار الأنوار: ج 66 ص 337 ح 30.

4- . خَلَقَ الثَّوْبُ: إِذَا بَلِيَ (المصباح المنير: ص 180 «خلق»).

5- . في المصدر: «تشبعين»، والتصويب من بحار الأنوار وقصص الأنبياء.

فرمود: «از فخر فروشی و تکبر در امان نمی ماند».

گفتند: اگر از فخر فروشی و تکبر در امان ماند؟

فرمود: «پرداختن به آن، او را از یاد خدا باز می دارد».

23/5 پر خوری

349. عیسی بن مریم علیه السلام: پر خوری نکنید؛ زیرا کسی که زیاد بخورد، زیاد می خوابد، و هر که زیاد بخوابد، کمتر نماز می خواند، و هر که کمتر نماز بخواند، از جمله غافلان نوشته می شود.

350. عیسی بن مریم علیه السلام: تا گرسنه نشده اید غذا نخورید؟ و چون گرسنه شدید، بخورید، اما سیر نخورید؛ زیرا هرگاه سیر بخورید، گردن هایتان کلفت و پهلو هایتان چاق می شود، و پروردگارتان را فراموش می کنید.

351. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برادرم عیسی علیه السلام از شهری می گذشت که دید مرد و زنی با هم دعا می کنند. فرمود: «شما دورا چه شده است؟».

مرد گفت: ای پیامبر خدا! این زن، همسر من است، عیبی ندارد، زن خوبی است؛ اما دوست دارم از او جدا شوم.

عیسی علیه السلام فرمود: «پس به من بگو مشکل او چیست؟».

گفت: او پیر چهره است، بی آن که سال خورده باشد.

فرمود: «ای زن! آیا دوست داری که طراوت به چهره ات باز گردد؟».

زن گفت: آری.

عیسی علیه السلام به او فرمود: «زمانی که غذا می خوری، از سیر شدن پرهیز؛ زیرا

فَفَعَلَتْ ذَلِكَ فَعَادَ وَجْهَهَا طَرِيًّا. (1)

24/5 شُرْبُ الْخَمْرِ

352. عيسى بن مريم عليه السلام: الْخَمْرُ مِفْتَاحُ كُلِّ شَرٍّ. (2)

25/5 الضَّحْكُ مِنْ غَيْرِ عَجَبٍ

353. عيسى بن مريم عليه السلام - لِلْحَوَارِيِّينَ - : اَعْلَمُوا أَنَّ فِيكُمْ خِصْلَتَيْنِ مِنَ الْجَهْلِ: الضَّحْكُ مِنْ غَيْرِ عَجَبٍ، وَالصُّبْحَةُ (3)

مِنْ غَيْرِ سَهَرٍ. (4)

26/5 الْحُزْنُ وَالشُّرُوزُ فِي غَيْرِ مَكَانِهِمَا

354. عيسى بن مريم عليه السلام: يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: يَحْزُنُ عَبْدِي الْمُؤْمِنُ أَنْ أَصْرِفَ عَنْهُ.

ص: 224

1- .علل الشرائع:ص 497 ح 1 عن عمر بن علي عن أبيه الإمام علي عليه السلام، قصص الأنبياء للراوندي:ص 273 ح 328 نحوه، بحار الأنوار:ج 14 ص 320 ح 26.

2- .الزهد لابن حنبل:ص 117 عن جعفر بن جرفاس، سنن ابن ماجه:ج 2 ص 1119 ح 3371، الأدب المفرد:ص 18 ح 18 كلاهما عن أبي الدرداء عن رسول الله صلى الله عليه وآله، المستدرک على الصحيحين:ج 4 ص 162 ح 7231 عن ابن عباس عن رسول الله صلى الله عليه وآله وكلها نحوه، كشف الخفاء:ج 1 ص 345، كنز العمال:ج 5 ص 345 ح 13159.

3- .الصُّبْحَةُ:النوم أول النهار؛ لأنه وقت الذكر ثم وقت طلب الكسب (النهاية:ج 3 ص 7 «صبح»).

4- .الزهد لابن المبارك:ص 96 ح 283 عن عمران الكوفي، المصنّف لابن أبي شيبة:ج 8 ص 113 ح 16، تهذيب الكمال:ج 8 ص 281 الرقم 1703 كلاهما عن خلف بن حوشب وليس فيهما «من الجهل» وفيهما «التصبيح» بدل «الصباحة»، البداية والنهاية:ج 2 ص 91، الدر المنثور:ج 2 ص 202؛ الأمالي للطوسي:ص 533 ح 1162 عن أبي ذر عن رسول الله صلى الله عليه وآله نحوه.

اگر غذا، بیش از اندازه خورده شود، طراوت چهره از بین می رود».

زن به دستور عیسی علیه السلام عمل کرد و طراوت به چهره اش باز گشت.

24/5 شراب خواری

352. عیسی بن مریم علیه السلام: شراب، کلید همه بدی هاست.

25/5 خنده بیجا

353. عیسی بن مریم علیه السلام - به حواریان - بدانید که دو کار در شما از نابخردی است:

خندیدنی که از سر شگفتی نباشد، و خواب صبحگاهی که از روی شب زنده داری نباشد.

26/5 غم و شادی نابجا

354. عیسی بن مریم علیه السلام: خدای متعال می فرماید: بنده مؤمنم از این که دنیا را از او بگیرم،

ص: 225

الدُّنْيَا، وَذَلِكَ أَحَبُّ مَا يَكُونُ إِلَيَّ وَأَقْرَبُ مَا يَكُونُ مِنِّي، وَيَفْرَحُ أَنْ أَوْسَعَ عَلَيْهِ فِي الدُّنْيَا، وَذَلِكَ أَبْغَضُ مَا يَكُونُ إِلَيَّ وَأَبْعَدُ مَا يَكُونُ مِنِّي. (1)7.

ص: 226

1- .تحف العقول:ص 513، بحار الأنوار:ج 14 ص 317 ح 17.

اندوهگین می شود، در حالی که این، نزد من محبوب تر است و به من نزدیک تر، و از این که در دنیا به او گشایش دهم، شاد می شود، در حالی که این نزد من منفورتر است و از من دورتر.

ص: 227

355. عيسى بن مريم عليه السلام: لا تكونوا كالمُنخَلِ يَخْرُجُ مِنْهُ الدَّقِيقُ الطَّيِّبُ وَيُمَسِكُ النُّخَالَهَ؛ كَذَلِكَ أَنْتُمْ تُخْرِجُونَ الْحِكْمَةَ مِنْ أَفْوَاهِكُمْ وَيَبْقَى الْغُلُّ (1)

في صُدُورِكُمْ! (2)

356. عنه عليه السلام: إِلَى كَمْ يَسِيلُ الْمَاءُ عَلَى الْجَبَلِ لَا يَلِينُ؟! إِلَى كَمْ تَدْرُسُونَ الْحِكْمَةَ لَا يَلِينُ عَلَيْهَا قُلُوبُكُمْ؟! (3)

357. عنه عليه السلام: مَا أَكْثَرَ ثِمَارَ الشَّجَرِ وَلَيْسَ كُلُّهَا يَنْفَعُ وَيُؤْكَلُ! وَمَا أَكْثَرَ الْعُلَمَاءَ وَلَيْسَ كُلُّهُمْ يَنْتَفِعُ بِمَا عَلِمَ! وَمَا أَوْسَعَ الْأَرْضَ وَلَيْسَ كُلُّهَا تُسَكَنُ! وَمَا أَكْثَرَ الْمُتَكَلِّمِينَ وَلَيْسَ كُلُّ كَلَامِهِمْ يُصَدَّقُ!

فَاحْتَفَظُوا مِنَ الْعُلَمَاءِ الْكَذَّابَةِ الَّذِينَ عَلَيْهِمْ ثِيَابُ الصُّوفِ، مُنَكِّسِي رُؤُوسِهِمْ إِلَى الْأَرْضِ يُزَوِّرُونَ بِهِ الْخَطَايَا، يَرْمُقُونَ مِنْ تَحْتِ حَوَاجِبِهِمْ كَمَا تَرْمُقُ الذَّنَابُ، وَقَوْلُهُمْ.

ص: 228

1- الغل: الحقد والشحناء (النهاية: ج 3 ص 381).

2- تحف العقول: ص 393 عن الإمام الكاظم عليه السلام وص 510، بحار الأنوار: ج 1 ص 146 ح 30؛ تاريخ دمشق: ج 47 ص 460 عن سفيان بن عيينة وج 68 ص 64، تفسير الفخر الرازي: ج 2 ص 146.

3- الأمالي للمفيد: ص 209 ح 43 عن ابن سنان عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج 14 ص 325 ح 38؛ الزهد الكبير: ص 168 ح 384، تاريخ دمشق: ج 47 ص 462 كلاهما عن عيسى المرادي نحوه.

355. عیسی بن مریم علیه السلام: مانند غربال نباشید که آرد خوب و نرم را بیرون می دهد و نخاله را نگه می دارد. همچنین شما از دهان های خود حکمت را بیرون می دهید و کینه (ناخالصی) در سینه هایتان باقی می ماند!

356. عیسی بن مریم علیه السلام: تا به کی آب بر کوه روان شود و کوه نرم نگردد؟! تا به کی حکمت می خوانید و دل هایتان با آن نرم نمی شود؟!

357. عیسی بن مریم علیه السلام: چه بسیار است میوه های درختان، اما همه آنها مفید و خوردنی نیستند، و چه بسیارند دانشمندان، لیک همه آنها از علم خود بهره ای نمی برند، و چه پهناور است زمین، اما همه جای آن قابل سکونت نیست، و چه بسیارند سخن گویان، اما همه سخنان آنان باورکردنی نیست.

پس، خود را از [شر] عالمان دروغین نگه دارید؛ همانان که پشمینه می پوشند و سر به زیر راه می روند تا بدان وسیله، خطاها و گناهان خویش را نیکو جلوه دهند.

چون گرگ ها از زیر ابروان خویش [زیر چشمی] می نگرند، و گفتارشان با

يُخَالِفُ فِعْلَهُمْ. وَهَلْ يُجْتَنَى مِنَ الْعَوَسَجِ الْعِنَبُ، وَمِنَ الْحَنْظَلِ التَّيْنُ؟! وَكَذَلِكَ لَا يُؤْتَرُ قَوْلُ الْعَالِمِ الْكَاذِبِ إِلَّا زُورًا، وَلَيْسَ كُلُّ مَنْ يَقُولُ يَصْدُقُ. (1)

358. عنه عليه السلام: ماذا يُغني عن البيتِ المُظلمِ أن يُوضَعَ السُّرُجُ فوقَ ظَهْرِهِ وَجَوْفُهُ وَحَشٌّ مُظْلِمٌ؟! كَذَلِكَ لَا يُغْنِي عَنْكُمْ أَنْ يَكُونَ نُورُ الْعِلْمِ بِأَفْوَاهِكُمْ وَأَجْوَابِكُمْ مِنْهُ وَحَسَنَةٌ مُعْطَلَةٌ! (2)

2/6 مَثَلُ عُلَمَاءِ السُّوءِ

359. عيسى بن مريم عليه السلام: مَثَلُ عُلَمَاءِ السُّوءِ مَثَلُ صَخْرَةٍ وَقَعَتْ عَلَى فَمِ النَّهْرِ، لَا هِيَ تَشْرَبُ الْمَاءَ، وَلَا هِيَ تَتْرُكُ الْمَاءَ يَخْلُصُ إِلَى الزَّرْعِ. (3)

راجع: ص/40 ذم علماء السوء.

3/6 مَثَلُ قَلْبِ الْحَكِيمِ

360. عيسى بن مريم عليه السلام: إِنَّهُ لَيْسَ عَلَى كُلِّ حَالٍ يَصْلُحُ الْعَسَلُ فِي الزَّقَاقِ؛ وَكَذَلِكَ الْقَلْبُ لَيْسَ عَلَى كُلِّ حَالٍ تُعْمَرُ الْحِكْمَةُ فِيهَا. إِنَّ الزَّقَّ مَا لَمْ يَنْخَرِقْ أَوْ يَفْحَلْ (4)

أَوْ يَنْفَلْ (5)

فَسَوْفَ يَكُونُ لِلْعَسَلِ وَعَاءٌ؛ وَكَذَلِكَ الْقَلْبُ مَا لَمْ تَخْرِقْهَا الشَّهَوَاتُ وَيُدْنَسْهَا الطَّمَعُ).

ص: 230

1- . تحف العقول: ص 503، بحار الأنوار: ج 14 ص 307 ح 17؛ تاريخ دمشق: ج 47 ص 461 نحوه.

2- . تحف العقول: ص 506، بحار الأنوار: ج 14 ص 309 ح 17.

3- . تنبيه الخواطر: ج 1 ص 84؛ ربيع الأبرار: ج 3 ص 274، إحياء العلوم: ج 1 ص 89 وج 3 ص 572 وفيه «الوادي» بدل «النهر».

4- . فحل الشيء: ييس (لسان العرب: ج 11 ص 552).

5- . قَلَّ الشَّيْءُ تَقَلًّا: تَغَيَّرَتْ رَائِحَتُهُ (لسان العرب: ج 11 ص 77).

کردارشان نمی خواند. آیا می شود از خارین، انگور چید؟! (1)

و از بوته حنظل، انجیر؟! همچنین، گفته عالم دروغین، ثمری جز ناحق ندارد. چنین نیست که هر کس سخنی بگوید، راست گوید.

358. عیسی بن مریم علیه السلام: خانه تاریک را چه سود که بر بام آن چراغ بیفروزند و دروش تهی و تاریک باشد؟! همچنین شما را چه سود که نور دانش در دهان هایتان باشد؛ اما درون هایتان از آن تهی و بی بهره؟!

2/6 مثل دانشمندان فاسد

359. عیسی بن مریم علیه السلام: مثل عالمان بد، مثل تخته سنگی است که جلو جوی آب قرار گرفته است؛ نه خود آب می خورد و نه می گذارد آب به زراعت برسد.

ر.ک: ص 41/ نکوهش دانشمندان فاسد.

3/6 مثل دل انسان حکیم

360. عیسی بن مریم علیه السلام: هر خیکی، مناسب عسل نیست. دل ها نیز چنین اند؛ هر دلی حکمت پرور نیست. خیک تا زمانی که از هم ندریده یا نخشکیده و یا نپوسیده است می تواند ظرف عسل باشد. همچنین دل ها، تا زمانی که شهوت ها آنها را از

ص: 231

1- سعیدی می گوید: خرما نتوان خورد از این خار که کشتیم دیبا نتوان کرد از این پشم که رشتیم.

وَيَقْسُهَا النَّعِيمُ فَسَوْفَ تَكُونُ أَوْعِيَةً لِلْحِكْمَةِ. (1)

4/6 مَثَلُ الْحِكْمَةِ فِي الْقَلْبِ

361. عيسى بن مريم عليه السلام: بِحَقِّ أَقْوَلٍ لَكُمْ: إِنَّ الصَّقَالَ تَصْلُحُ السَّيْفَ وَتَجْلُوهُ، كَذَلِكَ الْحِكْمَةُ لِلْقَلْبِ تَصْقُلُهُ وَتَجْلُوهُ، وَهِيَ فِي قَلْبِ الْحَكِيمِ مِثْلُ الْمَاءِ فِي الْأَرْضِ الْمَيْتَةِ تُحْيِي قَلْبَهُ كَمَا يُحْيِي الْمَاءُ الْأَرْضَ الْمَيْتَةَ، وَهِيَ فِي قَلْبِ الْحَكِيمِ مِثْلُ النُّورِ فِي الظُّلْمَةِ يَمْشِي بِهَا فِي النَّاسِ. (2)

362. عنه عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْقُلُوبَ الْمَيْتَةَ بِنُورِ الْحِكْمَةِ، كَمَا يُحْيِي الْأَرْضَ الْمَيْتَةَ بِوَابِلِ (3)

المَطَرِ. (4)

راجع: ص 26/ تعلم العلم والحكمة.

5/6 مَثَلُ مَنْ يُحَدِّثُ الْحِكْمَةَ غَيْرَ أَهْلِهَا

363. عيسى بن مريم عليه السلام - أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ: - إِنَّ التَّارِكَ شِفَاءَ الْمَجْرُوحِ مِنْ جُرْحِهِ شَدِيدٍ لِيَجَارِحَهُ لَا مَحَالَةَ، وَذَلِكَ أَنَّ الْجَارِحَ أَرَادَ فَسَادَ الْمَجْرُوحِ وَالتَّارِكَ لِإِسْفَائِهِ لَمْ يَشَأْ صَدَّ لِحَاظِهِ، فَإِذَا لَمْ يَشَأْ صَدَّ لِحَاظُهُ فَقَدْ دَسَّاءَ فَسَادَهُ اضْطِرَارًا؛ فَكَذَلِكَ لَا تُحَدِّثُوا بِالْحِكْمَةِ غَيْرَ أَهْلِهَا فَتَجْهَلُوا، وَلَا تَمْنَعُوا أَهْلَهَا فَتَأْتُمُوا، وَلِيَكُنْ أَحَدُكُمْ بِمَنْزِلَةِ الطَّيِّبِ 0.

ص: 232

- 1- .تحف العقول: ص 504، عده الداعي: ص 96، التحصين لابن فهد: ص 6 ح 2، تنبيه الخواطر: ج 1 ص 148 كلها نحوه وفيها ذيله من «إنَّ الزَّقَّ...»، بحار الأنوار: ج 14 ص 307 ح 17؛ إحياء العلوم: ج 3 ص 317.
- 2- .تحف العقول: ص 512، بحار الأنوار: ج 14 ص 316 ح 17.
- 3- .الوابل: المطر الشديد الضخم القطر (لسان العرب: ج 11 ص 720 «وبل»).
- 4- .تحف العقول: ص 393 عن الإمام الكاظم عليه السلام وص 501، بحار الأنوار: ج 1 ص 146 ح 30.

هم ندریده و طمع، آلوده شان نساخته و خوشی و نعمت، سختشان نکرده باشد، می توانند ظرف حکمت باشند.

4/6 مَثَل حکمت، در دل آدمی

361. عیسی بن مریم علیه السلام: به درستی برایتان می گویم: صیقل دادن، شمشیر را نو می کند و جلایش می دهد. همچنین است حکمت برای دل؛ آن را صیقل و جلا می دهد.

حکمت در دل شخص حکیم، همانند آب در زمین مرده است؛ دل او را زنده می کند چنان که آب، زمین مرده را. حکمت در دل شخص حکیم، همانند نور است در تاریکی که به وسیله آن در میان مردم راه می رود.

362. عیسی بن مریم علیه السلام: خداوند، دل های مرده را با نور حکمت زنده می کند، همان گونه که زمین مرده را با سیلاب باران زنده می کند.

ر.ک: ص 271/فرا گرفتن علم و حکمت.

5/6 مَثَل کسی که حکمت را به نا اهل می سپارد

363. عیسی بن مریم علیه السلام - پیوسته می فرمود: - آن که درمان زخم مجروح را رها کند، بی گمان با مجروح کننده او شریک [جرم] است؛ زیرا آن که جراحت وارد آورده است، خواهان تباہ کردن مجروح بوده، و آن هم که مداوایش را رها کرده، بهبود او را نخواسته است، و هرگاه بهبود او را نخواهد، به ناچار تباہی وی را خواسته است. همچنین حکمت را به نااهلش نیاموزید که این، نادانی است، و از اهل آن هم دریغش مدارید که این کار گناه است؛ بلکه هر يك از شما باید به سان

ص: 233

المُداوي إن رأى مَوْضِعاً لِدَوَائِهِ وَإِلَّا أَمْسَكَ. (1)

364. عنه عليه السلام: إِنَّ لِلْحِكْمَةِ أَهْلًا، فَإِنْ وَضَعْتَهَا فِي غَيْرِ أَهْلِهَا ضَيَّعَتْ وَإِنْ مَنَعْتَهَا مِنْ أَهْلِهَا ضَيَّعَتْ، كُنْ كَالطَّيِّبِ يَضَعُ الدَّوَاءَ حَيْثُ يَنْبَغِي. (2)

365. عنه عليه السلام: يَا مَعْشَرَ الْحَوَارِيِّينَ، لَا تَلْقُوا اللَّوْلُوَ لِلخِنْزِيرِ، فَإِنَّهُ لَا يَصْنَعُ بِهِ شَيْئًا، وَلَا تُعْطُوا الْحِكْمَةَ مَنْ لَا يُرِيدُهَا، فَإِنَّ الْحِكْمَةَ أَحْسَنُ مِنَ اللَّوْلُو، وَمَنْ لَا يُرِيدُهَا أَشْرُّ مِنَ الْخِنْزِيرِ. (3)

366. عنه عليه السلام: لَا تَعْلَقُوا الْجَوَاهِرَ فِي أَعْنَاقِ الْخَنَازِيرِ. (4)

367. عنه عليه السلام: لَا تَطْرَحُوا الدَّرَّ تَحْتَ أَرْجْلِ الْخَنَازِيرِ. (5)

368. عنه عليه السلام: إِنَّ كُلَّ النَّاسِ يَبْصُرُ النَّجُومَ، وَلَكِنْ لَا يَهْتَدِي بِهَا إِلَّا مَنْ يَعْرِفُ مَجَارِيَهَا وَمَنَازِلَهَا؛ وَكَذَلِكَ تَدْرُسُونَ الْحِكْمَةَ وَلَكِنْ لَا يَهْتَدِي لَهَا مِنْكُمْ إِلَّا مَنْ عَمِلَ بِهَا. (6) 7.

ص: 234

1- الكافي: ج 8 ص 345 ح 545 عن أبان بن تغلب عن الإمام الصادق عليه السلام، وسائل الشيعة: ج 11 ص 401 ح 21156؛ وراجع: منية المرید: ص 184.

2- حلية الأولياء: ج 7 ص 273 الرقم 398، الدر المنثور: ج 2 ص 204 نقلاً عن أحمد وكلاهما عن سفيان بن عيينة، إحياء العلوم: ج 1 ص 57 نحوه.

3- الزهد لابن حنبل: ص 118، المصنّف لعبد الرزاق: ج 11 ص 257 ح 20482، البداية والنهاية: ج 2 ص 91، جامع بيان العلم: ج 1 ص 110، عيون الأخبار لابن قتيبة: ج 2 ص 124 كلّها عن عكرمة نحوه، الدر المنثور: ج 2 ص 214.

4- إحياء العلوم: ج 1 ص 85، تفسير القرطبي: ج 2 ص 185 عن رسول الله صلى الله عليه وآله، تاريخ بغداد: ج 9 ص 350 الرقم 4907 وفيهما «الدر» بدل «الجواهر»، تاريخ دمشق: ج 43 ص 141 ح 9124 نحوه وكلاهما عن أنس عن رسول الله صلى الله عليه وآله.

5- ربيع الأبرار: ج 3 ص 219، كنز العمال: ج 10 ص 247 ح 29319 نقلاً عن ابن النجار عن أنس وفيه «في أفواه» بدل «تحت أرجل».

6- تحف العقول: ص 507، بحار الأنوار: ج 14 ص 310 ح 17.

طیب درمانگر باشد که اگر جایی برای دوایش دید [مداوا می کند] و گرنه خودداری می نماید.

364. عیسی بن مریم علیه السلام: برای حکمت، اهلی است؛ پس اگر آن را به ناهلش بیاموزی، تباهش ساخته ای، و اگر از اهلس هم دریغ نمایی، تباهش ساخته ای. مانند طیب باش که دارو را آن جا که باید به کار می برد.

365. عیسی بن مریم علیه السلام: ای گروه حواریان! مروارید را به خوک مسپارید؛ زیرا که خوک با آن کاری نمی کند. حکمت را نیز به کسی که خواهانش نیست، مدهید.

حکمت، از مروارید بهتر است، و آن که خواهانش نیست، از خوک بدتر است.

366. عیسی بن مریم علیه السلام: جواهر را در گردن خوک میاویزید.

367. عیسی بن مریم علیه السلام: دُر را در پای خوکان نریزید. (1)

368. عیسی بن مریم علیه السلام: همه مردم ستارگان را می بینند؛ اما تنها آن کس با آنها راهیابی می کند که مسیرها و جایگاه های ستارگان را بشناسد. همچنین همه شما حکمت می آموزید؛ لیک از میان شما تنها کسی بدان راه می یابد که آن را به کار بندد. ا.

ص: 235

1- ای بسا حکیم ناصر خسرو قبادیانی، مضمون این بیت خود را از همین کلام گرفته باشد: من آنم که در پای خوکان نریزم مر این قیمتی دُر لفظ دری را.

369. عنه عليه السلام: بِحَقِّ أَقْوَلٍ لَكُمْ: إِنَّ نَقْلَ الْحِجَارَةِ مِنْ رُؤُوسِ الْجِبَالِ أَفْضَلُ مِنْ أَنْ تُحَدِّثَ مَنْ لَا يَعْقِلُ عَنْكَ حَدِيثَكَ، كَمَثَلِ الَّذِي يَنْقَعُ الْحِجَارَةَ لِتَلِينِ، وَكَمَثَلِ الَّذِي يَصْنَعُ الطَّعَامَ لِأَهْلِ الْقُبُورِ!

طوبى لمن حبس الفضل من قوله الذي يخاف عليه المقت من ربه، ولا يحدث حديثاً إلا يفهم، ولا يغبط امرءاً في قوله حتى يستبين له فعله. (1)

6/6 مثل القلب إذا لم ترق بذكر الموت

370. عيسى بن مريم عليه السلام: إِنَّ الدَّابَّةَ إِذَا لَمْ تُرْتَكَبْ وَلَمْ تُمْتَهَنَ وَتُسْتَعْمَلَ لِتَصْعَبُ وَيَتَغَيَّرُ خُلُقُهَا؛ وَكَذَلِكَ الْقُلُوبُ إِذَا لَمْ تُرْفَقْ (2)

بذكر الموت وتتبعها (3)

دُؤُوبُ الْعِبَادَةِ تَقْسُو وَتَغْلُظُ. (4)

7/6 مثل حاجة القلب إلى النقاء

371. عيسى بن مريم عليه السلام: بِحَقِّ أَقْوَلٍ لَكُمْ: إِنَّهُ لَا يَكُونُ مَطَرٌ بَعِيرٍ سَحَابٍ؛ كَذَلِكَ لَا يَكُونُ عَمَلٌ فِي مَرَضَةِ الرَّبِّ إِلَّا بِقَلْبٍ نَقِيٍّ. (5).

ص: 236

1- .تحف العقول:ص 512، بحار الأنوار:ج 14 ص 316 ح 17؛ تاريخ دمشق:ج 68 ص 68 وليس فيه ذيله من طوبى».

2- .كذا في المصدر.

3- .في بحار الأنوار:«إذا لم ترق...ويتبعها».

4- .تحف العقول:ص 506، عدة الداعي:ص 96، التحصين لابن فهد:ص 5 ح 2 كلاهما نحوه، بحار الأنوار:ج 14 ص 309 ح 17.

5- .تحف العقول:ص 512، بحار الأنوار:ج 14 ص 316 ح 17؛ تاريخ دمشق:ج 68 ص 67 وليس فيه «عمل في».

369. عیسی بن مریم علیه السلام: به درستی برایتان می گویم: جا به جا کردن سنگ ها از قلّه های کوه، بهتر از آن است که سخن خود را به کسی بگویی که سخنت را در نمی یابد.

این کار، چونان کار کسی است که سنگ را در آب بخواباند تا نرم شود، و چونان کار کسی است که برای خفتگان در گورها خوراك سازد! خوشا به حال کسی که زیادیِ گفتارش را که می ترسد خداوندگارش را به خشم آورد، نگه می دارد، و سخنی نمی گوید مگر آن که فهمیده شود، و به گفتار هیچ کس رشك نمی برد تا این که کردار او برایش معلوم گردد.

6/6 مَثَل دلی که با یاد مرگ، نرم نشود

370. عیسی بن مریم علیه السلام: از ستور، هرگاه سواری نگیرند و بار نکشند و به کارشان نگیرند، سرکش و کج خُلق می شوند. همچنین است دل ها. هرگاه با یاد مرگ، نرم نشوند و رنج مداومت بر عبادت را نکشند، سخت و درشت می شوند.

7/6 مَثَل نیازمندی دل به پاکی

371. عیسی بن مریم علیه السلام: به درستی برایتان می گویم: همچنان که هیچ بارانی بی ابر نمی بارد، کردار خداپسند نیز جز با دل پاک، میسر نمی شود.

ص: 237

372. عيسى بن مريم عليه السلام: يَا مَعْشَرَ الْحَوَارِيِّينَ! كَمْ مِنْ سِرَاجٍ أَطْفَأَتْهُ الرِّيحُ، وَكَمْ مِنْ عَابِدٍ أَفْسَدَتْهُ (1)

(2) الْعُجْبُ!

راجع: ص 210/العجب.

9/6 مَثَلُ أَخْذِ الْحِكْمَةِ مِمَّنْ لَا يَنْتَفِعُ بِهَا

373. عيسى بن مريم عليه السلام: بِحَقِّ أَقْوَلٍ لَكُمْ: لَوْ وَجَدْتُمْ سِرَاجاً يَتَوَقَّدُ بِالْفِطْرَانِ فِي لَيْلَةٍ مُظْلِمَةٍ لَا سَتَضَاتُمْ بِهِ وَلَمْ يَمْنَعْكُمْ مِنْهُ رِيحٌ نَتْنَةٌ؛ كَذَلِكَ يَنْبَغِي لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا الْحِكْمَةَ مِمَّنْ وَجَدْتُمُوهَا مَعَهُ، وَلَا يَمْنَعُكُمْ مِنْهُ سُوءُ رَغْبَتِهِ فِيهَا. (3)

10/6 مَثَلُ الدُّنْيَا

374. الإمام الصادق عليه السلام: تَمَثَّلَتِ الدُّنْيَا لِعِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي صُورَةِ امْرَأَةٍ زَرْقَاءَ، فَقَالَ لَهَا: كَمْ تَزَوَّجْتِ؟ قَالَتْ: كَثِيرًا، قَالَ: فَكُلُّ طَلَّقِكَ؟ قَالَتْ: بَلَى كَلَّا قَتَلْتُ (4)

قال: فَوَيْحُ أَزْوَاجِكِ الْبَاقِيْنَ، كَيْفَ لَا يَعْتَبِرُونَ بِالْمَاضِيْنَ! (5) 0.

ص: 238

1- في الطبعة المعتمدة للمصدر: «أفسدته»، والتصويب من بحار الأنوار ومستدرک الوسائل: ج 1 ص 139 ح 203.

2- عدّة الداعي: ص 223، بحار الأنوار: ج 72 ص 322 ح 37.

3- تحف العقول: ص 392 عن الإمام الكاظم عليه السلام وص 508 وفيه «قطرانه» بدل «نتنه»، بحار الأنوار: ج 1 ص 145 ح 30 وراجع: المحاسن: ج 1 ص 360 ح 772.

4- في الطبعة المعتمدة للمصدر: «بلى، كلاً طَلَّقْتُ» والتصويب من بحار الأنوار والمصادر الأخرى.

5- الزهد للحسين بن سعيد: ص 116 ح 132 عن طلحة بن زيد، تحف العقول: ص 396 عن الإمام الكاظم عليه السلام، مشكاة الأنوار: ص 469 ح 1573، كنز الفوائد: ج 1 ص 344 عن أبي شهاب عن عيسى عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 73 ص 126 ح 120.

372. عیسی بن مریم علیه السلام: ای گروه حواریان! بسا چراغی که باد خاموشش کرد، و بسا عابدی که خودپسندی تباهش نمود.
ر.ك:ص 211/ خود پسندی.

9/6 مَثَل آموختن حکمت از کسی که خود از آن بهره نمی برد

373. عیسی بن مریم علیه السلام: به درستی برایتان می گویم: اگر چراغی را بیابید که در شبی تار، با روغن قطران (1) می سوزد، بی گمان از روشنایی اش بهره می گیرید و بوی بد آن شما را از آن باز نمی دارد. همچنین سزاوار است که حکمت را در هر کس یافتید، فراگیرید، و بی رغبتی او بدان، شما را از این کار باز ندارد.

10/6 مَثَل دنیا

374. امام صادق علیه السلام: دنیا در صورت زنی چشم آبی در برابر مسیح علیه السلام نمایان شد.
مسیح علیه السلام به او فرمود: «چندبار ازدواج کرده ای؟».

گفت: بسیار.

فرمود: «همه آنها طلاق دادند؟».

گفت: نه؛ بلکه آنها را کشتم.

فرمود: «پس وای بر شوهران باقیمانده تو! چگونه از گذشتگان عبرت نمی گیرند؟!».

ص: 239

1- قطران مایعی روغنی شکل و چسبنده است که غالباً از جوشاندن چوب خشك درخت صنوبر وچوب های دیگر بدست می آید. بوی قطران شبیه بوی سوختگی است (فرهنگ معین: ج 2 ص 2692).

375. التحصين لابن فهد: رُوِيَ أَنَّ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ كُشِفَ لَهُ الدُّنْيَا فَرَأَاهَا فِي صُورَةِ عَجُوزَةٍ شَمَطَاءٍ (1)

عَلَيْهَا مِنْ كُلِّ زِينَةٍ، فَقَالَ لَهَا: كَمْ تَزَوَّجْتِ؟ قَالَتْ: لَا أَحْصِيهِمْ، قَالَ: فَكُلُّهُمْ مَاتَ عِنَّا، أَوْ طَلَّقوكِ؟ قَالَتْ: بَلْ كُلُّهُمْ قَتَلْتُ.

قَالَ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: بُؤْساً لِأَزْوَاجِكِ الْبَاقِيْنَ، كَيْفَ لَا يَعْتَبِرُونَ بِأَزْوَاجِكِ الْمَاضِيْنَ؛ كَيْفَ أَهْلَكْتِهِمْ وَاحِدًا وَاحِدًا وَلَا يَكُونُونَ مِنْكَ عَلَى حَذْرٍ؟! (2)

376. رسول الله صلى الله عليه وآله: مُثِّلَتْ لِأَخِي عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ الدُّنْيَا فِي صُورَةِ امْرَأَةٍ، فَقَالَ لَهَا: أَلَيْكَ زَوْجٌ؟ فَقَالَتْ: نَعَمْ، أَزْوَاجٌ كَثِيرَةٌ. فَقَالَ: هُمْ أَحْيَاءٌ؟ قَالَتْ: لَا، وَلَكِنْ قَتَلْتُهُمْ، فَعَلِمَ حِينَئِذٍ أَنَّهَا دُنْيَا مُثِّلَتْ لَهُ. (3)

11/6 مَثَلُ عَيْدِ الدُّنْيَا

377. عيسى بن مريم عليه السلام: وَيَلِكُمْ يَا عَيْدَ الدُّنْيَا! تَحْمِلُونَ السَّرَاحَ فِي ضَوْءِ الشَّمْسِ وَضَوْوُهَا كَانَ يَكْفِيكُمْ، وَتَدْعُونَ أَنْ تَسْتَصِيئُوا بِهَا فِي الظُّلْمِ وَمِنْ أَجْلِ ذَلِكَ سَخَّرْتُ لَكُمْ! كَذَلِكَ اسْتَضَاءَتْ بِنُورِ الْعِلْمِ لِأَمْرِ الدُّنْيَا وَقَدْ كَفَيْتُمُوهُ، وَتَرَكْتُمْ أَنْ تَسْتَصِيئُوا بِهِ لِأَمْرِ الْآخِرَةِ وَمِنْ أَجْلِ ذَلِكَ أَعْطَيْتُمُوهُ.

تَقُولُونَ: إِنَّ الْآخِرَةَ حَقٌّ، وَأَنْتُمْ تَمَهِّدُونَ الدُّنْيَا! وَتَقُولُونَ: إِنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ، وَأَنْتُمْ تَقْرُونَ مِنْهُ! وَتَقُولُونَ: إِنَّ اللَّهَ يَسْمَعُ وَيَرَى، وَلَا تَخَافُونَ إِحْصَاءَهُ عَلَيْكُمْ! وَكَيْفَ 4.

ص: 240

-
- 1- الشَّمَطُ فِي الرَّجْلِ: شَيْبُ اللَّحِيَةِ، وَفِي الْمَرْأَةِ: شَيْبُ الرَّأْسِ، يُقَالُ لِلْمَرْأَةِ: شَمَطَاءٌ (تاج العروس: ج 10 ص 313 «شمط»).
 - 2- التحصين لابن فهد: ص 28 ح 48، تنبيه الخواطر: ج 1 ص 146، إرشاد القلوب: ص 186 كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 14 ص 328 ح 56، إحياء العلوم: ج 3 ص 315 نحوه.
 - 3- الفردوس: ج 4 ص 167 ح 6520 عن أنس، كنز العمال: ج 3 ص 236 ح 6324.

375. التحصين، ابن فهد: روایت شده است که [حقیقت] دنیا برای عیسی علیه السلام نمایان شد و آن را به صورت پیر زالی دید آراسته به انواع زینت ها. به او فرمود: «چند بار ازدواج کرده ای؟».

گفت: شمارشان را ندارم.

فرمود: «همه آنها مردند یا طلاق دادند؟» گفت: نه؛ همه آنها را کشتم.

عیسی علیه السلام فرمود: «بیچاره شوهران باقیمانده تو! چگونه از شوهران گذشته ات عبرت نمی گیرند؟! آنها را یکایک نابود کردی و با این حال از تو نمی پرهیزند؟!»

376. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دنیا برای برادر عیسی بن مریم به صورت زنی نمایان شد. عیسی به او گفت: «آیا تو شوهرداری؟».

گفت: بله؛ شوهرهای بسیار.

گفت: «آنها زنده اند؟».

گفت: نه، آنها را کشتم.

در این هنگام، عیسی دانست که او دنیا است که در نظرش نمایان شده است.

11/6 مَثَل بندگان دنیا

377. عیسی بن مریم علیه السلام: وای بر شما ای بندگان دنیا! در آفتاب، چراغ بر می دارید، حال آن که آفتاب، خود، شما را کافی است، و در تاریکی ها چراغ بر نمی افروزید، در حالی که برای همین در اختیار شما نهاده شده است! همچنین از نور دانش برای کار دنیا بهره می گیرید، با آن که دنیا برایتان ضمانت شده است، و از نور دانش برای کار آخرت بهره نمی گیرید، با آن که برای همین به شما داده شده است.

می گویند: آخرت، راست است؛ اما دنیا را آماده می کنید! می گویند: مرگ، حق است؛ لیک از آن می گریزید! می گویند: خدا شنوا و بیناست؛ لیک از این که

يُصَدِّقُكُمْ مَنْ سَمِعَكُمْ؟! فَإِنَّ مَنْ كَذَبَ مِنْ غَيْرِ عِلْمٍ أَعْدُوٌّ مِمَّنْ كَذَبَ عَلَى عِلْمٍ، وَإِنْ كَانَ لَأَعْدُوٌّ فِي شَيْءٍ مِنَ الْكِذْبِ. (1)

12/6 مَثَلُ الْمُنَافِقِ

378. عيسى بن مريم عليه السلام: عَيْبِدَ السُّوءِ! فَلَا عَيْبِدَ أَتْقِيَاءَ، وَلَا أَحْرَارَ كِرَامٍ، إِنَّمَا مَثَلُكُمْ كَمَثَلِ الدَّفْلِيِّ؛ (2)

يُعْجِبُ بِزَهْرِهَا مَنْ يَرَاهَا، وَيَقْتُلُ مَنْ طَعَمَهَا. (3)

379. عنه عليه السلام: يَا عَيْبِدَ الدُّنْيَا! مَثَلُكُمْ كَمَثَلِ الْقُبُورِ الْمُشَيَّدَةِ؛ يُعْجِبُ النَّاطِرَ ظَهْرُهَا، وَدَاخِلُهَا عِظَامُ الْمَوْتَى، مَمْلُوءَةٌ خَطَايَا. (4)

راجع: ص/200 النفاق.

13/6 مَثَلُ صَاحِبِ الدُّنْيَا

380. عيسى بن مريم عليه السلام: كَمَا أَنَّ الْخَائِضَ فِي الْمَاءِ يَجِدُ بَلَلًا لَا مَحَالَةَ؛ كَذَلِكَ صَاحِبُ الدُّنْيَا يَجِدُ عَلَى قَلْبِهِ رَيْنًا (5)

وَقَسْوَةً لَا مَحَالَةَ. (6)

381. عنه عليه السلام: بِحَقِّ أَقُولُ لَكُمْ: إِنَّهُ كَمَا يَنْظُرُ الْمَرِيضُ إِلَى طَيِّبِ الطَّعَامِ فَلَا يَلْتَذُّهُ مَعَ مَا يَجِدُهُ ل.

ص: 242

1- تحف العقول: ص 506، بحار الأنوار: ج 14 ص 308 ح 17.

2- الدفلي: شجر مرّ، أخضر حسن المنظر، يكون في الأدوية... وهي من السموم (لسان العرب: ج 11 ص 246 «دفل»).

3- الأماشي للمفيد: ص 209 ح 43 عن ابن سنان الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج 14 ص 325 ح 38؛ الزهد الكبير: ص 168 ح 384 عن عيسى المرادي نحوه.

4- تحف العقول: ص 501، بحار الأنوار: ج 14 ص 305 ح 17.

5- أصل الرين: الطبع والتغطية. والرین: سواد القلب (لسان العرب: ج 13 ص 193 «رين»).

6- عدّة الداعي: ص 104 عن الإمام الصادق عليه السلام نقلاً عن الإنجيل.

کردارهای شما را شماره می کند، نمی ترسید! چگونه کسی حرف های شما را بشنود و باور کند؟! زیرا آن که ندانسته دروغ بگوید، معذورتر از کسی است که دانسته دروغ بگوید، هر چند در هیچ دروغی، عذری پذیرفته نیست.

12/6 مَثَلِ مَنَافِقِ

378. عیسی بن مریم علیه السلام: ای بندگان بد! شما نه بندگان پروادار هستید، و نه آزادگانی شرافتمند؛ بلکه مَثَلِ شما مَثَلِ خرزهره است که گل هایش بیننده را خوش می آید، اما هر که آن را بخورد، می میرد.

379. عیسی بن مریم علیه السلام: ای بندگان دنیا! مَثَلِ شما مَثَلِ گورهای آراسته است که بیرونشان بیننده را خوش می آید، و اندرونشان استخوان های مردگان است، و آکنده از گناهان.

ر.ک: ص/201 دورویی.

13/6 مَثَلِ دَنِيَادَارِ

380. عیسی بن مریم علیه السلام: آن که در آب برود، لاجرم دامنش تر می شود. همچنین است دنیا دار، که لاجرم بر دلش زنگار و سختی می نشیند.

381. عیسی بن مریم علیه السلام: به درستی برایتان می گویم: همچنان که بیمار به خوراك لذیذ می نگرد، اما از درد شدیدی که دارد، از آن خوراك لذتی نمی برد، دنیا دار نیز با

ص: 243

من شِدَّةِ الْوَجَعِ؛ كَذَلِكَ صَاحِبُ الدُّنْيَا لَا يَلْتَذُّ بِالْعِبَادَةِ وَلَا يَجِدُ حَلَاوَتَهَا مَعَ مَا يَجِدُ مِنْ حُبِّ الْمَالِ. (1)

382. عنه عليه السلام - فِي مَوَاعِظِهِ -: بِحَقِّ أَقْوَالٍ لَكُمْ: مَنْ لَا يُنْقِي مِنْ زَرْعِهِ الْحَشِيشَ يَشْ يَكْثُرُ فِيهِ حَتَّى يَغْمُرَهُ فَيُفْسِدَهُ، وَكَذَلِكَ مَنْ لَا يَخْرُجُ مِنْ قَلْبِهِ حُبَّ الدُّنْيَا يَغْمُرُهُ حَتَّى لَا يَجِدُ لِحُبِّ الآخِرَةِ طَعْمًا. (2)

383. عنه عليه السلام: طَالِبُ الدُّنْيَا مِثْلُ شَارِبِ مَاءِ الْبَحْرِ؛ كُلَّمَا أَزْدَادَ شَرِبًا أَزْدَادَ عَطْشًا حَتَّى يَقْتُلَهُ. (3)

384. الإمام زين العابدين عليه السلام - لِأَصْحَابِهِ -: أَمَا بَلَّغَكُمْ مَا قَالَ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِلْحَوَارِيِّينَ؟ قَالَ لَهُمْ: ... أَيُّكُمْ يَبْنِي عَلَى مَوْجِ الْبَحْرِ دَارًا؟ تَلَكُمُ الدَّارُ الدُّنْيَا، فَلَا تَتَّخِذُوهَا قَرَارًا. (4)

385. عنه عليه السلام - لِأَصْحَابِهِ -: أَمَا بَلَّغَكُمْ مَا قَالَ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِلْحَوَارِيِّينَ؟ قَالَ لَهُمْ: الدُّنْيَا قَنْطَرَةٌ، فَاعْبُرُوهَا وَلَا تَعْمُرُوهَا (5)

. (6) 7.

ص: 244

1- .تحف العقول:ص 507، التحصين لابن فهد:ص 5 ح 2، بحار الأنوار:ج 14 ص 310 ح 17 وراجع:عدّة الداعي:ص 96.

2- .تحف العقول:ص 509، بحار الأنوار:ج 14 ص 312 ح 17.

3- .البداية والنهاية:ج 2 ص 89، تاريخ دمشق:ج 47 ص 431 كلاهما عن أبي عبد الله الصوفي، إحياء العلوم:ج 3 ص 318؛ تنبيه الخواطر:ج 1 ص 149.

4- .الأمالى للمفيد:ص 43 ح 1 عن أبي حمزة الثمالي، تنبيه الخواطر:ج 1 ص 76 عن عيسى عليه السلام، بحار الأنوار:ج 73 ص 107 ح 107؛ الزهد لابن حنبل:ص 76 عن مكحول عن عيسى عليه السلام ووص 118 عن إبراهيم عن عيسى عليه السلام، البداية والنهاية:ج 2 ص 89، تاريخ دمشق:ج 47 ص 430 عن زرعة بن إبراهيم عن عيسى عليه السلام وكلّها نحوه.

5- .قال في تنبيه الخواطر بعد نقله قول النبي عيسى عليه السلام: هو مثال واضح، فإنّ حياة الدنيا معبر الآخرة، والمهد هو المثل الأوّل على رأس القنطرة، واللحد هو المثل الثاني، وبينهما مسافة محدودة؛ فمن الناس من قطع نصف القنطرة، ومنهم من قطع ثلثها، ومنهم من قطع ثلثيها، ومنهم من لم يبق إلا خطوة واحدة وهو غافل عنها، وكيف ما كان لا بدّ من العبور.

6- .الأمالى للمفيد:ص 43 ح 1 عن أبي حمزة الثمالي، الخصال:ص 65 ح 95 عن الزهري، التحصين لابن فهد:ص 30 ح 54، تنبيه الخواطر:ج 1 ص 147، روضة الواعظين:ص 483؛ بحار الأنوار:ج 73 ص 107 ح 107؛ إحياء العلوم:ج 3 ص 317.

وجود مال دوستی، از عبادت لذت نمی برد و شیرینی آن را نمی چشد.

382. عیسی بن مریم علیه السلام - در اندرزهایش - به درستی برایتان می گویم: هر که کشتزارش را از علف های هرز، وجین نکند، آن علف ها زیاد می شوند تا جایی که تمام زراعت او را فرا می گیرند و تباهش می کنند. همچنین کسی که محبت دنیا از دلش بیرون نرود، دنیا دوستی، دل او را فرا می گیرد تا جایی که طعم محبت آخرت را هیچ احساس نمی کند.

383. عیسی بن مریم علیه السلام: طالب دنیا همانند نوشنده آب دریاست؛ هر چه بیشتر بنوشد، تشنه تر می شود تا جایی که او را می کشد.

384. امام زین العابدین علیه السلام - به یارانش - مگر آنچه عیسی بن مریم علیه السلام به حواریان فرمود، به شما نرسیده است؟ به آنها فرمود: «... کدام يك از شما بر موج دریا خانه می سازد؟ این، حکایت خانه دنیا است. پس آن را جای ماندن نگیرید».

385. امام زین العابدین علیه السلام - به یارانش - مگر به شما نرسیده است آنچه که عیسی بن مریم علیه السلام به حواریان فرمود؟! به آنها فرمود: «دنیا، يك پل است؛ پس، از آن بگذرید و آبادش مسازید».

386. شعب الإيمان عن مالك بن دينار: قالوا لعيسى بن مريم: يا روح الله، ألا نبني لك بيتاً؟ قال: بلى، ابنوه على ساحل البحر. قالوا: إذا يجيء الماء فيذهب به! قال: أين تريدون تبنون لي؟ على القنطرة؟! (1)

14/6 مثل الدنيا والآخرة

387. عيسى بن مريم عليه السلام: مثل الدنيا والآخرة كمثل رجل له ضرّتان: إن أرضى إحداهما سخّطت الأخرى. (2)

388. عنه عليه السلام: لا يطيق عبد أن يكون له ربّان، إن أرضى أحدهما أسخّط الآخر، وإن أسخّط أحدهما أرضى الآخر؛ وكذلك لا يطيق عبد أن يكون خادماً للدنيا يعمل عمل الآخرة. (3)

15/6 مثل من يعصي الله

389. عيسى بن مريم عليه السلام: بحق أقول لكم: إنّه كما لا ينتقص البحر أن تغرق فيه السفينة ولا يصدّره ذلك شيئاً؛ كذلك لا تنقصون الله بمعاصيكم شيئاً ولا تضرونّه، بل أنفسكم تضرون، وإياها تنقصون. (4)7.

ص: 246

-
- 1- شعب الإيمان: ج 7 ص 399 ح 10745، تاريخ دمشق: ج 47 ص 419، الدر المنثور: ج 2 ص 202.
 - 2- مشكاة الأنوار: ص 467 ح 1559، روضة الواعظين: ص 490، تنبيه الخواطر: ج 1 ص 138، عوالي اللآلي: ج 1 ص 277 ح 106 كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 73 ص 122 ح 110؛ تاريخ دمشق: ج 63 ص 394 عن وهب بن منبه من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت وإليه عليهم السلام وفيه «امراتان» بدل «ضرتان».
 - 3- تاريخ دمشق: ج 47 ص 445 عن أنس، الدر المنثور: ج 2 ص 213.
 - 4- تحف العقول: ص 507، بحار الأنوار: ج 14 ص 309 ح 17.

386. شعب الایمان - به نقل از مالک بن دینار - به عیسی بن مریم علیه السلام گفتند: ای روح خدا! آیا برایت خانه ای نسازیم؟! فرمود: «آری. آن را، در کنار دریا بسازید».

گفتند: در این صورت، آب می آید و آن را می برد!

فرمود: «پس کجا می خواهید برایم بسازید؟ بر روی پل؟!».

14/6 مَثَل دُنیا و آخِرَت

387. عیسی بن مریم علیه السلام: مَثَل دُنیا و آخِرَت، مَثَل مردی دوزنه است که اگر یکی را خشنود سازد، دیگری ناخشنود می شود.

388. عیسی بن مریم علیه السلام: هیچ برده ای نمی تواند دو سرور داشته باشد؛ [چون] اگر یکی از آن دو را خشنود سازد، دیگری را ناخشنود می کند، و اگر یکی را ناخشنود سازد، دیگری را خشنود می گرداند. همچنین هیچ بنده ای نمی تواند خدمتکار دنیا باشد و عمل آخِرَت انجام دهد.

15/6 مَثَل کسی که نافرمانی خدا می کند

389. عیسی بن مریم علیه السلام: به درستی برایتان می گویم: همچنان که غرق شدن کشتی در دریا، چیزی از دریا نمی کاهد و زیانی به آن نمی رساند، همچنین شما نیز با گناهاتتان چیزی از خدا نمی کاهید و زیانی به او نمی رسانید؛ [\(1\)](#)

بلکه به خود زیان می رسانید و از [قدر و قیمت] خود می کاهید.

ص: 247

1- گر جمله کاینات کافر گردند بر دامن کبریات نشینند گرد (بابا افضل کاشانی)

390. عيسى بن مريم عليه السلام: بِحَقِّ أَقْوَالٍ لَكُمْ: مَنْ نَظَرَ إِلَى الْحَيَّةِ تَوَّمَّ أَخَاهُ لِتَلَدَّغِهِ وَلَمْ يُحَذِّرْهُ حَتَّى قَتَلْتَهُ، فَلَا يَأْمَنُ أَنْ يَكُونَ قَدْ شَرِكَ فِي دَمِهِ؛ وَكَذَلِكَ مَنْ نَظَرَ إِلَى أَخِيهِ يَعْمَلُ الْخَطِيئَةَ وَلَمْ يُحَذِّرْهُ عَاقِبَتَهَا حَتَّى أَحَاطَتْ بِهِ، فَلَا يَأْمَنُ أَنْ يَكُونَ قَدْ شَرِكَ فِي إِثْمِهِ.

وَمَنْ قَدَرَ عَلَى أَنْ يُغَيِّرَ الظَّالِمَ ثُمَّ لَمْ يُغَيِّرْهُ فَهُوَ كَفَاعِلِهِ، وَكَيْفَ يُهَابُ الظَّالِمُ وَقَدْ أَمِنَ بَيْنَ أَظْهُرِكُمْ لَا يَنْهَى، وَلَا يُغَيِّرُ عَلَيْهِ، وَلَا يُؤْخِذُ عَلَى يَدَيْهِ؟! فَمِنْ أَيْنَ يَقْصُرُ الظَّالِمُونَ أَمْ كَيْفَ لَا يَغْتَرُّونَ؟!

فَحَسْبُ أَنْ يَقُولَ أَحَدُكُمْ: لَا- أَظْلِمُ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُظْلِمِ، وَيَرَى الظُّلْمَ فَلَا يُغَيِّرُهُ! فَلَوْ كَانَ الْأَمْرُ عَلَى مَا تَقُولُونَ لَمْ تُعَاقِبُوا مَعَ الظَّالِمِينَ الَّذِينَ لَمْ تَعْمَلُوا بِأَعْمَالِهِمْ حِينَ تَنْزِلُ بِهِمُ الْعَتْرَةُ فِي الدُّنْيَا. (1)

راجع: ص/ 164 الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر.

391. تحف العقول: قَالَ [عيسى] عَلَيْهِ السَّلَامُ لِأَصْحَابِهِ: أَرَأَيْتُمْ لَوْ أَنَّ أَحَدًا مَرَّ بِأَخِيهِ فَرَأَى ثَوْبَهُ قَدْ انْكَشَفَ عَنِ عَوْرَتِهِ، أَكَانَ كَاشِفًا عَنْهَا أَمْ يَرُدُّ عَلَى مَا انْكَشَفَ مِنْهَا؟ فَالُوا: بَلْ يَرُدُّ عَلَى مَا انْكَشَفَ مِنْهَا. قَالَ: كَلَّا، بَلْ تَكْشِفُونَ عَنْهَا! فَعَرَفُوا أَنَّهُ مَثَلُ ضَرْبِهِ لَهُمْ، فَقَالُوا:

يَا رُوحَ اللَّهِ، وَكَيْفَ ذَاكَ؟

قَالَ: ذَاكَ الرَّجُلُ مِنْكُمْ يَطَّلِعُ عَلَى الْعَوْرَةِ مِنْ أَخِيهِ فَلَا يَسْتُرُهَا. (2) 6.

ص: 248

1- . تحف العقول: ص 504، بحار الأنوار: ج 14 ص 308 ح 17.

2- . تحف العقول: ص 502 و 305، بحار الأنوار: ج 14 ص 305 ح 17؛ تاريخ دمشق: ج 47 ص 436 عن خالد الربيعي، إحياء العلوم: ج 2 ص 258 كلاهما نحوه، الدرر المشور: ج 2 ص 206.

16/6 مَثَل کسی که نهی از منکر نمی کند

390. عیسی بن مریم علیه السلام: به درستی برایتان می گویم: هر کس ماری را ببیند که به طرف برادرش می رود تا او را نیش بزند و به برادر خود هشدار ندهد و مار او را بکشد، نباید خود را از شریک بودن در خون او مبرا بداند. همچنین هر که ببیند برادرش گناه می کند و او را از فرجام آن برحذر ندارد تا گناه، وی را فرا گیرد، از شریک بودن در گناه وی مبرا نیست.

و هر کس بتواند جلو ستمگر را بگیرد، و نگیرد، همچون کسی است که مرتکب ستم شده باشد. چگونه ستمگر بهر اسد با آن که در میان شما امنیت دارد و وی را باز نمی دارند و جلوی او را نمی گیرند و دستش را کوتاه نمی کنند؟! [با چنین حالی] چگونه ستمگران، [از ستم خود] کوتاه بیایند و مغرور نشوند؟!

آیا کافی است که فردی از شما بگوید: من، خود ستم نمی کنم و هر که بخواهد، گو ستم کند، و ستم را ببیند و جلوی آن را نگیرد؟! اگر چنین بود که شما می گوید، وقتی در دنیا بر ستمگران کیفر و بلا می رسید، شما به همراه آنها مجازات نمی شدید، در حالی که مانند آنها ستم نکرده اید. ر.ک: ص/165 امر به معروف و نهی از منکر.

17/6 مَثَل عیجوی دیگران

391. تحف العقول: عیسی علیه السلام به یارانش فرمود: «بگوئید بدانم، اگر یکی از شما بر برادر خود بگذرد و ببیند که جامه اش از روی عورتش کنار رفته است، آیا آن را بیشتر نمایان می سازد و یا آن را می پوشاند؟».

یارانش گفتند: آن را می پوشاند.

فرمود: «نه؛ بلکه برهنه ترش می کند!».

یارانش دانستند که برایشان مثالی زده است. پس گفتند: ای روح خدا! منظور چیست؟

فرمود: «منظور این است که یکی از شماها عیب برادرش را ببیند و آن را نپوشاند».

392. عيسى بن مريم عليه السلام: لَنْ يَلِجَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ مَن لَّمْ يُولَدْ مَرَّتَيْنِ. (1)8.

ص: 250

1- .تفسير ابن عربي: ج 1 ص 69، شرح فصوص الحكم للقيصري: ص 316، شرح حكمة الإشراق للشيرازي: ص 69، إشراق هياكل النور: ص 207، رسائل إخوان الصفا: ج 2 ص 443 نحوه؛ القبسات: ص 45، الحكمة المتعالية: ج 9 ص 218.

392. عیسی بن مریم علیه السلام: کسی که دو بار زاده نشود، به ملکوت آسمان ها راه نمی یابد. (1)

ص: 251

1- . به نظر می رسد که این سخن ناظر به بالاترین مراتب قطع تعلّق از دنیا است که در توصیف متقین آمده: «میتة شهوته» (نهج البلاغه: خطبة 193). علامه سید مهدی بحر العلوم نیز سروده است: «مُت قَبْلَ مَوْتٍ فَهُوَ الْحَيَاةُ - ما أهون الموت علی من مات». کسی که قبل از مرگ بدن، با ریاضت های شرعی، هوس را در خود از بین می برد، مَثَل او، مَثَل کسی است که تولدی نو، یافته و انسان واقعی شده است. مرحوم استاد محمدتقی جعفری قدس سره نیز این سخن منسوب به عیسی علیه السلام را همچون حدیث مشهور «موتوا قبل أن تموتوا» ناظر به مرگ اختیاری می داند که شایسته است انسان، پیش از آن که مرگش فرا برسد، خود با چنین مرگی از کالبد تن رها شود. گفتنی است همچنان که مرحوم استاد جعفری تصریح کرده است (ر.ک: تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی مولوی: ج 13 ص 279) جلال الدین مولوی و عبدالرزاق کاشانی و برخی دیگر، این عبارت را به عنوان حدیث نقل کرده اند؛ ولی در منابع حدیثی یافت نشد.

393. الكافي عن علي بن إبراهيم عن أبيه عن علي بن أسباط عنهم عليهم السلام: فِيمَا وَعَظَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَام:

1/7 مَعْرِفَةُ التَّوْحِيدِ

يا عيسى، أَنَا رَبُّكَ وَرَبُّ آبَائِكَ، اسْمِي وَاحِدٌ، وَأَنَا الْأَحَدُ الْمُتَفَرِّدُ بِخَلْقِ كُلِّ شَيْءٍ، وَكُلُّ شَيْءٍ مِنْ صَدَنِي، وَكُلُّ إِلَهٍ رَاجِعُونَ. راجع: ص 48/التوحيد.

2/7 مَعْرِفَةُ رَسُولِ اللَّهِ

يا عيسى، أَنْتَ الْمَسِيحُ (1)

بِأَمْرِي، وَأَنْتَ تَخْلُقُ مِنَ الطَّيْنِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِي، وَأَنْتَ تُحْيِي الْمَوْتَى بِكَلَامِي، فَكُنْ إِلَيَّ رَاغِبًا، وَمِنِّي رَاهِبًا، وَلَنْ تَجِدَ مِنِّي مَلْجَأً إِلَّا إِلَيَّ).

ص: 252

1- سَمِّيَ مَسِيحًا لِأَنَّهُ كَانَ لَا يَمْسَحُ بِيَدِهِ ذَا عَاهَةِ الْإِبْرِي، وَقِيلَ فِيهِ وَجْهٌ آخَرٌ (انظر: النهاية: ج 4 ص 326 «مسح»).

393. الکافی - به نقل از علی بن ابراهیم، از پدرش، از علی بن اسباط، از ائمه علیهم السلام: (1)

در میان اندرزهای خداوند متعال به عیسی علیه السلام این بود که:

1/7 شناخت یگانگی خدا

ای عیسی! من خداوندگار تو و خداوندگار پدران توام. نامم یکی است. من یکتایم و هر چیزی را خود، تنها آفریده ام، و هر چیزی ساخت من است، و همه به سوی من باز می گردند. ر.ک: ص 49 یگانگی خدا.

2/7 شناخت فرستاده خدا

ای عیسی! توبه فرمان من مسیحی (2)

. توبه اجازه من از گل، پرنده می آفرینی. توبه سخن من، مردگان را زنده می کنی. پس فقط به من امید داشته باش، و فقط از من بترس؛ که تو هرگز از من پناهی جز [پناه بردن] به خودم نمی یابی.

ص: 253

-
- 1- گفتنی است که کلّ این فصل، يك روایت (حدیث قدسی) است که بدون هیچ گونه تغییری در ترتیب عبارات آن و تنها با افزودن عنوان هایی، تقدیم خوانندگان می گردد. منابع (مصادر) آن نیز در پایان روایت (پایان فصل) آمده است.
 - 2- او را مسیح نامیدند؛ چون هر بیماری را مسح می کرد و بر وی دست می کشید، شفا می یافت. وجوه دیگری هم در این باره گفته اند.

3/7 ذِكْرُ اللَّهِ وَالتَّقَرُّبُ إِلَيْهِ بِالتَّوْفِئِلِ وَالتَّوَكُّلِ عَلَيْهِ

يا عيسى، أوصيك وصيئة المتحنن عليك بالرحمة، حتى (1)

حَقَّتْ لَكَ مِنِّي الْوَلَايَةُ بِتَحَرِّيِكَ (2)

مِنِّي الْمَسْرُورَةَ، فَبُورِكَتَ كَبِيرًا، وَبُورِكَتَ صَدَّغَيْرًا حَيْثُ مَا كُنْتُ، أَشْهَدُ أَنَّكَ عَبْدِي، ابْنُ أُمَّتِي. أَنْزَلَنِي مِنْ نَفْسِكَ كَهَمِّكَ، وَاجْعَلْ ذِكْرِي لِمَعَادِكَ، وَتَقَرَّبَ إِلَيَّ بِالتَّوْفِئِلِ، وَتَوَكَّلْ عَلَيَّ أَكْفِكَ، وَلا تَوَكَّلْ عَلَى غَيْرِي فَأُخْذَلِكَ. راجع: ص 72/ ذكر الله.

4/7 الصَّبْرُ وَالرِّضَا

يا عيسى، اصبر على البلاء، وارض بالقضاء، وكن كمسرتي فيك، فإن مسرتي أن اطاع فلا اعصى. راجع: ص 128/ الصبر و ص 204/ السخط على قضاء الله.

5/7 ذِكْرُ اللَّهِ وَمَحَبَّتُهُ

يا عيسى، أحي ذكري بلسانك، وليكن ودي في قلبك.

6/7 الْيَقْظَةُ مِنَ الْغَفْلَةِ

يا عيسى، تيقظ في ساعات الغفلة، واحكم لي لطيف الحكمة).

ص: 254

1- في بحار الأنوار والأمالى للصدوق: «حين».

2- التحري: القصد والاجتهاد في الطلب، والعزم على تخصيص الشيء بالفعل والقول (النهاية: ج 1 ص 376 «حرا»).

3/7 یاد خدا، نزدیکی به او با نوافل و توکل به او

ای عیسی! تو را دلسوزانه سفارش می‌کنم که مهربان باشی تا با طلب شادی [و خشنودی] من سزاوار دوستی من شوی. تو در بزرگی و در خُردی، در هر جا که بودی، با برکت بودی. من گواهی می‌دهم که تو بنده من و پسر کنیز منی. همواره مرا در خاطر دار، و یاد مرا ذخیره معادت قرار ده، و با انجام نافله‌ها به من نزدیک شو، و به من توکل کن تا تو را از هر کس دیگری بی‌نیاز کنم، و به غیر من تکیه مکن؛ که تو را و می‌نهم. ر.ک: ص 73/ یاد خدا.

4/7 شکیبایی و خشنودی

ای عیسی! بر بلا-شکیبیا باش، و به قضا [ی من] خشنود، و مرا از خودت شادمان ساز. شادمانی من در این است که فرمان برداری شوم و نافرمانی نشوم.

ر.ک: ص 129/ شکیبایی و ص 205/ ناخرسندی از قضای خدا.

5/7 یاد خدا و دوستی او

ای عیسی! نام مرا بر زبانت زنده بدار، و مِهرم را در دلت داشته باش.

6/7 بیداری از غفلت

ای عیسی! در اوقات غفلت [دیگران، تو] بیدار باش، و در باره من با ظرافت حکمت، داوری کن.

ص: 255

7/7 إماتة القلب بالخشية

يا عيسى، كُن رَاغِبًا رَاهِبًا، وَأَمِتْ قَلْبَكَ بِالْخَشْيَةِ.

راجع: ص/126 البكاء من خشية الله.

8/7 قيام الليل وصيام النهار

يا عيسى، رَاعِ اللَّيْلَ لِتَحْرِي مَسْرَتِي، وَاطْمَأْ نَهَارَكَ لِيَوْمِ حَاجَتِكَ عِنْدِي.

راجع: ص/70 صلاة الليل.

9/7 المنافسة في الخير

يا عيسى، نَافِسْ فِي الْخَيْرِ جُهْدَكَ؛ تُعْرِفْ بِالْخَيْرِ حَيْثَمَا تَوَجَّهْتَ.

10/7 النصح والعدل

يا عيسى، أَحْكَمْ فِي عِبَادِي بِنُصْحِي، وَقُمْ فِيهِمْ بِعَدْلِي، فَقَدْ أَنْزَلْتُ عَلَيْكَ شِفَاءً لِمَا فِي الصُّدُورِ مِنْ مَرَضِ الشَّيْطَانِ. راجع: ص/130 الإنصاف.

11/7 ترك مجالسة المفتون

يا عيسى، لَا تَكُنْ جَلِيسًا لِكُلِّ مَفْتُونٍ. (1)

راجع: ص/146 مجالسة الصلحاء).

ص: 256

1- .المفتون من ذهب عقله، والفاتن المضلل عن الحق، و«الفتن» الإحراق بالنار أو ما يشابه النار مثل الحب، والفتنة: الضلالة والإثم والمعصية والكفر والفضيحة (الصحاح: ج6 ص2176 «فتن»)، والفتنة: اختبار الرجل بما يظهر به أمره (تاج العروس: ج18 ص425 «فتن»).

7/7 میراندن دل با خَشیت

ای عیسی! امیدوار و بیمناک باش، و دلت را با خَشیت (خدا ترسی) بمیران.

ر.ك:ص 127/ گریستن از ترس خدا.

8/7 شب زنده داری و روزه داری

ای عیسی! شب زنده داری کن تا شادی مرا به دست آوری، و روزه‌هایت را روزه باش برای روز نیازمندی ات به من. ر.ك:ص 71/ نماز شب.

9/7 پیشی گرفتن در کار خیر

ای عیسی! تا می توانی در کار نیک بکوش تا هر جا که می روی، به نیکوکاری شناخته شوی.

10/7 خیرخواهی و دادگری

ای عیسی! در بارهٔ بندگانم با راه نمایی های [خالصانه] من حکم کن، و در میان آنان دادگری مرا برپا دار؛ زیرا که من شفای همهٔ امراض شیطانی را که در سینه هاست، بر تو نازل کردم. ر.ك:ص 131/ انصاف.

11/7 همنشینی نکردن با سرگشتگان

ر.ك:ص 147/ همنشینی با نیکوکاران.

ای عیسی! با هیچ سرگشته ای (شیفته ای) [\(1\)](#)

همنشین مشو.

ص: 257

1- در متن عربی حدیث، «مفتون» آمده است که یعنی: سرگشته، شیفته، شکست خورده در امتحان، راه گم کرده، غفلت زده، گرفتار تردید.

يَا عِيسَى، حَقًّا أَقُولُ: مَا آمَنْتَ بِي خَلِيقَةً إِلَّا خَشَعْتَ لِي، وَلَا خَشَعْتَ لِي إِلَّا رَجَتِ ثَوَابِي، فَأَشْهَدُ أَنَّهَا آمِنَةٌ مِنْ عِقَابِي مَا لَمْ تُبَدَّلْ أَوْ تُغَيَّرَ سُنَّتِي.

13/7 الْبُكَاءُ عَلَى النَّفْسِ

يا عيسى ابنَ الْبِكْرِ الْبَتُولِ (1)

إِيكَ عَلَى نَفْسِكَ بُكَاءَ مَنْ وَدَّعَ الْأَهْلَ، وَقَلَى الدُّنْيَا (2)

وَتَرَكَهَا لِأَهْلِهَا، وَصَارَتْ رَغْبَتُهُ فِيمَا عِنْدَ إِلَهِهِ (3)

. راجع: ص 126/ البكاء من خشية الله.

14/7 لِينُ الْكَلَامِ، إِفْشَاءُ السَّلَامِ، الْيَقْظَةُ

يا عيسى، كُنْ مَعَ ذَلِكَ تَلِينُ الْكَلَامِ، وَتُفْشِي السَّلَامَ، يَقْظَانِ إِذَا نَامَتْ عُيُونُ الْأَبْرَارِ، حَذِرًا لِلْمَعَادِ وَالزَّلَازِلِ الشَّدَادِ وَأَهْوَالِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛ حَيْثُ لَا يَنْفَعُ أَهْلٌ وَلَا وَالدٌ وَلَا مَالٌ.

15/7 الْحُزْنُ التَّافِعُ

يا عيسى، أَكْحُلْ عَيْنَكَ (4)

بِمِيلِ الْحُزْنِ إِذَا صَحَّحَكَ الْبَطَّالُونَ.

راجع: ص 170/ التعادل في الحزن والسرور.

ص: 258

1- التبتّل: الانقطاع عن النساء و ترك النكاح، وأمرأة بتول: منقطعة عن الرجال لا شهوة لها فيهم، وبها سمّيت مريم أمّ المسيح عليهما السلام، وسمّيت فاطمةُ البتول: لانقطاعها عن نساء زمانها فضلاً ودينياً وحسباً. وقيل: لانقطاعها عن الدنيا إلى الله تعالى (النهاية: ج 1 ص 94 «بتل»).

2- قَلَى الدُّنْيَا: أَي أَبْغَضَهَا، مِنَ الْقَلَى، وَهُوَ الْبِغْضُ. (انظر: النهاية: ج 4 ص 105 «قلا»).

3- فِي بَحَارِ الْأَنْوَارِ وَالْأَمَالِيِّ لِلصَّدُوقِ: «عِنْدَ اللَّهِ».

4- فِي بَحَارِ الْأَنْوَارِ وَالْأَمَالِيِّ لِلصَّدُوقِ: «عَيْنِكَ».

12/7 فروتنی در برابر خدا

ای عیسی! به راستی می گویم: هیچ بنده ای به من ایمان نیاورد مگر این که در برابرم خاشع شد، و در برابرم خاشع نشد مگر این که به پاداش من امیدوار شد، پس گواهی می دهم که او از کیفی من در امان است تا زمانی که راه و رسم مرا تبدیل نکند یا تغییرش ندهد.

13/7 گریستن بر خود

ای عیسی پسر بانوی باکره تارک دنیا! بر خویشتن گریه کن همچون گریه کردن کسی که با خانواده اش وداع گفته و از دنیا بیزار است و آن را برای دنیاپرستان وانهاد و به آنچه نزد خداست، امید بسته است. ر.ک: ص/127 گریستن از ترس خدا.

14/7 نرم سخن گفتن، به همه سلام کردن، هشیاری

ای عیسی! افزون بر اینها، سخن به نرمی بگویی، و با همگان در آشتی باش. آن گاه که چشم های نیکان خواب اند، تو از واهمه معاد و زلزله های شدید و وحشت های روز رستاخیز بیدار باش؛ روزی که در آن، نه زن و فرزند سودی می رسانند و نه مال و ثروت.

15/7 اندوه سودمند

ای عیسی! آن گاه که هرزگان می خندند، تو با میل اندوه بر دیده خویش سر مه بکش. ر.ک: ص/171 متعادل کردن اندوه و شادی.

يا عيسى، كُنْ خَاشِعاً صَابِراً، فَطُوبَى لَكَ إِنْ نَالَكَ مَا وُعدَ الصَّابِرُونَ.

يا عيسى، رُحِ مِنَ الدُّنْيَا يَوْمَ مَا فَيَوْمًا، وَذُقْ لِمَا قَدْ ذَهَبَ طَعْمُهُ، فَحَقًّا أَقُولُ: مَا أَنْتَ إِلَّا بِسَاعَتِكَ وَيَوْمِكَ، فَرُحِ مِنَ الدُّنْيَا بِلُغَةٍ (1)

، وَ لِيَكْفِكَ الحَاشِئُ الجَشِبُ (2)

؛ فَقَدْ رَأَيْتَ إِلَى مَا تَصَيَّرُ، وَ مَكْتُوبٌ مَا أَخَذْتَ وَ كَيْفَ أَتَلَّفْتَ. راجع: ص/ 148 اغتنام الفرصة.

يا عيسى، إِنَّكَ مَسْؤُولٌ، فَارْحَمِ الضَّعِيفَ كَرَحْمَتِي إِلَيْكَ، وَ لَا تَقْهَرِ الْيَتِيمَ.

راجع: ص/ 130 التَّراحم.

يا عيسى، ابْكِ عَلَى نَفْسِكَ فِي الحَلَوَاتِ، وَ انْقُلْ قَدَمَيْكَ إِلَى مَوَاضِعِ (3)

الصَّلَوَاتِ، وَأَسْمِعْنِي لَذَاذَةَ نُطْقِكَ بِذِكْرِي، فَإِنَّ صَنِيعِي إِلَيْكَ حَسَنٌ. ب.

ص: 260

1- .تبلى بكذا: اكتفى به والبُلغة من العيش: ما يكتفى به من العيش ولا يفضل. (انظر: المصباح المنير: ص 61، القاموس المحيط: ج ص 103 «بلغ»).

2- .طعام جَشِبٌ ومجشوب: أي غليظ وخشن، ويقال: هو الذي لا ادم معه (الصحاح: ج 1 ص 99 «جشب»).

3- .في المصدر «مواقيت» فبدلناه بما في بحار الأنوار والأمالى للصدوق لأنه الأنسب.

16/7 فروتنی و شکیبایی

ای عیسی! فروتن و شکیبا باش؛ پس خوشا به حالت اگر آنچه به شکیبایان وعده داده شده است، به تو برسد!

17/7 غنیمت شمردن فرصت

ای عیسی! دنیا را روز به روز بگذران، و مزه آنچه را که مزه اش رفته است، بچش؛ زیرا که من به راستی می گویم: تو فرزند ساعت و روز خویشی. پس، از دنیا به قدر نیاز برگیر، و به نان خشکی بسنده کن؛ زیرا که دیده ای به چه تبدیل می شود، و نوشته می شود که چه به دست آوردی و چگونه خرج کردی.

ر.ک: ص 149/ غنیمت شمردن فرصت.

18/7 مهربانی با ناتوان

ای عیسی! از تو پرسش خواهد شد؛ پس به ناتوان رحم کن، چنان که من به تو رحم می کنم، و یتیم را میازار. ر.ک: ص 131/ مهربانی کردن به یکدیگر.

19/7 گریه بر خود، حضور در جایگاه های نماز

ای عیسی! در خلوت ها بر خود گریه کن، و گام هایت را به سوی جایگاه های نماز بردار، و لذت به زبان آوردن نام مرا به من بشنوان؛ که من با تونیک رفتارم.

ص: 261

يا عيسى، كَمْ مِنْ أُمَّةٍ قَدْ أَهْلَكْتُهَا بِسَالِفِ ذُنُوبٍ قَدْ عَصَمْتُكَ مِنْهَا.

21/7 الرَّفْقُ بِالضَّعِيفِ، التَّضَرُّعُ فِي الدُّعَاءِ

يا عيسى، أَرْفُقْ بِالضَّعِيفِ، وَارْفَعْ طَرْفَكَ الْكَلِيلَ إِلَى السَّمَاءِ وَادْعُنِي، فَإِنِّي مِنْكَ قَرِيبٌ، وَلَا تَدْعُنِي إِلَّا مُتَضَرِّعاً إِلَيَّ وَهَمَّكَ هَمًّا وَاحِداً؛ فَإِنَّكَ مَتَى تَدْعُنِي كَذَلِكَ أَجِبُكَ. راجع: ص 78/الدعاء.

22/7 لَيْسَتْ الدُّنْيَا مَوْطِنَ الثَّوَابِ وَالْعِقَابِ

يا عيسى، إِنِّي لَمْ أَرْضَ بِالدُّنْيَا ثَوَاباً لِمَنْ كَانَ قَبْلَكَ، وَلَا عِقَاباً لِمَنْ اتَّقَمْتُ مِنْهُ.

23/7 إِجَابَةُ الدُّعَاءِ

يا عيسى، إِنَّكَ تَقْنِي، وَأَنَا أَبْقَى، وَمِنِّي رِزْقُكَ، وَعِنْدِي مِيقَاتُ أَجْلِكَ، وَإِلَيَّ إِيَابُكَ، وَعَلَيَّ حِسَابُكَ، فَسَدِّ لَنِي وَلَا تَسْأَلْ غَيْرِي؛ فَيَحْسُنُ مِنْكَ الدُّعَاءُ، وَمِنِّي الإِجَابَةُ.

24/7 قَلَّةُ الصَّابِرِينَ

يا عيسى، مَا أَكْثَرَ الْبَشَرَ، وَأَقَلَّ عَدَدَ مَنْ صَبَرَ، الْأَشْجَارُ كَثِيرَةٌ، وَطَيِّبُهَا قَلِيلٌ، فَلَا

20/7 هلاکت امت های نافرمان

ای عیسی! چه بسیار مردمانی که آنها را به سبب گناهان گذشته شان نابود کردم و تو را از آن گناهان در امان داشتم.

21/7 مدارا با ناتوان، زاری در دعا

ای عیسی! با ناتوان مدارا کن، و دیده کم سویت را به سوی آسمان کن و مرا بخوان؛ که من به تو نزدیکم، و مرا مخوان مگر به زاری و توجه کامل؛ زیرا هرگاه مرا چنین بخوانی، پاسخت می دهم. ر.ک: ص 79/دعا.

22/7 دنیا جای پاداش و کیفر نیست

ای عیسی! من دنیا را نه پاداشی برای آنان که پیش از تو بودند پسندیدم و نه کیفری برای کسانی که از آنان انتقام می گیرم.

23/7 اجابت دعا

ای عیسی! تو نابود شدنی هستی و من مانایم. روزی تو از جانب من است، و موعد مردنت نزد من، و بازگشتت به سوی من، و حسابرسی ات با من. پس، از من بخواه و از غیر من مخواه. از تو دعا کردن خوش است و از من اجابت کردن.

24/7 اندک بودن شکیبایان

ای عیسی! چه بسیارند آدمیان و چه اندک شمارند شکیبایان. درختان بسیارند؛ اما

ص: 263

يُعْرَتُّكَ حُسْنُ شَجَرَةٍ حَتَّى تَذُوقَ ثَمَرَهَا.

25/7 التَّحْذِيرُ مِنْ إِمْهَالِ اللَّهِ

يا عيسى، لا يُعْرَتُّكَ الْمُتَمَرِّدُ عَلَيَّ بِالْعِصْيَانِ؛ يَا كُلُّ رِزْقِي، وَ يَعْْبُدُ غَيْرِي، ثُمَّ يَدْعُونِي عِنْدَ الْكَرْبِ فَأُجِيبُهُ، ثُمَّ يَرْجِعُ إِلَى مَا كَانَ عَلَيْهِ، فَعَلَيْ (1)

يَتَمَرَّدُ، أَمْ بِسَخْطِي (2)

يَتَعَرَّضُ؟ فَبِي حَلَفْتُ! لَا أُخَذِّنُهُ أَخْذَةً لَيْسَ لَهُ مِنْهَا مَنَجِي، وَ لَا دُونِي مَلْجَأٌ، أَيْنَ يَهْرُبُ مِنْ سَمَائِي وَ أَرْضِي؟

راجع: ص/194 الذنب.

26/7 إجابةُ دُعاءِ الظَّالِمِ!

يا عيسى، قُلْ لظُلْمَةِ بَنِي إِسْرَائِيلَ: لَا تَدْعُونِي وَ السُّحْتُ (3)

تَحْتَ أَحْضَانِكُمْ (4)

،وَ الْأَصْنَامُ فِي بُيُوتِكُمْ، فَإِنِّي آلَيْتُ (5)

أَنْ أُجِيبَ مَنْ دَعَانِي، وَ أَنْ أُجْعَلَ إِجَابَتِي إِيَّاهُمْ لَعْنًا عَلَيْهِمْ حَتَّى يَتَفَرَّقُوا.

27/7 انْتِظَارُ اللَّهِ لِرُجُوعِ أَهْلِ الْغَفْلَةِ

يا عيسى، كَمْ أَطِيلُ النَّظَرَ، وَ أَحْسِنُ الطَّلَبَ وَ الْقَوْمُ فِي غَفْلَةٍ لَا يَرْجِعُونَ؟ تَخْرُجُ).

ص: 264

1- .في بحار الأنوار والأمالى للصدوق: «أفعلي».

2- .في بحار الأنوار والأمالى للصدوق: «لسخطي».

3- .السحت: الحرام الذي لا يحل كسبه، لأنه يسحت البركة، أي يذهبها (النهاية: ج 2 ص 345 «سحت»).

4- .الأحضان: جمع الحضان، وهو ما دون الإبط إلى الكشح، أو الصدر والعضدان وما بينهما، وجانب الشي وناحيته (القاموس المحيط: ج 4

ص 215 «حضان».) والمراد أكل الحرام، أو هو كناية عن ضبط الحرام وحفظه وعدم رده إلى أهله.

5- .هو من الألية: اليمين، يقال: آلى يولي إيلاء؛ أي حلف وأقسم (انظر: النهاية: ج 1، ص 62 «آلى»).

درخت خوب، اندك است. پس زیبایی درختی فریبت ندهد تا آن گاه که میوه اش را بچشی.

25/7 هشدار در باره مهلت دادن خدا

ای عیسی! آن که با نافرمانی در برابر من سرکشی می کند، فریبت ندهد. [از این که می بینی] روزی مرا می خورد، و دیگری را می پرستد، و سپس هنگام گرفتاری مرا می خواند و من اجابتش می کنم؛ اما باز به وضع پیشین خود بر می گردد. آیا بر من می شورد یا که خود را در معرض خشم من قرار می دهد؟ من به خودم سوگند خورده ام او را چنان بازخواست کنم که از آن، راه نجاتی نداشته باشد و نه غیر از من پناهی. از آسمان و زمینم به کجا بگریزد؟ ر.ك:ص/195 گناه.

26/7 پاسخ دعای ستمگر!

ای عیسی! به ستمکاران بنی اسرائیل بگو: تا زمانی که حرام در دستان شماست و بت در خانه هایتان، مرا نخوانید؛ زیرا من سوگند خورده ام که هر کس مرا بخواند، اجابتش کنم، و اجابتم از این ستمکاران را لعنت آنان قرار دهم تا آن گاه که پراکنده شوند.

27/7 انتظار خدا برای بازگشت افراد غافل!

ای عیسی! چه قدر مهلت دهم و خواهش کنم و این مردم در غفلت به سر برند و برنگردند؟! سخن از دهن هایشان بیرون می آید و دل هایشان آن را فراموش می گیرد.

ص: 265

الكَلِمَةُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ لَا تَعِيهَا قُلُوبُهُمْ، يَتَعَرَّضُونَ لِمَقْتِي، وَيَتَحَبَّبُونَ بِقُرْبِي (1)

إِلَى الْمُؤْمِنِينَ. راجع: ص/ 92 المبادرة إلى التوبة.

28/7 مُطَابَقَةُ الْبَاطِنِ لِلظَّاهِرِ، اجْتِنَابُ الْمَحَارِمِ، كَفَّ الْبَصَرَ

يَا عِيسَى، لِيَكُنْ لِسَانُكَ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ وَاحِدًا، وَكَذَلِكَ فَلْيَكُنْ قَلْبُكَ وَبَصْرُكَ، وَاطْوِ قَلْبَكَ وَلسَانَكَ عَنِ الْمَحَارِمِ، وَكُفَّ بَصْرَكَ عَمَّا لَا خَيْرَ فِيهِ، فَكَمْ مِنْ نَاطِرٍ نَظَرَهُ قَدْ زَرَعَتْ فِي قَلْبِهِ شَهْوَةً، وَوَرَدَتْ بِهِ مَوَارِدَ حِيَاضِ الْهَلَكَةِ. راجع: ص/ 200 النفاق.

29/7 الرَّحْمَةُ، ذِكْرُ الْمَوْتِ، اجْتِنَابُ اللَّهْوِ وَالْغَفْلَةِ

يَا عِيسَى، كُنْ رَحِيمًا مُتَرَحِّمًا، وَكُنْ (2)

كَمَا تَشَاءُ أَنْ يَكُونَ الْعِبَادُ لَكَ، وَأَكْثَرَ ذِكْرِكَ (ك) الْمَوْتِ وَ مُفَارَقَةِ الْأَهْلِينَ، وَلَا تَلُهُ؛ فَإِنَّ اللَّهَ يُفْسِدُ صَاحِبَهُ، وَلَا تَغْفُلُ؛ فَإِنَّ الْغَافِلَ مِنِّْي بَعِيدٌ، وَ اذْكُرْنِي بِالصَّالِحَاتِ حَتَّى أذْكُرَكَ.

30/7 التَّوْبَةُ، التَّحْذِيرُ مِنْ دَعْوَةِ الْمَظْلُومِ

يَا عِيسَى، تُبِّ إِلَيَّ بَعْدَ الذَّنْبِ، وَذَكَّرَ بِي الْأَوَابِينَ، وَآمَنَ بِي، وَتَقَرَّبَ بِي (3)

إِلَى الْمُؤْمِنِينَ، وَ مَرُّهُمْ يَدْعُونِي مَعَكَ، وَإِيَّاكَ وَ دَعْوَةَ الْمَظْلُومِ؛ فَإِنِّي آلَيْتُ عَلَى نَفْسِي».

ص: 266

1- .في بحار الأنوار والأمالى للصدوق: «بي».

2- .وزاد في بحار الأنوار والأمالى للصدوق: «للعباد».

3- .وليس في بحار الأنوار والأمالى للصدوق: «بي».

خود را در معرض خشم من قرار می دهند، و با نزدیکی به من به مؤمنان اظهار دوستی می کنند. ر.ك:ص/93 شتافتن به سوی توبه.

28/7 هماهنگی باطن با ظاهر، پرهیز از حرام، فرو بستن چشم

ای عیسی! زبانت در نهان و آشکار یکی باشد، همچنین دل و دیده ات. دل و زبانت را از حرام ها فرو ببند، و چشم خود را از هر آنچه خیری در آن نیست، بپوشان؛ زیرا چه بسا بیننده ای که نگاهی کرد و همان يك نگاه، شهوتی در دل او کاشت و دلش را به ورطه های هلاکت کشاند. ر.ك:ص/201 دورویی.

29/7 مهربانی، یاد مرگ، پرهیز از سرگرمی و غفلت

ای عیسی! مهربان باش و مهربانی را ابراز کن، و [با مردم] چنان باش که دوست داری مردم با تو باشند. از مرگ و جدا شدن از خانواده فراوان یاد کن. بیهوده سرگرم مباش که سرگرمی بیهوده، آدمی را تباه می کند، و غافل مباش که غافل از من دور است، و با کارهای نیک مرا یاد کن تا من نیز به یاد تو باشم.

30/7 توبه، هشدار از نفرین مظلوم

ای عیسی! چون گناه کردی، به درگاه من توبه کن، و توبه کاران را به یاد من بینداز، و به من ایمان داشته باش، و به واسطه من به مؤمنان نزدیک شو، و به آنها بگو که همراه تو مرا بخوانند. از نفرین ستمدیده بترس؛ زیرا که من به خودم سوگند خورده ام برای پذیرش نفرین او، در آسمان را بگشایم، و اجابتش کنم

ص: 267

أَنْ أَفْتَحَ لَهَا بَاباً مِنَ السَّمَاءِ بِالقَبُولِ، وَأَنْ اجِيبَهُ وَ لَوْ بَعْدَ حِينٍ.

31/7 خَطْرُ صَاحِبِ السَّوِّءِ

يا عيسى، اعلم أن صاحب السوء يُعدي (1)

، وقرين السوء يُردي، و اعلم (2)

مَنْ تُقَارِنُ، وَ اخْتَرِ لِنَفْسِكَ إِخْوَاناً مِنَ الْمُؤْمِنِينَ.

32/7 التَّوْبَةُ، اغْتِنَامُ الْفُرْصَةِ

يا عيسى، تَبَّ إِلَيَّ؛ فَإِنِّي لَا- يَتَعَاظُمُنِي ذَنْبٌ أَنْ أَغْفِرَهُ وَأَنَا أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ. اِعْمَلْ لِنَفْسِكَ فِي مُهَلَّةٍ مِنْ أَجَلِكَ قَبْلَ أَنْ لَا يَعْمَلَ لَهَا غَيْرُكَ، وَ اَعْبُدْنِي لِيَوْمٍ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ، فِيهِ أَجْزِي بِالْحَسَنَةِ أَضْعَافَهَا، وَإِنَّ السَّيِّئَةَ تُوبِقُ (3)

صَاحِبِهَا فَامْهَدْ لِنَفْسِكَ فِي مُهَلَّةٍ، وَ نَافِسْ فِي الْعَمَلِ الصَّالِحِ، فَكُمْ مِنْ مَجْلِسٍ قَدْ نَهَضَ أَهْلُهُ وَ هُمْ مُجَارُونَ مِنَ النَّارِ. رَاجِعْ: ص 148 اغْتِنَامُ الْفُرْصَةِ.

33/7 الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا، الْإِعْتِبَارُ بِالْمَاضِيْنَ

يا عيسى، اِزْهَدْ فِي الْفَاني الْمُنْقَطِعِ، وَ طَأْ (4)

رُسُومَ مَنَازِلٍ مَن كَانَ قَبْلَكَ، فَادْعُهُمْ).

ص: 268

1- .في بحار الأنوار والأمالى للصدوق: «يغوي».

2- .في بحار الأنوار والأمالى للصدوق: «فاعلم».

3- .توبق: أي تهلك (النهاية: ج 5 ص 146 «وبق»).

4- .طأ: أمر من الوطاء؛ وهو الدوس بالقدم (انظر: النهاية: ج 5 ص 200 «وطأ»).

گرچه پس از مدّت ها باشد.

31/7 خطر همنشین بد

ای عیسی! بدان که یار بد واگیردار است، و همنشین بد، نابود می کند، و ببین با که همنشینی می کنی؟ و برای خود برادرانی از مؤمنان برگزین.

32/7 توبه، غنیمت شمردن فرصت

ای عیسی! به درگاه من توبه کن؛ که هیچ گناهی نزد من برای آمرزیدن بزرگ نیست، و من مهربان ترین مهربانانم. در مهلت عمری که داری، برای خود کاری کن، پیش از آن که دیگری برایت کاری نکند. مرا بپرست برای آن روزی که به اندازه هزار سال از سال های شماسست، و در آن روز، من کار نیک را چند برابر پاداش می دهم، و کار بد، صاحبش را نابود می کند. پس در این مهلت، برای خویشتن بستری فراهم آور، و در کار نیک بشتاب؛ زیرا بسا مجلسی که اهلش در حالی از آن برخیزند که از آتش دوزخ، پناه داده شده باشند.

ر.ک: ص 149/ غنیمت شمردن فرصت.

33/7 بی رغبتی به دنیا، عبرت آموزی از پیشینیان

ای عیسی! به آنچه از بین رفتنی و به سرآمدنی است بی رغبت باش، و گام در بقایای خانه های آنان که پیش از تو بوده اند، بینه و آنها را با صدای بلند یا آهسته

ص: 269

و نَاجِهِمْ هَلْ تُحِسُّ مِنْهُمْ مِنْ أَحَدٍ؟ وَخُذْ (1)

مَوْعِظَتِكَ مِنْهُمْ، وَاعْلَمْ أَنَّكَ سَتَلْحَقُهُمْ فِي اللَّاحِقِينَ. راجع: ص/ 106 الزهد و ص/ 140 الاعتاض والاعتبار.

34/7 تحذيرُ العاصينَ

يا عيسى، قُلْ لِمَنْ تَمَرَّدَ عَلَيَّ بِالْعِصْيَانِ، وَعَمِلَ بِالْإِدْهَانِ (2)

:لِيَتَوَقَّعَ عُقُوبَتِي، وَيَنْتَظِرَ إِهْلَاكِي إِثَاءً، سَيُصْطَلَمُ (3)

مَعَ الْهَالِكِينَ.

35/7 الأخذُ بِأَدَبِ الإِلهِ، النَّهْيُ عَنِ الْمَعْصِيَةِ

طوبى لَكَ يَا بَنَ مَرْيَمَ، ثُمَّ طوبى لَكَ إِنْ أَخَذْتَ بِأَدَبِ إلهِكَ الَّذِي يَتَحَنَّنُ عَلَيْكَ تَرَحُّمًا، وَبَدَاكَ بِالنَّعْمِ مِنْهُ تَكْرُمًا، وَكَانَ لَكَ فِي الشَّدَائِدِ. لَا تَعْصِهِ يَا عيسى؛ فَإِنَّهُ لَا يَحِلُّ لَكَ عِصْيَانُهُ. قَدْ عَهِدْتُ إِلَيْكَ كَمَا عَهِدْتُ إِلَى مَنْ كَانَ قَبْلَكَ، وَأَنَا عَلَى ذَلِكَ مِنَ الشَّاهِدِينَ. راجع: ص/ 194 الذنب.

36/7 أَفْضَلُ الْإِكْرَامِ

يا عيسى، مَا أَكْرَمْتُ خَلِيقَةً بِمِثْلِ دِينِي، وَلَا أَنْعَمْتُ عَلَيْهَا بِمِثْلِ رَحْمَتِي).

ص: 270

1- في بحار الأنوار والأمالى للصدوق: «فخذ».

2- المداهنة والإدهان: المصانعة واللين. وقيل: المداهنة إظهار خلاف ما يُضمر (لسان العرب: ج 13 ص 162 «دهن»).

3- الاصطلام: الاستئصال؛ افتعال من الصلّم، وهو القطع المستأصل (انظر: الصحاح: ج 5 ص 1967، النهاية: ج 3 ص 49 «صلم»).

بخوان. آیا از احدی از آنان جوابی می شنوی؟ از آنان پند بگیر، و بدان که تو نیز به زودی به ایشان می پیوندی.

ر.ك:ص/107 زهد و ص/141 پند گرفتن و عبرت آموختن.

34/7 هشدار به گنه کاران

ای عیسی! به آن که گستاخانه، نافرمانی مرا می کند، و نفاق می ورزد، بگو: چشم به راه کیفر من باشد و منتظر که هلاکت من او را دررسد. زودا که با هلاک شوندگان ریشه کن شود!

35/7 خوی خدا گرفتن، نهی از نافرمانی خدا

خوشا به حالت ای پسر مریم! خوشا به حالت اگر خوی خدای خویش را بگیری؛ خدایی که با تو بسیار مهربان است، و از سر بزرگواری، نعمت هایش را به تو آغازید، و در سختی ها به داد تو رسید. نافرمانی او مکن ای عیسی! که نافرمانیش برای تو روا نیست. من به تو سفارش می کنم، چنان که به آنان که پیش از تو بودند، سفارش کردم، و خود بر این سفارش از جمله گواهانم.

ر.ك:ص/195 گناه.

36/7 برترین گرامیداشت

ای عیسی! هیچ مخلوقی را با چیزی چون دینم گرامی نداشتی، و نعمتی چون رحمت من به او ندادم.

ص: 271

يا عيسى، اغسِلْ بِالْمَاءِ مِنْكَ مَا ظَهَرَ، وداوِ بِالْحَسَنَاتِ مِنْكَ مَا بَطَّنَ، فَإِنَّكَ إِلَيَّ رَاجِعٌ. راجع: ص 94/ تطهير القلب و ص 236/ مثل حاجة القلب إلى التَّقاء.

يا عيسى، أَعْطَيْتَكَ مَا أَنْعَمْتُ بِهِ عَلَيْكَ فَيَضاً مِنْ غَيْرِ تَكْدِيرٍ، وَطَلَبْتُ مِنْكَ قَرْضاً لِنَفْسِكَ فَبَخِلْتَ بِهِ عَلَيْهَا لِتَكُونَ مِنَ الْهَالِكِينَ. راجع: ص 208/ البخل.

يا عيسى، تَزَيَّنْ بِالذِّينِ وَحُبِّ الْمَسَاكِينِ، وَامشِ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا (1)

، وَصَلَّ عَلَى الْبِقَاعِ فَكُلُّهَا طَاهِرٌ.

فَكُلُّ مَا هُوَ آتٍ قَرِيبٌ، وَاقْرَأْ كِتَابِي وَأَنْتَ طَاهِرٌ، وَأَسْمِعْنِي).

1- قال الجوهرى: الهون: السكينة والوقار. (الصحاح: ج 6 ص 2218 «هون»)، وقال ابن الأثير: الهون: الرفق واللين والثبوت (النهاية: ج 5 ص 284 «هون»).

2- التشمير في الأمر: السرعة فيه والجد فيه والاجتهاد، ومنه قيل: شمّر في العبادة؛ إذا اجتهد وبالغ فيه (انظر: النهاية: ج 2 ص 500، المصباح المنير: ص 322 «شمّر»).

37/7 پاکسازی ظاهر و باطن

ای عیسی! ظاهر خود را با آب بشوی و باطنت را با کارهای نیک مداوا کن؛ زیرا تو به سوی من باز می گردی.

ر.ک:ص/95 پاک کردن دل و ص/237 نیازمندی دل به پاکی.

38/7 هشدار در باره بخل

ای عیسی! نعمت سرشار و بی منت به تو دادم، و آن گاه از تو برای خود تو وام خواستم؛ اما تو از آن دریغ نمودی تا که از هلاک شوندها باشی.

ر.ک:ص/209 بخل.

39/7 آراستگی به دین، دوستی با بینوایان، فروتنی در راه رفتن

ای عیسی! به زیور دین و دوست داشتن درویشان آراسته شو، و در روی زمین، آرام و باوقار گام بردار، و در هر سرزمینی نماز بگذار که همه آنها پاک اند.

40/7 کوشیدن در کار، تلاوت کتاب خدا با پاکی و آواز حزین

ای عیسی! بکوش؛ زیرا هر آنچه آمدنی است، نزدیک است، و کتاب مرا با

ص: 273

مِنْكَ صَوْتًا حَزِينًا. راجع: ص/154 عمل الخير و ص/66 الحث على العبادة.

41/7 الإعراض عن الدنيا

يا عيسى، لا خَيْرَ فِي لَذَاذَةٍ لَا تَدُومُ، وَعَيْشٍ مِنْ صَاحِبِهِ يَزُولُ.

42/7 التَّغَيُّبُ فِي الْآخِرَةِ

يَا بَنَ مَرْيَمَ، لَوْ رَأَتْ عَيْنُكَ مَا أَعَدَدْتُ لِأَوْلِيَائِي الصَّالِحِينَ ذَابَ قَلْبُكَ وَرَهَقَتْ نَفْسُكَ شَوْقًا إِلَيْهِ، فَلَيْسَ كَدَارِ الْآخِرَةِ دَارٌ تَجَاوَرُ فِيهَا الطَّيِّبُونَ، وَ يَدْخُلُ عَلَيْهِمْ فِيهَا الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ، وَ هُمْ مِمَّا يَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ أَهْوَالِهَا آمِنُونَ، دَارٌ لَا يَتَغَيَّرُ فِيهَا النَّعِيمُ، وَ لَا يَزُولُ عَنْ أَهْلِهَا. راجع: ص/156 الاهتمام بالآخرة.

43/7 الْمُتَنَافَسَةُ فِي دَرَجَاتِ الْآخِرَةِ

يَا بَنَ مَرْيَمَ، نَافِسَ فِيهَا مَعَ الْمُتَنَافِسِينَ؛ فَإِنَّهَا امْتِنَانٌ، حَسَنَةٌ الْمَنْظَرِ، طُوبَى لَكَ يَا بَنَ مَرْيَمَ إِنْ كُنْتَ لَهَا مِنَ الْعَامِلِينَ مَعَ آبَائِكَ آدَمَ وَ إِبْرَاهِيمَ فِي جَنَاتٍ وَ نَعِيمٍ، لَا تَبِغُ بِهَا بَدَلًا وَ لَا تَحْوِيلًا، كَذَلِكَ أَفْعَلُ بِالْمُتَّقِينَ.

44/7 التَّحْذِيرُ عَنِ نَارِ جَهَنَّمَ

يا عيسى، أَهْرُبْ إِلَيَّ مَعَ مَنْ يَهْرُبُ مِنْ نَارِ ذَاتِ لَهَبٍ، وَ نَارِ ذَاتِ أَغْلَالٍ وَ أَنْكَالٍ،

ص: 274

طهارت و به آواز غمین بخوان. ر.ك:ص/155 کار نیک و ص/67 تشویق به عبادت.

41/7 روی گردانی از دنیا

ای عیسی! در لذتی که نپاید، و عیشی که از صاحبش به سر آید، خیری نیست.

42/7 تشویق به آخرت

ای پسر مریم! اگر چشم تو آنچه را برای دوستان نیکم آماده ساخته ام می دید، از شوق به آنها دلت آب می شد و مرغ جانت به پرواز در می آمد؛ زیرا هیچ سرایی چون سرای آخرت نیست که پکان در آن به سر می برند، و فرشتگان مقرب [الهی] در آن سرای بر ایشان در می آیند، و از هول و هراس های روز قیامت در امان اند؛ سرایی که در آن نعمت ها دیگرگون نمی شود، و از اهلس جدا نمی گردد. ر.ك:ص/57 اهمیت دادن به آخرت.

43/7 پیشی گرفتن در مراتب اخروی

ای پسر مریم! برای رسیدن به آن سرای، با رقابت کنندگان رقابت کن؛ که آن، آرزوی آرزومندان است و تماشاگهی زیباست. خوشا به حالت ای پسر مریم! اگر از عمل کنندگان برای آن باشی و با پدران آدم و ابراهیم در بهشت ها و ناز و نعمت به سربری، جایگزین و بدلی برای آن مجوی. این چنین، من با پرهیزگاران، رفتار می کنم.

44/7 هشدار در باره آتش دوزخ

ای عیسی! همراه آنان که از آتش شعله ور و پر از غل و عذاب می گریزند، به سوی

ص: 275

لا يَدْخُلُهَا رُوحٌ (1)

، و لا يَخْرُجُ مِنْهَا غَمٌّ أَبَدًا، قِطْعٌ كَقِطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ، مَنْ يَنْجُ مِنْهَا يُفْرُ، وَلَنْ يَنْجُو مَنْ كَانَ مِنَ الْهَالِكِينَ، هِيَ دَارُ الْجَبَّارِينَ وَالْعَتَاةِ الظَّالِمِينَ، وَ
كُلُّ فِظٍّ (2)

غَلِيظٍ، وَكُلُّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ. يَا عِيسَى، بِنَسْتِ الدَّارِ لِمَنْ رَكَنَ إِلَيْهَا، وَبِئْسَ الْقَرَارُ دَارُ الظَّالِمِينَ، إِنِّي أَحَدُكَ نَفْسَكَ، فَكُنْ بِي خَبِيرًا.

راجع: ص/ 146 مكافحة الظلم.

45/7 مُرَاقِبَةُ اللَّهِ

يا عيسى، كُنْ حَيْثُمَا كُنْتَ مُرَاقِبًا لِي، وَاشْهَدْ عَلَيَّ أَنِّي خَلَقْتُكَ وَأَنْتَ عَبْدِي، وَأَنْتِي صَوْرَتُكَ، وَإِلَى الْأَرْضِ أَهْبَطْتُكَ.

46/7 دَمُّ ذِي الْوَجْهَيْنِ

يا عيسى، لا يَصْلُحُ لِسَانَانِ فِي فَمٍ وَاحِدٍ، وَلا قَلْبَانِ فِي صَدْرٍ وَاحِدٍ، وَكَذَلِكَ الْأَذْهَانُ. راجع: ص/ 200 النفاق.

47/7 الْغَفْلَةُ، الذِّكْرُ، الْخُشُوعُ

يا عيسى، لا تَسْتَيْقِظَنَّ عَاصِيًا، وَلا تَسْتَنْبِهَنَّ لَاهِيًا، وَافْطِمِ نَفْسَكَ عَنِ الشَّهَوَاتِ الْمَوْبِقَاتِ (3)

، وَكُلُّ شَهْوَةٍ تُبَاعِدُكَ مِنِّي فَاهْجُرْهَا، وَاعْلَمْ أَنَّكَ مِنِّي بِمَكَانِ الرَّسُولِ).

ص: 276

1- الرُّوحُ: الراحة، والسرور، والفرح، والرحمة، ونسيم الريح (تاج العروس: ج 4 ص 58 «روح»).

2- الفِظُّ: الغليظ الجانب، السِّيُّ الخُلُقُ، القاسي، الخشن الكلام (القاموس المحيط: ج 2 ص 397 «فظظ»).

3- وَبِقَى يَبِقُ: إذا هلك، والمُوبِقَاتُ: أي المهلكات (انظر: النهاية: ج 5 ص 156 «وبق»).

من بگریز؛ آتشی که کمترین شادی و سروری در آن راه ندارد و غم و اندوه هرگز از آن جدا نمی شود، و چون پاره های شب تار، تاریک است، و هر که از آن نجات یابد، رستگار است، و آن که از هلاک شوندهگان باشد، هرگز از آن رهایی نمی یابد. سرای جباران و سرکشان ستمگر است و سرای هر درشتخوی سنگ دل، و هر متکبر مغرور. ای عیسی! بد سراپی است آن جا برای کسی که بدان تکیه کند، و بد جایگاهی است سرای ستمگران. من تو را از خودت بر حذر می دارم.

پس حواست به من باشد.

ر.ک: ص 147/ ستم ستیزی.

45/7 در نظر داشتن خدا

ای عیسی! هر جا که هستی، مرا در نظر دار، و گواهی ده که من تو را آفریدم و تو بنده من هستی، و من تو را صورتگری کردم و به زمین فرو فرستادم.

46/7 نکوهش افراد دوچهره

ای عیسی! دو زبان در یک دهان نشاید، و دو دل در یک سینه. همچنین است ذهن و اندیشه. ر.ک: ص 201/ دورویی.

47/7 غفلت، ذکر، خاکساری

ای عیسی! بیداری خود را به معصیت و غفلت مگذران، و [کودک] نفس خویش را از [شیر] خواهش های نابود کننده بازگیر، و هر درخواستی که تو را از من دور

ص: 277

الأمين، فكُنْ مَنِّي عَلَى حَذْرٍ، وَاعْلَمْ أَنَّ دُنْيَاكَ مُؤَدِّيَتُكَ إِلَيَّ، وَأَنِّي آخِذٌ بِعِلْمِي، فَكُنْ ذَلِيلَ النَّفْسِ عِنْدَ ذِكْرِي، خَاشِعَ الْقَلْبِ حِينَ تَذْكُرُنِي، يَقْظَانَ (1)

عِنْدَ نَوْمِ الْغَافِلِينَ.

يا عيسى، هَذِهِ نَصِيحَتِي إِيَّاكَ، وَ مَوْعِظَتِي لَكَ، فَخُذْهَا مِنِّي، وَإِنِّي (2)

رَبُّ الْعَالَمِينَ. راجع: ص/ 72 ذكر الله.

48/7 ثَوَابُ الصَّبْرِ

يا عيسى، إِذَا صَبَرَ عَبْدِي فِي جَنَبِي، كَانَ ثَوَابُ عَمَلِهِ عَلَيَّ، وَ كُنْتُ عِنْدَهُ حِينَ يَدْعُونِي، وَ كَفَى بِي مُنْتَقِمًا مِمَّنْ عَصَانِي، أَيْنَ يَهْرُبُ مِنِّي الظَّالِمُونَ؟

راجع: ص/ 128 الصبر.

49/7 إِطَابَةُ الْكَلَامِ، التَّعَلُّمُ

يا عيسى، أَطِبِ الْكَلَامَ، وَ كُنْ حَيْثُمَا كُنْتَ عَالِمًا مُتَعَلِّمًا.

50/7 إِفَاضَةُ الْحَسَنَاتِ، شِفَاءُ الْقُلُوبِ

يا عيسى، أَفْضُ بِالْحَسَنَاتِ إِلَيَّ حَتَّى يَكُونَ لَكَ ذِكْرُهَا عِنْدِي، وَ تَمَسَّكَ بِوَصِيَّتِي؛ فَإِنَّ فِيهَا شِفَاءً لِلْقُلُوبِ.».

ص: 278

1- في الطبعة المعتمدة: «يقظاناً»، والتصويب من طبعة دار الحديث.

2- في بحار الأنوار: «فإني».

می کند، از آن دوری کن، و بدان که تو در نزد من جایگاه فرستاده ای امین را داری. پس، از من به هوش باش، و بدان که دنیایت تو را به من بر می گرداند، و من با علم خود، تو را می گیرم؛ پس هنگام یاد کردن از من، خاکسار باش، و زمانی که مرا یاد می کنی، شکسته دل، و زمانی که غافلان خواب اند، تو بیدار.

ای عیسی! اینها نصیحت و اندرز من به توست. آنها را از من بگیر؛ که من خداوندگار جهانیانم. ر.ک:ص/73 یاد خدا.

48/7 پاداش شکیبایی

ای عیسی! هرگاه بنده ام در راه من شکیبایی ورزد، پاداش کردار او بر عهده من است، و آن گاه که مرا بخواند، نزد او هستم، و کافی است که من انتقام گیرنده از کسی باشم که نافرمانی ام کند؛ ستمکاران از چنگ من به کجا توانند گریخت؟
ر.ک:ص/129 شکیبایی.

49/7 نیکو سخن گفتن، آموختن

ای عیسی! با لطف و خوشی، سخن بگو، و هر جا که بودی، دانشمند باش و در حال دانش آموختن.

50/7 پیش فرستادن کارهای نیک، شفای دل ها

ای عیسی! کارهای نیک را به سوی من روان ساز تا در نزد من با آنها از تو یاد شود، و به سفارش من چنگ در زن؛ زیرا که شفای دل ها در آن است.

ص: 279

يا عيسى، لا تَأْمَنَ إِذَا مَكَّرْتَ مَكْرِي، وَلَا تَنْسَ عِنْدَ خَلَوَاتِ الدُّنْيَا (1)

ذِكْرِي.

52/7 مُحَاسِبَةُ النَّفْسِ

يا عيسى، حَاسِبِ نَفْسَكَ بِالرَّجُوعِ إِلَيَّ حَتَّى تَتَنَجَّزَ (2)

ثَوَابَ مَا عَمِلْتَهُ الْعَامِلُونَ، أُولَئِكَ يُؤْتُونَ أَجْرَهُمْ وَأَنَا خَيْرُ الْمُؤْتِينَ. راجع: ص/62 محاسبة يوم القيامة.

53/7 خَلَقُ عَيْسَى 7

يا عيسى، كُنْتَ خَلَقًا بِكَلَامِي، وَلَدَتَكَ مَرْيَمُ بِأَمْرِي الْمُرْسَلِ إِلَيْهَا رُوحِي جِبْرَائِيلُ الْأَمِينُ مِنْ مَلَائِكَتِي حَتَّى قُضِيَ عَلَى الْأَرْضِ حَيًّا تَمْشِي، كُلُّ ذَلِكَ فِي سَابِقِ عِلْمِي.

راجع: ص/48 التوحيد.

54/7 أَحَبُّ الْخَلْقِ إِلَى اللَّهِ

يا عيسى، زَكَّرِيَا بِمَنْزِلَةِ أُنْبِيَاكَ، وَكَفَيْلُ أُمَّكَ، إِذْ يَدْخُلُ عَلَيْهَا الْمِحْرَابَ فَيَجِدُ عِنْدَهَا رِزْقًا، وَنَظِيرُكَ يَحْيَى مِنْ خَلْقِي، وَهَبْتُهُ لِأُمَّهِ بَعْدَ الْكِبَرِ مِنْ غَيْرِ قُوَّةٍ بِهَا، أَرَدْتُ بِذَلِكَ أَنْ يَظْهَرَ لَهَا سُلْطَانِي، وَيَظْهَرَ فِيكَ قُدْرَتِي، أَحَبُّكُمْ إِلَيَّ أَطْوَعُكُمْ لِي وَأَشَدُّكُمْ خَوْفًا مِنِّي. راجع: ص/66 الحث على العبادة).

ص: 280

1- في بحار الأنوار والأمالى للصدوق: «خلوتك بالذنب» بدل «خلوات الدنيا».

2- نجز الوعد: تعجل. وتنجز الحاجة: طلب قضاءها ممن وعده إياها. وشيء ناجز: حاضر (المصباح المنير: ص/594 «نجز»).

51/7 مکر، فراموش کردن خدا

ای عیسی! چون مکر کنی، خود را از مکر من در امان مپندار، و در خلوت های دنیا یاد مرا از خاطر مبر.

52/7 محاسبه نفس

ای عیسی! با بازگشت به من، به محاسبه نفس خویش پرداز تا پاداشی را دریافت کنی که عمل کنندگان دریافت می کنند. آنان مزدشان داده می شود و من بهترین مزد دهندگانم. ر.ک: ص/63 حسابرسی روز رستاخیز.

53/7 آفرینش عیسی 7

ای عیسی! تو با گفتار من آفریده شدی، مریم با امر من که به وسیله روحم جبرئیل امین از جمله فرشتگانم، به سوی او فرستاده شده، تو را زایید تا آن که زنده بر روی زمین ایستادی و به راه افتادی. همه اینها در علم ازلی من بود.

ر.ک: ص/49 یگانگی خدا.

54/7 محبوب ترین خلق، نزد خدا

ای عیسی! زکریا به سان پدر توسست و سرپرست مادر تو. هر بار که در محراب بر او وارد می شد نزدش خوراکی می یافت. همتایت یحیی نیز آفریده من است. من او را به مادر پیر و ناتوانش بخشیدم. با این کار خواستم قدرت من بر مادر او معلوم شود، و در تو نیز قدرت نمایی کنم. محبوب ترین شما نزد من کسی است که از من فرمان بردارتر باشد و ترسش از من بیشتر. ر.ک: ص/67 تشویق به عبادت.

ص: 281

يا عيسى، تَيَقِّظْ، وَلَا تَبْأَسْ مِنْ رَوْحِي، وَسَبِّحْنِي مَعَ مَنْ يُسَبِّحُنِي، وَبَطِّبِ الْكَلَامَ فَقَدَّسْنِي.

56/7 مَا يَمْنَعُ مِنَ الْكُفْرِ

يا عيسى، كَيْفَ يَكْفُرُ الْعِبَادُ بِي وَنَوَاصِيهِمْ فِي قَبْضَتِي، وَتَقَلُّبُهُمْ فِي أَرْضِي؟ يَجْهَلُونَ نِعْمَتِي، وَيَتَوَلَّوْنَ عَدُوِّي، وَكَذَلِكَ يَهْلِكُ الْكَافِرُونَ.

57/7 التَّحْذِيرُ مِنَ الدُّنْيَا

يا عيسى، إِنَّ الدُّنْيَا سِجْنٌ مُتَنُنٌ الرِّيحِ، وَحَسُنَ فِيهَا مَا قَدَ تَرَى مِمَّا قَدَ تَذَابَحُ (1)

عَلَيْهِ الْجَبَّارُونَ، وَإِيَّاكَ وَالدُّنْيَا؛ فَكُلُّ نَعِيمِهَا يَزُولُ، وَمَا نَعِيمُهَا إِلَّا قَلِيلٌ.

راجع: ص/176 حبّ الدنيا.

58/7 دُعَاءُ الْمُحِبِّينَ

يا عيسى، ابْعِثْ عِنْدَ وَسَادِكَ تَجِدْنِي (2)

، وَادْعُنِي وَأَنْتَ لِي مُحِبٌّ، فَإِنِّي أَسْمَعُ السَّامِعِينَ اسْتَجِيبُ لِلدَّاعِينَ إِذَا دَعَوْنِي. راجع: ص/78 الدعاء).

ص: 282

1- في بحار الأنوار والأمالى للصدوق: «ألح».

2- قال المجلسي قدس سره: «ابغني عند سادك» أي اطلبني وتقرب إليّ عندما تتكى على وسادك للنوم بذكرى «تجدني» لك حافظاً في نومك، أو قريباً منك مجيباً (مرآة العقول: ج 25 ص 329).

55/7 هشیاری، تسبیح و تقدیس

ای عیسی! بیدار باش، و از رحمت من نومید مباش، و با تسبیحگویان تسبیح بگویی، و با گفتار خوش به تقدیسم پرداز.

56/7 آنچه مانع کفر می شود

ای عیسی! چگونه بندگان به من کفر می ورزند، در حالی که کاکل آنها در مشت من است، و در زمین من می گردند؟ نعمت مرا نمی شناسند، و دشمن مرا دوست می گیرند. این چنین کافران، هلاک می شوند.

57/7 هشدار درباره دنیا

ای عیسی! دنیا زندانی بدبوست، و آنچه در آن می بینی که جباران برایش یکدیگر را سر می برند، نیکو عبرتی است. پس زنها! دل به دنیا میند؛ زیرا همه نعمت های آن زوال پذیرند، و نعمت دنیا جز اندک نیست.

ر.ک: ص 177/ دنیا دوستی.

58/7 دعای محبت پیشگان

ای عیسی! مرا در کنار بالینت بجوی، تا بیابی، و مرا عاشقانه بخوان؛ که من شنواترین شنوندگان هستم و هر گاه دعا کنندگان، مرا دعا کنند، اجابت می کنم.

ر.ک: ص 79/ دعا.

ص: 283

يا عيسى، خَفَنِي وَخَوْفَ بِي عِبَادِي؛ لَعَلَّ الْمُذْنِبِينَ أَنْ يُمَسِّكُوا عَمَّا هُمْ عَامِلُونَ بِهِ، فَلَا يَهْلِكُوا إِلَّا وَهُمْ يَعْلَمُونَ. راجع: ص/ 194 الذنب.

60/7 خَشْيَةُ اللَّهِ

يا عيسى، ارْهَبْنِي رَهْبَتَكَ مِنَ السَّبْعِ وَالْمَوْتِ الَّذِي أَنْتَ لَاقِيهِ، فَكُلُّ هَذَا أَنَا خَلَقْتُهُ، فَإِيَّايَ فَارْهَبُونَ. راجع: ص/ 126 البكاء من خشية الله.

61/7 طَاعَةُ اللَّهِ

يا عيسى، إِنَّ الْمُلْكَ لِي وَبِيَدِي، وَأَنَا الْمَلِكُ، فَإِنْ تُطْعَنِي أَدْخَلْتُكَ جَنَّتِي فِي جِوَارِ الصَّالِحِينَ.

62/7 رِضَا الْخَلْقِ وَسَخَطُ الْخَالِقِ

يا عيسى، إِتِي إِذَا غَضِبْتُ عَلَيْكَ لَمْ يَنْفَعَكَ رِضَا مَنْ رَضِيَ عَنْكَ، وَإِنْ رَضَيْتُ عَنْكَ لَمْ يَضُرَّكَ غَضَبُ الْمُغْضَبِينَ.

59/7 هشدار در باره گناه

ای عیسی! از من بترس و بندگانم را نیز از من بترسان؛ باشد که گنهکاران از کردارهای خود باز ایستند، و هلاک نشوند مگر این که آگاه باشند [و پیشاپیش به آنها هشدار داده شده باشد]. ر.ک: ص/195 گناه.

60/7 خَشیت از خدا

ای عیسی! از من بهراس، آن سان که از درندگان و از مرگی که ناگزیر دیدارش می کنی، می هراسی؛ چون همه اینها را من آفریده ام، پس، از من بهراسید.

ر.ک: ص/127 گریستن از ترس خدا.

61/7 فرمان بری از خدا

ای عیسی! فرمان روایی از آن من و در دست من است، و منم فرمان روا؛ پس اگر فرمانم بری، تو را به بهشتم در جوار نیکان در خواهم آورد.

62/7 رضایت خلق و نارضایتی خالق

ای عیسی! هرگاه من بر تو خشم بگیرم، خشنودی دیگران از تو، برایت سودی ندارد، و هرگاه من از تو خشنود باشم، خشم خشمناکان بر تو زیانی نمی رساند.

ص: 285

63/7 ذِكْرُ اللَّهِ فِي الْخَلَاءِ وَالْمَلَأِ

يا عيسى، اذكرني في نفسك اذكرك في نفسي، واذكرني في ملائكتك (1)

اذكرك في ملائ خير من ملائ الأدميين.

64/7 دعاء الغريق

يا عيسى، ادعني دعاء الغريق الحزين الذي ليس له مغيث.

راجع: ص 78/الدعاء.

65/7 الحلف الكاذب، قصر عمر الدنيا

يا عيسى، لا تحلف بي كاذباً، فبهتت عرشي غضباً. الدنيا قصيرة العمر طويلاً الأمل، وعندى دار خير مما تجمعون.

66/7 كتاب الأعمال

يا عيسى، كيف أنتم صانعون إذا أخرجت لكم كتاباً ينطق بالحق، وأنتم تشهدون بسرائر قد كتمتموها، وأعمال كُتبت بها عاملين. راجع: ص 62/محاسبة يوم القيامة).

ص: 286

1- الملاء: الجماعة (الصحيح: ج 1 ص 73 «ملاء»).

63/7 یاد خدا، در خلوت و آشکار

ای عیسی! مرا در دلت یاد کن تا تو را در دلم یاد کنم، و مرا در جمع خود یاد کن تا تو را در جمعی بهتر از جمع آدمیان، یاد کنم.

64/7 دعای کسی که در حال غرق شدن است

ای عیسی! مرا بخوان آن سان که آدم در حال غرق شدن و غمناکی که فریادرس ندارد، می خواند. ر.ک:ص 79/دعا.

65/7 سوگند دروغ، کوتاهی عمر دنیا

ای عیسی! به من سوگند دروغ مخور که عرشم از خشمم به لرزه در می آید. دنیا عمرش کوتاه و آرزوی در آن، دراز است. نزد من سرابی است بهتر از آنچه شما گرد می آورید.

66/7 نامه اعمال

ای عیسی! چه خواهید کرد آن گاه که کتابی برایتان برون آورم که حقیقت را بگوید و شما [به ناچار] به اسراری که پنهانش می کردید، و کارهایی که انجامش می دادید، گواهی دهید؟! ر.ک:ص 63/حسابرسی روز رستاخیر.

ص: 287

يا عيسى، قُلْ لظَلَمَةِ بَنِي إِسْرَائِيلَ: عَسَ لَتُمْ وُجُوهُكُمْ، وَدَسَّسْتُمْ قُلُوبَكُمْ، أَيُّ تَغْتَرُونَ، أَمْ عَلَيَّ تَجْتَرُونَ؟ تَطَيَّبُونَ بِالطَّيِّبِ لِأَهْلِ الدُّنْيَا وَأَجْوَابِكُمْ عِنْدِي بِمَنْزِلَةِ الْجَنِينِ الْمُنْتَنَةِ كَأَنَّكُمْ أَقْوَامٌ مَيِّتُونَ. راجع: ص/ 228 مثل العالم بلا عمل.

68/7 كَسْبُ الْحَرَامِ، سِمَاعُ الْخُنَا، الْإِقْبَالُ إِلَى اللَّهِ بِالْقَلْبِ

يا عيسى، قُلْ لَهُمْ: قَلَّمُوا أَظْفَارَكُمْ مِنْ كَسْبِ الْحَرَامِ، وَأَصَمُّوا أَسْمَاعَكُمْ عَنْ ذِكْرِ الْخُنَا (1)

، وَأَقْبَلُوا عَلَيَّ بِقُلُوبِكُمْ؛ فَإِنِّي لَسْتُ أَرِيدُ صُورَكُمْ. راجع: ص/ 94 تطهير القلب.

69/7 الْفَرَحُ، الْبُكَاءُ، الْإِنْصَافُ، الْمَوَدَّةُ، الْإِعْرَاضُ عَنِ الْجَاهِلِينَ

يا عيسى، افْرَحْ بِالْحَسَنَةِ؛ فَإِنَّهَا لِي رِضًا، وَابْكِ عَلَى السَّيِّئَةِ؛ فَإِنَّهَا شَيْنٌ، وَ مَا لَا تُحِبُّ أَنْ يُصْنَعَ بِكَ فَلَا تَصْنَعُهُ بغيرِكَ، وَإِنْ لَطَمَ (2)

خَدَّكَ الْأَيْمَنَ فَأَعْطِهِ الْأَيْسَرَ، وَتَقَرَّبْ إِلَيَّ بِالْمَوَدَّةِ جُهْدَكَ، وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ.

70/7 أَدَبُ مُعَامَلَةِ الْمُحْسِنِينَ وَالظَّالِمِينَ

يا عيسى، ذَلِّ لِأَهْلِ الْحَسَنَةِ، وَشَارِكْهُمْ فِيهَا، وَكُنْ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا، وَقُلْ لظَلَمَةِ بَنِي إِسْرَائِيلَ: «

ص: 288

1- الخنا: الفحش في القول (النهاية: ج 2 ص 86 «خنا»).

2- وزاد في تحف العقول: «أحد».

67/7 زیبایی ظاهر و زشتی باطن

ای عیسی! به ستمکاران بنی اسرائیل بگو: شما چهره های خود را شستید؛ اما دل هایتان را چرکین کردید. آیا مرا می فریبید، یا بر من گستاخی می کنید؟ خود را برای اهل دنیا خوش بو می کنید؛ اما درون هایتان به نزد من چونان لاشه های گندیده است. گویی شما مردمانی مرده اید.

ر.ك:ص/229 مثل عالم بی عمل.

68/7 درآمد حرام، شنیدن ناسزا، روی کردن دل به سوی خدا

ای عیسی! به آنان بگو: ناخن هایتان را از کسب حرام باز گیرید، و گوش هایتان را از شنیدن ناسزا کر سازید، و با دل هایتان به من رو کنید؛ که من صورت های شما را نمی خواهم.

ر.ك:ص/95 پاك کردن دل.

69/7 شادی، گریه، انصاف، دوستی، روی گردانی از نادانان

ای عیسی! به کار نیک شاد باش؛ زیرا که آن پسند من است، و از کار بد [و گناه] گریه کن؛ زیرا که آن ننگ است. هر کاری که دوست نداری با تو کنند با دیگران مکن. اگر به گونه راستت سیلی زدند، گونه چپت را هم در اختیار بگذار! (1)

تا می توانی بکوش که با محبت کردن، خودت را به من نزدیک سازی، و از نادانان روی بگردان.

70/7 رفتار با نیکوکاران و ستمگران

ای عیسی! با نیکوکاران خاکسار باش، و در کار نیک با آنان مشارکت کن، و بر ایشان (2)

ص: 289

-1

2-1. مفاد این روایت در انجیل (انجیل متی: باب 5 آیه 41) آمده است، اما نمی تواند يك قاعده فراگیر باشد؛ چراکه در همین انجیل متی از عیسی مسیح علیه السلام سخن دیگری نقل شده است: گمان مبرید که من آمده ام تا

إسرائيل: يا أخدان (1)

السَّوءِ وَالْجُلْسَاءِ عَلَيْهِ، إِنْ لَمْ تَنْتَهُوا أَمْسَحْكُمْ قِرْدَةً وَخَنَازِيرَ.

راجع: ص 146/مكافحة الظلم.

71/7 التَّهْدِيدُ بِالْعَذَابِ

يا عيسى، قُلْ لِظَلَمَةِ بَنِي إِسْرَائِيلَ: الْحِكْمَةُ تَبْكِي فِرْقًا (2)

مِنِّي وَأَنْتُمْ بِالضَّنْحِكِ تَهْجُرُونَ (3)

، أَتَنْتُمْ بِرَاءَتِي، أَمْ لَدَيْكُمْ أَمَانٌ مِنْ عَذَابِي، أَمْ تَعَرَّضُونَ لِعُقُوبَتِي؟ فَبِي حَلَفْتُ لَا تُرَكَّنْكُمْ مَثَلًا لِلْغَابِرِينَ.

72/7 خَصَائِصُ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ

ثُمَّ أَوْصِيكَ يَا بَنَ مَرْيَمَ الْبِكْرِ الْبَتُولِ بِسَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَحَبِيبِي؛ فَهُوَ أَحْمَدُ صَاحِبِ الْجَمَلِ الْأَحْمَرِ، وَالْوَجْهِ الْأَقْمَرِ الْمُشْرِقِ بِالنُّورِ، الطَّاهِرِ الْقَلْبِ، الشَّدِيدِ الْبَأْسِ (4)

، الْحَبِيبِ الْمُتَكْرَمِ، فَإِنَّهُ رَحْمَةٌ لِلْعَالَمِينَ، وَسَيِّدُ وُلْدِ آدَمَ يَوْمَ يَلْقَانِي، أَكْرَمُ السَّابِقِينَ عَلَيَّ، وَأَقْرَبُ الْمُرْسَلِينَ مِنِّي، الْعَرَبِيُّ الْأَمِينُ، الدِّيَانُ (5)

بِدِينِي، الصَّابِرُ فِي ذَاتِي، الْمُجَاهِدُ الْمُشْرِكِينَ بِيَدِهِ عَن دِينِي، (6)

أَنْ تُخْبِرَ بِهِ بَنِي إِسْرَائِيلَ، وَتَأْمُرَهُمْ أَنْ يُصَدِّقُوا بِهِ، وَأَنْ يُؤْمِنُوا بِهِ، وَأَنْ يَتَّبِعُوهُ، وَأَنْ يَنْصُرُوهُ.

قَالَ عَيْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِلَهِي، مَنْ هُوَ حَتَّى ارْضِيَهُ، فَلَكَ الرِّضَا؟

قَالَ: هُوَ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ إِلَى النَّاسِ كَافَّةً؛ أَقْرَبُهُمْ مِنِّي مَنْزِلَةً، وَأَحْضَرُهُمْ شَفَاعَةً، طُوبَى.

ص: 290

1- الأخدان: جمع الخدن؛ وهو الصديق والصاحب (انظر: النهاية: ج 2 ص 15 «خدن»).

2- الفرق- بالتحريك-: الخوف والفرع (النهاية: ج 3 ص 438 «فرق»).

3- تهجرون: إما من الهجر بمعنى الهذيان والخلط في الكلام؛ أو من الهجر، وهو الخنا والفحش (انظر: النهاية: ج 5 ص 245، المصباح المنير: ص 634 «هجر»).

4- البأس: الشدة، في الحرب. ورجلٌ بئسٌ: شجاع (لسان العرب: ج 6 ص 20 «بأس»).

5- الديان: هو فعّال؛ من دان الناس: أي قهرهم على الطاعة، يقال: دنتهم فدأناوا؛ أي قهرتهم فأطاعوا (النهاية: ج 2 ص 148 «دين»).

6- زاد في بحار الأنوار والأمال للصدوق: «يا عيسى، آمرك».

ناظر باش، و به ستمکاران بنی اسرائیل بگو: ای دمسازانِ بدی و هم نشینان آن! اگر دست برندارید، شما را به بوزینه و خوک تبدیل می‌کنم.
ر.ك:ص 147/ستم ستیزی.

71/7 تهدید به مجازات

ای عیسی! به ستمکاران بنی اسرائیل بگو: حکمت از ترس من می‌گیرد و شمامی خندید و بیهوده گویی می‌کنید. آیا برات آزادی، از من به شما رسیده است یا امان نامه از عذابم دارید، یا که خویشان را در معرض کیفر من می‌نهدید؟ به خودم سوگند که شما را عبرت آیندگان بسازم.

72/7 ویژگی های سرور پیامبران

سپس، ای پسر مریم باکره بریده از دنیا! سفارش می‌کنم تو را به سالار پیامبران و حبیب احمد که صاحبِ اشتر سرخ پوست و رویی چون ماه تابان و نورانی دارد، و پاکدل و شجاع است، و با حیا و بزرگ منش؛ که او رحمتی برای همهٔ مردم عالم است، و سرور فرزندان آدم در روز دیدار من. گرامی ترین گذشتگان نزد من است، و نزدیک ترین رسولان به من. عرب است و امین. به دین من حکم می‌کند، و در راه من شکیاست. در دفاع از دینم، با دست خود با مشرکان جهاد می‌کند. [به تو سفارش می‌کنم] باید که خبر او را به بنی اسرائیل بدهی، و فرمانشان دهی که تصدیقش کنند و به او ایمان آورند و پیروی اش کنند و یاری اش دهند».

عیسی علیه السلام گفت: معبود من! او کیست تا او را راضی کنم که رضایت تو در آن است؟

ص: 291

لَهُ مِنْ نَبِيِّ، وَطُوبَى لَأُمَّتِهِ إِنْ هُمْ لَقُونِي عَلَى سَبِيلِهِ، يَحْمَدُهُ أَهْلُ الْأَرْضِ، وَيَسْتَغْفِرُ لَهُ أَهْلُ السَّمَاءِ، أَمِينَ مَيْمُونٌ، طَيِّبٌ مُطَيَّبٌ، خَيْرٌ (1)

الباقين عندي، يكون في آخر الزمان، إذا خرج أرخت السماء عزاليها (2)

، وأخرجت الأرض زهرتها حتى يروا البركة، وبارك لهم فيما وضع يده عليه، كثير الأزواج، قليل الأولاد، يسكن بكة موضع أساس إبراهيم.

يا عيسى، دينه الحنيفة، وقبلته يمانية (3)

، وهو من حزبي وأنا معه، فطوبى له، ثم طوبى له، له الكوثر والمقام الأكبر في جنات عدن، يعيش أكرم من عاش، ويقبض شهيداً، له حوض

أكبر من بكة إلى مطلع الشمس، من رحيق (4)

مختوم، فيه آية مثل نجوم السماء، وأكواب مثل مدر (5)

الأرض، عذب فيه من كل شراب، وطعم كل ثمار في الجنة، من شرب منه شربة لم يظم أبداً، وذلك من قسمي (6)

له وتفضيلي إياه، (7)

على فترة (8)

بينك وبينه، يوافق سره علانيته، وقوله فعله، لا يأمر الناس إلا بما يدوهم به، دينه الجهاد في عسر ويسر، تنقاد له البلاد، ويخضع له صاحب الروم، على دين إبراهيم، يسمي عند الطعام، ويشي السلام، ويصلي والناس نياماً، له كل يوم خمس صلوات متواليات، ينادي إلى الصلاة كنداء الجيش بالشعار، ويفتح بالتكبير، ويختتم بالتسليم، ويصف قدميه في الصلاة كما تصف الملائكة أقدامها، ويخشع لي قلبه ورأسه، النور في صدره، والحق على لسانه، وهو على الحق حيثما كان، أصله يتيم ضال برهته من زمانه عما يراد به، تنام عيناه ولا ينام قلبه، له).

ص: 292

1- زاد في بحار الأنوار والأمالى للصدوق: «الماضين و».

2- العزالي: جمع العزلاء؛ وهو فم المزايدة الأسفل، فشبّه اتساع المطر واندفاقه بالذي يخرج من فم المزايدة (النهاية: ج 3 ص 231 «عزل»).

3- في بحار الأنوار والأمالى للصدوق: «مكّية».

4- الرحيق: من أسماء الخمر، أو أطيبها، أو الخالص، والمختوم: المصون الذي لم يبتدل لأجل ختامه (النهاية: ج 2 ص 208 «رحق»).

5- المدر محرّكة: قطع الطين اليابس (القاموس المحيط: ج 2 ص 131 «مدر»).

6- القسّم: العطاء (القاموس المحيط: ج 4 ص 164 «قسم»).

7- زاد في الأمالي للصدوق: «أبعثه».

8- الفترة: ما بين الرسولين من رسل الله تعالى من الزمان الذي انقطعت فيه الرسالة؛ من الفتور، وهو الضعف والانكسار (انظر: الصحاح: ج

2 ص 777، النهاية: ج 3 ص 408 «فتر»).

فرمود: «او محمد است که فرستاده خدا به سوی همه جهانیان است. از همه آنها مقامش به من نزدیک تر است، و شفاعتش پذیرفته تر. خوشا به حال آن پیامبر! و خوشا به حال امت او اگر به راه و روش او مرا دیدار کنند! همه زمینیان، او را می ستایند، و آسمانیان برایش آمرزش می طلبند. درستکار است و خجسته. پاک است و عطر آگین.»

بهترین آیندگان در نزد من است. در آخر الزمان است. هرگاه ظهور کند، آسمان سر مشك هایش را سُئل می کند (1)

و زمین، گل های خود را می رویاند، تا مردمان برکت ببینند، و بر هر چه دست نهد، آن را برایشان بابرکت می سازم. پُر همسر و کم فرزند است. در مکه، جایگاه بنیادگذاری [کعبه از سوی] ابراهیم، سکونت دارد.

ای عیسی! دین او [دین فطرت و] یکتاپرستی است، و قبله اش مکه (2)

در حزب من است و من با اویم. خوشا به حال او! خوشا به حال او! او راست کوثر و بالاترین مقام در بهشت های جاویدان. در نهایت ارجمندی زندگی می کند، و شهید از دنیا می رود. برایش حوضی است از باده سر به مهر و پنهانتر از [فاصله] مکه تا طلوعگاه خورشید که در آن به شمار اختران آسمان، پیمانان است و به شمار ریگ های زمین، پیاله. گوارایی هر نوشیدنی، و طعم همه میوه های بهشتی در آن هست. هر کس نوشی از آن بنوشد، دیگر هرگز تشنه نمی شود. این عطای من به اوست، و امتیاز من به او. پس از روزگاری که پیامبری نیاید، از پی تو برانگیخته می شود. نهانش با آشکارش یکی است و گفتارش با کردارش. به مردم هیچ فرمانی نمی دهد مگر آنچه را که خود پیش از آنان انجامش دهد.

دینش جهاد است در دشواری و آسانی. کشورها فرمان بردار او می شوند، و فرمان رواروم، مطیع او می گردد. بر کیش ابراهیم است. هنگام خوردن بسم الله می گوید، و به همگان سلام می کند، و شب هنگام که مردم خفته اند، او نماز می گزارد. روزی پنج بار نماز دارد. به نماز فرا می خواند همچون فرا خواندن لشکریان با شعار. [نمازش را] با تکبیر آغاز می کند و با سلام به پایان می برد. دو پایش را در نماز جفت می کند آن سان که فرشتگان پاهایشان را جفت می کنند. دل و سرش را برای من خاشع می کند. نور در سینه اوست، و حق بر زبانش. او بر حق است هر جا که باشد، یتیم است و برهه ای از روزگارش را در بلا تکلیفی از آنچه برایش اراده شده است به سر می برد.

ص: 293

1- واژه «عزالی» - که در متن عربی حدیث آمده -، جمع عزلاء، به معنای دهانه مشك است و کنایه از بارش بی مضایقه باران و نزولات آسمانی.

2- در متن حدیث، واژه «یمانی» آمده است و ترجمه با توجه به متن بحار الأنوار و الأمالی صدوق که واژه «مکه» دارد، آمده است (م).

الشَّفَاعَةُ، وَ عَلَى أُمَّتِهِ تَقُومُ السَّاعَةُ، وَيَدِي فَوْقَ أَيْدِيهِمْ (1)

،فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ، وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ أُوفِيَتْ لَهُ بِالْجَنَّةِ، فَمُرْ ظَلَمَةَ بَنِي إِسْرَائِيلَ إِلَّا يَدْرُسُوا (2)

كُتِبَهُ، وَلَا يُحَرِّفُوا سُنَّتَهُ، وَأَنْ يُقْرِئُوهُ السَّلَامَ؛ فَإِنَّ لَهُ فِي الْمَقَامِ شَأْنًا مِنَ الشَّانِ. يَا عِيسَى، كُلُّ مَا يُقَرَّبُكَ مِنِّي فَقَدْ دَلَّلْتُكَ عَلَيْهِ، وَكُلُّ مَا يُبَاعِدُكَ مِنِّي فَقَدْ نَهَيْتُكَ عَنْهُ، فَارْتَد (3)

لِنَفْسِكَ.

73/7 التَّحذِيرُ مِنَ الدُّنْيَا

يَا عِيسَى، إِنَّ الدُّنْيَا حُلُوءَةٌ، وَإِنَّمَا اسْتَعْمَلْتُكَ فِيهَا، فَجَانِبِ مِنْهَا مَا حَذَّرْتُكَ، وَخُذْ مِنْهَا مَا أُعْطَيْتُكَ عَفْوًا (4)

. راجع: ص 176/ حب الدنيا.

74/7 تَصَفُّحُ عُيُوبِ النَّفْسِ وَتَرْكُ النَّظَرِ فِي عُيُوبِ الْآخِرِينَ

يَا عِيسَى، أَنْظِرْ فِي عَمَلِكَ نَظَرَ الْعَبْدِ الْمُذْنِبِ الْخَاطِئِ، وَلَا تَنْظُرْ فِي عَمَلِ غَيْرِكَ بِمَنْزِلَةِ الرَّبِّ، كُنْ فِيهَا زَاهِدًا، وَلَا تَرَعَبْ فِيهَا فَتَعَطَبَ (5)

. راجع: ص 208/ كشف العيوب).

ص: 294

1- زاد في بحار الأنوار والأمالى للصدوق: «إذا بايعوه».

2- الدروس: العفو والمحو (انظر: لسان العرب: ج 6 ص 79 «درس»).

3- ارتد: أمر من الارتداد، وهو طلب الشيء بالتفكير فيه مرة بعد أخرى، كالرود والرياد، ومنه المرادة. (انظر: القاموس المحيط: ج 1 ص 296 «رود»).

4- العفو: أحل المال وأطيبه، وخيار الشيء وأجوده، والفضل، والمعروف. والمعنى: أعطيتك فضلاً وإحساناً، أو حلالاً طيباً، أو بلا مسألة؛ من قولهم: أعطيته عفواً، أي بغير مسألة (انظر: القاموس المحيط: ج 4 ص 364 «عفو»).

5- عَطِبَ: هَلَكَ (المصباح المنير: ص 416 «عطب»).

چشمانش می خوابند؛ اما دلش نمی خوابد. شفاعت کننده است، و به امت او قیامت بر پا می شود، و دست من بالای دستان آنهاست [آن گاه که با او بیعت کنند]. پس هر که [با او] بیعت شکند، در حقیقت، به زیان خود شکسته است، و هر که به پیمانش وفا کند، من هم بهشت را به او می دهم. پس به ستمکاران بنی اسرائیل بگو که کتاب های او را از میان نبرند، و سنتش را تحریف نکنند، و به او سلام دهند؛ که او را مقامی بلند است. ای عیسی! هر آنچه تو را به من نزدیک می گرداند، بدان راه نمایی ات کردم، و از هر آنچه مایه دوری ات از من می شود، بازت داشتم. پس به فکر خود باش.

73/7 هشدار در باره دنیا

ای عیسی! دنیا، شیرین است، و من تو را در آن به کار گرفتم [تا اطاعتم کنی].

پس، از آنچه تو را بر حذر داشتم، دوری کن، و از آنچه برایت پاک و روا داشتم، بگیر.

ر.ك: ص 177/ دنیا دوستی.

74/7 در جستجوی عیب های خود بودن و عیبجویی نکردن از دیگران

ای عیسی! به کردار خویش چونان بنده گنهکار خطاکار بنگر، و به کردار دیگران، به سان خدایگان منگر. دل از دنیا برکش و بدان راغب مباش؛ که نابود می شوی.

ر.ك: ص 209/ عیبجویی.

ص: 295

75/7 النَّظْرُ فِي عَاقِبَةِ الظَّالِمِينَ

يا عيسى، اعقل و تفكر، وانظر في نواحي الأرض كيف كان عاقبة الظالمين.

76/7 التَّحذِيرُ عَنِ المَعصِيَةِ

يا عيسى، كُلُّ وَصْفِي لَكَ نَصِيحَةٌ، وَكُلُّ قَوْلِي لَكَ حَقٌّ، وَأَنَا الحَقُّ المُبِينُ، فَحَقًّا أَقُولُ: لَئِنِ أَنْتَ عَصَيْتَنِي بَعْدَ أَنْ أَنبَأْتُكَ، مَا لَكَ مِنْ دُونِي وَلِيِّ وَ لَا نَصِيرٍ.

77/7 القَنَاعَةُ، حُبُّ الدُّنْيَا

يا عيسى، أَذِلَّ قَلْبَكَ بِالْحَشِيَّةِ، وَانظُرْ إِلَى مَنْ هُوَ أَسْفَلُ مِنْكَ، وَ لَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ هُوَ فَوْقَكَ. وَاعْلَمْ أَنَّ رَأْسَ كُلِّ خَطِيئَةٍ وَذَنْبٍ هُوَ حُبُّ الدُّنْيَا، فَلَا تُحِبِّهَا؛ فَإِنِّي لَا أَحِبُّهَا. راجع: ص/ 176 حب الدنيا.

78/7 طَهَارَةُ القَلْبِ، كَثْرَةُ الذِّكْرِ فِي الخَلَوَاتِ

يا عيسى، أَطِبْ لِي قَلْبَكَ، وَ أَكْثِرْ ذِكْرِي فِي الخَلَوَاتِ، وَاعْلَمْ أَنَّ سُرُورِي أَنْ تُبْصِبَ (1)

إِلَيَّ، كُنْ فِي ذَلِكَ حَيًّا، وَ لَا تَكُنْ مَيِّتًا.

راجع: ص/ 94 تطهير القلب و ص/ 72 ذكر الله).

ص: 296

1- التَّبْصِيبُ: التَّمَلُّقُ، وَيُقَالُ أَيضًا: بَصَبُ الكَلْبِ بِذَنْبِهِ، إِذَا حَرَّكَه، وَإِنَّمَا يَفْعَلُ ذَلِكَ مِنْ طَمَعٍ أَوْ خَوْفٍ (انظر: الصحاح: ج 3 ص 1030 «بصبص»).

75/7 دقت در سرنوشت ستمگران

ای عیسی! خرد پورز و بیندیش، و در گوشه و کنار زمین بنگر که فرجام ستمگران چون شد.

76/7 هشدار در باره نافرمانی خدا

ای عیسی! همه آنچه برای شرح دادم، خیرخواهی است، و هر آنچه به تو گفتم، حق است، و من خود، حق آشکار هستم. پس به حق برایت می گویم: اگر از این پس که آگاہت کردم، از من نافرمانی کنی، در برابرم هیچ حامی و یآوری نخواهی داشت.

77/7 قناعت، دنیا دوستی

ای عیسی! دلت را به خشیت رام ساز، و به پایین تر از خود بنگر و به بالاتر از خودت منگر، و بدان که ریشه هر اشتباه و گناهی، دنیا دوستی است. پس آن را دوست مدار؛ زیرا من دوستش نمی دارم. ر.ک: ص 177 دنیا دوستی.

78/7 پاکی دل، فراوان یاد کردن خدا در تنهایی

ای عیسی! دلت را برای من پاک ساز، و در تنهایی ها [یت] بسیار یاد کن، و بدان که شادی من در آن است که در برابر من به کرنش و ستایش باشی، و در این کار، [سر] زنده باش و مرده [و کسل] مباش. ر.ک: ص 95 پاک کردن دل و ص 73 یاد خدا.

ص: 297

يا عيسى، لا تُشْرِكْ بِي شَيْئاً، وَكُنْ مَعِيَ عَلَى حَذَرٍ، وَلا تَغْتَرَّ بِالصَّحَّةِ، وَتُعَبِّطَ نَفْسَكَ؛ فَإِنَّ الدُّنْيَا كَفَيَّ زَائِلٍ، وَما أَقْبَلَ مِنْهَا كَمَا أَدْبَرَ، فَنافِسْ فِي الصَّالِحَاتِ جُهْدَكَ، وَكُنْ مَعَ الْحَقِّ حَيْثُما كانَ وَإنْ قُطِّعَتْ وَاحْرَقَتْ بِالنَّارِ، فَلا تَكْفُرْ بِي بَعْدَ المَعْرِفَةِ، فَلا تَكُونَنَّ مِنَ الجاهِلِينَ، فَإِنَّ الشَّيْءَ يَكُونُ مَعَ الشَّيْءِ.

راجع: ص/48 التوحيد.

80/7 البُكَاءُ، الخُشوعُ

يا عيسى، صُبَّ لِي الدَّموعَ مِنْ عَيْنِكَ، وَاخشَعْ لِي بِقَلْبِكَ.

راجع: ص/126 البكاء من خشية الله.

81/7 الإِسْتِغَاثَةُ بِاللَّهِ فِي السَّدَائِدِ

يا عيسى، اسْتَعِثْ بِي فِي حَالَاتِ الشَّدَّةِ، فَإِنِّي اغِيثُ المَكْرُوبِينَ، وَاجِيبُ المُضْطَرِّينَ، وَأنا أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ. (1)

راجع: ص/78 الدعاء.5.

ص: 298

1- الكافي: ج 8 ص 131-141 ح 103، الأُمالي للصدوق: ص 606-614 ح 841 بسنده عن علي بن أسباط عن علي بن أبي حمزة عن أبي بصير عن أبي عبد الله عليه السلام، تحف العقول: ص 496-501 وكلاهما مع اختلاف فيهما، بحار الأنوار: ج 14 ص 289 ح 14 وراجع: ثواب الأعمال: ص 319 ح 5 والأُمالي للمفيد: ص 236 والأُمالي للطوسي: ص 12 ح 15.

79/7 شرك، پيشی گرفتن در کارهای نيك

ای عیسی! چیزی را شريك من مدار، و از من برحذر باش، و به تن درستی [خویش] غره مشو، و خود را خوش بخت مپندار؛ که دنیا چون سایه ای رفتنی است، و آمده آن، چونان رفتۀ آن است. با تمام توان در کارهای نيك بکوش، و همواره با حق باش اگر چه تگه تگه ات کنند و در آتش بسوزانند. پس، از این به بعد که مرا شناختی، به من کافر مشو، و از نادانان مباش؛ زیرا هر چیزی با همجنس خود است. ر.ك:ص 49/یگانگی خدا.

80/7 گریه، خاکساری

ای عیسی! برایم از دو دیده ات اشك بریز، و در برابرم در دل، خاکسار باش.

ر.ك:ص 127/گریستن از ترس خدا.

81/7 یاری خواستن از خدا در سختی ها

ای عیسی! در سختی ها از من كمك بخواه؛ زیرا من به گرفتاران كمك می رسانم، و بیچارگان را اجابت می کنم، و من مهربان ترین مهربانانم».

ر.ك:ص 79/دعا.

ص: 299

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

